



فصل اول

« حساب‌های ملی، شاخص قیمت‌ها و چرخه‌های تولید و درآمد »

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

- کله ۱- اگر تولید ناخالص داخلی حقیقی و شاخص قیمت‌ها هر دو افزایش یافته باشند مطمئناً: (سراسری ۷۵)
- (۱) تولید اسمی ناخالص داخلی تغییر نکرده است.
 (۲) تولید اسمی ناخالص داخلی زیاد شده است.
 (۳) تولید ناخالص داخلی به قیمت سال پایه کاهش یافته است.
 (۴) تولید ناخالص داخلی اسمی کاهش یافته است.
- کله ۲- تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت: (سراسری ۷۶)
- (۱) اندازه‌گیری ارزش اسمی تولیدات نهایی در یک کشور است.
 (۲) اندازه‌گیری تولیدات واقعی در یک جامعه است.
 (۳) همیشه کمتر از تولید ناخالص ملی به قیمت جاری است.
 (۴) همیشه بیشتر از تولید ناخالص ملی به قیمت جاری است.
- کله ۳- سرمایه، سرمایه‌گذاری و نرخ پس‌انداز ملی به ترتیب، متغیرهای (سراسری ۷۷)
- (۱) انبار، روانه و انبار هستند.
 (۲) انبار، روانه و روانه هستند.
 (۳) روانه، انبار و روانه هستند.
 (۴) روانه، روانه و روانه هستند.
- کله ۴- چنانچه میزان یارانه با مالیات‌های غیرمستقیم برابر باشد، در این صورت تولید ناخالص ملی به قیمت (سراسری ۷۷)
- (۱) بازار با تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل، برابر می‌شود.
 (۲) جاری با تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل، برابر می‌شود.
 (۳) جاری با تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت، برابر می‌شود.
 (۴) جاری با تولید ناخالص ملی به قیمت بازار، برابر می‌شود.
- کله ۵- فرض کنید که یک شهروند ژاپنی صاحب چند واحد آپارتمان در تهران می‌باشد. اجاره‌ای که او از اجاره دادن این آپارتمان‌ها دریافت می‌کند، (سراسری ۷۷)
- (۱) در تولید ناخالص ملی ایران منظور می‌گردد.
 (۲) در تولید ناخالص ملی ژاپن منظور می‌گردد.
 (۳) در تولید ناخالص داخلی ایران منظور نمی‌گردد.
 (۴) در تولید ناخالص داخلی ژاپن منظور می‌گردد.
- کله ۶- اگر رشد تقاضای اسمی ۱۰ درصد در سال و رشد محصول واقعی ۳ درصد در سال باشد، در این صورت (سراسری ۷۷)
- (۱) نرخ تورم ۷ درصد خواهد بود.
 (۲) نرخ تورم ۱۳ درصد خواهد بود.
 (۳) محصول ناخالص ملی ۷ درصد رشد می‌کند.
 (۴) محصول ناخالص ملی ۱۳ درصد رشد می‌کند.
- کله ۷- اگر نرخ رشد قیمت‌ها ۵۰ درصد در سال باشد، چهار سال بعد از سال پایه شاخص قیمت‌ها تقریباً برابر می‌شود با: (سراسری ۷۸)
- (۱) ۴۰۰ (۲) ۴۴۰ (۳) ۵۰۰ (۴) ۶۰۰
- کله ۸- کدام یک از وضعیت‌های زیر در سرمایه‌گذاری ناخالص در قالب تولید ناخالص ملی (GNP) وجود ندارد؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) ساختن یک مهد کودک خصوصی
 (۲) افزایش در موجودی انبار صنعت نساجی در بخش خصوصی
 (۳) خرید ماشین‌آلات جدید کشاورزی توسط کشاورزان
 (۴) خرید صد سهم عادی یک شرکت سهامی عام توسط یک بازرگان بازنشسته از یکی از سهامداران این شرکت
- کله ۹- کدام یک از موارد ذیل در درآمد ملی وجود ندارد؟ (سراسری ۸۳)
- (۱) درآمد اجاره‌ای اشخاص (۲) درآمد اجاره‌ای بنگاه‌ها (۳) کل درآمد بهره‌ای (۴) مالیات بر سود شرکت‌ها
- کله ۱۰- درآمد ملی کوچک‌تر از تولید ناخالص ملی است، زیرا: (آزاد ۸۳)
- (۱) درآمد ملی به قیمت‌های ثابت و تولید ناخالص ملی به قیمت‌های بازار محاسبه می‌شوند.
 (۲) درآمد ملی به قیمت‌های عوامل و تولید ناخالص ملی به قیمت‌های جاری محاسبه می‌شوند.
 (۳) تولید ناخالص ملی به قیمت‌های ثابت و درآمد ملی به قیمت‌های جاری محاسبه می‌شوند.
 (۴) تولید ناخالص ملی و درآمد ملی به قیمت‌های ثابت محاسبه می‌شوند.
- کله ۱۱- درآمد افغانی‌ها در ایران در کدام یک از موارد زیر منظور می‌شود؟ (آزاد ۸۴)
- (۱) تولید ناخالص داخلی افغانستان
 (۲) تولید ناخالص ملی ایران
 (۳) تولید ناخالص داخلی ایران و تولید ناخالص ملی افغانستان
 (۴) تولید ناخالص داخلی افغانستان و تولید ناخالص ملی افغانستان



- ۱۲- کالاهایی که در سال ۱۳۸۲ تولید شده و در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به فروش رفته‌اند، در تولید ناخالص ملی کدام سال یا سال‌ها لحاظ می‌شوند؟ (آزاد ۸۴)
- (۱) سال ۱۳۸۲ و سال ۱۳۸۳ (۲) سال ۱۳۸۳ و سال ۱۳۸۴ (۳) سال ۱۳۸۲ (۴) سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴
- ۱۳- کدامیک از موارد زیر در درآمد ملی کشور به حساب می‌آید؟ (سراسری ۸۵)
- (۱) درآمد متکدیان (۲) درآمد افراد از محل شرط‌بندی (۳) نذورات آستان قدس رضوی (۴) درآمد واسطه‌ها از محل واسطه‌گری
- ۱۴- در کشوری نرخ بهره اسمی معادل ۱۱ درصد و نرخ تورم معادل ۱۵ درصد است. نرخ بهره واقعی را بر حسب معادله فیشر محاسبه کنید. (آزاد ۸۵)
- (۱) $4\% +$ (۲) $4\% -$ (۳) 26% (۴) 30%
- ۱۵- تولید ناخالص داخلی (GDP) معادل است با:
- (۱) تولید ناخالص ملی (GNP) منهای درآمد عوامل تولید از خارج کشور (۲) تولید ناخالص ملی منهای سرمایه‌گذاری خارجی (۳) تولید ناخالص ملی منهای هزینه استهلاک (۴) تولید ناخالص ملی منهای مالیات‌های مستقیم
- ۱۶- تولید خالص ملی (NNP) معادل است با:
- (۱) تولید ناخالص ملی دریافتی عوامل تولید در خارج از کشور (۲) تولید ناخالص ملی منهای هزینه‌های استهلاک سرمایه (۳) تولید ناخالص ملی منهای مالیات‌های مستقیم (۴) تولید ناخالص ملی منهای سرمایه‌گذاری خارجی
- ۱۷- کدام یک از موارد زیر در حساب‌های ملی، سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود؟ (آزاد ۸۸)
- (۱) خرید یک ساختمان کلنگی (۲) خرید یک اتومبیل جدید برای کسب و کار (۳) خرید کالای بادوام خانگی (۴) خرید سرقفلی یک مغازه
- ۱۸- فرض کنید شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) از ۱۰۰ به ۲۰۰ افزایش یابد، در این صورت:
- (۱) سطح قیمت بازاری سبد مصرف‌کننده به‌طور متوسط دو برابر می‌شود. (۲) درآمد حقیقی افراد به‌طور متوسط نصف می‌شود. (۳) سطح قیمت‌ها به‌طور متوسط در اقتصاد دو برابر می‌شود. (۴) سطح قیمت کالاها و خدمات مصرفی مصرف‌کننده به‌طور متوسط دو برابر می‌شود.
- ۱۹- اگر GDP اسمی کاهش و GDP حقیقی افزایش یابد، در این صورت:
- (۱) نرخ بیکاری افزایش می‌یابد. (۲) نرخ بهره اسمی کمتر از نرخ تورم افزایش می‌یابد. (۳) نرخ تورم منفی است. (۴) خالص صادرات منفی است.
- ۲۰- هزینه خرید یک سبد مصرفی در سال ۱۳۸۶ معادل ۳۰۰ هزار ریال و هزینه خرید همین سبد در سال ۱۳۸۷ معادل ۴۵۰ هزار تومان است. با فرض این که سال پایه سال ۱۳۸۶ باشد، شاخص قیمت در سال ۱۳۸۷ چقدر است؟ (آزاد ۸۹)
- (۱) ۱۵۰ (۲) ۱۷۰ (۳) ۱۸۰ (۴) ۱۶۰
- ۲۱- اگر از جمع ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی کارمزد احتسابی را کسر، خالص مالیات‌های غیرمستقیم و خالص درآمد عوامل تولید از خارج را اضافه کنیم:
- (۱) درآمد ملی به‌دست می‌آید. (۲) تولید ناخالص ملی به قیمت بازار به‌دست می‌آید. (۳) تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به‌دست می‌آید. (۴) تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل به‌دست می‌آید.
- ۲۲- کدام یک از اقلام زیر جزئی از درآمد ملی (NI) می‌باشد؟ (آزاد ۹۰)
- (۱) پرداخت یارانه نان (۲) حقوق و عوارض گمرکی دریافتی بابت ورود کالاهای خارجی (۳) بهره پرداختی شرکت‌های تولید در اقتصاد بابت دریافت پیش‌پرداخت محصول (۴) کمک‌های پرداختی کمیته امداد امام خمینی به کودکان یتیم زیر ۱۸ سال
- ۲۳- در یک بنگاه اقتصادی دستمزد پرداختی سالانه ۲۰۰۰۰۰ تومان، سود ۱۵۰۰۰۰۰ تومان و اجاره سرمایه بنگاه در حدود ۱۰۰۰۰۰۰ تومان و هزینه واسطه‌های بنگاه نیز معادل ۱۲۰۰۰۰۰ تومان است (سرمایه و کارگران متعلق به بنگاه است)، در این صورت ارزش افزوده بنگاه چقدر است؟ (سراسری ۹۵)
- (۱) ۳,۳۰۰,۰۰۰ (۲) ۴,۵۰۰,۰۰۰ (۳) ۵,۰۰۰,۰۰۰ (۴) ۵,۷۰۰,۰۰۰

باسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنگوری فصل اول

۱- گزینه «۲» می‌دانیم تولید ناخالص داخلی اسمی (GDP_n) از ضرب تولید ناخالص داخلی حقیقی (GDP_r) در شاخص قیمت‌ها (P) به دست می‌آید:

$$GDP_n = GDP_r \times P$$

$$\dot{GDP}_n = \dot{GDP}_r + \dot{P}$$

در این صورت رشد تولید ناخالص داخلی اسمی (\dot{GDP}_n) برابر خواهد بود با:

بنابراین وقتی تولید ناخالص داخلی حقیقی و شاخص قیمت‌ها هر دو افزایش یابند ($\dot{P} > 0$ ، $\dot{GDP}_r > 0$)، تولید ناخالص داخلی اسمی نیز زیاد می‌شود ($\dot{GDP}_n > 0$).

۲- گزینه «۲» مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده، به قیمت‌های سال پایه، یا به عبارت دیگر تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت برابر است با تولید ناخالص ملی به قیمت جاری تقسیم بر شاخص قیمت‌ها ضربدر صد (۱۰۰). در تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت اثر افزایش در قیمت‌ها را در نظر نمی‌گیریم و فقط اثر افزایش تولید را در نظر خواهیم گرفت. بنابراین تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت، تولیدات واقعی یک جامعه را اندازه‌گیری می‌کند. توجه کنید که اگر سطح تولیدات واقعی و یا قیمت نسبت به سال پایه افزایش یابند، GNP به قیمت ثابت از GNP به قیمت جاری کمتر خواهد بود و اگر سطح تولیدات واقعی و یا شاخص قیمت نسبت به سال پایه کاهش یابند GNP به قیمت ثابت از GNP به قیمت جاری بیشتر خواهد بود. معمولاً قبل از سال پایه $GNP_n < GNP_r$ ، بعد از سال پایه $GNP_n > GNP_r$ و در سال پایه $GNP_n = GNP_r$ می‌باشد.

۳- گزینه «۲» متغیر انباره (Stock) یا ذخیره متغیری است که در یک لحظه زمانی قابلیت اندازه‌گیری دارد مثل ثروت، سرمایه، دارایی و بدهی اقلام موجود در ترازنامه، ولی متغیر روانه (flow) یا جریان متغیری است که در یک دوره زمانی قابلیت اندازه‌گیری داشته باشد مثل درآمد، سود، پس‌انداز، حساب‌های موجود در سود و زیان؛ بنابراین سرمایه انباره است ولی سرمایه‌گذاری و نرخ پس‌انداز روانه می‌باشند.

۴- گزینه «۱» تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل عبارت است از: تولید ناخالص ملی به قیمت بازار منهای خالص مالیات‌های غیرمستقیم. اگر مالیات‌های غیرمستقیم با یارانه برابر باشد، خالص مالیات‌های غیرمستقیم (مالیات‌های غیرمستقیم منهای یارانه) برابر صفر خواهد بود. در نتیجه تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل با تولید ناخالص ملی به قیمت بازار برابر می‌شود.

۵- گزینه «۲» تولید ناخالص داخلی در داخل مرزهای یک کشور محاسبه می‌شود و ملاک سرزمین و خاک هر کشور است. اما در تولید ناخالص ملی، ملاک ملیت است یعنی، تمام تولیدی که در یک سال معین افراد یک ملیت (مثلاً ژاپنی یا ایرانی) در تمام دنیا انجام داده‌اند. اگر از تولید ملی (یا هر متغیر ملی دیگر) خالص درآمد عوامل از خارج را کم کنیم به تولید داخلی خواهیم رسید. بنابراین اجاره‌ای که این شهروند ژاپنی دریافت می‌کند در تولید ناخالص ملی ژاپن و تولید ناخالص داخلی ایران منظور می‌گردد.

۶- گزینه «۱» بین رشد محصول واقعی، اسمی و تورم رابطه زیر برقرار است:

$$\text{تورم} + \text{رشد تولید ملی واقعی} = \text{رشد تولید ملی اسمی} \quad ; \quad \dot{GNP}_n = \dot{GNP}_r + \dot{P}$$

اگر بپذیریم که تقاضای اسمی همان تولید ملی باشد ($P^t \cdot Q^t$) خواهیم داشت:

$$7\% = \text{تورم} \Rightarrow \text{تورم} + 3\% = 10\%$$

۷- گزینه «۳» می‌توان از رابطه نرخ رشد استفاده کرد، فرمول نرخ بهره مرکب می‌تواند مبنای محاسبه قرار گیرد: $A(1+r)^t \Rightarrow 100(1+0/5)^4 \approx 500$

۸- گزینه «۴» سرمایه‌گذاری در اقتصاد کلان و حساب‌های ملی کلیه مخارجی است که برای حفظ و نگهداری (جبران استهلاک) و یا افزایش ظرفیت‌های تولید و ایجاد امکانات جدید تولیدی (سرمایه‌گذاری خالص) صرف می‌شود. در خرید سهام، فقط انتقال مالکیت از فرد یا گروهی به گروه یا فرد دیگری صورت می‌گیرد و هیچ مقداری به سرمایه‌های قبلی اضافه نمی‌شود و چون به ظرفیت تولید اضافه نشده یا ظرفیت جدید ایجاد نشده است سرمایه‌گذاری نمی‌باشد. در واقع خرید سرمایه (سرمایه‌گذاری ثابت) مثل ماشین‌آلات، سرمایه‌گذاری در احداث ساختمان و سرمایه‌گذاری در موجودی انبار، به همراه استهلاک و نگه داشتن ذخیره استهلاک، امکان افزایش ظرفیت‌های تولیدی را فراهم می‌کنند.



۹- گزینه «۳» درآمد ملی درآمدی است که متعلق به عوامل تولید می‌باشد و بابت جبران خدمات عوامل تولید پرداخت می‌شود. درآمد ملی عبارت است از حقوق و دستمزد + درآمد مشاغل + درآمد اجاره‌ای اشخاص + بهره خالص + سود شرکت‌ها. درآمد اجاره‌ای بنگاه‌ها (به‌عنوان سود غیرعملیاتی) و مالیات بر سود شرکت‌ها در قسمت سود شرکت‌ها لحاظ می‌شوند. درآمد اجاره‌ای اشخاص نیز در فرمول درآمد ملی وجود دارد. اما کل درآمد بهره‌ای در درآمد ملی منظور نمی‌شود، بلکه فقط خالص بهره (خالص بهره پرداختی بنگاه‌ها + خالص بهره دریافتی از خارج) در محاسبه درآمد ملی در نظر گرفته می‌شود. زیرا مواردی مثل بهره پرداختی دولت به مردم بابت بدهی‌های سال قبل و بهره‌ای که مردم برای خرید نسبه می‌پردازند در کل درآمد بهره‌ای وجود دارند اما نباید در درآمد ملی لحاظ شوند.

۱۰- «هیچ‌کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.» درباره ارتباط درآمد ملی و تولید ناخالص ملی فقط می‌توان به رابطه زیر اشاره کرد:

GNP به قیمت عوامل

$$\text{GNP به قیمت بازار} = \text{درآمد ملی} + \left(\begin{array}{l} \text{یارانه پرداختی} \\ \text{دولت به بنگاه‌ها} \end{array} \right) - \left(\begin{array}{l} \text{پرداخت‌های انتقالی} \\ \text{بنگاه‌ها به مردم} \end{array} \right) - \text{استهلاک} - \text{خالص مالیات غیرمستقیم} - \text{GNP به قیمت بازار} = \text{درآمد ملی}$$

۱۱- گزینه «۳» در محاسبه تولید ناخالص ملی (GNP)، ارزش تمامی محصولات و خدمات نهایی که توسط عوامل یک کشور ایجاد شده صرف‌نظر از اینکه در داخل کشور تولید شده و یا خارج از کشور، منظور می‌شود؛ ولی تولید ناخالص داخلی (GDP) ارزش تمام محصولات و خدمات نهایی است که در داخل یک کشور تولید می‌شود و مهم نیست که توسط عوامل داخلی باشد و یا عوامل خارجی. بنابراین درآمد افغانی‌ها به علت خدمات و کالایی که در داخل ایران تولید می‌کنند باید از یک طرف در تولید ناخالص داخلی ایران به حساب آید و از طرف دیگر در تولید ناخالص ملی افغانستان منظور گردد.

۱۲- گزینه «۳» تولید ناخالص ملی ارزش تمامی محصولات و خدماتی است که در طول یک سال تولید می‌شود و اهمیتی ندارد که این محصولات در چه سالی به فروش می‌رسند و فقط در تولید ناخالص ملی همان سال که تولید شده‌اند به حساب می‌آیند. ولی اگر نیمی از کالا در سال ۸۲ و نیمی دیگر در سال ۸۳ تولید شده بود، آنگاه در GNP هر دو سال به حساب می‌آید.

۱۳- گزینه «۴» درآمدی که همه عوامل تولید یک کشور در یک دوره زمانی مشخص به دست می‌آورند و بابت جبران خدمات آن‌ها می‌باشد، درآمد ملی است. گزینه «۴» واسطه‌گری تولید به حساب می‌آید و جزء خدمات در حساب‌های ملی محسوب می‌شود؛ ولی در بقیه گزینه‌ها جهت انجام تولید پرداخت پول صورت نگرفته است.

۱۴- گزینه «۲» معادله فیشر رابطه بین نرخ بهره واقعی، نرخ بهره اسمی و نرخ تورم را به صورت زیر بیان می‌کند.

$$-4\% = 11\% - 15\% = \text{نرخ بهره واقعی} \rightarrow \text{نرخ تورم} - \text{نرخ بهره اسمی} = \text{نرخ بهره واقعی}$$

۱۵- گزینه «۱» تولید ناخالص داخلی (GDP) ارزش تولیداتی است که در داخل کشور تولید می‌شود، صرف‌نظر از اینکه توسط عوامل تولید داخلی و یا خارجی تولید شده باشند. تولید ناخالص ملی ارزش تولیداتی است که ناشی از کار عوامل تولید داخلی است و اگر عوامل تولید داخلی در خارج از کشور تولید انجام دهند نیز در GNP محاسبه می‌شود. بنابراین برای محاسبه GDP داریم:

$$\Rightarrow \text{GDP} = \text{GNP} - (\text{خالص درآمد عوامل تولید داخلی از خارج})$$

$$\text{GDP} = \text{GNP} - (\text{درآمد عوامل تولید خارجی از داخل} - \text{درآمد عوامل تولید داخلی از خارج})$$

۱۶- گزینه «۲» اگر از یک شاخص ناخالص مقدار استهلاک را کم کنیم، مقدار خالص آن به دست می‌آید. در نتیجه با کسر کردن هزینه‌های استهلاک سرمایه از تولید ناخالص ملی (GNP)، به تولید خالص ملی (NNP) می‌رسیم. گزینه (۱) همان GDP را نشان می‌دهد.

۱۷- گزینه «۲» سرمایه‌گذاری به ۳ صورت است: ۱- هزینه صرف شده بابت خرید و تعمیرات اساسی تجهیزات یا به عبارتی سرمایه‌گذاری ثابت در لوازم کسب و کار ۲- هزینه صرف شده بابت ایجاد ساختمان‌های جدید و تعمیرات اساسی آن به استثنای قیمت زمین ۳- سرمایه‌گذاری در موجودی انبار. گزینه «۱» ساختمان کلنگی است که یک بار فروخته شده و ساختمان جدید نیست و سرمایه‌گذاری به حساب نمی‌آید. خرید کالای با دوام خانگی نیز به علت اینکه برای کسب و کار نیست سرمایه‌گذاری نیست. خرید سرفلی یک مغازه نیز چون ایجاد ساختمان جدید نیست سرمایه‌گذاری به حساب نمی‌آید ولی خرید یک اتومبیل جدید برای کسب و کار، خرید تجهیزات برای کار است که سرمایه‌گذاری در لوازم کسب و کار به حساب می‌آید.

۱۸- گزینه «۱» شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI)، قیمت یک سبد متوسط نوعی کالاها که توسط مصرف‌کننده خریداری می‌شود را اندازه‌گیری می‌کند و در حقیقت تغییر قیمت یک سبد معین و تعریف شده‌ای از کالاها و خدمات را نشان می‌دهد. گزینه «۴»، سطح قیمت کل کالاها و خدمات مصرفی مصرف‌کننده را بیان کرده در صورتی که در CPI تغییر قیمت یک سبد معین از کالاها مطرح می‌شود.

$$P = \frac{GDP_n}{GDP_r}$$

۱۹- گزینه «۳» شاخص ضمنی GDP به صورت روبرو تعریف می‌شود:

که GDP_n تولید ناخالص داخلی اسمی و GDP_r تولید ناخالص داخلی حقیقی می‌باشد. اگر از طرفین Ln گرفته و مشتق‌گیری کنیم، نرخ رشد و تغییرات آن‌ها به دست می‌آید.

$$\text{Ln}GDP_n - \text{Ln}GDP_r = \text{Ln}P \xrightarrow{\text{مشتق}} \frac{P'}{P} = \frac{(GDP_n)'}{GDP_n} - \frac{(GDP_r)'}{GDP_r} \rightarrow \dot{P} = \dot{GDP}_n - \dot{GDP}_r$$

و چون $(GDP_n)'$ منفی (کاهش) و $(GDP_r)'$ مثبت (افزایش) است پس $\frac{P'}{P}$ که همان نرخ تورم است منفی خواهد شد.

۲۰- گزینه «۱» شاخص قیمت لاسپیرز، نسبت هزینه‌ی جاری سبد کالایی سال پایه به هزینه‌ی همین سبد در سال پایه می‌باشد.

$$L = \frac{\sum p^1 q^0}{\sum p^0 q^0} = \frac{450}{300} = 1/5 \times 100 = 150$$

۲۱- گزینه «۲»

$GDP_f = v_1 + v_2 + \dots + v_n$ = تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل = کارمزد احتسابی

$GDP_f + NIT = GDP_m$ = تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار

$GDP_m +$ = تولید ناخالص ملی به قیمت بازار GNP_m = خالص درآمد عوامل تولید از خارج

۲۲- گزینه «۲» تنها گزینه دوم یعنی حقوق و عوارض گمرکی درآمد عوامل تولید هستند و بقیه درآمدهایی ناشی از به کارگیری عوامل تولید نیستند. اگر یارانه پرداختی به نان به بنگاه‌ها (نانوایی‌ها) پرداخت شود جزئی از درآمد ملی می‌باشد اما اگر این یارانه به مردم پرداخت شود در درآمد ملی وجود نخواهد داشت.

۲۳- گزینه «۲» ارزش افزوده همان ارزش خدمات نیروی کار و سرمایه اقتصاد است که در یک دوره معین محقق می‌شود. بنابراین، جمع ارزش افزوده اقتصاد در یک دوره مشخص، معادل درآمد عوامل تولید اقتصاد در آن دوره است. مقدار ارزش افزوده از جمع اعداد متناظر با حقوق و دستمزد، اجاره، بهره و سود عوامل تولید، به دست می‌آید:

$$= 2/000/000 + 1/500/000 + 1/000/000 = 4/500/000$$

اجاره سرمایه + سود + دستمزد پرداختی = ارزش افزوده بنگاه



فصل دوم

« مدل‌های درآمد - مخارج »

تست‌های طبقه‌بندی شده کنگوری فصل دوم

کله ۱- فرض کنید که سطح متعادل درآمد ملی در یک اقتصاد سه بخشی کینزی برابر با ۱۵۰۰ میلیارد ریال و درآمد ملی در سطح اشتغال کامل برابر با ۲۵۰۰ میلیارد ریال باشد و ضمناً میل نهایی به مصرف برابر با $\frac{1}{8}$ است. چند میلیارد ریال پرداخت‌های انتقالی باید تغییر نماید تا تعادل اشتغال کامل برقرار گردد؟

- (۱) ۲۰۰ (۲) ۱۰۰ (۳) ۲۵۰ (۴) ۱۰۰۰ (سراسری ۷۵)

کله ۲- اگر در یک اقتصاد دو بخشی داشته باشیم: $C = 100 + bY$ و ارزش عددی ضریب فزاینده برابر با $\frac{2}{5}$ باشد، می‌توان نوشت: (سراسری ۷۵)

- (۱) $C = 100 + 0.4Y$ (۲) $C = 100 + 0.6Y$ (۳) $S = -100 + 0.6Y$ (۴) $S = 100 + 0.4Y$

کله ۳- به فرض آن که در مدل ساده کینز میل نهایی به مصرف $\frac{1}{9}$ و نرخ مالیات بر درآمد $\frac{1}{2}$ و میل نهایی به واردات $\frac{1}{12}$ باشد و دولت بخواهد کسری بودجه خود را از طریق کاهش مخارج عمومی ۹ واحد کم کند میزان کاهش مخارج دولت چقدر خواهد بود؟ (سراسری ۷۵)

- (۱) ۹ (۲) ۱۸ (۳) ۱۹ (۴) ۲۸

کله ۴- در الگوی درآمد - مخارج کینزی اگر b میل نهایی به مصرف، t نرخ مالیات و m میل نهایی به واردات باشد، ضریب افزایش کدام است؟ (سراسری ۷۶)

- (۱) $\frac{1}{1-b(1-t)-m}$ (۲) $\frac{1}{(1-b)(1-t)+m}$ (۳) $\frac{1}{1-b(1+t)-m}$ (۴) $\frac{1}{1-b(1-t)+m}$

کله ۵- ضریب فزاینده بودجه متوازن در مدل سه بخشی کینزی (سراسری ۷۶)

- (۱) اعم از اینکه مالیات تابعی از درآمد باشد یا نباشد برابر واحد است.
(۲) تنها در صورت تبعیت مالیات از درآمد برابر واحد است.
(۳) تنها در صورت مستقل بودن مالیات از درآمد برابر واحد است.
(۴) در صورت تبعیت مالیات از درآمد، کوچک‌تر از واحد است.

کله ۶- کدام مورد در میزان ضریب افزایش مؤثر نمی‌باشد؟ (سراسری ۷۶)

- (۱) میل نهایی به مالیات (۲) میل نهایی به پس‌انداز (۳) میل نهایی به واردات (۴) مصرف مستقل

کله ۷- در یک الگوی دو بخشی کینزی تعیین درآمد ملی، وقتی که تقاضای کل تولید از عرضه کل تولید بیشتر است، چه وضعیتی پیش می‌آید؟ (سراسری ۷۷)

- (۱) حجم سرمایه‌گذاری از پس‌انداز بیشتر است.
(۲) تغییرات نامطلوب در موجودی انبار (ΔH_U) از صفر بزرگ‌تر است.
(۳) حجم پس‌انداز با سرمایه‌گذاری برابر است.
(۴) حجم پس‌انداز از سرمایه‌گذاری بیشتر است.

کله ۸- کدام‌یک از تغییرات زیر تابع مصرف را به موازات خود انتقال نمی‌دهد؟ (سراسری ۷۷)

- (۱) صادرات (۲) مخارج دولت (۳) مصرف مستقل (۴) نرخ نهایی مالیات

کله ۹- کدام مورد موجب افزایش در سطح درآمد ملی تعادلی در اقتصاد کینزی نمی‌شود؟ (سراسری ۷۷)

- (۱) افزایش در پرداخت‌های انتقالی (۲) افزایش در مخارج مستقل (۳) افزایش در خالص درآمد مالیاتی (۴) کاهش در مالیات‌های مستقل

کله ۱۰- اگر کاهش مخارج دولتی با افزایش در پرداخت‌های انتقالی جبران شود (سراسری ۷۸)

- (۱) درآمد ملی کاهش می‌یابد.
(۲) درآمد ملی افزایش می‌یابد.
(۳) سطح درآمد ملی تغییر نخواهد کرد.
(۴) کسر بودجه تقلیل می‌یابد.

کله ۱۱- افزایش مساوی در هر کدام از مخارج دولت، سرمایه‌گذاری خصوصی و صادرات تأثیر یکسانی بر روی دارند. (سراسری ۷۸)

- (۱) بودجه دولت (۲) تراز پرداخت‌ها (۳) خالص صادرات (۴) درآمد ملی تعادلی



کله ۱۲- اگر ضریب مالیاتی ۲۵/۰ و ضریب فزاینده مالیاتی ۵ باشد، در صورتی که بخواهیم درآمدهای مالیاتی ۲۰ واحد افزایش یابد، مالیات‌های مستقل باید

(سراسری ۷۸)

- (۱) ۸۰ واحد افزایش یابد. (۲) ۲۵ واحد افزایش یابد. (۳) ۲۵ واحد کاهش یابد. (۴) ۸۰ واحد کاهش یابد.

کله ۱۳- در یک الگوی سه بخشی، در صورتی که افزایش هزینه‌ها در بودجه کشور منحصرأز محل افزایش مالیات‌ها تأمین شود، صرف‌نظر از میزان

(سراسری ۷۹)

ضریب فزاینده مالی،

- (۱) سطح درآمد ملی معادل مجموع مالیات‌ها و هزینه‌ها افزایش خواهد یافت. (۲) درآمد ملی تغییری نمی‌کند.
(۳) درآمد ملی معادل مالیات‌ها کاهش می‌یابد. (۴) درآمد ملی معادل افزایش مالیات‌ها افزایش می‌یابد.

(سراسری ۷۹)

کله ۱۴- در الگوی چهاربخشی، ضریب تکاثری (Multiplier)

- (۱) با افزایش صادرات افزایش می‌یابد. (۲) تابع میل نهایی به واردات نیست.
(۳) با افزایش میل نهایی به واردات افزایش می‌یابد. (۴) با افزایش میل نهایی به واردات کاهش می‌یابد.

کله ۱۵- چنانچه نرخ مالیات برابر با $\frac{1}{3}$ و میل نهایی به مصرف برابر با $\frac{5}{9}$ باشد، در این صورت ضرایب فزاینده مخارج دولت برابر خواهد بود با:

(سراسری ۸۰)

- (۱) ۱/۱۱ (۲) ۲/۵ (۳) ۵ (۴) ۱۰

(سراسری ۸۰)

کله ۱۶- تعادل پایدار در مدل ساده کینز (مدل خط 45°) بر چه امری مبتنی است؟

- (۱) تبعیت پس‌انداز از نرخ بهره (۲) صرف تعدیل موجودی انبار
(۳) کمتر از یک بودن شیب خط مخارج و تعدیل موجودی انبار (۴) کمتر از یک بودن شیب خط مخارج و تعدیل موجودی سرمایه

کله ۱۷- اقتصادی در شرایط تعادل و اشتغال کامل به سر می‌برد. دولت مالیات‌ها را ۱۰ میلیارد ریال کاهش می‌دهد. برای ثبات قیمت‌ها، کدام یک از

(سراسری ۸۱)

اقدامات زیر توسط دولت می‌بایست اتخاذ شود؟

- (۱) کاهش مخارج کمتر از ۱۰ میلیارد ریال (۲) افزایش مخارج بیش از ۱۰ میلیارد ریال
(۳) کاهش مخارج بیش از ۱۰ میلیارد ریال (۴) افزایش مخارج کمتر از ۱۰ میلیارد ریال

(سراسری ۸۱)

کله ۱۸- در صورتی که پرداخت‌های انتقالی دولت افزایش یابد، درآمد ملی:

- (۱) تغییری نخواهد کرد. (۲) برابر میزان افزایش پرداخت‌های انتقالی دولت افزایش می‌یابد.
(۳) با ضریب فزاینده‌ای بیشتر از ضریب فزاینده مخارج دولت افزایش می‌یابد. (۴) با ضریب فزاینده‌ای کمتر از ضریب فزاینده مخارج دولت افزایش می‌یابد.

(آزاد ۸۱)

کله ۱۹- دولت می‌تواند شکاف رکودی را به‌وسیله:

- (۱) کاهش مخارج دولت و کاهش مالیات‌ها بهبود بخشد. (۲) افزایش مخارج دولت و افزایش مالیات‌ها بهبود بخشد.
(۳) افزایش مالیات‌ها و کاهش مخارج دولت بهبود بخشد. (۴) افزایش مخارج دولت و یا کاهش مالیات‌ها بهبود بخشد.

(سراسری ۸۲)

کله ۲۰- در چه صورت رابطه $Y=C+I+G$ یک رابطه اتحادی است؟ در صورتی که:

- (۱) تغییر غیرمنتظره در موجودی انبار صفر باشد. (۲) تغییر غیرمنتظره در موجودی انبار صفر نباشد.
(۳) منظور از $C+I+G$ مخارج تحقق یافته باشد نه مخارج برنامه‌ریزی شده (۴) منظور از $C+I+G$ مخارج برنامه‌ریزی شده باشد نه تحقق یافته

کله ۲۱- چنانچه درآمد قابل تصرف احمد از ۱۵,۰۰۰ به ۱۰,۰۰۰ تومان کاهش یابد و در نتیجه سطح پس‌انداز او از ۱۰,۰۰۰+ به ۱۰,۰۰۰- تقلیل یابد در

(سراسری ۸۲)

این صورت می‌توان گفت که میل نهایی احمد به:

- (۱) مصرف برابر با $\frac{1}{6}$ است. (۲) مصرف برابر با $\frac{3}{5}$ است. (۳) مصرف برابر با $\frac{1}{4}$ است. (۴) پس‌انداز برابر با $\frac{3}{5}$ است.

کله ۲۲- در مدل درآمد - مخارج، مخارج دولت را به اندازه ۴۰ واحد افزایش داده‌ایم، مصرف به اندازه ۴۸ واحد و درآمد به اندازه ۸۰ واحد تغییر کرده

(سراسری ۸۳)

است. میل نهایی به واردات عبارت است از:

- (۱) ۱/۰ (۲) ۲/۰ (۳) ۳/۰ (۴) ۴/۰



کله ۲۳- در مدل درآمد-مخارج، مخارج دولت را به ۸۰ واحد افزایش داده‌ایم، ۲۰۰ واحد به y اضافه شده است و کسر بودجه دولت ۳۰ واحد افزایش یافته است، میل نهایی به مصرف و نرخ مالیات به ترتیب برابر است با:

- (۱) $0/۲۵$ و $0/۸$ (۲) $0/۲۰$ و $0/۸$ (۳) $0/۷۵$ و $0/۲۰$ (۴) $0/۷۵$ و $0/۲۵$

کله ۲۴- در یک مدل سه بخشی که مالیات تنها به صورت ثابت اخذ می‌شود وقتی درآمد کل (y) معادل ۲۵۰۰۰ واحد بوده است مصرف کل معادل ۲۴۰۰۰ بوده است. وقتی درآمد به ۲۰۰۰۰ کاهش یافته است ۱۰۰۰ واحد از پس‌اندازهای انباشته شده قبلی برداشت شده است. میل نهایی به مصرف عبارت است از:

- (۱) $0/۷$ (۲) $0/۷۵$ (۳) $0/۸$ (۴) $0/۹$

کله ۲۵- در مدل خط 45° ، اگر سطح درآمد اولیه ۲۰۰۰، ضریب فزاینده نرخ مالیات ۸۰۰۰- و ضریب فزاینده مخارج دولت ۵ باشد، نرخ مالیات چقدر خواهد بود؟

- (۱) صفر (۲) $0/۱$ (۳) $0/۱۵$ (۴) $0/۲۵$

کله ۲۶- در یک الگوی دو بخشی کینزی، هنگامی که تعادل برقرار می‌شود، موجودی مطلوب انبار است.

- (۱) برابر با صفر (۲) منفی (۳) مثبت (۴) نامعین

کله ۲۷- در مدل ساده کینزی بهترین سیاست برای کاهش رکود و کساد:

- (۱) افزایش مخارج دولت است. (۲) افزایش دستمزدهاست. (۳) کاهش دادن دستمزدهاست. (۴) کاهش دادن قیمت‌هاست.

کله ۲۸- در الگوی سه بخشی کینزی تعیین درآمد ملی، هنگامی که تقاضای کل تولید از عرضه کل تولید کمتر است، چه وضعیتی پیش می‌آید؟

- (۱) حجم پس‌انداز از سرمایه‌گذاری بیشتر است. (۲) حجم سرمایه‌گذاری از پس‌انداز بیشتر است. (۳) حجم پس‌انداز با سرمایه‌گذاری برابر است. (۴) تغییرات نامطلوب در موجودی انبار (ΔHu) از صفر کوچک‌تر است.

کله ۲۹- در چارچوب الگوی ساده کینزی، اگر در هر سطحی از درآمد ملی، خانوارها تصمیم بگیرند بیشتر پس‌انداز کنند چه اتفاقی خواهد افتاد؟

- (۱) درآمد ملی افزایش خواهد یافت. (۲) سرمایه‌گذاری کاهش خواهد یافت. (۳) تولید و اشتغال کاهش خواهد یافت. (۴) سرمایه‌گذاری و اشتغال افزایش خواهد یافت.

کله ۳۰- در یک الگوی ساده سه بخشی که در آن مالیات، مخارج دولت و پرداخت انتقالی هر سه متغیرهایی برون‌زا هستند، اگر پرداخت‌های انتقالی ۱۰۰ واحد افزایش یابد در شرایطی که میل نهایی به پس‌انداز و مالیات به ترتیب $0/۴$ و ۲۰۰ باشند، سطح درآمد تعادلی چند واحد افزایش می‌یابد؟

- (۱) $1/۵$ (۲) ۶۶ (۳) 1۵۰ (۴) ۲۵۰

کله ۳۱- فرض کنید توابع مصرف، واردات، سرمایه‌گذاری و صادرات به ترتیب زیر باشند، سطح تعادل درآمد ملی چند میلیارد ریال است؟

- (۱) 480 (۲) 450 (۳) 360 (۴) 380
- $C = 50 + 0/8y$
 $M = 2 + 0/05y$
 $I_a = 40$
 $X_a = 32$

کله ۳۲- در یک اقتصاد سه بخشی در مدل خط 45° با فرض اینکه سرمایه‌گذاری تابعی از y (درآمد کل) باشد، ضریب فزاینده بودجه متوازن: (سراسری ۸۶)

- (۱) بزرگ‌تر از یک است. (۲) کمتر از یک است. (۳) مساوی یک است. (۴) معادل صفر است.

کله ۳۳- در مدل ساده کینزی

- (۱) منحنی عرضه کل روی خط 45° قرار دارد. (۲) محور افقی مدل بیانگر مقادیر روی منحنی عرضه کل است. (۳) محور عمودی نشان داده می‌شود. (۴) به خاطر وجود ظرفیت‌های بیکار منحنی عرضه در تحلیل منظور نمی‌شود.



(سراسری ۸۶)

۳۴- در الگوی ساده کینزی خط 45° کینزی:

(۱) بیکاری با تعادل در بازار کالا سازگاری دارد.

(۳) دستیابی به تعادل امکان‌پذیر نیست.

(۲) در تعادل هیچ‌گونه بیکاری وجود ندارد.

(۴) تفاوت محصول ظرفیت کامل و تقاضای مؤثر در انبار نگهداری می‌شود.

(سراسری ۸۶)

۳۵- در یک اقتصاد دو بخشی در مدل تعادل اشتغال کامل کلاسیک‌ها، بازار سرمایه:

(۱) نرخ بهره تعادلی را تعیین می‌کند.

(۲) سطح درآمد ملی تعادلی را تعیین می‌کند.

(۳) سطح درآمد ملی تعادلی و برابری بین منابع نشتی از درآمد ملی و منابع تزریقی به درآمد ملی را تعیین می‌کند.

(۴) نرخ بهره تعادلی و تخصیص درآمد ملی اشتغال کامل به مصرف تعادلی و سرمایه‌گذاری (= پس‌انداز) را تعیین می‌کند.

۳۶- چنانچه در یک اقتصادی تابع مصرف، سرمایه‌گذاری مستقل، مخارج دولت و مالیات بر مصرف به قرار زیر باشد درآمد ملی را در تعادل محاسبه کنید.

(آزاد ۸۶)

$$C = 40 + 0.6(y - 20) \quad I_a = 60 \quad G = 20 \quad T_a = 20$$

(۱) ۲۵۰ میلیارد ریال (۲) ۴۰۰ میلیارد ریال (۳) ۲۳۰ میلیارد ریال (۴) ۲۷۰ میلیارد ریال

۳۷- اگر سرمایه‌گذاری مستقل در اقتصادی معادل ۳۰ میلیارد ریال افزایش یابد، با فرض آن که b ضریب فزاینده معادل 0.7 باشد؛ درآمد ملی به چه میزان افزایش می‌یابد:

(آزاد ۸۶)

(۱) ۲۰۰ میلیارد ریال (۲) ۵۰ میلیارد ریال (۳) ۱۰۰ میلیارد ریال (۴) ۳۰۰ میلیارد ریال

۳۸- در مدل سه بخشی درآمد - مخارج وقتی T_0 به اندازه‌ی 100 واحد کاهش می‌یابد، مصرف چند واحد افزایش می‌یابد؟

(سراسری ۸۷)

$$(I = \bar{I} \text{ و } C = C_0 + 0.8Y_d, T = T_0 + 0.25y)$$

(۱) ۱۲۰ (۲) ۱۵۰ (۳) ۲۰۰ (۴) ۲۵۰

۳۹- هرگاه فرض شود که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تابعی از درآمد ملی است، در این صورت ارزش عددی ضریب فزاینده در الگوی دو بخشی

(سراسری ۸۷)

کینزی تعیین درآمد ملی:

(۱) افزایش خواهد یافت.

(۲) کاهش خواهد یافت.

(۳) تغییر نمی‌کند زیرا درآمد ملی به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ارتباطی ندارد.

(۴) ممکن است افزایش یا کاهش یابد که این بستگی به میل نهایی به مصرف دارد.

۴۰- اگر در اقتصادی تابع مصرف و سرمایه‌گذاری به شکل زیر باشند سطح تعادل درآمد ملی چقدر است؟

(آزاد ۸۷)

$$C = 100 + 0.8Y$$

$$I_a = 20$$

$$y = 300 \quad (2)$$

$$y = 400 \quad (1)$$

$$y = 800 \quad (4)$$

$$y = 600 \quad (3)$$

۴۱- فرض کنید تابع مصرف در اقتصادی معادل $C = 50 + 0.8y$ ، تابع واردات معادل: $M = 2 + 0.5y$ ، سرمایه‌گذاری مستقل معادل $I_a = 40$ و

(آزاد ۸۷)

صادرات معادل $X_a = 32$ باشد.

(۱) سطح تعادل درآمد ملی معادل ۴۰۰ میلیارد ریال است.

(۳) سطح تعادل درآمد ملی معادل ۳۶۰ میلیارد ریال است.

(۲) سطح تعادل درآمد ملی معادل ۳۸۰ میلیارد ریال است.

(۴) سطح تعادل درآمد ملی معادل ۴۸۰ میلیارد ریال است.

۴۲- در یک مدل سه بخشی در الگوی خط 45° که در آن $I = \bar{I}$ است، با افزایش 100 واحد G مصرف به اندازه‌ی 150 واحد افزایش می‌یابد. با

(سراسری ۸۸)

افزایش 200 واحد \bar{I} چقدر درآمد کل افزایش می‌یابد؟

(۱) ۲۵۰ (۲) ۳۶۰ (۳) ۴۰۰ (۴) ۵۰۰

۴۳- اگر در نقطه اشتغال کامل سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده کوچک‌تر از صفر باشد،

(آزاد ۸۸)

(۱) شکاف رکودی وجود داشته و منجر به کاهش درآمد اسمی می‌شود.

(۳) عرضه کل بیش از تقاضای کل بوده و تقاضای اسمی کاهش می‌یابد.

(۲) شکاف تورمی وجود داشته و منجر به افزایش درآمد اسمی می‌شود.

(۴) پس‌انداز بزرگ‌تر از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده است.



۴۴- فرض کنید سرمایه‌گذاری تابعی از درآمد ملی به شکل $I = 400 + 0.1Y$ و تابع مصرف خانوارها به شکل $C = 1200 + 0.7Y$ باشد و فرض کنید دولت هزینه‌های خود را ۲۰۰ واحد پولی کاهش دهد. در آن صورت در تعادل نهایی مقدار مصرف و سرمایه‌گذاری به ترتیب ... واحد کاهش می‌یابند. (سراسری ۸۹)

(۱) ۹۰۰ و ۱۰۰ (۲) ۷۰۰ و ۱۰۰ (۳) ۳۵۰ و ۵۰ (۴) ۱۰۰۰ و ۱۰۰

۴۵- ضریب افزایش در یک نظام نسبت به نظام ، است بدین معنی که در نظام اول اثر یک رکود اقتصادی بر کاهش محصول ملی خواهد بود. (سراسری ۸۹)

- (۱) مالیات بر درآمد - مالیات مقطوع - کوچک‌تر - کمتر
 (۲) مالیات بر درآمد - مالیات مقطوع - بزرگ‌تر - بیشتر
 (۳) مالیات مقطوع - مالیات بر درآمد - کوچک‌تر - کمتر
 (۴) مالیات مقطوع - مالیات بر درآمد - کوچک‌تر - برابر

۴۶- اگر شکاف رکودی برابر با ۲۰ میلیارد ریال و میل نهایی به پس‌انداز 0.2 باشد، شکاف GDP چند میلیارد ریال است؟ (آزاد ۸۹)

(۱) ۳۰۰ (۲) ۱۰۰ (۳) ۲ (۴) ۲۰

۴۷- اگر تابع مصرف به صورت $C = 300 + 0.8Y_d$ و تابع مالیات به صورت $T = -100 + 0.25Y$ و تابع سرمایه‌گذاری به صورت $I = 500 + 0.15Y$ باشد و اگر درآمد ملی تعادلی ۱۰۰ واحد از درآمد ملی اشتغال کامل بیشتر باشد، چه مقدار تغییر در مخارج دولتی برای رساندن اقتصاد به اشتغال کامل لازم است؟ (آزاد ۹۰)

(۱) ۲۵ واحد کاهش (۲) ۲۵ واحد افزایش (۳) ۴۰ واحد کاهش (۴) ۴۰ واحد افزایش

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل دوم

۱- گزینه «۳» درآمد در اشتغال کامل ۲۵۰۰ واحد می‌باشد که ۱۰۰۰ واحد از درآمد تعادلی بیشتر است (درآمد تعادلی). برای اینکه مقدار کاهش مورد نیاز پرداخت‌های انتقالی را برای دستیابی به تعادل اشتغال کامل به دست آوریم، کافی است شکاف GNP را بر ضریب تکاثر TR تقسیم کنیم:

$$\text{ضریب تکاثر پرداخت‌های انتقالی} = \frac{\Delta Y}{\Delta TR} \Rightarrow \frac{c}{1-c} = \frac{0/8}{1-0/8} = 4$$

$$\Delta X = \frac{y_f - y_e}{1-c} = \frac{1000}{4} = 250 \quad \text{تغییر مورد نیاز در پرداخت‌های انتقالی}$$

۲- گزینه «۲» ضریب تکاثر در اقتصاد دو بخشی عبارت است از $\frac{1}{1-b}$ در نتیجه:

$$\text{ضریب تکاثر} = \frac{1}{1-b} = 2/5 \Rightarrow b = 0/6$$

در این صورت تابع پس‌انداز به این شکل خواهد بود:

$$S = -C_0 + (1-b)y \Rightarrow S = -100 + (1-0/6)y \Rightarrow S = -100 + 0/4y$$

۳- گزینه «۲» با توجه به اطلاعات این سؤال ابتدا بایستی کسر بودجه محاسبه شود:

$$BD = G - T = G - T_0 - tY$$

اگر فقط G تغییر کند خواهیم داشت: $\Delta BD = \Delta G - t(\Delta Y)$ یعنی، با تغییر یک واحد G کسری بودجه دولت چقدر تغییر خواهد کرد. (ΔY) همان ضریب تکاثر ضرب در ΔG است:

$$\Delta BD = \Delta G - t\left(\frac{1}{1-c(1-t)+m}\Delta G\right) = \Delta G\left(1 - \frac{t}{1-c(1-t)+m}\right) \Rightarrow -9 = \Delta G\left(1 - \frac{0/2}{1-0/9(1-0/2)+0/12}\right) \Rightarrow -9 = \Delta G(0/5) \Rightarrow \Delta G = 18$$

۴- گزینه «۴» درآمد ملی تعادلی در صورت وجود مالیات و واردات درونزا عبارت است از:

$$Y = \frac{1}{1-b+bt+m}(C_0 - bT_0 + I_0 + G_0 + X_0 - M_0)$$

و ضریب تکاثر I_0 ، G_0 ، X_0 و C_0 (مصرف مستقل) عبارت است از:

$$\frac{\Delta y}{\Delta I_0} = \frac{\Delta y}{\Delta G_0} = \frac{\Delta y}{\Delta X_0} = \frac{\Delta y}{\Delta C_0} = \frac{1}{1-b+bt+m} = \frac{1}{1-b(1-t)+m}$$

۵- گزینه «۱» اگر G و T به یک اندازه تغییر یابند، براساس ضریب تکاثر بودجه متوازن می‌توان محاسبه نمود که درآمد ملی تعادلی چه مقدار تغییر خواهد کرد. ضریب تکاثر بودجه متوازن در یک الگوی سه بخشی و با فرض سرمایه‌گذاری برونزا همواره برابر یک است و این یعنی با افزایش G و T به یک اندازه، Y نیز به همان میزان افزایش می‌یابد. اگر سرمایه‌گذاری درونزا باشد، ضریب فزاینده بودجه متوازن به صورت زیر است:

$$\frac{\Delta y}{\Delta G} = \frac{\Delta y}{\Delta T} = \frac{1-c}{1-c-e} > 1$$

۶- گزینه «۴» ضریب تکاثر مخارج دولت، سرمایه‌گذاری مستقل و مصرف مستقل عبارت است از: $\frac{1}{1-c+ct+m}$ که c میل نهایی به مصرف، t نرخ مالیات و m میل نهایی به واردات است. اما خود مصرف مستقل تأثیری در ضریب تکاثر ندارد.

۷- گزینه «۱» در مدل دو بخشی در تعادل، کل درآمد ملی با مصرف و سرمایه‌گذاری برابر است. در این حالت پس‌انداز با سرمایه‌گذاری برابر خواهد بود ($I=S$) ولی اگر $y > C+I$ باشد، $S > I$ بوده و تغییر در موجودی انبار مثبت خواهد بود و اگر $y < C+I$ باشد، $S < I$ بوده و تغییر در موجودی انبار منفی خواهد بود. بنابراین وقتی تقاضای کل ($y^d = C+I$) از عرضه کل (y) بیشتر باشد $S < I$ است.



۸- گزینه «۴» تغییر مصرف مستقل باعث انتقال موازی تابع مصرف خواهد شد. تغییر صادرات و مخارج دولت با تغییر درآمد ملی باعث تغییر مصرف القایی و حرکت روی تابع مصرف می‌شود ولی نرخ نهایی مالیات (t) به دلیل تأثیرگذاری روی شیب تابع مصرف باعث تغییر مصرف خواهد شد و تابع مصرف را به صورت ناموازی انتقال می‌دهد.

$$C = C_0 + cY_d \quad Y_d = Y - T \Rightarrow T = T_0 + tY \Rightarrow C = C_0 + c(Y - T_0 - tY) \Rightarrow C = C_0 - cT_0 + (c - ct)Y$$

۹- گزینه «۳» افزایش در پرداخت‌های انتقالی و مخارج مستقل دولت باعث افزایش درآمد ملی خواهند شد ولی با افزایش مالیات و واردات (نشستی‌ها) درآمد ملی کاهش خواهد یافت، افزایش در خالص درآمدهای مالیاتی یعنی، مالیات‌ها منهای بارانه، باعث کاهش در درآمد تعادلی خواهد شد.

۱۰- گزینه «۱» افزایش پرداخت‌های انتقالی باعث افزایش درآمد ملی و کاهش مخارج دولتی، باعث کاهش درآمد ملی خواهد شد. ولی برای تعیین سهم و تأثیر هر یک در تغییر درآمد ملی باید ضریب تکاثر این دو متغیر را به دست آوریم:

$$\text{ضریب تکاثر مخارج دولتی} = \frac{1}{1 - c(1 - t)} (\Delta G) \quad \text{ضریب تکاثر پرداخت‌های انتقالی} = \frac{c}{1 - c(1 - t)} (\Delta TR)$$

c همواره کوچک‌تر از یک می‌باشد در نتیجه، ضریب تکاثر مخارج دولتی (G) بزرگ‌تر از ضریب تکاثر پرداخت‌های انتقالی (TR) خواهد بود و تأثیر آن روی درآمد ملی بیش‌تر است.

۱۱- گزینه «۴» مخارج دولت، سرمایه‌گذاری خصوصی و صادرات دارای ضریب تکاثر یکسانی در درآمد ملی هستند $\left(\frac{1}{1 - c + ct}\right)$ در نتیجه، با افزایش آن‌ها درآمد ملی به یک مقدار افزایش می‌یابد.

۱۲- گزینه «۴» وقتی مالیات تابعی از درآمد ملی باشد $(T = T_0 + tY)$ و اگر نرخ مالیات (t) ثابت باشد، تغییر در مالیات ثابت باعث تغییر درآمد مالیاتی به میزان بیشتری خواهد بود $(dT = dT_0 + tdY)$ ، با توجه به ضریب تکاثر ثابت خواهیم داشت:

$$dT = dT_0 + t \left(\frac{-c}{1 - c + ct} \right) dT_0 \Rightarrow 20 = dT_0 + 0/25(-5) (dT_0) \Rightarrow 20 = dT_0(1 + (-1/25)) \Rightarrow 20 = -0/25 dT_0 \Rightarrow dT_0 = -80$$

۱۳- گزینه «۴» ضریب تکاثر بودجه متوازن (تغییر یک اندازه در مخارج دولت و مالیات) در یک الگوی سه بخشی و در صورتی که سرمایه‌گذاری برون‌زا باشد برابر یک می‌باشد. یعنی با افزایش مخارج دولت و مالیات، درآمد نیز به اندازه آن‌ها تغییر خواهد کرد. چون ضریب تکاثر مخارج دولت بیشتر از ضریب تکاثر مالیات است این اتفاق رخ می‌دهد.

۱۴- گزینه «۴» ضریب تکاثر متغیرهای مستقل با داشتن واردات به عنوان تابعی از درآمد ملی عبارت است از:

$$K = \frac{1}{1 - b + bt + m}$$

m میل نهایی به واردات، t نرخ نهایی مالیات و b میل نهایی به مصرف می‌باشد در نتیجه، با افزایش t یا m ضریب تکاثر کاهش خواهد یافت.

$$\text{ضریب فزاینده مدل سه بخشی} = \frac{1}{1 - b + bt} = \frac{1}{1 - 0/9 + (0/9)\left(\frac{1}{3}\right)} = 2/5 \quad \text{ضریب فزاینده مدل سه بخشی عبارت است از:}$$

۱۶- گزینه «۳» تعادل پایدار زمانی اتفاق می‌افتد که اگر از تعادل خارج شویم دوباره به تعادل اولیه برگردیم. اگر شیب تابع تقاضای کل (C + I + G) کمتر از شیب تابع عرضه کل باشد (خط ۴۵ درجه)، تعادل پایدار است چون در صورت خروج از تعادل، درآمدهای بیشتر از درآمد تعادلی، موجودی انبار افزایش خواهد داشت و دوباره درآمد ملی در دوره آتی تعدیل می‌شود و اگر درآمد کمتر از درآمد تعادلی باشد، تغییر موجودی انبار منفی خواهد بود و در دوره آتی درآمد افزایش می‌یابد.

۱۷- گزینه «۱» با کاهش مالیات‌ها و با افزایش تقاضای کل، قیمت‌ها افزایش می‌یابند و برای کاهش مجدد قیمت‌ها باید تقاضای کل را کاهش داد. کاهش مخارج دولت باعث کاهش تقاضای کل می‌شود. چون ضریب تکاثر مخارج دولت از ضریب تکاثر مالیات به صورت قدر مطلق بزرگ‌تر است، برای کاهش اثر کاهش مالیات‌ها مخارج دولت بایستی کمتر کاهش یابد.

۱۸- گزینه «۴» با افزایش پرداخت‌های انتقالی دولت، درآمد ملی با ضریب $\frac{c}{1-c+ct}$ افزایش می‌یابد و چون ضریب تکاثر مخارج دولت (G) برابر $\frac{1}{1-c+ct}$ می‌باشد. به دلیل اینکه میل نهایی به مصرف (c) همواره بین صفر و یک می‌باشد، ضریب تکاثر مخارج دولت از ضریب تکاثر پرداخت‌های انتقالی بیشتر می‌باشد.

۱۹- گزینه «۴» زمانی که شکاف رکودی رخ می‌دهد منظور این است که تقاضا کاهش یافته و سطح اشتغال کمتر از سطح اشتغال بالقوه و طبیعی است. در این حالت، باید تقاضا را افزایش داد. به این منظور دولت می‌تواند با اعمال سیاست‌های مالی انبساطی همچون افزایش مخارج خود یا کاهش مالیات‌ها تقاضای کل را افزایش دهد. گزینه «۲» نیز می‌تواند درست باشد البته به شرطی که $\Delta G = \Delta T$ یا $\Delta G > \Delta T$ باشد.

۲۰- گزینه «۳و۱» تقاضای کل مخارج برنامه‌ریزی شده می‌باشد و مخارج کل، مخارج تحقق یافته است و شامل مخارج کل برنامه‌ریزی شده و برنامه‌ریزی نشده می‌باشد. معمولاً مصرف (C) و مخارج دولت (G) برنامه‌ریزی شده است و فقط سرمایه‌گذاری (I) می‌تواند برنامه‌ریزی نشده نباشد (I_{up}) و به آن تغییر ناخواسته در موجودی انبار می‌گویند.

منظور از رابطه اتحادی رابطه‌ای است که همواره برقرار باشد. بنابراین با توجه به دو معادله زیر اگر تغییر در موجودی انبار صفر باشد رابطه مدل سه بخشی درآمد یک رابطه اتحادی خواهد بود و در این حالت $C+G+I$ تحقق یافته است نه برنامه‌ریزی شده:

$$Y = C + I_p + I_{up} + G \quad \text{رابطه تحقق یافته} \quad Y = C + I + G \quad \text{اتحادی - برنامه‌ریزی شده} \quad (I_{up} = 0)$$

۲۱- گزینه «۲» تغییرات مصرف تقسیم بر تغییرات درآمد میل نهایی به مصرف می‌باشد و تغییرات پس‌انداز نسبت به تغییرات درآمد میل نهایی به پس‌انداز $MPC = \frac{\Delta C}{\Delta Y}$ $MPS = \frac{\Delta S}{\Delta Y} \Rightarrow \frac{1000 - (-1000)}{15000 - 10000} = \frac{2000}{5000} = \frac{2}{5}$ در نتیجه:

$$MPC + MPS = 1 \quad \frac{2}{5} + MPC = 1 \quad MPC = \frac{3}{5}$$

۲۲- گزینه «۱» میل نهایی به واردات از رابطه ضریب تکاثر به صورت زیر قابل محاسبه می‌باشد:

$$\left. \begin{aligned} \text{ضریب تکاثر} &= \frac{1}{1-b+m} = \frac{80}{40} = 2 \\ MPC = b &= \frac{\Delta C}{\Delta Y} = \frac{48}{80} = 0/6 \end{aligned} \right\} \frac{1}{1-0/6+m} = 2 \Rightarrow m = 0/1$$

۲۳- گزینه «۱» از ضریب تکاثر و رابطه G با کسری بودجه می‌توان c و t را مشخص کرد:

$$\text{ضریب تکاثر} = \frac{\Delta Y}{\Delta G} = \frac{1}{1-c+ct} = \frac{200}{80} = 2/5 \Rightarrow 1-c+ct = 0/4$$

$$\frac{\Delta BD}{\Delta G} = 1 - \frac{t}{1-c+ct} = \frac{30}{80} = 0/375 \Rightarrow \frac{t}{1-c+ct} = 0/625$$

$$\frac{t}{0/4} = 0/625 \Rightarrow t = 0/25 ; 1-c+c(0/25) = 0/4 \Rightarrow c = 0/1 \quad \Delta BD \text{ تغییر در کسری بودجه می‌باشد.}$$

۲۴- «هیچ کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.» میل نهایی به مصرف از تقسیم تغییر در مصرف بر تغییر درآمد به دست می‌آید. برداشت ۱۰۰۰ واحد از پس‌اندازهای انباشته شده قبلی به این معنی است که مصرف‌کننده همه ۲۰۰۰ واحد درآمدش را مصرف می‌کند و علاوه بر آن ۱۰۰۰ واحد از مصرفش را به کمک پس‌اندازهای قبلی پوشش می‌دهد یعنی مصرف برابر ۲۱۰۰۰ واحد خواهد بود.

$$MPC = \frac{24000 - 21000}{25000 - 20000} = \frac{3}{5} = 0/6$$



۲۵- گزینه «۱» می‌توان رابطه درآمد ملی تعادلی در مدل سه بخشی را برای این سؤال حل نمود:

$$Y = \frac{C_0 - cT_0 + I_0 + G}{1 - c + ct}$$

$$\left. \begin{aligned} \text{ضریب تکاثر } (K_G) &= \frac{1}{1 - c + ct} = \Delta \\ \text{ضریب تکاثر نرخ مالیات } (K_t) &= \frac{dY}{dt} = \frac{-cY}{1 - c + ct} = -8000 \end{aligned} \right\} \Rightarrow K_t = -cYK_G$$

$$\Rightarrow -c(2000)(\Delta) = -8000 \Rightarrow c = 0/8$$

در نتیجه خواهیم داشت:

$$\frac{1}{1 - 0/8 + 0/8(t)} = \Delta \Rightarrow t = 0$$

۲۶- گزینه «۳» موجودی مطلوب انبار به عنوان سرمایه و عامل تولیدی در مدل‌های کینزی دارای مانده مثبت است، ولی وقتی تعادل برقرار می‌شود تغییرات نامطلوب یا ناخواسته در موجودی‌های انبار ($I_{up} = 0$) برابر صفر می‌باشد.

۲۷- گزینه «۱» در اقتصاد کینزی که به اقتصاد طرف تقاضا معروف می‌باشد، سیاست‌های انبساطی پولی و مالی باعث افزایش تقاضای کل و در نتیجه درآمد ملی می‌شود و می‌تواند رکود را در اقتصاد حل کند. بنابراین با افزایش مخارج دولت که یک سیاست مالی انبساطی است کاهش رکود و کسادای اتفاق می‌افتد.

۲۸- «هیچ کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.» در صورتی که تقاضای کل کمتر از عرضه کل باشد مجموع نشت‌ها در اقتصاد از مجموع تزریق‌ها بیشتر است و تغییرات ناخواسته در موجودی انبار مثبت است، یعنی قسمتی از کالاها به فروش نرفته و به انبار اضافه شده است:

$$Y^S > Y^D \Rightarrow Y > C + I + G \Rightarrow C + S + T > C + I + G \Rightarrow S + T > I + G, \quad I_{up} > 0$$

چون مقادیر G و T مشخص نیست نمی‌توان روی I و S بررسی دقیقی انجام داد. اگر الگو دو بخشی بود می‌توانستیم نتیجه بگیریم که $S > I$ است.

۲۹- گزینه «۳» با توجه به معمای خست، اگر همه خانواده‌ها تصمیم بگیرند بیش‌تر پس‌انداز کنند و اگر سرمایه‌گذاری تابع درآمد ملی باشد با افزایش پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال کاهش می‌یابد. ولی اگر سرمایه‌گذاری برون‌زا باشد، با افزایش پس‌انداز فقط تولید ملی و اشتغال کاهش می‌یابد.

۳۰- گزینه «۳» ضریب تکاثر پرداخت‌های انتقالی برابر است با:

$$(1 - c) = 0/4 \Rightarrow c = 0/6$$

$$\text{ضریب تکاثر پرداخت‌های انتقالی} = \frac{c}{1 - c} \Rightarrow \frac{0/6}{1 - 0/6} = 1/5 \Rightarrow \Delta Y = 1/5(100) = 150$$

۳۱- گزینه «۱» رابطه درآمد ملی به صورت روبرو است:

یعنی درآمد از مجموع مصرف، سرمایه‌گذاری و خالص صادرات (واردات - صادرات) به دست می‌آید.

$$y = C + I_a + X_a - M$$

$$y = 50 + 0/8y + 40 + 32 - 2 - 0/05y \rightarrow y - 0/8y + 0/05y = 120 \rightarrow 0/25y = 120 \rightarrow y = 480$$

۳۲- گزینه «۱» ضریب بودجه متوازن $\frac{1 - c}{1 - c}$ می‌باشد که برابر یک است. ولی اگر سرمایه‌گذاری علاوه بر نرخ بهره تابعی از درآمد نیز باشد ضریب تکاثر

بودجه متوازن به صورت روبرو خواهد بود که بزرگ‌تر از یک می‌شود:

$$\text{ضریب تکاثر بودجه متوازن} = \frac{1 - c}{1 - c - e} > 1$$

۳۳- گزینه «۴» در مدل ساده کینزی، با مازاد عرضه مواجه هستیم و با تغییرات عرضه کل تغییری در تولید تعادلی (فروش) نخواهیم داشت. در نتیجه، عرضه کل در تعیین تولید بی‌تأثیر می‌باشد و فرض می‌شود که هرچقدر تقاضا در بازار باشد، تولید جوابگوی آن خواهد بود.

۳۴- گزینه «۴» در مدل کینزی، تفاوت تولید ملی و تقاضای کل جامعه در موجودی ناخواسته انبار تسویه می‌شود.

۳۵- گزینه «۴» در حالت اشتغال کامل، طبق نظریه کلاسیکها بازار سرمایه می‌تواند با تعیین نرخ بهره منجر به تصمیم‌گیری مردم نسبت به سرمایه‌گذاری و پس انداز یا مصرف کالاها و خدمات گردد که در صورت انتخاب مصرف کالاها تقاضا زیاد می‌شود و سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد. ولی در صورت انتخاب سرمایه‌گذاری، چون اقتصاد در اشتغال کامل می‌باشد فقط قیمت‌ها کاهش می‌یابند. در هیچ یک از این موارد سطح تولید تعادلی تغییر نخواهد کرد.

۳۶- گزینه «۴»

$$y = C + I_a + G = 40 + 0.6y - 0.6 \times 20 + 60 + 20 \Rightarrow y = 108 + 0.6y \Rightarrow 0.4y = 108 \Rightarrow y = 270$$

۳۷- گزینه «۳» ضریب تکاثر به صورت روبرو تعیین می‌شود: $\Delta y = \frac{1}{3} \times 300 = 100$

۳۸- گزینه «۳» تابع مصرف برابر است با:

$$C = C_0 + 0.8Y_d \Rightarrow C = C_0 + 0.8(Y - T_0 - 0.25Y) \Rightarrow dC = 0.8(dY - dT_0 - 0.25dY)$$

$$\frac{dY}{dT_0} = \frac{-c}{1-c+ct} = \frac{-0.8}{1-0.8+(0.8)(0.25)} = \frac{-0.8}{0.4} = -2 \Rightarrow dY = -2dT_0 = -2(-100) = 200$$

که dY برابر است با:

$$dC = 0.8(200 - (-100) - 0.25(200)) = 200$$

با جایگزینی در dC خواهیم داشت:

۳۹- گزینه «۱» در الگوی دو بخشی اگر سرمایه‌گذاری برون‌زا باشد، ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری مستقل یا مصرف مستقل برابر است با:

$$k = \frac{1}{1-b}$$

که b میل نهایی به مصرف است.

حال اگر سرمایه‌گذاری را تابعی مستقیم از درآمد ملی در نظر بگیریم، یعنی $I = I_0 + eY$ ، e میل نهایی به سرمایه‌گذاری می‌باشد. در این صورت، ضریب

تکاثر برابر خواهد بود با:

$$k = \frac{1}{1-b-e}$$

که در مقایسه با حالت قبل بزرگ‌تر می‌باشد، زیرا $0 < e < 1$ است.

۴۰- گزینه «۳» در این سؤال اقتصاد دو بخشی با وجود پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است و در نتیجه رابطه درآمد ملی به صورت زیر است:

$$y = C + I_a = 100 + 0.8y + 20 \Rightarrow 0.2y = 120 \Rightarrow y = 600$$

۴۱- گزینه «۴» رابطه درآمد ملی به صورت روبرو است:

$$y = C + I_a + X_a - M$$

یعنی درآمد از مجموع مصرف، سرمایه‌گذاری و خالص صادرات (واردات - صادرات) به دست می‌آید.

$$y = 50 + 0.8y + 40 + 32 - 2 - 0.5y \rightarrow y - 0.8y + 0.5y = 120 \rightarrow 0.25y = 120 \rightarrow y = 480$$

۴۲- گزینه «۴»

$$Y = C + I + G$$

$$\Delta Y = \Delta C + \Delta G = 100 + 150 = 250$$

اگر G تغییر کند خواهیم داشت:

میل نهایی به مصرف عبارت است از:

$$MPC = \frac{dC}{dY} = c \rightarrow c = \frac{150}{250} \rightarrow c = 0.6 \quad K_G = \frac{1}{1-c} = \frac{1}{1-0.6} = 2.5$$

می‌دانیم که K_G برابر با K_I است، بنابراین:

$$K_G = K_I = \frac{dY}{dI} = 2.5 \rightarrow dY = 2.5dI = 2.5(200) = 500$$



۴۳- گزینه «۲» فرمول سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده یا تغییرات ناخواسته در موجودی انبار (I_{up}) به صورت روبرو است:

$$I_{up} = y^s - y^d \quad \text{که } y^s \text{ عرضه و } y^d \text{ تقاضا است.}$$

$$I_{up} < 0 \rightarrow y^s - y^d < 0 \rightarrow y^s < y^d$$

$I_{up} < 0$ به معنی بیشتر بودن تقاضا از عرضه است و مازاد تقاضا به وجود می‌آید که سبب افزایش درآمد اسمی و سطح قیمت‌ها می‌شود که به معنی شکاف تورمی است. در این حالت $S < I$ است یعنی، پس‌انداز کوچک‌تر از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده است.

۴۴- گزینه «۲» از آن جایی که مدل مورد اشاره سه بخشی می‌باشد که در آن هزینه‌های دولت ثابت و برون‌زا است، رابطه y را به صورت زیر به دست می‌آوریم:

$$y = C + I + G = 1200 + 0.7y + 400 + 0.1y + G \rightarrow y - 0.8y = 1600 + G \rightarrow 0.2y = 1600 + G \rightarrow y = 8000 + 5G$$

حال تغییرات y را نسبت به G به دست می‌آوریم. با کاهش ۲۰۰ واحدی G ، مقدار ΔG برابر ۲۰۰ می‌شود.

$$\frac{\Delta y}{\Delta G} = \frac{dy}{dG} = 5 \rightarrow \frac{\Delta y}{-200} = 5 \rightarrow \Delta y = -1000$$

حال از رابطه C و I ، تغییرات C و I را با توجه به تغییرات y به دست می‌آوریم.

$$C = 1200 + 0.7y \rightarrow \Delta C = 0.7\Delta y \xrightarrow{\Delta y = -1000} \Delta C = 0.7(-1000) = -700$$

$$I = 400 + 0.1y \rightarrow \Delta I = 0.1\Delta y \xrightarrow{\Delta y = -1000} \Delta I = 0.1(-1000) = -100$$

علامت منفی یعنی مصرف ۷۰۰ واحد کاهش می‌یابد.

پس سرمایه‌گذاری ۱۰۰ واحد کاهش می‌یابد.

۴۵- گزینه «۱» در یک نظام با مالیات مقطوع، ضریب افزایش یا ضریب فزاینده از رابطه $\frac{1}{1-c}$ به دست می‌آید که c میل نهایی به مصرف است. اگر در نظام با مالیات

بر درآمد نرخ مالیات را t فرض کنیم، ضریب فزاینده برابر $\frac{1}{1-c(1-t)}$ است. از آنجایی که t مقدار بین صفر و یک است، $c(1-t)$ کوچک‌تر از c خواهد شد.

بنابراین در ضریب فزاینده نظام مالیات بر درآمد، مقدار کوچک‌تری از عدد یک کم شده و در نتیجه مخرج کسر بزرگ‌تر از حالت اول می‌شود و موجب می‌شود که ضریب فزاینده در نظام با مالیات بر درآمد کوچک‌تر از نظام با مالیات مقطوع شود. هرچه ضریب فزاینده کوچک‌تر باشد، اثر یک رکود اقتصادی نیز کمتر خواهد بود.

$$MPS = 1 - c = 0.2 \Rightarrow c = 0.8$$

۴۶- گزینه «۲»

$$\text{شکاف رکودی} = \frac{\text{شکاف GNP}}{\text{ضریب تکاثر مدلی برای تقاضای مستقل}} = \frac{\text{شکاف GNP}}{\text{ضریب تکاثر C}} \Rightarrow 20 = \frac{\text{شکاف GNP}}{\frac{1}{1-0.8}} \Rightarrow \text{شکاف GNP} = 20 \times 5 = 100$$

۴۷- گزینه «۱» چون درآمد ملی تعادلی از درآمد اشتغال کامل بیشتر است، پس باید آن را کاهش دهیم یعنی، $\Delta Y = -100$ خواهد بود. از ضریب

فزاینده مخارج دولت در مدل درآمد مخارج داریم:

$$\Delta Y = \frac{\Delta G}{1 - c(1-t) - e} \Rightarrow -100 = \frac{\Delta G}{1 - 0.8(1 - 0.25) - 0.15} \Rightarrow \Delta G = -25$$

یعنی باید مخارج دولت را ۲۵ واحد کاهش دهیم.

فصل سوم

«مدل‌های IS – LM»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

کله ۱- هر قدر سرمایه‌گذاری و تقاضای پول نسبت به نرخ بهره حساس‌تر باشد (یعنی هر دو نسبت به نرخ بهره با کشش باشد)، منحنی..... شیب‌تر می‌شوند.

(سراسری ۷۵)

- (۱) IS و LM پر (۲) IS و LM کم (۳) IS پرشیب‌تر و LM کم (۴) IS کم شیب‌تر و LM پر

(سراسری ۷۵)

کله ۲- در کدام حالت زیر شیب منحنی IS مثبت خواهد بود؟

- (۱) اگر سرمایه‌گذاری علاوه بر نرخ بهره تابعی از درآمد بوده و مجموع میل نهایی به مصرف و سرمایه‌گذاری بزرگ‌تر از یک باشد.
 (۲) اگر سرمایه‌گذاری علاوه بر نرخ بهره تابعی از درآمد بوده و مجموع میل نهایی به مصرف و سرمایه‌گذاری کوچک‌تر از یک باشد.
 (۳) اگر سرمایه‌گذاری تابعی از نرخ بهره و درآمد نبوده و میل نهایی به مصرف کوچک‌تر از یک باشد.
 (۴) اگر سرمایه‌گذاری تابعی از درآمد نبوده و نسبت به نرخ بهره با کشش باشد.

کله ۳- براساس مدل IS – LM، اگر مجلس مالیات‌ها را به صورت دائمی افزایش دهد، اما بانک مرکزی بخواهد درآمد را ثابت نگه دارد، در این صورت

(سراسری ۷۵)

بانک مرکزی می‌تواند:

- (۱) عرضه پول را کاهش دهد. (۲) عرضه پول را افزایش دهد.
 (۳) ابتدا عرضه پول را کاهش و سپس آن را افزایش دهد. (۴) ابتدا عرضه پول را افزایش و سپس آن را کاهش دهد.

(سراسری ۷۵)

کله ۴- شیب منحنی IS بستگی دارد به:

- (۱) مالیات‌های مقطوع و مخارج دولت (۲) میزان حساسیت سرمایه‌گذاری به نرخ بهره و مالیات‌های مقطوع
 (۳) میزان حساسیت سرمایه‌گذاری به نرخ بهره و میزان مخارج دولت (۴) میزان حساسیت سرمایه‌گذاری به نرخ بهره و میل نهایی به مصرف

(سراسری ۷۵)

کله ۵- زمانی که مخارج دولت افزایش می‌یابد ولی مالیات‌ها افزایش نمی‌یابند معمولاً نرخ‌های بهره:

- (۱) افزایش می‌یابند. (۲) تغییر نمی‌یابند. (۳) کاهش می‌یابند. (۴) جهت تغییر مشخص نیست.

کله ۶- اگر تابع تقاضای پول به صورت: $M_d = 50 + 0.2y - 10r$ باشد، 10 واحد افزایش حجم پول منحنی LM را چند واحد به طرف راست انتقال

(سراسری ۷۵)

می‌دهد؟

- (۱) ۱۰ (۲) ۲۰ (۳) ۴۰ (۴) ۵۰

(سراسری ۷۵)

کله ۷- نقاط واقع در سمت راست و بالای منحنی IS نشان‌دهنده ترکیبی از درآمد و نرخ بهره است که در قالب آن مازاد..... وجود دارد.

- (۱) تقاضای کالاها و خدمات (۲) عرضه کالاها و خدمات (۳) تقاضای پول (۴) عرضه پول

(سراسری ۷۵)

کله ۸- با در نظر گرفتن IS در شرایط عادی، تعادل بازار کالاها به هنگام افزایش درآمد در صورتی تحقق می‌یابد که:

- (۱) تقاضای پول افزایش یابد. (۲) عرضه پول کاهش یابد. (۳) نرخ بهره افزایش یابد. (۴) نرخ بهره کاهش یابد.

(سراسری ۷۵)

کله ۹- با توجه به اصل تناقض خست اگر همه مردم بیشتر پس‌انداز نمایند چه تغییری در پس‌انداز و درآمد به وجود می‌آید؟

- (۱) درآمد و پس‌انداز القایی هیچ تغییری پیدا نمی‌کند. (۲) درآمد تغییر پیدا نمی‌کند، اما پس‌انداز القایی بیشتر می‌شود.
 (۳) درآمد کاهش و پس‌انداز القایی نیز کاهش می‌یابد. (۴) درآمد کاهش و پس‌انداز القایی افزایش می‌یابد.

(سراسری ۷۵)

کله ۱۰- وقتی منحنی LM دارای شیب صفر است،

- (۱) ناحیه کینز است و سیاست پولی کاراتر از سیاست مالی است. (۲) ناحیه کینز است و سیاست مالی کاراتر از سیاست پولی است.
 (۳) ناحیه کلاسیک‌ها است و سیاست پولی کاراتر از سیاست مالی است. (۴) ناحیه کلاسیک است و سیاست مالی کاراتر از سیاست پولی است.



(سراسری ۷۵)

کج ۱۱- منحنی IS به مفهوم:

- (۱) برابری پس‌انداز - سرمایه‌گذاری است که ارتباط مثبت بین نرخ بهره و سطح درآمد را بیان می‌کند.
- (۲) تعادل بازار کالا است که ارتباط منفی بین نرخ بهره و سطح درآمد را بیان می‌کند.
- (۳) تعادل سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده و پس‌انداز برنامه‌ریزی شده که ارتباط منفی بین سرمایه‌گذاری و سطح درآمد است را بیان می‌کند.
- (۴) تعداد بازار کالا است که هیچ رابطه‌ای با نرخ بهره و سطح درآمد ندارد.

(سراسری ۷۶)

کج ۱۲- عوامل انتقال‌دهنده تابع LM عبارتند از:

- (۱) تغییر مستقل در تابع رجحان نقدینگی پول و تغییر در حساسیت تقاضا برای پول نسبت به نرخ بهره
- (۲) تغییر در عرضه واقعی پول و تغییر مستقل در تابع رجحان نقدینگی پول
- (۳) حساسیت تقاضا برای پول نسبت به تغییرات درآمد و حساسیت تقاضا برای پول نسبت به نرخ بهره
- (۴) عرضه واقعی پول و حساسیت تقاضا برای پول نسبت به تغییرات درآمد

کج ۱۳- اگر میل نهایی به مصرف برابر با 0.75 باشد (و وقتی که مالیات‌ها فقط از نوع غیرمستقیم هستند و هیچ‌گونه مالیات مستقیمی در اقتصاد وجود ندارد) هر گاه مالیات‌های غیرمستقیم به میزان 100 واحد پولی کاهش یابد، منحنی IS برای هر نرخ بهره معلوم به سمت راست و بالا و به طور موازی انتقال می‌یابد. میزان این انتقال برابر چند واحد طولی است؟

(سراسری ۷۶)

- (۱) 100 (۲) 200 (۳) 300 (۴) 400

(سراسری ۷۶)

کج ۱۴- با توجه به اطلاعات روبرو معادله IS را به دست آورید. $C = 90 + 0.6Y$ و $I = 150 - 10i$

- (۱) $Y = 600 - 250i$ (۲) $Y = 600 - 150i$ (۳) $Y = 600 - 200i$ (۴) $Y = 600 - 170i$

(سراسری ۷۶)

کج ۱۵- اگر نرخ مالیات کاهش یابد شیب IS

- (۱) بیشتر می‌شود. (۲) ثابت می‌ماند. (۳) عمودی است. (۴) کمتر می‌شود.

(سراسری ۷۶)

کج ۱۶- با فرض تعادل همزمان در دو بازار کالا و پول، آنگاه کاهش سرمایه‌گذاری مستقل منجر به

- (۱) افزایش درآمد و نرخ بهره می‌شود. (۲) افزایش نرخ بهره می‌شود. (۳) تنها نرخ بهره را کاهش می‌دهد. (۴) کاهش درآمد و نرخ بهره می‌شود.

کج ۱۷- اگر در یک الگوی IS-LM سیاست انقباضی پولی با سیاست انبساط مالی همراه گردد کدام مورد محتمل تر خواهد بود؟ سرمایه‌گذاری

(سراسری ۷۶)

- (۱) افزایش خواهد یافت. (۲) بدون تغییر باقی خواهد ماند. (۳) کاهش خواهد یافت. (۴) مستقل، افزایش خواهد یافت.

(سراسری ۷۶)

کج ۱۸- در نظریه معمول کینزی فرض شده است که:

- (۱) سطح قیمت‌ها به سطح پایین‌تر از سطح تسویه‌کننده عمومی بازار سقوط می‌نماید.
- (۲) سطح قیمت‌ها بالاتر از سطح تسویه‌کننده عمومی بازار قرار می‌گیرد.
- (۳) نرخ بهره بالاتر از سطح تسویه‌کننده عمومی بازار قرار می‌گیرد.
- (۴) نرخ بهره به پایین‌تر از سطح تسویه‌کننده عمومی بازار سقوط می‌نماید.

(سراسری ۷۶)

کج ۱۹- با توجه به اطلاعات روبرو معادله LM را به دست آورید: $L_1 = 0.25Y$, $L_2 = 50 - 200i$, $L_3 = 180$, $M_s = 180$

- (۱) $Y = 520 + 820i$ (۲) $Y = 520 + 811i$ (۳) $Y = 520 + 800i$ (۴) $Y = 520 + 810i$

(سراسری ۷۶)

کج ۲۰- تأثیرگذاری سیاست پولی نسبت به سیاست مالی بیشتر است، هر گاه کشش

- (۱) بهره‌ای تقاضای پول زیاد (۲) بهره‌ای سرمایه‌گذاری زیاد (۳) درآمدی تقاضای پول کم (۴) درآمدی سرمایه‌گذاری زیاد

(سراسری ۷۶)

کج ۲۱- هر نقطه در سمت راست و بالای منحنی IS معرف ترکیبی از درآمد و نرخ بهره است که در آن مازاد

- (۱) تقاضای کالا (۲) عرضه پول (۳) عرضه کالا (۴) عرضه کالا و پول

کج ۲۲- اگر توابع سرمایه‌گذاری و خالص صادرات هر دو به طور کامل نسبت به تغییرات نرخ بهره حساس نباشند، در این صورت منحنی

(سراسری ۷۶)

- (۱) LM - افقی (۲) IS - افقی (۳) LM - عمودی (۴) IS - عمودی



- کله ۲۳- در صورتی IS شیب مثبت خواهد داشت که میل نهایی به:
- (۱) مصرف و میل نهایی به پس‌انداز مساوی باشد.
 (۲) مصرف کوچک‌تر از میل نهایی به پس‌انداز باشد.
 (۳) حاصل جمع میل نهایی به مصرف و سرمایه‌گذاری کوچک‌تر از ۱ باشد.
 (۴) حاصل جمع میل نهایی به مصرف و سرمایه‌گذاری بزرگ‌تر از ۱ باشد.
- (سراسری ۷۷)
- کله ۲۴- اثر جانشینی جبری (Crowding – Out Effect):
- (۱) کامل است، اگر منحنی LM منحنی عمودی IS را قطع کند.
 (۲) در شرایط دام نقدینگی کامل است.
 (۳) به وجود نمی‌آید اگر منحنی IS افقی باشد.
 (۴) بیشتر است، اگر حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره، کمتر باشد.
- (سراسری ۷۷)
- کله ۲۵- سیاست پولی انبساطی موجب خواهد شد که نرخ بهره:
- (۱) و قیمت اوراق قرضه، کاهش یابد.
 (۲) و قیمت اوراق قرضه، افزایش یابد.
 (۳) کاهش و قیمت اوراق قرضه، افزایش یابد.
 (۴) افزایش و قیمت اوراق قرضه، کاهش یابد.
- (سراسری ۷۷)
- کله ۲۶- سیاست پولی هنگامی بیشترین تأثیر را دارد که:
- (۱) IS عمودی باشد.
 (۲) LM عمودی باشد.
 (۳) LM عمودی و IS افقی باشد.
 (۴) LM افقی و IS عمودی باشد.
- (سراسری ۷۷)
- کله ۲۷- کدام گزینه در شرایط عادی صحیح است؟
- (۱) سیاست پولی می‌تواند شیب منحنی LM را تغییر دهد.
 (۲) سیاست پولی بر موقعیت منحنی LM بی‌تأثیر است.
 (۳) سیاست مالی می‌تواند شیب منحنی IS و موقعیت آن را تغییر دهد.
 (۴) سیاست مالی می‌تواند تنها شیب منحنی IS را تغییر دهد.
- (سراسری ۷۷)
- کله ۲۸- اگر نرخ مالیات بر درآمد افزایش یابد:
- (۱) قدر مطلق شیب IS افزایش می‌یابد.
 (۲) قدر مطلق شیب IS کاهش می‌یابد.
 (۳) در شیب IS بدون تأثیر است.
 (۴) به درصد افزایش بستگی دارد.
- (سراسری ۷۷)
- کله ۲۹- چنانچه کسر بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین شود، آنگاه، نرخ بهره در کوتاه مدت،
- (۱) افزایش یافته و درآمد تعادلی افزایش می‌یابد.
 (۲) افزایش یافته و درآمد تعادلی کاهش می‌یابد.
 (۳) کاهش یافته و درآمد تعادلی نیز کاهش می‌یابد.
 (۴) کاهش یافته و درآمد تعادلی افزایش می‌یابد.
- (سراسری ۷۷)
- کله ۳۰- در اقتصاد کینزی اگر تقاضا برای پول افزایش یابد و سطح قیمت‌ها و عرضه واقعی پول ثابت باشد، در شرایط اشتغال کامل چه نتایج حاصل می‌شود؟
- (۱) نرخ بهره کاهش و درآمد ملی افزایش می‌یابند و در اقتصاد تورم به‌وجود می‌آید.
 (۲) نرخ بهره و درآمد هر دو افزایش می‌یابند و در اقتصاد تورم به‌وجود می‌آید.
 (۳) نرخ بهره افزایش و درآمد ملی کاهش می‌یابند و در اقتصاد رکود تورمی به‌وجود می‌آید.
 (۴) نرخ بهره افزایش و درآمد ملی کاهش می‌یابند و در اقتصاد رکود اقتصادی و بیکاری به‌وجود می‌آید.
- (سراسری ۷۸)
- کله ۳۱- اگر درصدی که مردم از درآمد ملی برای انجام معاملات (K) نگهداری می‌کنند برابر با ۲۵٪ باشد، آنگاه در یک الگوی هندسی IS-LM با افزایش عرضه پول به مقدار ۱۰۰ میلیارد ریال، منحنی LM به طرف راست انتقال می‌یابد، میزان انتقال LM چقدر خواهد بود؟
- (۱) ۴۰۰ میلیارد ریال (۲) ۳۵۰ میلیارد ریال (۳) ۲۵۰ میلیارد ریال (۴) ۱۰۰ میلیارد ریال
- (سراسری ۷۸)
- کله ۳۲- اثر جانشینی جبری (CROWDING – OUTEFFECT):
- (۱) در ناحیه دام نقدینگی به حداکثر خود می‌رسد.
 (۲) در ناحیه دام نقدینگی به حداقل می‌رسد.
 (۳) در ناحیه میانی به حداقل می‌رسد.
 (۴) در ناحیه کلاسیک‌ها به حداقل می‌رسد.



- ۳۳- اگر مخارج دولتی و مالیات‌ها هر دو به اندازه مساوی ۲۵ واحد کاهش یابند و مالیات‌ها تابعی از درآمد باشند: (سراسری ۷۸)
- (۱) درآمد ملی به اندازه ۲۵ واحد، کاهش می‌یابد.
 - (۲) درآمد ملی کمتر از ۲۵ واحد، کاهش می‌یابد.
 - (۳) با اطلاعات فوق نمی‌توان پاسخ داد.
 - (۴) درآمد ملی بیش از ۲۵ واحد، کاهش می‌یابد.
- ۳۴- سیاست پولی بی‌اثرتر است اگر (سراسری ۷۸)
- (۱) میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر باشد.
 - (۲) نرخ نهایی مالیات کوچک‌تر باشد.
 - (۳) حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره کمتر باشد.
 - (۴) حساسیت تقاضا برای پول نسبت به نرخ بهره کمتر باشد.
- ۳۵- هر قدر درون‌زایی عرضه پول (نسبت به نرخ بهره) بیشتر باشد: (سراسری ۷۸)
- (۱) منحنی LM خوابیده‌تر و کارایی سیاست‌های مالی کمتر است.
 - (۲) منحنی LM خوابیده‌تر و کارایی سیاست‌های مالی بیشتر است.
 - (۳) منحنی LM ایستاده‌تر و کارایی سیاست‌های مالی بیشتر است.
 - (۴) منحنی LM ایستاده‌تر و کارایی سیاست‌های پولی بیشتر است.
- ۳۶- در حالتی که تابع تقاضای پول در وضعیت دام نقدینگی بوده و عرضه کل صعودی باشد، افزایش عرضه پول باعث می‌شود که اگر در ابتدا تولید $Y = 2000$ و سطح قیمت $P = 3$ بوده سپس به (سراسری ۷۸)
- (۱) $Y = 2000$ و $P > 3$ تغییر یابد.
 - (۲) $Y > 2000$ و $P = 3$ تغییر یابد.
 - (۳) $Y > 2000$ و $P > 3$ تغییر نماید.
 - (۴) در همان سطح $Y = 2000$ و $P = 3$ باقی بماند.
- ۳۷- سیاست پولی نسبت به سیاست مالی هنگامی مؤثرتر است که: (سراسری ۷۸)
- (۱) منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، حساسیت کامل داشته باشد.
 - (۲) در بازار پول دام نقدینگی وجود داشته باشد.
 - (۳) منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، حساسیت نداشته باشد.
 - (۴) منحنی تقاضای پول نسبت به نرخ بهره، حساسیت کامل داشته باشد.
- ۳۸- نقاط سمت راست و پایین منحنی LM بیانگر کدام است؟ (سراسری ۷۹)
- (۱) اضافه عرضه کالا
 - (۲) اضافه تقاضای پول
 - (۳) اضافه عرضه پول
 - (۴) تعادل در بازار پول
- ۳۹- تغییر نرخ نهایی مالیات باعث تغییر در کدام یک از موارد زیر می‌گردد؟ (سراسری ۷۹)
- (۱) شیب منحنی IS
 - (۲) شیب منحنی LM
 - (۳) شیب و عرض از مبدأ منحنی IS
 - (۴) عرض از مبدأ منحنی IS
- ۴۰- اثرگذاری سیاست پولی بیشتر می‌گردد، اگر، حساسیت سرمایه‌گذاری به نرخ بهره (سراسری ۷۹)
- (۱) پایین و حساسیت تقاضای پول به نرخ بهره بالا باشد.
 - (۲) و حساسیت تقاضای پول به نرخ بهره هر دو پایین باشد.
 - (۳) بالا و حساسیت تقاضای پول به نرخ بهره پایین باشد.
 - (۴) بالا و حساسیت تقاضای پول به درآمد پایین باشد.
- ۴۱- کدام گزینه درباره جانشینی جبری نادرست است؟ (سراسری ۷۹)
- (۱) افزایش خریدهای دولت از کالاها و خدمات همواره موجب وقوع پدیده جانشینی جبری نمی‌شود.
 - (۲) جانشینی جبری کامل در اقتصادی که دارای منابع بیکار است رخ نمی‌دهد.
 - (۳) شدت جانشینی جبری را می‌توان با «سیاست پولی همراه‌کننده» کاهش داد.
 - (۴) در اشتغال کامل احتمال وقوع جانشینی جبری در پایین‌ترین سطح است.
- ۴۲- کارایی سیاست انبساطی مالی در چه وضعیت اقتصادی بیشتر است؟ (سراسری ۷۹)
- (۱) هنگامی که نرخ تورم در اقتصاد بالا باشد.
 - (۲) هنگامی که نرخ بهره در اقتصاد بالا باشد.
 - (۳) هنگامی که اقتصاد در وضعیت رکودی قرار دارد.
 - (۴) هنگامی که اقتصاد در رونق قرار دارد.

(سراسری ۷۹)

۴۳- در کدام یک از موارد زیر شیب منحنی IS به طور قطع صفر خواهد بود؟

- ۱) میل نهایی به پس‌انداز، مساوی میل نهایی به سرمایه‌گذاری باشد.
- ۲) میل نهایی به پس‌انداز، بزرگ‌تر از میل متوسط به پس‌انداز باشد.
- ۳) میل نهایی به پس‌انداز، کوچک‌تر از میل متوسط به پس‌انداز باشد.
- ۴) میل نهایی به پس‌انداز، کوچک‌تر از میل نهایی به سرمایه‌گذاری باشد.

۴۴- در شرایطی که ارزش موجودی کالاهای سرمایه‌ای در اقتصاد تابعی ثابت از درآمد $(K_t = \lambda Y_t)$ است، انتظار می‌رود اثر جانشینی جبری افزایش مخارج دولت باشد.

(سراسری ۷۹)

- ۱) سریع ۲) کامل ۳) محدود ۴) متغیر

۴۵- حجم پول حقیقی را ۱۰۰ واحد افزایش داده‌ایم. درآمد ملی ۴۰۰ واحد افزایش یافته است، اگر تابع سرمایه‌گذاری به صورت $I = 100 - 10r$ و

تقاضای پول به صورت $\frac{M^d}{P} = 0.2y - 15r$ باشد، برای افزایش درآمد ملی به میزان ۶۰۰ واحد دیگر مخارج دولت را تنها به چند واحد باید افزایش داد؟

(سراسری ۷۹)

- ۱) ۹۰ ۲) ۱۰۰ ۳) ۱۲۰ ۴) ۱۵۰

(سراسری ۷۹)

۴۶- هنگامی که منحنی LM دارای شیب بی‌نهایت باشد، این وضعیت:

- ۱) در ناحیه کلاسیکی این منحنی قرار دارد و در این ناحیه سیاست پولی کارا تر از سیاست مالی است.
- ۲) در ناحیه کلاسیکی این منحنی قرار دارد و در این ناحیه سیاست مالی کارا تر از سیاست پولی است.
- ۳) در ناحیه کینزی این منحنی قرار دارد و در این ناحیه سیاست مالی کارا تر از سیاست پولی است.
- ۴) در ناحیه کینزی این منحنی قرار دارد و در این ناحیه سیاست پولی کارا تر از سیاست مالی است.

(سراسری ۸۰)

۴۷- اگر کشش تابع سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره صفر باشد، آنگاه:

- ۱) با اعمال سیاست‌های پولی انبساطی می‌توان سطح درآمد ملی واقعی را بالا برد.
- ۲) تنها از طریق اعمال سیاست‌های مالی انبساطی می‌توان سطح درآمد ملی واقعی را بالا برد.
- ۳) شیب منحنی IS به سمت صفر میل می‌کند.
- ۴) شیب منحنی LM به سمت بی‌نهایت میل می‌کند.

(سراسری ۸۰)

۴۸- در الگوی ساده کینزی، افزایش حجم اسمی پول موجب تولید، نرخ بهره قیمت‌ها و حجم واقعی پول می‌گردد.

- ۱) افزایش - عدم تغییر - افزایش - افزایش
 ۲) افزایش - کاهش - افزایش - کاهش
 ۳) افزایش - کاهش - عدم تغییر - افزایش
 ۴) سیاست مالی هیچ‌گونه جانشینی جبری ایجاد نمی‌کند.

(سراسری ۸۰)

۴۹- در یک مدل IS-LM، (با قیمت ثابت)، اگر اقتصاد در نزدیکی اشتغال کامل باشد،

- ۱) سیاست پولی در تغییر سطح تعادلی درآمد بی‌تأثیر است.
 ۲) سیاست پولی در تغییر نرخ بهره مؤثر نیست.
 ۳) سیاست مالی در تغییر سطح تعادلی درآمد بی‌تأثیر است.
 ۴) سیاست مالی هیچ‌گونه جانشینی جبری ایجاد نمی‌کند.

(سراسری ۸۰)

۵۰- با توجه به مفهوم منحنی LM:

- ۱) نقاط واقع در بالا و سمت چپ منحنی LM نشان‌دهنده مزاد تقاضا برای پول است.
- ۲) نقاط تشکیل دهنده منحنی LM همچنین بیانگر تعادل در بازار اوراق قرضه می‌باشد.
- ۳) افزایش عرضه پول، باعث انتقال منحنی LM به سمت چپ می‌گردد.
- ۴) افزایش نرخ بهره، منحنی LM را به سمت راست منتقل می‌نماید.



۵۱- کدام عامل منحنی IS را در یک اقتصاد سه بخشی که در آن نرخ نهایی مالیات (t) مثبت است به طرف بالا و راست انتقال می‌دهد و ضمناً به چه مقدار بالا می‌برد؟ (توضیح: b میل نهایی به مصرف و Ga و Ta به ترتیب مخارج دولتی و مالیات‌های مستقل و a مخارج مصرفی مستقل است). (سراسری ۸۰)

$$(۱) \text{ افزایش در مخارج سرمایه‌گذاری دولت، } \frac{1}{1-b(1-t)}(\Delta Ga)$$

$$(۲) \text{ افزایش در پس‌انداز مردم، } \frac{1}{1-b(1-t)}(-\Delta a)$$

$$(۳) \text{ افزایش در مالیات‌های مستقل } \frac{-b}{1-b(1-t)}(\Delta Ta)$$

$$(۴) \text{ کاهش در مخارج سرمایه‌گذاری دولت، } \frac{1}{1-b(1-t)}(-\Delta Ga)$$

(آزاد ۸۰)

۵۲- پول‌گراها برای نکته تأکید دارند که اعمال سیاست مالی:

(۱) تنها بر سطح قیمت‌ها اثر می‌گذارد.

(۲) هیچ تغییری در سطح قیمت‌ها و سطح تولید ایجاد نمی‌کند.

(۳) موجب تغییر در سطح قیمت‌ها و سطح تولید می‌شود.

(۴) سطح قیمت‌ها را تغییر می‌دهد ولی هیچ اثری بر سطح تولید ندارد.

(آزاد ۸۰)

۵۳- شیب منحنی IS نسبتاً بزرگ‌تر خواهد شد، اگر:

(۱) میل نهایی به مصرف و نرخ مالیات نسبتاً بزرگ‌تر باشند.

(۲) میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر و نرخ مالیات کوچک‌تر باشند.

(۳) میل نهایی به مصرف و نرخ مالیات برابر یکدیگر باشند.

(۴) میل نهایی به مصرف کوچک‌تر و نرخ مالیات کوچک‌تر باشند.

(آزاد ۸۰)

۵۴- با لحاظ کردن اصل شتاب، شیب منحنی IS مثبت خواهد شد، اگر:

(۱) حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات درآمد کوچک‌تر از $(1-c'(1-t'))$ باشد.

(۲) حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات درآمد مساوی $(1-c'(1-t'))$ باشد.

(۳) حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات درآمد بزرگ‌تر از $(1-c'(1-t'))$ باشد.

(۴) حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات درآمد بین صفر و $(1-c'(1-t'))$ باشد.

(آزاد ۸۰)

۵۵- فرض کنید مصرف تابعی است از ثروت واقعی و درآمد قابل تصرف. در این صورت یک کاهش در سطح قیمت‌ها موجب می‌شود:

(۱) منحنی IS به سمت راست و منحنی LM به سمت چپ منتقل گردند.

(۲) منحنی IS به سمت چپ و منحنی LM به سمت راست منتقل گردند.

(۳) منحنی‌های IS و LM به سمت راست منتقل گردند.

(۴) منحنی‌های IS و LM به سمت چپ منتقل گردند.

(سراسری ۸۱)

۵۶- تأثیر کاهش در مالیات‌ها بر میزان انتقال منحنی IS کمتر خواهد بود، هر قدر:

(۱) شیب منحنی LM کمتر باشد.

(۲) شیب منحنی LM بیشتر باشد.

(۳) میل نهایی به پس‌انداز بزرگ‌تر باشد.

(۴) میزان «اثر جانشینی جبری» یا «اثر جانشینی اجباری» بیشتر باشد.

(سراسری ۸۱)

۵۷- افزایش ضریب حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره موجب:

(۱) کاهش شیب تابع سرمایه‌گذاری می‌شود.

(۲) افزایش ضریب فزاینده سیاست پولی انبساطی از طریق افزایش حجم واقعی پول می‌شود.

(۳) افزایش مقدار اثر جانشینی جبری در سیاست مالی انبساطی از طریق افزایش مخارج دولت می‌شود.

(۴) کاهش مقدار اثر جانشینی جبری در سیاست مالی انبساطی از طریق افزایش مخارج دولت می‌شود.



(سراسری ۸۱)

۵۸- به فرض ثابت بودن سایر شرایط، سیاست پولی در کدام یک از موارد زیر ضعیف‌تر عمل خواهد کرد؟

- (۱) هرچه سرعت گردش پول کوچک‌تر باشد.
- (۲) هرچه حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره بزرگ‌تر باشد.
- (۳) هرچه حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره بزرگ‌تر باشد.
- (۴) هرچه میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر و نرخ نهایی مالیات بر درآمد کوچک‌تر باشد.

(آزاد ۸۱)

۵۹- شیب منحنی IS نسبتاً کوچک‌تر خواهد شد، اگر:

- (۱) میل نهایی به مصرف و نرخ مالیات برابر باشند.
- (۲) میل نهایی به مصرف کوچک‌تر و نرخ مالیات بزرگ‌تر باشند.
- (۳) میل نهایی به مصرف و نرخ مالیات کوچک‌تر باشند.
- (۴) میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر و نرخ مالیات کوچک‌تر باشند.

(آزاد ۸۱)

۶۰- اگر حساسیت تقاضا برای پول جهت نگه داشتن به منظور سفته بازی برابر صفر باشد، اعمال یک سیاست مالی انبساطی موجب:

- (۱) تنها افزایش نرخ بهره می‌شود.
- (۲) افزایش سطح قیمت‌ها و نرخ بهره می‌شود.
- (۳) افزایش سطح قیمت‌ها، سطح تولید و نرخ بهره می‌شود.
- (۴) افزایش سطح قیمت‌ها، سطح اشتغال، سطح تولید و نرخ بهره می‌شود.

(آزاد ۸۱)

۶۱- با اضافه کردن ثروت واقعی در تابع مصرف، فروش اوراق بهادار توسط دولت به مردم موجب می‌شود:

- (۱) منحنی LM به سمت راست و منحنی IS به سمت چپ منتقل شود.
- (۲) منحنی LM به سمت راست و پایین منتقل شود.
- (۳) منحنی LM به سمت چپ و بالا منتقل شود.
- (۴) منحنی IS به سمت راست منتقل شود.

(آزاد ۸۱)

۶۲- اگر ثروت واقعی در تابع مصرف اضافه شود، یک افزایش در سطح قیمت‌ها موجب می‌شود:

- (۱) منحنی LM به سمت راست و منحنی IS به سمت چپ منتقل شوند.
- (۲) منحنی IS و LM به سمت چپ منتقل شوند.
- (۳) منحنی LM به سمت چپ و منحنی IS به سمت راست منتقل شوند.
- (۴) منحنی‌های IS و LM به سمت راست منتقل شوند.

(آزاد ۸۱)

۶۳- کدامیک از پاسخ‌های زیر اثرات زنجیره‌وار سیاست پولی آسان را به نحو صحیحی توضیح می‌دهد؟

- (۱) افزایش عرضه پول، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، افزایش نرخ بهره و افزایش درآمد ملی
- (۲) افزایش عرضه پول، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ بهره و افزایش درآمد ملی
- (۳) افزایش عرضه پول، کاهش نرخ بهره، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد ملی
- (۴) افزایش عرضه پول، کاهش نرخ بهره، افزایش درآمد ملی و افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری

(آزاد ۸۱)

۶۴- اگر کشش سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره صفر باشد:

- (۱) تنها از طریق اعمال سیاست‌های مالی می‌توان سطح درآمد ملی را تغییر داد.
- (۲) تنها از طریق اعمال سیاست‌های پولی می‌توان سطح درآمد ملی را تغییر داد.
- (۳) تنها از طریق اعمال سیاست‌های پولی و مالی می‌توان سطح درآمد ملی را تغییر داد.
- (۴) تنها از طریق اعمال سیاست‌های درآمدی می‌توان سطح درآمد ملی را تغییر داد.

(آزاد ۸۱)

۶۵- اقتصاددانان پول‌گرا (monetarists) بر این اعتقاد هستند که:

- (۱) برای داشتن بهره‌وری بالا و ثبات، باید از سیاست‌های پولی و مالی استفاده کرد.
- (۲) اقتصاد ماهیتاً با ثبات است و لذا نیازی به اعمال سیاست پولی نیست.
- (۳) به طور کل سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی ترجیح دارد.
- (۴) دخالت دولت از طریق اعمال سیاست‌های پولی ضروریست.



(آزاد ۸۱)

۶۶- منحنی‌های IS و LM عمودی بدین معنی است که:

- (۱) حساسیت سرمایه‌گذاری و حساسیت تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی نسبت به تغییرات نرخ بهره صفر است.
- (۲) حساسیت سرمایه‌گذاری و حساسیت تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی نسبت به تغییرات نرخ بهره بزرگ‌تر از صفر است.
- (۳) حساسیت سرمایه‌گذاری و حساسیت تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی نسبت به تغییرات نرخ بهره بینهایت است.
- (۴) حساسیت سرمایه‌گذاری و حساسیت تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی نسبت به تغییرات نرخ بهره بین صفر و یک است.

(آزاد ۸۱)

۶۷- فرض کنید حجم حقیقی پول ثابت است، در این صورت یک افزایش در درآمد موجب:

- (۱) یک افزایش در تقاضا برای پول جهت مبادلات و افزایش در نرخ بهره می‌شود.
- (۲) یک افزایش در تقاضا برای پول جهت مبادلات و کاهش در نرخ بهره می‌شود.
- (۳) یک افزایش در تقاضا برای پول جهت مبادلات و سفته‌بازی می‌شود.
- (۴) یک افزایش در تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی و یک کاهش در تقاضا برای پول جهت مبادلات می‌شود.

۶۸- در چارچوب منحنی‌های IS-LM، افزایش مخارج دولت و تأمین آن از کدام حالت، دارای بیشترین اثر افزایش بر سطح تولید است؟

(سراسری ۸۲)

- (۱) استقراض از بانک مرکزی
- (۲) انتشار اوراق قرضه
- (۳) مالیات
- (۴) استقراض از مردم

(سراسری ۸۲)

۶۹- در اقتصاد کلاسیک، کدام مورد صحیح نیست؟

- (۱) بازار پول تئوری تعیین سطح متعادل قیمت است.
- (۲) پول یک عامل خنثی است.
- (۳) پول سه وظیفه دارد: واحد حسابداری، وسیله مبادله و ذخیره ارزش
- (۴) کارگران و بنگاه‌های تولیدی توهم پولی ندارند.

(آزاد ۸۲)

۷۰- اگر مصرف تابعی از درآمد قابل تصرف و ثروت واقعی باشد، یک افزایش در سطح قیمت‌ها موجب می‌شود که:

- (۱) منحنی IS به سمت راست و منحنی LM به سمت چپ منتقل شوند.
- (۲) منحنی‌های IS و LM به سمت چپ منتقل شوند.
- (۳) منحنی IS به سمت چپ و منحنی LM به سمت راست منتقل شوند.
- (۴) منحنی‌های IS و LM به سمت راست منتقل شوند.

(آزاد ۸۲)

۷۱- معمولاً گفته می‌شود که در یک اقتصاد باز، یک افزایش در ارزش پول ملی موجب:

- (۱) انتقال منحنی‌های IS و LM به سمت راست می‌شود.
- (۲) انتقال منحنی LM به سمت راست می‌شود.
- (۳) انتقال منحنی IS به سمت چپ می‌شود.
- (۴) انتقال منحنی IS به سمت راست می‌شود.

(آزاد ۸۲)

۷۲- در یک اقتصاد بسته، شیب منحنی IS کوچک‌تر خواهد شد، اگر:

- (۱) میل نهایی به مصرف کوچک‌تر شود.
- (۲) میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر شود.
- (۳) نرخ مالیات بزرگ‌تر شود.
- (۴) میل نهایی به مصرف مساوی نرخ مالیات شود.

(آزاد ۸۲)

۷۳- اضافه کردن ثروت واقعی به تابع مصرف:

- (۱) شیب منحنی IS را کوچک‌تر می‌کند.
- (۲) هیچ اثری بر شیب منحنی IS ندارد.
- (۳) شیب منحنی IS را بزرگ‌تر می‌کند.
- (۴) شیب‌های منحنی‌های IS و LM را برابر می‌کند.

(آزاد ۸۲)

۷۴- در یک اقتصاد باز، شیب منحنی IS :

- (۱) بزرگ‌تر از شیب منحنی IS در یک اقتصاد بسته است.
- (۲) کوچک‌تر از شیب منحنی IS در یک اقتصاد بسته است.
- (۳) برابر شیب منحنی IS در یک اقتصاد بسته است.
- (۴) برابر شیب منحنی LM در یک اقتصاد بسته است.

- ۷۵- در چارچوب دستگاه IS-LM در صورتی که افزایش مخارج دولت از طریق انتشار اوراق قرضه تأمین شود افزایش تولید: (سراسری ۸۳)
- ۱) بیشتر از حالتی است که مخارج از طریق مالیات تأمین شود.
 - ۲) بیشتر از حالتی است که مخارج از طریق انتشار حجم پول تأمین شود.
 - ۳) برابر حالتی است که مخارج از طریق مالیات تأمین شود.
 - ۴) مستقل از تأمین مخارج دولت است.

- ۷۶- ضریب فزاینده مدل درآمد مخارج (خط 45°) برابر ۴ است. اگر بخواهیم ۱۵۰ واحد مخارج دولت را تغییر دهیم و در عین حال نرخ بهره تغییر نکند حجم پول حقیقی چقدر باید افزایش یابد؟ $(M^d/P = 0/25y - hr)$ است. (سراسری ۸۳)
- ۱) ۱۵۰ واحد
 - ۲) ۲۰۰ واحد
 - ۳) ۲۴۰ واحد
 - ۴) ۳۰۰ واحد

- ۷۷- شیب منحنی IS به طور نسبی کوچک تر خواهد بود اگر: (آزاد ۸۳)
- ۱) میل نهایی به مصرف کوچک تر و نرخ مالیات بزرگ تر باشند.
 - ۲) میل نهایی به مصرف و نرخ مالیات مساوی یکدیگر باشند.
 - ۳) میل نهایی به مصرف بزرگ تر و نرخ مالیات کوچک تر باشند.
 - ۴) میل نهایی به مصرف و نرخ مالیات کوچک باشند.

- ۷۸- فرض کنید مصرف تابعی از درآمد قابل تصرف و ثروت واقعی است. در این صورت، یک کاهش در سطح قیمت ها موجب می شود: (آزاد ۸۳)
- ۱) منحنی های IS و LM به سمت راست منتقل شوند.
 - ۲) منحنی IS به سمت چپ و منحنی LM به سمت راست منتقل شوند.
 - ۳) منحنی LM به سمت چپ و منحنی IS به سمت راست منتقل شوند.
 - ۴) منحنی های IS و LM به سمت چپ منتقل گردند.

- ۷۹- در حالتی که مصرف تابعی از درآمد قابل تصرف و ثروت حقیقی باشد، فروش اوراق بهادار توسط دولت به مردم موجب می شود: (آزاد ۸۳)
- ۱) منحنی LM به سمت چپ و منحنی IS به سمت راست منتقل شوند.
 - ۲) منحنی LM به سمت راست و منحنی IS به سمت چپ منتقل شوند.
 - ۳) منحنی های LM و IS به سمت چپ منتقل شوند.
 - ۴) منحنی های LM و IS به سمت راست منتقل شوند.

- ۸۰- در دستگاه IS-LM مخارج دولت را به اندازه ۴۰۰ واحد افزایش داده ایم. اگر بخواهیم نرخ بهره بدون تغییر بماند و $I = I_0 - 1000r$, $M^d/P = 0/2y - 2000r$ باشد و ضریب فزاینده سیاست پولی معادل $1/25$ باشد، حجم پول حقیقی چقدر باید افزایش یابد؟ (سراسری ۸۴)
- ۱) ۱۰۰
 - ۲) ۲۰۰
 - ۳) ۲۵۰
 - ۴) ۳۰۰

- ۸۱- در یک مدل سه بخشی در دستگاه IS-LM مخارج دولت را ۲۰۰ واحد افزایش داده ایم. در این مدل ضریب فزاینده سیاست پولی نصف ضریب فزاینده سیاست مالی است و تابع تقاضای پول به صورت $M^d/P = 0/2y - hr$ است. سرمایه گذاری ۴۰ واحد تغییر کرده است، مصرف چقدر تغییر کرده است؟ (سراسری ۸۴)
- ۱) ۲۰۰ واحد افزایش یافته است.
 - ۲) ۱۰۰ واحد افزایش یافته است.
 - ۳) بدون تغییر مانده است.
 - ۴) ۲۴۰ واحد افزایش یافته است.

- ۸۲- اگر دولت بخواهد نرخ بهره تعادلی را افزایش دهد، بدون آنکه درآمد ملی حقیقی تغییر کند: (سراسری ۸۴)
- ۱) باید ترکیبی از سیاست های مالی انقباضی و درآمدی را اعمال کند.
 - ۲) باید اوراق قرضه بفروشد بدون آنکه سیاست های مالی خود را تغییر دهد.
 - ۳) باید ترکیبی از سیاست های مالی انقباضی و پولی انبساطی را اعمال کند.
 - ۴) باید ترکیبی از سیاست های مالی انبساطی و پولی انقباضی را اعمال کند.



- کله ۸۳-** چنانچه اثر ازدحام (جابجیزی) کامل باشد، افزایش مخارج دولت منجر به:
- (۱) تغییر ترکیب مخارج کل و افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود.
 (۲) تغییر ترکیب مخارج کل و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.
 (۳) افزایش مخارج کل و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.
 (۴) کاهش مخارج کل و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.
- (آزاد ۸۴)
- کله ۸۴-** کدام یک از موارد زیر منجر به انتقال منحنی LM می‌شود؟
- (۱) افزایش متناسب سطح عمومی قیمت‌ها و عرضه اسمی پول
 (۲) افزایش سطح عمومی قیمت‌ها کمتر از افزایش عرضه اسمی پول
 (۳) افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بیشتر از افزایش عرضه اسمی پول
 (۴) موارد ۲ و ۳
- (آزاد ۸۴)
- کله ۸۵-** چنانچه سرمایه‌گذاری علاوه بر نرخ بهره نسبت به درآمد نیز حساس باشد، آنگاه:
- (۱) شیب منحنی IS کمتر و شیب منحنی LM بیشتر می‌شود.
 (۲) شیب منحنی IS ثابت و شیب منحنی LM بیشتر می‌شود.
 (۳) شیب منحنی IS و شیب منحنی LM تغییر نمی‌کنند.
 (۴) شیب منحنی IS کمتر و شیب منحنی LM تغییر نمی‌کند.
- (آزاد ۸۴)
- کله ۸۶-** کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟
- (۱) به نظر کینز، نرخ بهره متعادل‌کننده پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است.
 (۲) به نظر کلاسیک‌ها، نرخ بهره متعادل‌کننده عرضه و تقاضای پول است.
 (۳) به نظر کینز، نرخ بهره متعادل‌کننده عرضه و تقاضای پول است.
 (۴) به نظر کلاسیک‌ها، نرخ بهره در بازار پول تعیین می‌شود.
- کله ۸۷-** اگر منحنی LM صعودی باشد و $C = C_0 + bY$ ، $I = I_0 - ar$ و $G = \bar{G}$ باشند، در این صورت افزایش مخارج دولتی:
- (۱) موجب افزایش درآمد ملی به اندازه $\Delta \bar{G}$ می‌شود.
 (۲) موجب افزایش درآمد ملی به اندازه $\frac{1}{1-b}(\Delta \bar{G})$ می‌شود.
 (۳) موجب افزایش درآمد ملی کمتر از $\frac{1}{1-b}(\Delta \bar{G})$ می‌شود.
 (۴) موجب افزایش درآمد ملی بیشتر از $\frac{1}{1-b}(\Delta \bar{G})$ می‌شود.
- (سراسری ۸۵)
- کله ۸۸-** در الگوی IS-LM اگر دولت مالیات‌های ثابت را افزایش دهد، اما بانک مرکزی بخواهد نرخ بهره را ثابت نگه دارد، باید:
- (۱) عرضه پول را افزایش دهد.
 (۲) عرضه پول را کاهش دهد.
 (۳) اول عرضه پول را افزایش و سپس کاهش دهد.
 (۴) اول عرضه پول را کاهش و سپس افزایش دهد.
- (سراسری ۸۵)
- کله ۸۹-** با توجه به اطلاعات زیر، اگر دولت مخارج خود را به اندازه ۱۰۰ میلیارد ریال افزایش دهد، مقدار ازدحام خارجی (Crowding Out) چقدر است؟
- (سراسری ۸۵)
- $$C = 0.8Y, \quad t = 0.25, \quad \bar{G} = 800, \quad \frac{\bar{M}}{P} = 500, \quad I = 900 - 20r, \quad L = 0.2Y - 10r$$
- (۱) ۱۱۰
(۲) ۱۲۵
(۳) ۷۵
(۴) ۲۰
- کله ۹۰-** اگر تابع تقاضای پولی به صورت $\frac{M^d}{P} = 0.5Y - 1000r$ و تابع سرمایه‌گذاری به صورت $I = I_0 - 200r$ باشد، وقتی G را به اندازه ۱۰۰ واحد افزایش می‌دهیم، درآمد ملی به اندازه ۲۰۰ واحد افزایش می‌یابد. در صورتی که بخواهیم نرخ بهره تغییر نکند $\frac{\bar{M}}{P}$ را باید چند واحد افزایش دهیم؟
- (سراسری ۸۵)
- (۱) ۱۰۰
(۲) ۱۲۵
(۳) ۱۵۰
(۴) ۲۰۰
- کله ۹۱-** هرگاه تابع تقاضای سرمایه‌گذاری به صورت $I = I_0 - ar$ و تابع تقاضای حقیقی پول به صورت $L = kY - hr$ باشند، در صورتی اجرای سیاست‌های پولی انبساطی به طور نسبتاً قوی عمل می‌کند که
- (۱) a و h هر دو کوچک باشند.
 (۲) a و h هر دو بزرگ باشند.
 (۳) a بزرگ باشد و h کوچک باشد.
 (۴) a کوچک باشد و h بزرگ باشد.
- (سراسری ۸۵)
- کله ۹۲-** در شرایط وجود دام نقدینگی در نظریه کینز افزایش حجم پول منجر به ...
- (۱) کاهش نرخ بهره می‌شود.
 (۲) تغییری در نرخ بهره نمی‌شود.
 (۳) افزایش نرخ بهره می‌شود.
 (۴) تغییرات نرخ بهره بستگی به سایر شرایط اقتصادی دارد.
- (آزاد ۸۵)



- ۹۳- در نظریه خنثی بودن پول (Monetary neutrality)، افزایش حجم پول:
 (۱) منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و متغیرهای اسمی می‌شود و متغیرهای واقعی تغییری نمی‌کنند.
 (۲) منجر به افزایش تولید و ثابت بودن سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود.
 (۳) منجر به افزایش سطح عمومی دستمزدها می‌شود و تولید نیز افزایش می‌یابد.
 (۴) هیچ‌گونه تأثیری بر متغیرهای اسمی و واقعی اقتصاد ندارد.
- ۹۴- اگر تابع سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره بی‌کشش باشد:
 (۱) سیاست مالی تأثیر کمتر و سیاست پولی تأثیر بیشتری دارد.
 (۲) هر دو سیاست مالی و پولی به یک میزان مؤثر هستند.
 (۳) هیچ یک از دو سیاست پولی و مالی مؤثر نخواهد بود.
 (۴) سیاست پولی تأثیر کمتر و سیاست مالی تأثیر بیشتری دارد.
- ۹۵- در منطقه عادی منحنی LM اعمال سیاست مالی انبساطی در شرایطی که شیب منحنی IS نزولی است، منجر به:
 (۱) کاهش نرخ بهره و کاهش درآمد ملی می‌گردد.
 (۲) افزایش سطح قیمت‌ها و افزایش درآمد ملی می‌گردد.
 (۳) افزایش نرخ بهره و افزایش درآمد ملی می‌گردد.
 (۴) کاهش سطح قیمت‌ها و افزایش درآمد ملی می‌گردد.
- ۹۶- با توجه به رابطه عرضه پول و نرخ بهره اگر در هر سطحی از نرخ بهره سرمایه‌گذاری افزایش یابد نرخ بهره:
 (۱) افزایش و عرضه پول افزایش می‌یابد.
 (۲) کاهش و عرضه پول کاهش می‌یابد.
 (۳) کاهش و عرضه پول افزایش می‌یابد.
 (۴) افزایش و عرضه پول کاهش می‌یابد.
- ۹۷- افزایش عرضه پول در حالتی که منحنی IS عمودی است باعث می‌شود:
 (۱) قیمت اوراق قرضه تغییر نمی‌یابد.
 (۲) سطح مصرف ثابت بماند.
 (۳) نرخ بهره افزایش نمی‌یابد.
 (۴) تقاضای کالاها و خدمات تغییر نمی‌یابد.
- ۹۸- هنگامی که مالیات‌ها (T) افزایش می‌یابند اما مخارج دولت (G) ثابت است، نرخ بهره (r):
 (۱) افزایش می‌یابد.
 (۲) ثابت می‌ماند.
 (۳) کاهش می‌یابد.
 (۴) می‌تواند به طور گسترده تغییر کند.
- ۹۹- اثربخشی سیاست مالی بیشتر است اگر:
 (۱) ضریب فزاینده مخارج دولت کوچک‌تر باشد.
 (۲) حساسیت بهره‌ای تقاضای پول بزرگ‌تر باشد.
 (۳) حساسیت درآمدی تقاضای پول بزرگ‌تر باشد.
 (۴) حساسیت بهره‌ای تقاضای سرمایه‌گذاری بزرگ‌تر باشد.
- ۱۰۰- در شرایطی که منحنی LM کاملاً بی‌کشش است اعمال سیاست مالی انبساطی منجر به:
 (۱) تغییری در درآمد ملی نمی‌شود. (۲) کاهش درآمد ملی می‌شود. (۳) افزایش درآمد ملی می‌شود. (۴) بستگی به کشش منحنی IS دارد.
- ۱۰۱- افزایش تقاضای پول در شرایطی که منحنی عرضه پول ثابت است منجر به:
 (۱) کاهش نرخ بهره می‌گردد.
 (۲) افزایش نرخ بهره می‌شود.
 (۳) تغییری در نرخ بهره ایجاد نمی‌کند.
 (۴) بستگی به سایر متغیرهای اقتصادی دارد.
- ۱۰۲- در شرایطی که منحنی LM کاملاً افقی است اعمال سیاست پولی انبساطی:
 (۱) منجر به افزایش درآمد ملی می‌شود.
 (۲) منجر به کاهش درآمد ملی می‌شود.
 (۳) هیچ‌گونه تغییری در درآمد ملی ایجاد نمی‌کند.
 (۴) بستگی به وضعیت منحنی IS دارد.
- ۱۰۳- از دیدگاه کینز تقاضای پول از حاصل جمع تقاضای زیر ایجاد می‌شود:
 (۱) تقاضای معاملاتی، احتیاطی و نقدینگی
 (۲) تقاضای معاملاتی و احتیاطی
 (۳) تقاضای احتیاطی و نقدینگی
 (۴) تقاضای معاملاتی و نقدینگی
- ۱۰۴- از دیدگاه کینز با افزایش نرخ بهره تقاضای پول
 (۱) افزایش می‌یابد.
 (۲) ثابت باقی می‌ماند.
 (۳) کاهش می‌یابد.
 (۴) بستگی به کشش عرضه پول دارد.



- کله ۱۰۵-** دام نقدینگی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نرخ بهره به حداقل خود رسیده است و اعمال هر گونه سیاست پولی انبساطی: (آزاد ۸۶)
- (۱) منجر به کاهش نرخ بهره خواهد شد.
 - (۲) بی‌تأثیر خواهد بود.
 - (۳) منجر به افزایش نرخ بهره خواهد شد.
 - (۴) منجر به افزایش درآمد ملی خواهد شد.
- کله ۱۰۶-** کاهش عرضه پول منجر به انتقال منحنی LM: (آزاد ۸۶)
- (۱) به سمت چپ می‌شود.
 - (۲) به سمت راست می‌شود.
 - (۳) انتقالی ایجاد نمی‌شود.
 - (۴) انتقال منحنی LM بستگی به وضعیت منحنی IS دارد.
- کله ۱۰۷-** در دستگاه IS-LM، افزایش میل نهایی به پس‌انداز چه تأثیری بر تعادل بازار کالاها و خدمات می‌گذارد؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) در هر سطح تولید تعادلی، نرخ بهره افزایش می‌یابد.
 - (۲) نرخ بهره و سطح تولید تعادلی هر دو افزایش می‌یابند.
 - (۳) در هر نرخ بهره‌ای، سطح تولید تعادلی افزایش می‌یابد.
 - (۴) در هر نرخ بهره‌ای، سطح تولید تعادلی کاهش می‌یابد.
- کله ۱۰۸-** در دام نقدینگی: (سراسری ۸۷)
- (۱) سیاست پولی کاملاً مؤثر واقع می‌شود.
 - (۲) چون کنز پول زیاد است سیاست مالی انبساطی بر سرمایه‌گذاری اثری ندارد.
 - (۳) چون کنز پول زیاد است سیاست مالی انقباضی بر سرمایه‌گذاری کاهش می‌دهد.
 - (۴) چون نرخ بهره کاهش نمی‌یابد سیاست پولی بر سرمایه‌گذاری مؤثر است.
- کله ۱۰۹-** در صورتی که دولت در تعادل همزمان بازار پول و کالا سیاست مالی انبساطی را از طریق کاهش نرخ مالیات دنبال کند، موجب می‌شود منحنی IS: (سراسری ۸۷)
- (۱) کم شیب‌تر شده و تولید کمتر از قبل شود.
 - (۲) پر شیب‌تر شده و تولید کمتر از قبل شود.
 - (۳) پر شیب‌تر شده، تقاضای کل به دنبال آن تولید افزایش یابد.
 - (۴) کم شیب‌تر شده و از طریق افزایش مصرف، تقاضای کل افزایش یابد.
- کله ۱۱۰-** سیاست‌های پولی بیشترین تأثیرگذاری را خواهد داشت زمانی که شیب تابع سرمایه‌گذاری نسبتاً و شیب تابع تقاضای پول باشد. (سراسری ۸۷)
- (۱) پایین - نسبتاً پایین
 - (۲) پایین - نسبتاً بالا
 - (۳) بالا - نسبتاً پایین
 - (۴) بالا - نسبتاً بالا
- کله ۱۱۱-** منظور از دام نقدینگی چیست؟ (آزاد ۸۷)
- (۱) وضعیتی است که نرخ بهره به حداقل ممکن رسیده است و سیاست پولی انبساطی مؤثر است.
 - (۲) وضعیتی است که بانک مرکزی باید در بازار ارز مداخله کند.
 - (۳) وضعیتی است که نرخ بهره به حداقل ممکن رسیده است و سیاست پولی انبساطی مؤثر نیست.
 - (۴) وضعیتی است که بانک مرکزی باید از سیاست پولی انقباضی استفاده کند.
- کله ۱۱۲-** هنگامی منحنی IS به موازات خود به طرف بالا و راست انتقال می‌یابد که: (سراسری ۸۸)
- (۱) مخارج دولت کاهش یابد.
 - (۲) مالیات‌ها افزایش یابد.
 - (۳) مخارج دولت و مالیات‌ها به میزان مساوی افزایش یابند.
 - (۴) سرمایه‌گذاری مستقل بخش خصوصی کاهش یابد.
- کله ۱۱۳-** سیاست‌های مالی انبساطی در دستگاه IS-LM: (سراسری ۸۸)
- (۱) سبب تشویق سرمایه‌گذاری می‌شود.
 - (۲) لزوماً هیچ تأثیری بر روی سرمایه‌گذاری ندارد.
 - (۳) نرخ بهره را کاهش می‌دهد.
 - (۴) ممکن است سبب محدود شدن سرمایه‌گذاری شود.
- کله ۱۱۴-** اگر شیب IS زیاد شود با توجه به ضریب فزاینده: (سراسری ۸۸)
- (۱) ممکن است تأثیرگذاری سیاست مالی بیشتر شود.
 - (۲) تأثیرگذاری سیاست پولی بیشتر می‌شود.
 - (۳) تأثیرگذاری سیاست مالی بیشتر می‌شود.
 - (۴) تأثیرگذاری سیاست مالی کمتر می‌شود.



(آزاد ۸۸)

کله ۱۱۵- کدام یک از عبارات زیر صحیح نیست؟

- (۱) هرچه MPS کمتر باشد، IS کم شیب تر است.
- (۲) هرچه سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره واکنش بیشتری نشان دهد، سیاست پولی مؤثرتر است.
- (۳) هرچه حساسیت تقاضای پول نسبت به درآمد بیشتر باشد، سیاست مالی مؤثرتر است.
- (۴) هرچه نرخ مالیات کمتر باشد، منحنی IS کم شیب تر است.

(آزاد ۸۸)

کله ۱۱۶- اثر جایگزینی یا Crowding out effect بیان می کند که:

- (۱) تأمین افزایش مخارج دولت از طریق استقراض از مردم، نرخ بهره را افزایش و سرمایه گذاری را کاهش می دهد.
- (۲) مخارج سرمایه گذاری و مصرف همواره در جهت مخالف هم حرکت می کنند.
- (۳) افزایش مالیات ها ابتدا از پس انداز کاسته و لذا سیاست مالی مؤثر نیست.
- (۴) سرمایه گذاری خصوصی نسبت به مخارج دولت افزایش یافته است.

کله ۱۱۷- منحنی های IS و LM را در نظر بگیرید. اگر دولت سیاست پولی و مالی انبساطی را به طور توأم اتخاذ کند، کدام گزینه ی زیر اثرات اجرای این دو سیاست بر سطوح نرخ بهره و نرخ بیکاری را نشان می دهد؟

(آزاد ۸۸)

- (۱) نرخ بهره نامشخص و نرخ بیکاری کاهش می یابد.
- (۲) نرخ بهره افزایش و نرخ بیکاری نامشخص است.
- (۳) نرخ بهره افزایش و نرخ بیکاری افزایش می یابد.
- (۴) نرخ بهره و نرخ بیکاری هر دو کاهش می یابند.

کله ۱۱۸- اگر در یک الگوی سه بخشی IS-LM تابع سرمایه گذاری به صورت $I = I_0 + eY - br$ باشد، در این صورت ضریب فزاینده بودجه متوازن: (آزاد ۸۸)

- (۱) بزرگ تر از یک است.
- (۲) کمتر از یک است.
- (۳) مساوی یک است.
- (۴) می تواند کمتر، بیشتر و یا مساوی یک باشد.

کله ۱۱۹- اگر اقتصاد در دام نقدینگی قرار گیرد، بازار پول و بازار کالا به ترتیب تعیین کننده و خواهد شد. (آزاد ۸۸)

- (۱) نرخ بهره اسمی - درآمد
- (۲) نرخ بهره حقیقی - درآمد
- (۳) درآمد - نرخ بهره حقیقی
- (۴) درآمد - نرخ بهره اسمی

کله ۱۲۰- اگر در حال حاضر نرخ بهره بازار ۱/۱۰ یا ۱۰ درصد باشد، یک برگه قرضه با سر رسید ۱۰ ساله که ۸ سال آن گذشته و قیمت اسمی آن ۱۰۰۰۰ ریال و عایدی سالانه بهره آن با نرخ بهره ۱۵/۱۰۰ یا ۱۵ درصد ۱۵۰۰۰ ریال می باشد، تقریباً با چه قیمتی در بازار به فروش می رسد؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) ۱۰,۰۰۰
- (۲) ۹,۹۳۵
- (۳) ۹,۴۳۵
- (۴) ۱۰,۸۶۷/۷۸

کله ۱۲۱- اگر مردم تصمیم بگیرند که در تمامی سطوح درآمد بیشتر خرج کنند، کدام مورد صحیح است؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) منحنی IS به طرف بالا و راست به طور موازی انتقال می یابد.
- (۲) عرضه پول افزایش می یابد.
- (۳) نرخ بهره کاهش می یابد.
- (۴) منحنی LM به طرف بالا و چپ به طور موازی انتقال می یابد.

کله ۱۲۲- کدام یک از موارد زیر به طور قطعی سرمایه گذاری را کاهش می دهد؟ (آزاد ۸۹)

- (۱) افزایش نرخ بهره اسمی
- (۲) کاهش سود حاصل از سرمایه گذاری
- (۳) کاهش تولید
- (۴) افزایش نرخ بهره حقیقی

کله ۱۲۳- اثر پیگو در تابع مصرف باعث می شود که در صورت عدم حساسیت سرمایه گذاری به نرخ بهره: (آزاد ۸۹)

- (۱) با کاهش قیمت ها IS کم شیب تر شود.
- (۲) با کاهش قیمت ها IS به طرف راست منتقل شود.
- (۳) باز هم IS نزولی شود.
- (۴) با کاهش قیمت ها IS به طرف چپ منتقل شود.



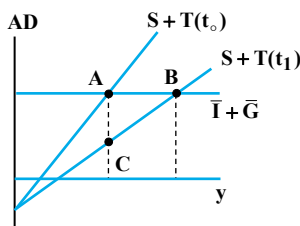
۱۲۴- در یک مدل دوبخشی که سرمایه‌گذاری ثابت فرض شده است، تابع پس‌انداز به صورت $S = -300 + 0.2y$ می‌باشد. اگر در سطح درآمد $y = 2000$ معادل ۲۰۰ واحد پس‌انداز از سرمایه‌گذاری کمتر باشد، در چه سطحی از درآمد ملی تعادل به وجود می‌آید؟ (آزاد ۸۹)

- (۱) ۲۰۰۰ (۲) ۲۴۰۰ (۳) ۱۶۰۰ (۴) ۴۰۰۰

۱۲۵- کدام سیاست زیر هم درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی را افزایش می‌دهد و هم ضریب تکاثری را بزرگ‌تر می‌کند؟ (آزاد ۸۹)

- (۱) کاهش عرضه پول (۲) کاهش خریدهای دولت (۳) افزایش پرداخت‌های انتقالی (۴) کاهش نرخ مالیات

۱۲۶- در یک الگوی سه بخشی ابتدا در نقطه‌ی تعادلی A بوده‌ایم. نرخ مالیات را از t_0 به t_1 کاهش داده‌ایم و به نقطه‌ی تعادلی B رسیده‌ایم. فاصله‌های AC و AB به ترتیب برابر است با: (سراسری ۹۰)



(۱) $-cy_0\Delta t$ و $\frac{-cy_0\Delta t}{1-c(1-t_1)}$

(۲) $-cy_0\Delta t$ و $\frac{-cy_0\Delta t}{1-c(1-t_0)}$

(۳) $-sy_0\Delta t$ و $\frac{-sy_0\Delta t}{1-c(1-t)}$

(۴) $-cy_1\Delta t$ و $\frac{-cy_1\Delta t}{1-c(1-t_0)}$

۱۲۷- کدام تابع سرمایه‌گذاری زیر دال بر IS کم شیب‌تر و کارآیی بیشتر سیاست پولی است؟ (آزاد ۹۰)

- (۱) $I = 400 + 0.3y - 150r$ (۲) $I = 400 + 0.2y - 150r$ (۳) $I = 400 + 0.3y - 80r$ (۴) $I = 400 + 0.2y - 80r$

۱۲۸- اگر معادله LM به صورت $y = 400 + 100r$ و تقاضای سفته‌بازی به صورت $L_r = 50 - 20r$ باشد افزایش عرضه حقیقی پول به اندازه ۱۰ واحد سبب چه مقدار جابه‌جایی افقی در منحنی LM می‌گردد؟ (آزاد ۹۰)

- (۱) ۳۰ (۲) ۶۰ (۳) ۲۵ (۴) ۵۰

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل سوم

۱- گزینه «۲» برای جواب دادن به این سؤال بایستی شیب تابع LM و IS را بررسی کنیم. شیب IS عبارت است از: $\frac{dr}{dy} = -\frac{1-c+ct}{a}$. با افزایش a

شیب IS کاهش و با کاهش a (ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره) IS پر شیب‌تر خواهد شد.

شیب منحنی LM نیز عبارت است از $\frac{dr}{dy} = \frac{k}{h}$ که h ضریب تقاضای پول به نرخ بهره می‌باشد و h هر چقدر بیشتر باشد شیب LM کمتر خواهد بود.

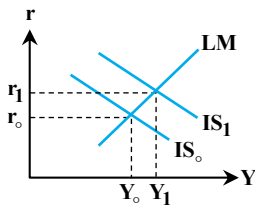
۲- گزینه «۱» اگر سرمایه‌گذاری علاوه بر نرخ بهره تابعی از درآمد ملی نیز باشد، در تئوری امکان دارد جمع e و c بزرگ‌تر از یک باشد و به صورت زیر قابل اثبات است:

تابع سرمایه‌گذاری $I = I_0 - ar + ey$ و $IS = -\frac{1-c-e}{a}$ شیب IS

> 0 شیب IS $\Rightarrow c+e > 1$ اگر $IS = -\frac{1-(c+e)}{a}$ شیب IS (با وجود e)

۳- گزینه «۲» با افزایش مالیات، درآمد قابل تصرف و مصرف کاهش می‌یابند و منحنی IS به سمت چپ منتقل می‌شود و در نتیجه درآمد تعادلی و نرخ بهره کاهش می‌یابند. در چنین شرایطی دولت اگر بخواهد درآمد تعادلی کاهش نیابد بایستی منحنی LM را به راست انتقال دهد که از گزینه‌های سؤال فقط افزایش عرضه پول (سیاست انبساطی) دارای این خصوصیت می‌باشد.

۴- گزینه «۴» شیب منحنی IS در مدل چهار بخشی که مالیات و واردات نیز درونزا هستند عبارت است از: $-\frac{1-c+ct+m}{a}$ که c میل نهایی به مصرف، m میل نهایی به واردات، a ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به بهره و t نرخ مالیات می‌باشد و مالیات‌های مقطوع هیچ تأثیری در شیب IS ندارند.



۵- گزینه «۱» افزایش مخارج دولت باعث انتقال منحنی IS به سمت راست خواهد شد و به این ترتیب درآمد ملی و نرخ بهره نیز افزایش می‌یابد.

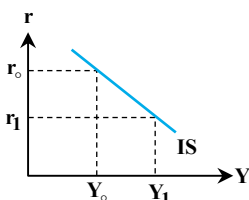
۶- گزینه «۴» با توجه به تابع $M^d = \Delta_0 + \alpha / 2Y - 10r$ ، ضریب تقاضای پول نسبت به درآمد ملی $\alpha / 2$ می‌باشد و انتقال افقی LM از رابطه

$\Delta M^S (\frac{1}{k})$ به دست می‌آید. پس با تغییر 10 واحد حجم پول، منحنی LM به صورت زیر Δ_0 واحد به راست منتقل می‌شود:

LM انتقال افقی $\Rightarrow \Delta Y = \Delta M^S (\frac{1}{k}) = 10 (\frac{1}{0/2}) = \Delta_0$

۷- گزینه «۲» IS تعادل بین درآمد و مصرف (مخارج) و همچنین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌باشد. تغییر در موجودی انبار (I_{up}) در روی منحنی IS برابر صفر می‌باشد، اما در نقاط بالاتر از IS و پایین‌تر از IS ویژگی‌های زیر وجود دارد:

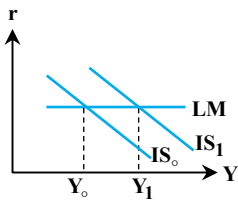
در قسمت‌های بالای IS یا درآمد ملی نسبت به IS بیشتر است و یا r نسبت به IS بالاتر است. در هر دوی این حالت‌ها درآمد ملی از مجموع مصرف، سرمایه‌گذاری و مخارج دولت بیشتر است و (پس‌انداز + مالیات) از (سرمایه‌گذاری + مخارج دولت) بیشتر است. بنابراین تغییر در موجودی انبار مثبت خواهد بود و این یعنی در بازار کالاها و خدمات با مازاد عرضه مواجه هستیم. در نقاط پایین IS تمام موارد فوق برعکس خواهد بود.



۸- گزینه «۴» IS رابطه بین r (نرخ بهره) و y (درآمد) می‌باشد و با تغییر درآمد یا نرخ بهره برای ماندن در تعادل بازار کالا (ماندن روی IS) بایستی به دلیل شیب منفی IS افزایش در y به کاهش r منجر شود و برعکس. وقتی درآمد از Y_0 به Y_1 افزایش می‌یابد، برای آنکه تعادل بازار کالا برقرار باشد (یعنی روی IS باقی بمانیم) باید نرخ بهره کاهش یابد. (از r_0 به r_1 منتقل شود)



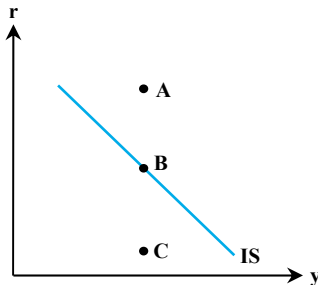
۹- گزینه «۳» با افزایش پس‌انداز در سطح جامعه، تابع پس‌انداز ملی به سمت چپ منتقل می‌شود و طبق اصل تناقض پس‌انداز (معمای خست) با افزایش پس‌انداز کل، درآمد جامعه کاهش می‌یابد و پس‌انداز القایی (سهام پس‌انداز از درآمد) نیز کاهش می‌یابد.



حداکثر کارایی سیاست مالی در دام نقدینگی

۱۰- گزینه «۲» وقتی اقتصاد در دام نقدینگی است کارایی سیاست‌های پولی به دلیل LM افقی صفر است، چون افزایش عرضه پول درآمد ملی تعادلی را تغییر نمی‌دهد و در این شرایط، کارایی سیاست‌های مالی حداکثر است. همچنین توجه کنید که LM افقی (دام نقدینگی) از نظریات کینز در شرایط رکود است و LM عمودی به نظریه کلاسیک‌ها نزدیک است.

۱۱- گزینه «۲» بین نرخ بهره و درآمد ملی اگر رابطه معکوس وجود داشته باشد با افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری کم می‌شود و درآمد ملی نیز کاهش می‌یابد و این تعادل بازار کالا است که IS نامیده می‌شود. اما در نقاط بالا، پایین و روی IS طبق نمودار زیر شرایط تعادل بازار آورده شده است: در نقطه A عرضه کل از تقاضای کل بیشتر است ($y > C + I + G$)، نشت از تزریق بیشتر ($S + T > I + G$) و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده مثبت است. ($I_{up} > 0$)



در نقطه C یا پایین‌تر از IS تقاضای کل از عرضه کل بیشتر ($y < C + I + G$)، نشت از تزریق کمتر ($S + T < I + G$) و تغییر در موجودی‌های انبار منفی است ($I_{up} < 0$). نهایتاً در نقطه B (روی منحنی IS) شرایط زیر حاکم است:

$$B \begin{cases} Y = C + I + G \\ S + T = I + G \\ I_{up} = 0 \end{cases}$$

۱۲- گزینه «۲» تابع LM عبارت است از:

$$r = \frac{L_0 - \frac{\bar{M}^s}{P}}{h} + \frac{K}{h} Y$$

در معادله فوق، $\frac{L_0 - \frac{\bar{M}^s}{P}}{h}$ عرض از مبدأ و $\frac{K}{h}$ شیب تابع می‌باشد و LM زمانی منتقل می‌شود که عرض از مبدأ تغییر یابد در نتیجه، با تغییر \bar{M}^s (عرضه پول) و L_0 (تقاضای مستقل پول) تابع LM منتقل خواهد شد.

۱۳- گزینه «۳» اگر تغییر در مالیات‌ها را در ضریب تکاثر مدل درآمد - مخارج ضرب کنیم انتقال افقی IS به دست می‌آید:

$$IS \text{ انتقال افقی} = \Delta Y = \Delta T \quad (\text{ضریب تکاثر مدل درآمد - مخارج}) = -100 \left(\frac{-c}{1-c} \right) = -100 \left(\frac{-0.75}{1-0.75} \right) = 300$$

پس IS ۳۰۰ واحد به راست منتقل می‌شود.

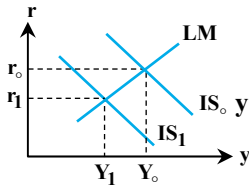
۱۴- گزینه «۱» IS از تعادل بازار کالا و خدمات به دست می‌آید و در مدل دو بخشی عبارت است از:

$$Y = C + I$$

$$Y = 90 + 0.6Y + 150 - 100r \Rightarrow 0.4Y = 240 - 100r \Rightarrow Y = 600 - 250r$$

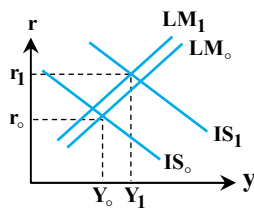
IS همواره تابعی بر اساس نرخ بهره است که بیانگر مقادیر مختلف Y می‌باشد (نرخ بهره را با r یا i نشان می‌دهیم).

۱۵- گزینه «۴» شیب تابع IS عبارت است از: $-\frac{1-c+ct}{a}$. در نتیجه با کاهش t، شیب IS کمتر می‌شود و IS به حالت افقی‌تر نزدیک می‌شود.

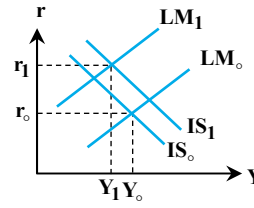


۱۶- گزینه «۴» با کاهش سرمایه‌گذاری مستقل منحنی IS به سمت چپ منتقل می‌شود و در نتیجه درآمد ملی و نرخ بهره کاهش می‌یابند.

۱۷- گزینه «۳» با سیاست پولی انقباضی، LM به سمت چپ منتقل می‌شود و با سیاست مالی انبساطی، IS به سمت راست منتقل می‌شود. با این انتقالات، حتماً نرخ بهره افزایش می‌یابد ولی درآمد با توجه به اندازه انتقال IS و LM می‌تواند کاهش یا افزایش داشته باشد و یا ثابت بماند. افزایش بهره حتماً سرمایه‌گذاری را کاهش خواهد داد.



سیاست انقباضی پولی با سیاست انبساطی مالی که منتج به افزایش درآمد و افزایش نرخ بهره می‌شود.



سیاست انقباضی پولی با سیاست انبساطی مالی که منتج به کاهش درآمد و افزایش نرخ بهره می‌شود.

۱۸- گزینه «۲» در نظریه کینزی انعطاف‌پذیری کامل قیمت‌ها وجود ندارد یعنی، قیمت‌ها به سمت کاهش انعطاف‌ناپذیرند. در نظریه کلاسیک‌ها انعطاف‌پذیری کامل قیمت‌ها وجود دارد یعنی، قیمت‌ها بازار را تسویه می‌کنند. اما در نظریه کینزی سطح قیمت‌ها بالاتر از قیمت تسویه‌کننده بازار خواهد بود چون انعطاف‌پذیری در تعدیل قیمت‌ها به سمت پایین وجود ندارد.

۱۹- گزینه «۳» در همه نقاط روی منحنی LM تعادل بین عرضه و تقاضای پول وجود دارد. برای استخراج LM باید عرضه و تقاضای پول مساوی هم قرار گیرد:

$$M^S = M^D, \quad M^S = L_1 + L_2$$

$$180 = 0.25Y + 50 - 20i \Rightarrow 0.25Y = 130 + 20i$$

$$Y = 520 + 80i$$

۲۰- گزینه «۲» با توجه به شیب منحنی IS و LM، می‌توان تأثیرگذاری یا کارایی سیاست‌های پولی و مالی را بررسی کرد (کارایی سیاست‌ها برابر با تأثیر در افزایش یا کاهش درآمد ملی می‌باشد). هرچه LM عمودی‌تر و IS افقی‌تر باشد کارایی سیاست‌های پولی بیشتر است و هرچه LM افقی‌تر و IS عمودی‌تر باشد کارایی سیاست‌های مالی بیشتر است. اگر کشش سرمایه‌گذاری به نرخ بهره بیشتر شود IS به حالت افقی نزدیک می‌شود و کارایی سیاست‌های پولی بیشتر می‌شود (البته زمانی می‌توان فقط با توجه به شیب IS و LM این تحلیل را انجام داد که هدف ما از بررسی شیب IS تغییرات ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره (a) و از شیب LM تغییر ضریب تقاضای پول به نرخ بهره (h) باشد).

۲۱- گزینه «۳» در تمام نقاط بالای IS، مازاد عرضه در بازار کالا وجود دارد و در تمام نقاط پایین IS مازاد تقاضا در بازار کالا وجود دارد ولی در نقاط روی IS عرضه و تقاضای کالا در تعادل هستند.

۲۲- گزینه «۴» تابع سرمایه‌گذاری عبارت است از: $I = I_0 - ar$ و خالص صادرات به صورت $NX = NX_0 - zr$ می‌باشد. معادله IS عبارت است از:

$$Y = \frac{C_0 - cT_0 + I_0 + G_0 + NX_0}{1 - c + ct} - \frac{a + z}{1 - c + ct} r$$

اگر a و z برابر صفر باشند، منحنی IS بدون تأثیر نرخ بهره همواره درآمد ثابتی را نشان خواهد داد (عمودی خواهد شد).



۲۳- گزینه «۴» در صورتی که در یک مدل دویبخشی تابع سرمایه‌گذاری علاوه بر نرخ بهره، تابعی از درآمد ملی نیز باشد شیب تابع IS عبارت خواهد بود از:

$$I = I_0 - ar + eY, Y = C_0 + cy + I_0 - ar + ey \quad ; \quad IS \Rightarrow r = \frac{C_0 + I_0}{a} - \frac{1-c-e}{a}y \quad ; \quad \frac{dr}{dY} = -\frac{1-c-e}{a}$$

اگر $c+e$ از یک بزرگ‌تر باشد شیب IS مثبت خواهد بود.

۲۴- گزینه «۴» با افزایش مخارج دولتی IS به سمت راست منتقل می‌شود و به دلیل افزایش نرخ بهره در این حالت سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. یعنی افزایش مخارج دولتی جانشین مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود که به این اثر، اثر جانشینی یا برون‌رانی گویند. اگر LM افقی باشد، با انتقال IS به سمت راست نرخ بهره تغییر نمی‌کند. در نتیجه جانشینی جبری صفر است ولی اگر LM عمودی باشد، اثر جانشینی جبری کامل خواهد بود یعنی، به همان میزان که مخارج دولت افزایش می‌یابد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد. در نتیجه y ثابت خواهد ماند (همچنین تقاضای کل). هر چه LM به حالت عمودی‌تر نزدیک شود اثر جانشینی جبری بیشتر است و با کاهش حساسیت تقاضای پول به نرخ بهره LM به حالت عمودی نزدیک‌تر شده و در نتیجه اثر جانشینی جبری بیشتر خواهد شد.

۲۵- گزینه «۳» سیاست پولی انبساطی باعث انتقال منحنی LM به سمت راست شده و نرخ بهره کاهش خواهد یافت. با کاهش نرخ بهره قیمت اوراق قرضه افزایش می‌یابد زیرا، همواره قیمت اوراق قرضه دارای رابطه معکوس با نرخ بهره می‌باشد.

۲۶- گزینه «۳» هر چه IS به حالت افقی و LM به حالت عمودی نزدیک‌تر شود، کارایی سیاست پولی بیشتر است (و بر عکس) و اگر LM عمودی و IS افقی باشد کارایی سیاست مالی صفر و کارایی سیاست پولی حداکثر است (و برعکس). کارایی هر سیاست در توانایی ایجاد تغییر در درآمد تعادلی سنجیده می‌شود.

۲۷- گزینه «۳» با اجرای سیاست پولی (تغییر M_0^S)، منحنی LM با توجه به تابع $r = \frac{L_0}{h} - \frac{\bar{M}^S}{h} + \frac{k}{h}Y$ به صورت موازی منتقل خواهد شد و شیب تابع LM، $\left(\frac{K}{L}\right)$ ثابت می‌ماند ولی منحنی IS بر اساس سیاست‌های پولی می‌تواند همراه با انتقال، دارای شیب متفاوتی نیز باشد. در سیاست‌های مالی، اگر مقادیر ثابت مثل مالیات ثابت (T_0) و سرمایه‌گذاری ثابت (I_0) یا مصرف ثابت (C_0)، تغییر یابد، IS موازی منتقل خواهد شد ولی اگر نرخ مالیات تغییر کند هم شیب و هم عرض از مبدأ IS با توجه به تابع IS زیر تغییر می‌یابد:

$$Y = \frac{C_0 - cT_0 + I_0 + G_0}{1-c+ct} - \frac{a}{1-c+ct}r$$

۲۸- گزینه «۱» با افزایش t (نرخ مالیات برآمد) قدر مطلق شیب IS افزایش می‌یابد یا IS به حالت عمودی‌تر نزدیک می‌شود. با افزایش ضریب مربوط به نشتی‌ها مانند نرخ مالیات و نرخ نهایی واردات، IS عمودی‌تر می‌شود و با افزایش ضرایب مربوط به تزریقی‌ها به اقتصاد مثل میل نهایی به مصرف و میل نهایی به سرمایه‌گذاری، IS افقی‌تر می‌شود. شیب IS عبارت است از:

$$\left| \frac{dr}{dY} \right| = \frac{1-c+ct-e+m}{a}$$

۲۹- گزینه «۴» در صورت کسری بودجه دولت، درآمدهای مالیاتی دولت از هزینه‌ها و پرداخت‌های انتقالی دولت کمتر است و اگر دولت از بانک مرکزی کسری خود را استقراض نماید، این استقراض باعث افزایش عرضه پول خواهد شد و منحنی LM به سمت راست منتقل خواهد شد. در نتیجه درآمد تعادلی افزایش خواهد یافت و نرخ بهره در کوتاه‌مدت کاهش می‌یابد. توجه کنید که استقراض دولت از بانک مرکزی هم‌ارز با افزایش عرضه پول است.

۳۰- گزینه «۴» با افزایش تقاضا برای پول، نرخ بهره افزایش می‌یابد و افزایش نرخ بهره باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود، اگر سرمایه‌گذاری کاهش یابد (I)، تقاضای کل کاهش خواهد یافت و کاهش تقاضای کل باعث کاهش درآمد ملی و سطح قیمت‌ها خواهد شد. کاهش در درآمد ملی منجر به بیکاری و رکود در جامعه می‌شود.

۳۱- گزینه «۱» انتقال افقی LM به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$\Delta y = \Delta(M^S) \cdot \frac{1}{k} = 100 \left(\frac{1}{0.25} \right) = 400$$

پس با افزایش ۱۰۰ واحد عرضه پول، درآمد ۴۰۰ واحد افزایش خواهد یافت.

۳۲- گزینه «۲» اثر جاننشینی جبری بیانگر کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به دلیل افزایش نرخ بهره در اثر سیاست‌های مالی انبساطی دولت می‌باشد، ولی اگر LM افقی باشد نرخ بهره همواره ثابت می‌باشد. در نتیجه با افزایش مخارج دولت و انتقال IS به سمت راست، نرخ بهره ثابت است و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ثابت خواهد ماند، پس اثر جاننشینی جبری صفر خواهد بود.

۳۳- گزینه «۱» اگر دولت مخارج دولتی و کل مالیات را به اندازه ۲۵ واحد کاهش دهد به این معنی است که سیاست بودجه متوازن را اتخاذ کرده است و با توجه به اینکه ضریب تکاثری بودجه متوازن در شرایط گفته شده برابر واحد است پس درآمد ملی نیز به اندازه ۲۵ واحد کم می‌شود. اگر در سؤال گفته می‌شد در شرایطی که مالیات‌ها تابعی از درآمد هستند، مخارج دولتی و «مالیات ثابت» به میزان ۲۵ واحد کاهش یابند، دیگر ضریب فزاینده برابر واحد نبود بلکه کوچکتر از یک بود. در این صورت درآمد ملی کمتر از ۲۵ واحد کاهش می‌یافت و گزینه «۲» به عنوان گزینه صحیح انتخاب می‌شد.

۳۴- گزینه «۳» کارایی سیاست‌های پولی و مالی به شیب منحنی‌های IS و LM بستگی دارد. اگر حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره کم باشد، IS به حالت عمودی نزدیک‌تر خواهد بود و سیاست پولی در تغییر درآمد بدون تأثیر خواهد بود. در گزینه‌های ۱ و ۲، IS افقی‌تر می‌شود و سیاست پولی کارا تر می‌باشد. در گزینه «۴» LM عمودی‌تر خواهد بود و کارایی سیاست‌های پولی بیشتر می‌شود.

۳۵- گزینه «۲» عرضه پول تابع مستقیم نرخ بهره می‌باشد، اگر عرضه پول درونزا باشد (تابعی از نرخ بهره)، منحنی LM دارای شیب کمتری خواهد بود (خوابیده‌تر). در نتیجه کارایی سیاست‌های مالی بیشتر خواهد شد و کارایی سیاست‌های پولی کمتر می‌شود (برای اینکه تأثیر درون‌زا بودن عرضه پول را روی مدل بررسی کنیم کافی است h را کمی افزایش دهیم و اثرات آن را بررسی نماییم، زیرا افزایش حساسیت عرضه پول نسبت به نرخ بهره تأثیری مثل افزایش h دارد).

۳۶- گزینه «۴» اگر اقتصاد در حالت دام نقدینگی (LM افقی) قرار گیرد، افزایش عرضه پول تعادل IS و LM را تغییر نمی‌دهد. در نتیجه تقاضای کل تغییر نخواهد یافت و با ثابت ماندن تقاضای کل، قیمت‌ها و تولید تعادلی نیز ثابت خواهند ماند.

۳۷- گزینه «۱» شیب منحنی‌های IS و LM تأثیر سیاست‌های پولی و مالی را مشخص می‌کند و سیاست پولی زمانی نسبت به سیاست مالی مؤثرتر می‌باشد که LM عمودی‌تر و IS افقی‌تر باشد.

اگر حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره کامل باشد، IS افقی خواهد بود و کارایی سیاست پولی حداکثر می‌باشد. در دام نقدینگی LM افقی و سیاست مالی دارای کارایی حداکثر است. حساسیت کامل تقاضای پول نسبت به نرخ بهره نیز همان دام نقدینگی می‌باشد.

۳۸- گزینه «۲» در نقاط پایین منحنی LM در بازار پول مازاد تقاضای پول داریم، در نقاط روی منحنی LM بازار پول در تعادل است و در نقاط بالای این منحنی با مازاد عرضه در بازار پول مواجه می‌شویم.

۳۹- گزینه «۱» با توجه به منحنی IS با تغییر نرخ نهایی مالیات شیب منحنی IS تغییر می‌یابد ولی عرض از مبدأ این تابع تغییر نمی‌کند. با توجه به تابع IS

$$r = \frac{C_0 - cT_0 + I_0 + G_0}{a} - \frac{1-c+ct}{a} Y \quad \text{با تغییر نرخ نهایی مالیات هیچ تغییری نخواهد کرد:} \quad \left(\frac{C_0 - cT_0 + I_0 + G_0}{a} \right)$$

۴۰- گزینه «۳» با توجه به شیب منحنی IS و LM کارایی سیاست‌های پولی را می‌توان مشخص کرد. هرچه LM به حالت عمودی و IS به حالت افقی نزدیک شود، کارایی یا اثرگذاری سیاست پولی بیشتر خواهد بود. اگر حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره بالاتر باشد IS افقی‌تر می‌شود و هرچه حساسیت تقاضای پول به نرخ بهره کمتر باشد، LM به حالت عمودی نزدیک‌تر می‌شود. بنابراین کارایی سیاست پولی بیشتر خواهد بود. اگر همانند نظر کلاسیک‌ها حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره صفر باشد LM عمودی خواهد شد. همچنین با توجه به ضریب تکاثری سیاست پولی، پایین بودن حساسیت تقاضای پول نسبت به درآمد (K) می‌تواند تأثیرگذاری سیاست پولی را افزایش دهد.



پس گزینه «۴» نیز می‌تواند درست باشد اما از آنجا که $0 < K < 1$ است و نمی‌تواند تغییر چندانی داشته باشد، تأثیرش بر اثرگذاری سیاست پولی به مراتب کم‌تر از تغییر h است. بنابراین انتخاب گزینه «۳» صحیح‌تر خواهد بود.

$$\text{ضریب تکاثری پولی: } \frac{\Delta y}{\Delta\left(\frac{M}{P}\right)} = \frac{\frac{a}{h}}{1 - c(1-t) - e + m + \frac{aK}{h}}$$

۴۱- گزینه «۴» افزایش مخارج دولت باعث می‌شود IS به سمت راست انتقال یابد و با این اتفاق نرخ بهره افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر مخارج دولتی جایگزین مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. اگر LM عمودی باشد، اثر جانشینی جبری کامل است یعنی دقیقاً به اندازه افزایش مخارج دولت، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کم می‌شود. در این حالت، کارایی سیاست‌های مالی دولت صفر می‌باشد. اگر LM افقی باشد به دلیل عدم تغییر نرخ بهره، جانشینی جبری صفر می‌باشد چون سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تغییر نمی‌یابد. در اقتصاد در حال اشتغال کامل، به دلیل وجود نداشتن منابع بیکار با افزایش مخارج دولت بایستی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش یابد. شرایط اشتغال کامل مطابق با دیدگاه کلاسیکی است که در آن LM عمودی است. بنابراین در این شرایط اثر جایگزینی کامل است. اگر دولت به همراه افزایش مخارج خود یک سیاست پولی انبساطی را نیز اعمال کند (سیاست پولی همراه کننده)، می‌تواند از افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری جلوگیری کند و از این طریق شدت جانشینی جبری را کاهش دهد.

۴۲- گزینه «۳» اگر اقتصاد در وضعیت رکودی باشد سیاست انبساطی مالی باعث انتقال IS به سمت راست و انتقال تقاضای کل به سمت راست خواهد شد و به دلیل وجود ظرفیت بیکار، تولید افزایش می‌یابد ولی قیمت‌ها ثابت است. همچنین در تحلیل IS و LM چون در حالت رکودی و نرخ بهره پایین، LM نسبتاً افقی است، کارایی سیاست‌های مالی حداکثر خواهد بود.

۴۳- گزینه «۱» اگر میل نهایی به پس‌انداز با میل نهایی به سرمایه‌گذاری مساوی باشد ($MPS = MPI$) به دلیل وجود میل نهایی به سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری علاوه بر نرخ بهره تابعی از درآمد ملی نیز می‌باشد و تابع سرمایه‌گذاری و شیب تابع IS به صورت زیر خواهد بود:

$$I = I_0 - ar + eY \quad ; \quad \frac{dI}{dY} = -\frac{1-c-e}{a} = \frac{1-MPC-MPI}{a} = \frac{MPS-MPI}{a}$$

در معادله فوق، a ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، c میل نهایی به مصرف و e میل نهایی به سرمایه‌گذاری می‌باشد. اگر $c+e$ برابر یک باشد شیب تابع IS برابر صفر خواهد شد یا اگر $MPS=MPI$ باشد نیز شیب IS صفر خواهد شد.

۴۴- گزینه «۳» اگر سرمایه‌گذاری علاوه بر اینکه تابع معکوس از نرخ بهره باشد تابعی مستقیم از درآمد ملی نیز باشد، یعنی $I_t = \Delta K_t = \lambda Y_t$ ، IS در مقایسه با حالتی که I تابع درآمد نباشد به حالت افقی نزدیک‌تر خواهد شد. ضریب تکاثری برابر است با:

$$K_G = \frac{1}{1 - c + ct - e + \frac{aK}{h}}$$

اگر e مثبت باشد، ضریب تکاثری بزرگ‌تر می‌شود یعنی جانشینی جبری کمتر خواهد شد.

$$K_G = \frac{dY}{dG} = \frac{1}{1 - c + ct + m + \frac{aK}{h}}$$

۴۵- گزینه «۲» ضریب تکاثر مخارج دولت عبارت است از:

$$K_{M^S} = \frac{dY}{d\left(\frac{M^S}{P}\right)} = \frac{\frac{a}{h}}{1 - c + ct + m + \frac{aK}{h}}$$

همچنین ضریب تکاثر عرضه پول عبارت است از:

اگر $h = a$ باشد، ضریب تکاثر سیاست پولی و سیاست مالی با هم برابر می‌باشد. ولی اگر $h > a$ باشد، ضریب تکاثر سیاست پولی یا عرضه پول بیشتر از مخارج دولت است و اگر $h < a$ باشد، ضریب تکاثر سیاست مالی (مخارج دولت) بیشتر خواهد بود.

$$K_{\frac{M^S}{P}} = K_G \left(\frac{a}{h}\right) \Rightarrow K_G = \frac{K_{\frac{M^S}{P}}}{\frac{a}{h}} = \frac{f}{\frac{10}{15}} = 6$$

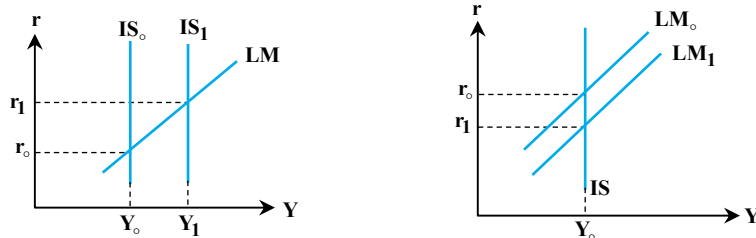
رابطه بین ضریب تکاثر سیاست‌های مالی و پولی عبارت است از:

با توجه به اطلاعات مسئله $h=15$, $a=10$ و $K_{\frac{M^s}{P}}=4$ می‌باشد. اکنون برای افزایش ۶۰۰ واحد درآمد، ΔG بایستی برابر ۱۰۰ باشد:

$$\Delta Y = K_G \cdot \Delta G \Rightarrow 600 = 6 \times \Delta G \Rightarrow \Delta G = 100$$

۴۶- گزینه «۱» طبق نظریات کینزی، LM افقی و در پایین‌ترین سطح ممکن بوده و به دلیل رکود اقتصادی نرخ بهره ثابتی را نشان می‌دهد. به این حالت دام نقدینگی اطلاق می‌گردد. در این حالت تقاضای سفته‌بازی و تقاضای پول نیز افقی خواهند بود (حساسیت بی‌نهایت به نرخ بهره)، ولی در حالت کلاسیکی LM به دلیل این که تابعی از نرخ بهره نمی‌باشد عمودی فرض می‌شود و در صورت داشتن رابطه معکوس بین تقاضای پول و نرخ بهره به صورت یک تابع، LM شیب مثبت خواهد داشت و اگر LM عمودی باشد، کارآیی سیاست‌های مالی صفر و کارآیی سیاست‌های پولی حداکثر است.

۴۷- گزینه «۲» منحنی IS در صورت صفر بودن کشش تابع سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره عمودی خواهد بود و در این حالت سیاست‌های پولی هیچ کارآیی نخواهند داشت و تنها با سیاست‌های مالی می‌توان سطح تولید را افزایش داد.



اعمال سیاست مالی در IS عمودی که درآمد را تغییر می‌دهد و میزان تغییر در نرخ بهره بستگی به شیب LM دارد. توجه کنید که طبق دیدگاه مالی، IS به تنهایی میزان درآمد را تعیین نمی‌کند.

اعمال سیاست پولی در IS عمودی که فقط نرخ بهره را کاهش می‌دهد و تغییر در درآمد ایجاد نمی‌کند.

۴۸- گزینه «۳» افزایش حجم اسمی پول LM را به سمت راست منتقل می‌کند و چون از نظر کینز IS و LM (به جز در حالت دام نقدینگی) به ترتیب شیب مثبت و منفی (حالت عادی) دارند، با افزایش حجم پول تولید افزایش و نرخ بهره کاهش می‌یابد. از نظر کینز عرضه کل اقتصاد افقی است در نتیجه با افزایش حجم اسمی پول و انتقال LM ، تقاضای کل نیز به سمت راست منتقل می‌شود. ولی چون عرضه کل افقی است قیمت‌ها ثابت می‌ماند و حجم واقعی پول با توجه به رابطه مقابل افزایش می‌یابد:

$$\frac{\text{حجم اسمی پول}}{\text{سطح قیمت‌ها}} = \text{حجم واقعی پول}$$

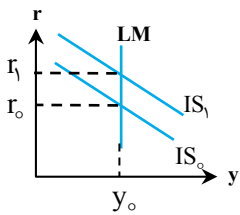
۴۹- گزینه «۳» منحنی LM در حالت اشتغال کامل تقریباً عمودی است در نتیجه، فقط تغییر و انتقال LM در سطح درآمد ملی تأثیر دارد و سیاست مالی در تغییر درآمد تعادلی هیچ تأثیری نخواهد داشت و فقط سیاست‌های پولی در تغییر درآمد تعادلی مؤثر خواهند بود. در این حالت کارآیی سیاست پولی حداکثر و کارآیی سیاست مالی صفر می‌باشد.

۵۰- گزینه «۲» ترکیبات مختلف درآمد و نرخ بهره در صورت وجود تعادل در بازار پول، منحنی LM می‌باشد. در نقاط بالای LM مازاد عرضه پول و در نقاط پایین LM مازاد تقاضای پول وجود دارد. افزایش عرضه پول LM را به سمت راست منتقل می‌کند و کاهش عرضه پول LM را به سمت چپ منتقل می‌کند. تغییرات نرخ بهره باعث حرکت روی منحنی LM خواهد شد. در تعادل پول بایستی جمع عرضه پول و عرضه اوراق قرضه با جمع تقاضای پول و تقاضای اوراق قرضه برابر باشد. اگر در بازار پول اضافه عرضه وجود داشته باشد باید در بازار اوراق قرضه اضافه تقاضا وجود داشته باشد. اگر در بازار پول اضافه تقاضا وجود داشته باشد، در بازار اوراق قرضه مازاد عرضه وجود خواهد داشت و هرگاه تعادل بازار پول برقرار شود (نقاط روی منحنی LM)، بازار اوراق قرضه هم به تعادل می‌رسد.

۵۱- گزینه «۱» افزایش در مخارج دولت باعث انتقال IS به سمت راست و کاهش مخارج دولت باعث انتقال IS به سمت چپ می‌شود. افزایش پس‌انداز و مالیات مستقل IS را به سمت چپ منتقل می‌نماید، مقدار انتقال افقی IS برابر است با اندازه تغییر در هر یک از متغیرهای مؤثر در انتقال IS ضربدر

$$\frac{dy}{dG} = \frac{1}{1-b(1-t)}$$

ضریب تکاثر آن متغیر در مدل درآمد - مخارج. ضریب تکاثر مخارج دولت برابر است با:



۵۲- گزینه «۲» پول‌گراها یا طرفداران سیاست پولی معتقدند منحنی LM عمودی است و در نتیجه با اعمال سیاست مالی انبساطی منحنی IS به سمت بالا و راست می‌رود و سبب افزایش نرخ بهره می‌شود. این افزایش نرخ بهره آن قدر زیاد است که کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از آن دقیقاً به اندازه افزایش به طور مثال هزینه‌های دولت است. در نتیجه سیاست مالی در این حالت هیچ‌گونه تأثیری بر قیمت و تولید و سطح اشتغال نخواهد داشت و باید سیاست پولی انبساطی در کنار آن اعمال شود.

۵۳- گزینه «۱» در صورت سؤال باید ذکر شود که منظور قدر مطلق شیب است و یا خود شیب با علامت جبری که اگر منظور دومی باشد، گزینه «۲» صحیح است. شیب منحنی IS به صورت مقابل است:

$$\frac{dr}{dy} = -\frac{1-c(1-t)-e}{a}$$

اگر بخواهیم قدر مطلق شیب IS ماکزیمم شود باید نرخ مالیات بیشتر و c ، e ، a کمتر شوند، چون ضریب نرخ مالیات مثبت و ضریب c و e منفی است و a در مخارج قرار دارد. یعنی بهترین حالت نرخ مالیات بیشتر و c کمتر است. اما در بین گزینه‌ها وجود ندارد. ولی در بین گزینه‌ها، گزینه «۱» به نسبت شیب بزرگ‌تری برای IS ایجاد می‌کند.

۵۴- گزینه «۳» در اصل شتاب منظور این است که سرمایه‌گذاری نیز دیگر برون‌زا در نظر گرفته نمی‌شود و به صورت تابعی مستقیم از درآمد ملی خواهد شد.

$$I = I_0 - ar + ey$$

$$\frac{dr}{dy} = -\frac{1-c(1-t)-e}{a} > 0$$

حال اگر بخواهیم شیب IS مثبت شود باید داشته باشیم:

چون a بزرگ‌تر از صفر است. پس حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به درآمد (e) باید از $1-c(1-t)$ بزرگ‌تر باشد.

$$1-c(1-t)-e < 0 \rightarrow e > 1-c(1-t)$$

$$a > 0$$

۵۵- گزینه «۳» ثروت واقعی، ثروت اسمی تقسیم بر سطح قیمت‌ها است $(\frac{A}{P})$. ثروت اسمی است. حال با کاهش قیمت‌ها، ثروت واقعی افزایش می‌یابد و چون مصرف تابعی مستقیم از ثروت واقعی است مصرف افزایش می‌یابد و با افزایش مصرف، منحنی IS به سمت بالا و راست منتقل می‌شود. همچنین با کاهش قیمت، عرضه حقیقی پول $(\frac{M^S}{P})$ افزایش یافته و سبب انتقال منحنی LM به سمت راست و پایین می‌شود.

۵۶- گزینه «۳» ضریب تکاثر مالیات در مدل درآمد - مخارج عبارت است از: $\frac{-c}{1-c(1-t)}$. بنابراین هر چقدر میل نهایی به پس‌انداز $(1-c)$ بزرگ‌تر باشد،

میل نهایی به مصرف (c) کوچک‌تر خواهد بود و در نتیجه ضریب تکاثر مالیات کوچک‌تر می‌شود و انتقال IS (همان ΔT ضربدر ضریب تکاثر مالیات در مدل درآمد - مخارج) کمتر خواهد بود. شیب منحنی LM بر تغییر درآمد ملی تعادلی در مدل IS-LM تأثیر دارد نه انتقال IS.

۶۱- گزینه «۴» هرچه حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره بیشتر باشد، LM به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود و در این حالت کارایی سیاست مالی بیشتر و کارایی سیاست پولی کمتر است. هر زمان کارایی سیاست مالی بیشتر باشد، اثر جانشینی جبری کمتر خواهد شد. با افزایش مخارج دولت و انتقال IS چون LM به حالت افقی نزدیک است، نرخ بهره زیاد افزایش نمی‌یابد در نتیجه سرمایه‌گذاری کاهش زیادی پیدا نمی‌کند و اثر جانشینی جبری (اثر جایگزینی) محدودتر می‌شود. همچنین با توجه به عبارت $\frac{aK}{h}$ که معرف اثر جانشینی جبری است می‌توان گفت با افزایش حساسیت تقاضای پول نسبت به

نرخ بهره (h) ، $\frac{aK}{h}$ کاهش می‌یابد پس اثر جانشینی جبری نیز کاهش می‌یابد.

۵۷- گزینه «۲» هرچه حساسیت تقاضای پول به نرخ بهره بیشتر باشد، شیب منحنی LM $(\frac{K}{h})$ ، کمتر خواهد بود و کارایی سیاست مالی افزایش و کارایی

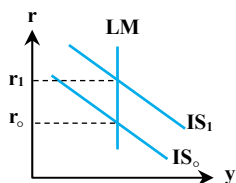
سیاست پولی کاهش خواهد یافت. اگر سرعت گردش پول $v = \frac{P \cdot Q}{M}$ کمتر باشد ضریب درآمدی تقاضای پول K ، بزرگ‌تر خواهد بود $(K = \frac{1}{v})$ و افزایش

K برابر با کاهش کارایی سیاست‌های پولی و مالی خواهد بود. با افزایش حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، IS افقی‌تر می‌شود و کارایی سیاست پولی بیشتر از سیاست مالی خواهد بود. میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر و نرخ نهایی مالیات بر درآمد کمتر، همزمان کارایی سیاست‌های پولی و مالی را افزایش خواهند داد.

۵۸- گزینه «۴» متأسفانه در صورت سؤال ذکر نشده که منظور قدر مطلق شیب IS است و یا خود شیب با علامت جبری. معمولاً در این حالت منظور قدر مطلق شیب IS است.

$$\frac{dr}{dy} = -\frac{1 - c(1-t) - e}{a}$$

که باید میل نهایی به مصرف بزرگتر و نرخ مالیات کوچکتر باشد تا شیب IS کمتر شود ولی اگر منظور شیب با علامت جبری باشد، گزینه «۲» صحیح است.



۵۹- گزینه «۱» اگر حساسیت تقاضای پول برای سفته بازی صفر باشد به این معنا است که منحنی LM عمودی است که دیدگاه کلاسیکها و پولگراها می باشد. در این حالت اعمال سیاست مالی انبساطی موجب انتقال IS به سمت بالا و راست می شود و نرخ بهره از I_0 به I_1 افزایش می یابد. اما درآمد ملی و سطح اشتغال و تولید تغییری نمی کند، چون کاهش سرمایه گذاری ناشی از افزایش نرخ بهره به طور کامل سیاست مالی انبساطی را خنثی می کند و چون سطح تقاضا تغییری نکرده است، سطح قیمت ها نیز ثابت می ماند.

۶۰- گزینه «۴» فروش اوراق بهادار توسط دولت به مردم میزان ثروت مردم را افزایش می دهد و چون مصرف با ثروت واقعی رابطه مستقیم دارد. سبب افزایش مصرف و در نتیجه انتقال منحنی IS به سمت بالا و راست می شود. باید به این نکته توجه کرد که چون فروش اوراق بهادار توسط دولت صورت گرفته پایه پولی تغییری نمی کند. اما اگر توسط بانک مرکزی صورت می گرفت پایه پولی تغییر می کرد و سبب کاهش حجم پول می شد و منحنی LM به سمت چپ و بالا منتقل می شد.

۶۱- گزینه «۲» افزایش در سطح قیمت موجب می شود که ثروت حقیقی $\left(\frac{A}{P}\right)$ کاهش پیدا کند. چون مصرف با ثروت واقعی رابطه مستقیم دارد پس سبب

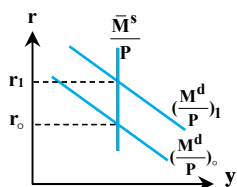
کاهش مصرف و در نتیجه انتقال منحنی IS به سمت چپ و پایین می شود. همچنین با افزایش قیمت، حجم واقعی پول $\frac{M^s}{P}$ کاهش می یابد و سبب انتقال منحنی LM به سمت چپ و بالا می شود.

۶۲- گزینه «۳» با افزایش عرضه پول منحنی LM به سمت راست و پایین منتقل می شود و موجب کاهش نرخ بهره می شود. کاهش نرخ بهره ریسک سرمایه گذاری را کاهش داده و موجب افزایش هزینه های سرمایه گذاری یا همان میزان سرمایه گذاری خصوصی می شود. با افزایش سرمایه گذاری میزان درآمد ملی افزایش می یابد.

۶۳- گزینه «۱» اگر کشش سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره صفر باشد یعنی، سرمایه گذاری برونزا و IS عمودی خواهد شد. در این حالت، سیاست پولی انبساطی هیچ تأثیری بر سطح درآمد ندارد و فقط نرخ بهره را افزایش می دهد و چون سرمایه گذاری مستقل از نرخ بهره است، سرمایه گذاری و در نتیجه IS تغییری نمی کند. اما با سیاست مالی می توان منحنی IS و تقاضای کل را جابجا کرد و در نتیجه سطح درآمد ملی را تغییر داد.

۶۴- گزینه «۲» اقتصاددانان پولگرا و یا کلاسیک معتقدند که نیازی به دخالت دولت در اقتصاد وجود ندارد و اقتصاد خود به ثبات می رسد. به همین دلیل با اعمال سیاست های پولی و مالی توسط دولت مخالف هستند و مهم ترین دلیل بی ثباتی اقتصاد را دخالت دولت می دانند. پولگراها در سیاست پولی اعتقاد دارند که دولت باید حجم پول را متناسب با رشد اقتصادی و با نرخ ثابت افزایش دهد و از اعمال سیاست های پولی پراکنده خودداری کند. همچنین زمینه سیاست مالی اعتقاد دارند که دولت بهتر است تعادل در بودجه خود را حفظ کند، چون این سیاست تأثیری بر سطح تولید و اشتغال ندارد.

۶۵- گزینه «۱» منحنی IS و LM عمودی به این معنی است که هر قدر نرخ بهره تغییر کند، منحنی IS و LM در یک سطح درآمد ثابت باقی بمانند که این یعنی حساسیت سرمایه گذاری و تقاضای سفته بازی پول نسبت به نرخ بهره صفر است.



۶۶- گزینه «۱» وقتی حجم حقیقی پول ثابت است یعنی، عمودی است و هیچ ارتباطی به نرخ بهره ندارد. حال اگر درآمد افزایش پیدا کند تقاضای معاملاتی پول افزایش می یابد و چون حجم حقیقی پول ثابت است، برای اینکه بازار پول در تعادل باشد باید نرخ بهره مطابق شکل افزایش یابد تا تقاضای سفته بازی پول کاهش پیدا کند و بازار پول در تعادل بماند. (مجموع تقاضای معاملاتی و سفته بازی برابر با عرضه پول بماند.)



۶۷- گزینه «۱» با افزایش مخارج، دولت IS به سمت راست منتقل می‌شود و درآمد ملی و نرخ بهره افزایش می‌یابد، با افزایش نرخ بهره سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد (جان‌شینی جبری). ولی اگر بتوانیم منحنی LM را نیز به سمت راست انتقال دهیم و نرخ بهره را ثابت نگه داریم، درآمد ملی بیشترین افزایش ممکن را خواهد داشت. اگر دولت از بانک مرکزی استقراض نماید عرضه پول افزایش می‌یابد و LM به سمت راست منتقل می‌شود.

۶۸- گزینه «۳» طبق نظریات کلاسیک‌ها پول خنثی است و به دلیل عدم توهم پولی، می‌تواند تعیین‌کننده سطح قیمت در اقتصاد باشد و وظیفه اصلی آن، مبادله بوده است. پول واحد حسابداری است و طبق نظریات کلاسیک نمی‌تواند حفظ ارزش و ذخیره ارزش داشته باشد.

۶۹- گزینه «۲» با افزایش سطح قیمت‌ها ثروت حقیقی کاهش می‌یابد و چون مصرف تابع مستقیمی از ثروت حقیقی است، مصرف نیز کاهش می‌یابد که این به معنای انتقال منحنی IS به سمت چپ و پایین است. همچنین افزایش قیمت باعث می‌شود حجم حقیقی پول کاهش یابد و در نتیجه LM به سمت چپ و بالا منتقل می‌شود.

۷۰- گزینه «۳» افزایش ارزش پول ملی سبب کاهش نرخ ارز می‌شود و در نتیجه کالای خارجی در مقایسه با کالاهای داخلی ارزان‌تر می‌شود. بنابراین سبب افزایش واردات و کاهش صادرات می‌شود و در نتیجه خالص صادرات کاهش می‌یابد که به موجب آن منحنی IS به سمت چپ و پایین منتقل می‌شود.

۷۱- گزینه «۲» در یک اقتصاد بسته واردات و صادرات نداریم و شیب IS به صورت روبرو است:

$$\frac{dr}{dy} = -\frac{1-c(1-t)-e}{a}$$

برای اینکه شیب IS کاهش پیدا کند و افقی‌تر شود، باید a , e , c افزایش یابند و نرخ مالیات کاهش یابد. اگر منظور سؤال شیب IS با علامت جبری بود گزینه‌های ۱ و ۳ صحیح می‌شوند.

۷۲- گزینه «۱» با کاهش نرخ بهره، ارزش اوراق قرضه دولتی و خصوصی که در دست مردم است افزایش می‌یابد و این اوراق جزء ثروت افراد محسوب می‌شود و در نتیجه با کاهش نرخ بهره، ثروت حقیقی مردم افزایش یافته و در نتیجه مصرف آن‌ها افزایش می‌یابد. اگر اثر ثروت را در نظر بگیریم نسبت به حالتی که اثر ثروت را به حساب نمی‌آوریم، درآمد بیشتر افزایش می‌یابد. چون علاوه بر اینکه سرمایه‌گذاری با کاهش نرخ بهره افزایش می‌یابد، مصرف نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه شیب منحنی IS کوچک‌تر شده و به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود. اگر مصرف به ثروت واقعی افراد وابسته نباشد، قدرمطلق

شیب منحنی IS به صورت $\frac{1-c(1-t)+m}{a}$ خواهد بود و اگر ثروت واقعی را به تابع مصرف وارد کنیم و مصرف را تابعی از نرخ بهره بدانیم، قدرمطلق شیب منحنی IS به $\frac{1-c(1-t)+m}{a+\psi}$ تبدیل می‌شود. ψ نشان‌دهنده حساسیت مصرف نسبت به نرخ بهره است که مقداری مثبت خواهد بود و با اضافه شدن آن به مخارج کسر، کل کسر کوچک‌تر می‌شود.

۷۳- گزینه «۱» شیب منحنی IS در اقتصاد بسته به صورت مقابل است:

$$\frac{dr}{dy} = -\frac{1-c(1-t)-e}{a}$$

در حالی که شیب IS در اقتصاد باز به صورت $\frac{dr}{dy} = -\frac{1-c(1-t)-e+m}{a}$ است. m میل نهایی به واردات و واردات تابعی از درآمد ملی است و چون $m > 0$ است، قدرمطلق شیب IS در اقتصاد باز بزرگ‌تر از اقتصاد بسته بوده و IS در اقتصاد باز عمودی‌تر است.

۷۴- گزینه «۱» افزایش مخارج دولت منحنی IS را به سمت راست و بالا منتقل می‌کند و از این طریق موجب افزایش تولید می‌شود. اگر این مخارج از طریق افزایش مالیات تأمین شود، باعث می‌شود درآمد قابل تصرف مردم کاهش یابد و مصرفشان کم شود. در این صورت منحنی IS کمی به سمت چپ برمی‌گردد و از میزان افزایش تولید کاسته می‌شود. اگر افزایش مخارج دولت از طریق انتشار اوراق قرضه دولتی تأمین شود، باعث می‌شود ثروت مردم افزایش یابد (اوراق قرضه‌ای که مردم در اختیار دارند جزء ثروتشان است) و از این طریق مصرف خصوصی تا حدودی افزایش می‌یابد و باعث انتقال بیش‌تر IS به سمت راست و افزایش بیش‌تر تولید ملی می‌شود. حال اگر دولت افزایش مخارج خود را از طریق استقراض از بانک مرکزی و انتشار پول تأمین مالی کند، همراه با انتقال IS به سمت راست، LM نیز به سمت راست منتقل می‌شود (زیرا حجم پول زیاد شده است) و در این صورت افزایش مخارج دولت بیشترین تأثیر را روی تولید ملی خواهد داشت. بنابراین تأثیر تأمین مالی از طریق اوراق قرضه بر تولید ملی از تأثیر تأمین مالی از طریق افزایش مالیات بیش‌تر و از تأثیر تأمین مالی از طریق انتشار پول کم‌تر است.

۷۵- گزینه «۱» با تغییر ۱۵۰ واحد در مخارج دولت، IS به میزان ۶۰۰ واحد به راست منتقل می‌شود (۱۵۰ × ۴) و اگر LM تغییر نکند نرخ بهره افزایش می‌یابد. برای ثابت ماندن نرخ بهره بایستی LM نیز ۶۰۰ واحد به سمت راست منتقل شود و با توجه به رابطه انتقال افقی LM به صورت زیر خواهیم داشت:

$$\Delta Y = \Delta \frac{M^S}{P} \left(\frac{1}{K} \right) \Rightarrow 600 = \Delta \left(\frac{M^S}{P} \right) \left(\frac{1}{0/25} \right) \Rightarrow \Delta \left(\frac{M^S}{P} \right) = 600 \cdot (0/25) = 150$$

۷۶- گزینه «۳» متأسفانه در صورت سؤال ذکر نشده که منظور قدر مطلق شیب IS است و یا خود شیب با علامت جبری. معمولاً در این حالت منظور قدر مطلق شیب IS است.

$$\frac{dr}{dy} = \frac{1 - c(1-t) - e}{a}$$

که باید میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر و نرخ مالیات کوچک‌تر باشد تا شیب IS کمتر شود ولی اگر منظور شیب با علامت جبری است، گزینه «۱» صحیح می‌باشد.

۷۷- گزینه «۱» با کاهش قیمت ثروت حقیقی $\left(\frac{A}{p}\right)$ افزایش و حجم حقیقی پول $\frac{M^S}{p}$ نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه منحنی LM به سمت راست و پایین

منتقل می‌شود و طبق اثر ثروت، مصرف افزایش یافته و موجب انتقال منحنی IS به سمت راست و بالا می‌شود.

۷۸- «هیچ‌کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.» با فروش اوراق بهادار توسط دولت به مردم هیچ تغییری در حجم پول به وجود نمی‌آید و LM را جابجا نمی‌کند و اگر از طرف بانک مرکزی باشد، سبب افزایش حجم پول می‌شود. اما فروش اوراق قرضه سبب افزایش ثروت مردم می‌شود و این افزایش ثروت، مصرف مردم را افزایش می‌دهد و سبب انتقال منحنی IS به سمت راست و بالا می‌شود.

۷۹- «هیچ‌کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.» با توجه به اطلاعات مسأله داریم:

$$K = 0/2, h = 2000, a = 1000$$

$$\frac{\Delta y}{\Delta \frac{M^S}{P}} = \frac{\frac{a}{h}}{1 - c(1-t) + \frac{aK}{h}} = 1/25 \Rightarrow$$

$$\frac{1000}{2000} = 1/25 \Rightarrow 1 - c(1-t) = 0/3$$

$$1 - c(1-t) + \frac{1000 \times 0/2}{2000}$$

اگر بخواهیم نرخ بهره بدون تغییر بماند باید سیاست‌های پولی و مالی انبساطی را به گونه‌ای اعمال کنیم که انتقال افقی IS و LM برابر باشد، یعنی:

$$\frac{1}{K} \Delta \frac{M^S}{P} = \frac{1}{1 - c(1-t)} \Delta G$$

$$\Rightarrow \Delta \frac{M^S}{P} = \frac{K}{1 - c(1-t)} \Delta G = \frac{0/2}{0/3} \times 400 = 266/66$$

که در هیچ‌کدام از گزینه‌ها وجود ندارد.

۸۰- گزینه «۴» ضریب تکاثر سیاست پولی در مدل IS, LM عبارت است از:

$$\text{ضریب تکاثر سیاست پولی} = \frac{a}{h} K_G^{IS-LM} \quad \frac{a}{h} = 0/5 \Rightarrow a = 0/5h$$

$$I = I_0 - ar \Rightarrow dI = -adr \Rightarrow dr = \frac{dI}{-a} = \frac{-40}{-0/5h} = \frac{80}{h}$$

$$M^d = KY - hr \Rightarrow dM^d = Kdy - hdr \Rightarrow 0 = Kdy - hdr \Rightarrow 0 = 0/2dY - h\left(\frac{80}{h}\right) \Rightarrow dY = 400$$

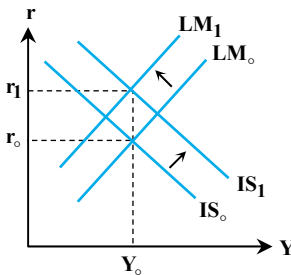


ضریب تکاثر مخارج دولت در مدل LM-IS عبارت است از:

$$K_G^{IS-LM} = \frac{dY}{dG} = \frac{1}{1-c+ct+\frac{ak}{h}} \Rightarrow \frac{400}{200} = \frac{1}{1-c+ct+\frac{0/\Delta h(0/2)}{h}} \Rightarrow 1-c+ct=0/4 \Rightarrow 1-c(1-t)=0/4 \Rightarrow c(1-t)=0/6$$

اطلاعات فوق را در تابع مصرف قرار می‌دهیم.

$$C = C_0 + c(Y + T_0 - tY) \Rightarrow dC = c(1-t)dY \Rightarrow dC = 0/6(400) = 240$$



سیاست انبساطی مالی با سیاست پولی انقباضی

۸۱- گزینه «۴» برای اینکه در مدل IS-LM نرخ بهره افزایش یابد و درآمد

ملی ثابت بماند دو راه حل وجود دارد:

۱- سیاست مالی انبساطی با سیاست پولی انقباضی رخ دهد ۲- سیاست پولی انقباضی با IS عمودی یا سیاست مالی انبساطی با LM عمودی رخ دهد.

۸۲- گزینه «۲» اگر اثر ازدحام یا جایگزینی کامل باشد به معنی LM عمودی است. در این حالت با افزایش مخارج دولتی منحنی IS به سمت راست و بالا منتقل می‌شود و چون LM عمودی است فقط نرخ بهره افزایش می‌یابد و تولید تغییر نمی‌کند. در این حالت کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از افزایش نرخ

بهره، کل اثر افزایش مخارج دولت را خنثی کرده و سیاست مالی بی‌اثر می‌شود. در این حالت مخارج کل تغییر نمی‌کند اما ترکیب آن تغییر می‌کند و $\frac{G}{y}$

افزایش (G) مخارج دولت و (y) مخارج کل یا درآمد ملی) و $\frac{I}{y}$ کاهش می‌یابد.

۸۳- گزینه «۴» منحنی LM نشان‌دهنده تعادل بازار پول در فضای درآمد ملی و نرخ بهره است و با افزایش $\frac{M^S}{P}$ به سمت راست و با کاهش $\frac{M^S}{P}$ به سمت

چپ می‌رود که M^S عرضه اسمی پول و P سطح قیمت‌ها است. حال اگر سطح عمومی قیمت‌ها (P) و عرضه اسمی پول (M^S) به یک اندازه افزایش و یا به یک

اندازه کاهش پیدا کنند، عرضه حقیقی پول ($\frac{M^S}{P}$) تغییر نکرده و LM جابجا نمی‌شود. ولی اگر M^S و P به یک اندازه افزایش و یا به یک اندازه کاهش پیدا

نکنند و یا یکی افزایش و دیگری کاهش یابد، منحنی LM جابجا می‌شود.

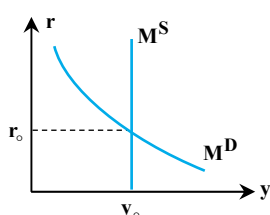
۸۴- گزینه «۴» شیب منحنی IS به صورت مقابل است:

$$\frac{dr}{dy} = \frac{1-c(1-t)-e+m}{a}$$

که e ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به درآمد می‌باشد. اگر سرمایه‌گذاری علاوه بر نرخ بهره نسبت به درآمد نیز حساس باشد ($e > 0$)، نسبت به حالتی که سرمایه‌گذاری

به درآمد حساس نیست ($e = 0$)، شیب منحنی IS کمتر و به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود. اما منحنی LM تغییر نمی‌کند چون شیب منحنی LM به صورت $\frac{k}{h}$

است که k حساسیت تقاضای معاملاتی پول نسبت به درآمد و h حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره است و ارتباطی به سرمایه‌گذاری ندارد.



۸۵- گزینه «۳» به نظر کلاسیک‌ها، افراد یا درآمد خود را خرج می‌کنند و یا پس‌انداز که پس‌انداز منجر به

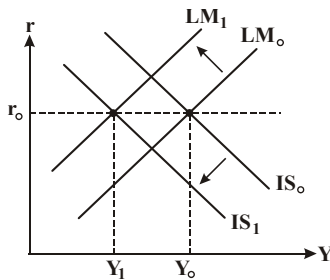
سرمایه‌گذاری می‌شود. تقاضای پول برای سفته‌بازی در دیدگاه کلاسیک مطرح نیست و لذا از دید آن‌ها نرخ بهره در

بازار پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود و متعادل‌کننده پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. اگر نرخ بهره افزایش یابد

مردم مصرف خود را کاهش داده و پس‌انداز خود را افزایش می‌دهند که موجب افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود.

از دیدگاه کینزی عرضه پول برونزا در نظر گرفته می‌شود و تقاضای پول نیز به دو دسته تقاضای معاملاتی و سفته‌بازی تقسیم می‌شود. تقاضای معاملاتی وابسته به درآمد و تقاضای سفته‌بازی وابسته به نرخ بهره است. در نتیجه مطابق شکل، نرخ بهره متعادل‌کننده عرضه و تقاضای پول است. چون عرضه پول در سطح Y_0 است و با نرخ بهره تغییر نمی‌کند، ولی تقاضای پول با نرخ بهره تغییر می‌کند و نرخ بهره تعیین می‌کند که تعادل در کجا باشد.

۸۶- گزینه «۳» افزایش مخارج دولتی IS را به سمت راست منتقل می‌کند و چون LM دارای شیب مثبت می‌باشد، تغییر در درآمد تعادلی کمتر از انتقال افقی IS خواهد بود. انتقال IS به اندازه $\Delta G \left(\frac{1}{1-b}\right)$ می‌باشد ولی به دلیل شیب مثبت LM درآمد ملی کمتر از $\frac{1}{1-b}(\Delta G)$ افزایش می‌یابد. اگر LM افقی باشد (حساسیت بسیار زیاد تقاضای پول نسبت به نرخ بهره)، انتقال IS برابر با $\frac{1}{1-b}(\Delta G)$ خواهد بود و اگر LM عمودی باشد تغییر در درآمد ملی تعادلی صفر خواهد بود.



۸۷- گزینه «۲» با افزایش مالیات، IS به سمت چپ انتقال می‌یابد و نرخ بهره کاهش می‌یابد. برای ثابت نگه داشتن نرخ بهره باید عرضه پول را کاهش دهیم تا LM به سمت چپ انتقال یابد، در نتیجه اثر انتقال IS به سمت راست خنثی می‌شود و نرخ بهره ثابت می‌ماند.

۸۸- گزینه «۲» جانشینی جبری مقدار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است که در اثر افزایش نرخ بهره به دلیل سیاست‌های دولت، کاهش می‌یابد. کافی است ابتدا نرخ بهره افزایش یافته را محاسبه کنیم و سپس تغییر نرخ بهره را در تابع سرمایه‌گذاری قرار دهیم:

$$\frac{dr}{dY} = \frac{K}{L} = \frac{0/2}{10} = 0/02 \text{ شیب LM}$$

$$dY(0/02) = 125 \times 0/02 = 2/5 \text{ تغییر نرخ بهره} \quad I = 900 - 20r \Rightarrow dI = -20 dr \Rightarrow -20(2/5) = -50 \text{ تغییر سرمایه‌گذاری}$$

۸۹- گزینه «۲» ابتدا باید ضریب تکاثر مدل IS-LM را جهت محاسبه C به دست آوریم:

$$K_G^{IS-LM} = \frac{dY}{dG} = \frac{1}{1-c(1-t) + \frac{ak}{h}} = \frac{1}{1-c(1-t) + \frac{200(0/5)}{1000}} = \frac{200}{100} \Rightarrow \frac{1}{1-c(1-t) + 0/1} = 2 \Rightarrow 1-c(1-t) = 0/4$$

برای به دست آوردن انتقال افقی IS ضریب تکاثر IS در مدل درآمد مخارج را در ΔG ضرب می‌کنیم.

$$dY = dG \times G \text{ تکاثر} = \left(\frac{1}{1-c(1-t)} \times dG\right) = \frac{1}{0/4} \times (100) = 250$$

بایستی LM نیز به اندازه ۲۵۰ واحد درآمد به راست منتقل شود تا نرخ بهره ثابت بماند:

$$\frac{dY}{d\left(\frac{M^S}{P}\right)} = \frac{1}{K} \Rightarrow dY = \frac{1}{K} d\left(\frac{M^S}{P}\right) \Rightarrow 250 = \frac{1}{0/5} d\left(\frac{M^S}{P}\right) \Rightarrow d\left(\frac{M^S}{P}\right) = 125$$

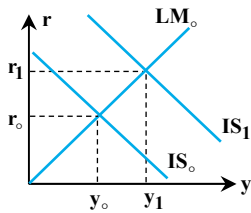
۹۰- گزینه «۲» تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و مالی به شیب منحنی‌های IS و LM بستگی دارد. هرچه LM عمودی‌تر و IS افقی‌تر باشد، کارایی سیاست‌های پولی بیشتر است و برعکس. هرچه a (حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره) بیشتر باشد، IS افقی‌تر خواهد شد و هرچه h (حساسیت تقاضای پول به نرخ بهره) کمتر باشد شیب LM بیشتر خواهد شد.

۹۱- گزینه «۲» دام نقدینگی در نظریه کینز به این صورت مطرح است که آن قدر حجم پول زیاد می‌شود که افزایش عرضه پول تأثیری در سطح درآمد و نرخ بهره ندارد. بنابراین LM افقی است و سیاست پولی بی‌تأثیر است. در این حالت سیاست مالی بیشترین تأثیر را در سطح تولید دارد اما نرخ بهره باز هم تغییری نمی‌کند.



۹۲- گزینه «۱» نظریه خنثی بودن پول در دیدگاه کلاسیکها مطرح است. کلاسیکها معتقدند افزایش حجم پول فقط منجر به افزایش متغیرهای اسمی همچون قیمت اسمی و دستمزدهای اسمی می‌شود، ولی بر روی متغیرهای حقیقی بی‌تأثیر است و متغیرهای حقیقی تغییری نمی‌کند.

۹۳- گزینه «۴» اگر تابع سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره بی‌کشش باشد به این معنی است که با تغییر نرخ بهره میزان سرمایه‌گذاری به میزان کمی تغییر می‌کند. این به معنی پر شیب بودن و به حالت عمودی نزدیک‌تر بودن منحنی IS است. در این حالت با اعمال سیاست پولی نرخ بهره تغییر زیادی می‌کند اما چون سرمایه‌گذار نسبت به نرخ بهره بی‌کشش است، تأثیر آن بر سطح درآمد بسیار کم خواهد بود. سیاست مالی در این حالت تأثیر بیشتری خواهد داشت چون در این حالت ضریب فزاینده سیاست مالی بیشتر شده و سطح درآمد را بیشتر تغییر می‌دهد.



۹۴- گزینه «۲ و ۳» منطقه عادی منحنی LM یعنی جایی که LM صعودی است (نه حالت عمودی و یا افقی). در این حالت با اعمال سیاست مالی انبساطی منحنی IS به سمت راست و بالا منتقل می‌شود و نرخ بهره و درآمد ملی افزایش می‌یابد. از طرفی اعمال سیاست مالی انبساطی منجر به افزایش تقاضا می‌شود و تقاطع منحنی عرضه و تقاضا سبب افزایش قیمت و افزایش تولید و درآمد ملی می‌شود. پس هر دو گزینه «۲» و «۳» می‌توانند درست باشند.

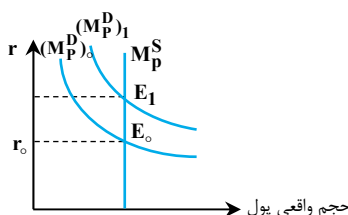
۹۵- گزینه «۱» با توجه به اینکه در سؤال ذکر شده در هر سطحی از نرخ بهره سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد، منحنی IS به سمت راست و بالا منتقل می‌شود. با انتقال منحنی IS به سمت راست و بالا و تقاطع با منحنی LM که تغییری نکرده، نرخ بهره افزایش و عرضه پول نیز که رابطه مستقیم با نرخ بهره دارد افزایش می‌یابد.

۹۶- گزینه «۴» با افزایش عرضه پول منحنی LM به سمت راست و پایین منتقل می‌شود و چون منحنی IS عمودی است فقط نرخ بهره کاهش می‌یابد ولی چون سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره حساسیت ندارد، سرمایه‌گذاری تغییر نکرده و سطح تولید تغییر نمی‌کند. با کاهش نرخ بهره قیمت اوراق قرضه افزایش می‌یابد چون رابطه معکوس بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره وجود دارد. همچنین سطح مصرف مشخص نیست ثابت بماند یا خیر. منحنی تقاضای کل تغییری نمی‌کند و عمودی است ولی ممکن است مصرف ثابت نباشد و ترکیب عوامل تشکیل‌دهنده تقاضای کل تغییر کند. توجه کنید که گزینه (۳) هم می‌تواند درست باشد اما گزینه (۴) جواب درست‌تری است.

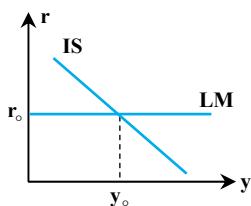
۹۷- گزینه «۳» با افزایش مالیات، درآمد قابل تصرف و مصرف خصوصی کاهش می‌یابد و منحنی IS به سمت چپ و پایین منتقل می‌گردد و بدین ترتیب درآمد تعادلی (Y) و نرخ بهره (r) کاهش خواهند یافت.

۹۸- گزینه «۲» شیب توابع IS و LM بیانگر کارایی سیاست‌های مالی و پولی خواهد بود. سیاست مالی اثربخش‌تر می‌باشد که شیب IS عمودی‌تر و LM کم‌شیب‌تر باشد. اگر حساسیت بهره‌ای تقاضای پول (h) بیشتر باشد با توجه به شیب LM که از رابطه $\frac{K}{h}$ به دست می‌آید (K ضریب معاملاتی پول)، LM افقی‌تر می‌شود و کارایی سیاست‌های مالی بیشتر خواهد بود.

۹۹- گزینه «۱» اگر منحنی LM کاملاً بی‌کشش باشد یعنی، منحنی LM عمودی است. با اعمال سیاست مالی انبساطی منحنی IS به سمت بالا و راست منتقل می‌شود و موجب افزایش Y در طرف تقاضا می‌شود و در نتیجه تقاضای معاملاتی پول افزایش می‌یابد. اما چون در سمت عرضه پول هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود پس باید نرخ بهره افزایش یافته تا تقاضای سفته بازی پول کاهش یافته و مازاد تقاضای پول از بین برود. با افزایش نرخ بهره سرمایه‌گذاری دقیقاً به اندازه افزایش اولیه در تقاضای کل (مثلاً افزایش G) کاهش می‌یابد و در نتیجه سطح درآمد هیچ تغییری نمی‌کند. در این حالت اثر جایگزینی کامل است.



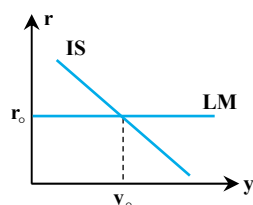
۱۰۰- گزینه «۲» اگر منحنی عرضه پول (M_p^S) ثابت باشد یعنی، به صورت عمودی است. با افزایش تقاضای پول منحنی تقاضای پول به سمت راست و بالا منتقل می‌شود و نقطه تعادل از E_0 به E_1 منتقل می‌شود و این یعنی حجم واقعی پول تغییری نمی‌کند ولی نرخ بهره از r_0 به r_1 افزایش می‌یابد.



۱۰۱- گزینه «۳» منحنی LM افقی نشان دهنده دام نقدینگی است که حالت حدی دیدگاه کینزی است. در این حالت با اعمال سیاست پولی انبساطی منحنی LM تغییری نمی‌کند. در نتیجه نقطه تعادل تغییر نمی‌کند و نرخ بهره و درآمد ملی ثابت می‌مانند. این مطلب ارتباطی به شکل منحنی IS ندارد و منحنی IS به هر شکلی باشد باز هم نرخ بهره و درآمد ثابت می‌مانند. در این حالت سیاست پولی بی‌تأثیر است.

۱۰۲- گزینه «۱» از دیدگاه کینز سه انگیزه برای نگهداری پول وجود دارد. ۱- انگیزه معاملاتی یا مبادلاتی ۲- انگیزه احتیاطی ۳- انگیزه سفته‌بازی که منظور از تقاضای سفته‌بازی همان نقدینگی است. البته در بسیاری از کتاب‌ها، تقاضای مبادلاتی و احتیاطی را در مجموع تقاضای معاملاتی پول می‌گویند، اما از دیدگاه کینز تقاضای کل پول از حاصل جمع سه جزء به دست می‌آید.

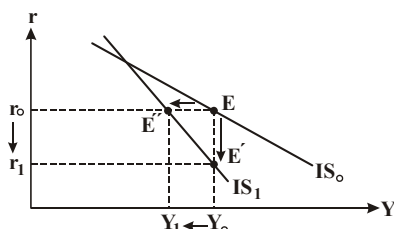
۱۰۳- گزینه «۳» از دیدگاه کینز تقاضای معاملاتی و احتیاطی به سطح درآمد بستگی دارند و ارتباطی با نرخ بهره ندارند. اما با افزایش نرخ بهره قیمت اوراق قرضه کاهش می‌یابد و سبب می‌شود تقاضا برای سفته‌بازی پول کاهش یابد و در نتیجه تقاضای کل پول نیز با افزایش نرخ بهره کاهش می‌یابد.



۱۰۴- گزینه «۲» منحنی LM افقی نشان دهنده دام نقدینگی است که حالت حدی دیدگاه کینزی است. در این حالت با اعمال سیاست پولی انبساطی منحنی LM تغییری نمی‌کند. در نتیجه نقطه تعادل تغییر نمی‌کند و نرخ بهره و درآمد ملی ثابت می‌مانند.

۱۰۵- گزینه «۱» با کاهش عرضه پول، تعادل جدید در بازار پول سبب افزایش نرخ بهره و کاهش درآمد ملی می‌شود. بنابراین سبب انتقال منحنی LM به سمت چپ و بالا می‌شود. فقط در صورتی که در دام نقدینگی (که LM افقی است) باشیم، منحنی LM با تغییر عرضه پول و حجم پول جابجا نمی‌شود.

۱۰۶- گزینه «۴» با افزایش میل نهایی به پس‌انداز، IS به سمت داخل چرخش پیدا می‌کند و پرسیب‌تر می‌شود. در این صورت در هر سطح از تولید، نرخ بهره کاهش می‌یابد و در هر سطحی از نرخ بهره، تولید تعادلی کاهش می‌یابد.



$$1 - c(1 - t) = \text{میل نهایی به پس‌انداز}$$

$$\text{شیب منحنی IS} = \frac{1 - c(1 - t)}{a}$$

۱۰۷- گزینه «۲» در دام نقدینگی، LM افقی است، بنابراین سیاست پولی کارآیی ندارد و سیاست مالی انبساطی باعث تغییر نرخ بهره نمی‌شود. در نتیجه سرمایه‌گذاری که تابعی از نرخ بهره است، تغییر نمی‌کند.

۱۰۸- گزینه «۴» با کاهش نرخ مالیات، منحنی IS به سمت راست چرخش پیدا می‌کند و کم شیب‌تر می‌شود و درآمد ملی افزایش می‌یابد. با کاهش نرخ مالیات، درآمد قابل تصرف افزایش و با افزایش درآمد قابل تصرف، مصرف افزایش و با افزایش مصرف، تقاضای کل افزایش می‌یابد.

۱۰۹- گزینه «۲» سیاست پولی هنگامی کارآیی یا تأثیرگذاری بیشتری دارد که IS به حالت افقی و LM به حالت عمودی نزدیک شود. اگر شیب $(\frac{dr}{dl})$

تابع سرمایه‌گذاری، کم باشد، یعنی سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره حساس است (a بزرگ‌تر است)، پس IS به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود. اگر شیب

تابع تقاضای پول $(\frac{dr}{d(\frac{M^d}{P})})$ زیاد باشد به این معنی است که تقاضای پول نسبت به نرخ بهره حساسیت زیادی ندارد (h کوچک است) و این باعث

می‌گردد که LM به حالت عمودی نزدیک شود.



توجه کنید که منحنی سرمایه‌گذاری و تقاضای پول در فضایی رسم می‌شوند که نرخ بهره روی محور عمودی قرار می‌گیرد. در این صورت هر چه منحنی این توابع پرسیب‌تر باشد به معنی حساسیت کمتر سرمایه‌گذاری و تقاضای پول نسبت به نرخ بهره است. همچنین با توجه به معادلات سرمایه‌گذاری و تقاضای پول داریم:

$$I = I_0 - ar \Rightarrow r = \frac{I_0}{a} - \frac{1}{a}I \Rightarrow \text{شیب منحنی سرمایه‌گذاری} = \frac{dr}{dI} = -\frac{1}{a}$$

$$\frac{M^d}{P} = Ky - hr \Rightarrow r = \frac{Ky}{h} - \frac{1}{h}\left(\frac{M^d}{P}\right) \Rightarrow \text{شیب منحنی تقاضای پول} = \frac{dr}{d\left(\frac{M^d}{P}\right)} = -\frac{1}{h}$$

۱۱۰- گزینه «۳» منظور از دام نقدینگی زمانی است که آن قدر حجم پول زیاد شده باشد که دیگر سیاست پولی انبساطی تأثیری بر نرخ بهره و سطح درآمد ملی ندارد. در این حالت LM افقی است و نرخ بهره در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد.

۱۱۱- گزینه «۳» افزایش مالیات، IS را به سمت چپ و افزایش مخارج دولت IS را به سمت راست انتقال می‌دهد، به دلیل اینکه ضریب تکاثر مخارج دولت بیشتر از ضریب تکاثر مالیات است، اثر افزایش مخارج دولت بیشتر است. بنابراین IS به سمت راست، انتقال می‌یابد. کاهش سرمایه‌گذاری مستقل IS را به سمت چپ منتقل می‌کند.

۱۱۲- گزینه «۴» سیاست مالی انبساطی، باعث افزایش نرخ بهره می‌شود، و افزایش نرخ بهره باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌گردد.

۱۱۳- گزینه «۱» کارآیی سیاست مالی در مدل IS-LM، را از طریق ضریب تکاثر مخارج دولت در مدل IS-LM می‌توان توضیح داد. هرچه K_G^{IS-LM}

بزرگ‌تر باشد، کارآیی یا تأثیرگذاری سیاست مالی بیشتر می‌باشد. K_G^{IS-LM} برابر است با:

$$K_G^{IS-LM} = \frac{1}{1 - c + ct - e + m + \frac{aK}{h}}$$

شیب IS عبارت است از:

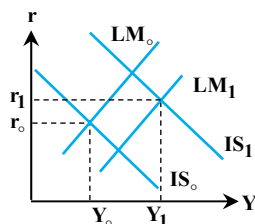
$$\frac{dr}{dY} = \frac{1 - c + ct - e + m}{a}$$

بنابراین اگر a (حساسیت سرمایه‌گذاری به نرخ بهره)، کاهش یابد، IS به حالت عمودی نزدیک می‌شود و کارآیی سیاست مالی نیز بیشتر می‌شود. ولی سایر عواملی که باعث تغییر شیب IS می‌شوند، این ویژگی را ندارند. مثلاً اگر m زیاد شود یا e و c کاهش یابند، IS به حالت عمودی نزدیک می‌شود ولی کارآیی سیاست مالی یعنی (K_G^{IS-LM}) کاهش می‌یابد.

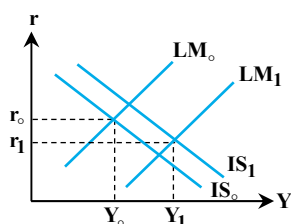
۱۱۴- گزینه «۳» رابطه شیب منحنی IS به صورت $\frac{dr}{dy} = -\frac{1 - c(1-t) - e + m}{a}$ است که t نرخ مالیات و c میل نهایی به مصرف از درآمد قابل تصرف

(MPC) است. حال هرچه نرخ مالیات کمتر باشد، $c(1-t)$ بیشتر می‌شود و هرچه MPC کمتر باشد چون $MPC = 1 - MPS$ است، پس c بزرگ‌تر می‌شود. در این دو حالت، IS کم شیب‌تر شده و به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود. هرچه سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره واکنش بیشتری نشان دهد یعنی a بزرگ‌تر و IS افقی‌تر است که در نتیجه سیاست پولی مؤثرتر خواهد بود. ولی هرچه حساسیت تقاضای پول نسبت به درآمد (K) بیشتر باشد به معنی عمودی بودن منحنی LM است که در این حالت سیاست مالی تأثیر خود را از دست می‌دهد.

۱۱۵- گزینه «۱» افزایش هزینه‌های دولت بر روی نرخ بهره تأثیر گذاشته و باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود که به آن اثر جایگزینی یا برون‌رانی می‌گویند. بدین صورت که هزینه‌های دولت جایگزین هزینه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود. تغییرات مخارج سرمایه‌گذاری و مصرف در یک جهت حرکت می‌کنند و افزایش مالیات ابتدا سبب کاهش مصرف می‌شود و در نتیجه سبب کاهش درآمد ملی می‌شود.



حالتی که نرخ بهره افزایش می‌یابد.



حالتی که نرخ بهره کاهش می‌یابد.

۱۱۶- گزینه «۱» با اعمال سیاست پولی و مالی انبساطی به صورت توأم منحنی IS و LM هر دو به سمت راست منتقل می‌شود و سطح درآمد حتماً افزایش می‌یابد. این افزایش سطح درآمد، افزایش سطح اشتغال و کاهش نرخ بیکاری را نتیجه می‌دهد. ولی همان طور که در شکل مشخص است بسته به اینکه سیاست مالی و پولی انبساطی به چه میزان باشند و همچنین شیب منحنی‌های IS و LM چقدر باشد ممکن است نرخ بهره (r) افزایش یا کاهش یابد و یا ثابت باقی بماند. همچنین در همسازی پولی نرخ بهره ثابت می‌ماند.

۱۱۷- گزینه «۴» ضریب فزاینده بودجه متوازن با این تابع سرمایه‌گذاری به صورت زیر است.

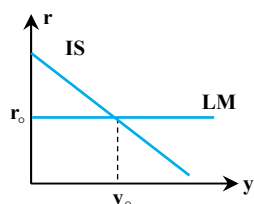
$$\text{ضریب فزاینده بودجه متوازن} = \frac{\partial Y}{\partial G} = \frac{\partial Y}{\partial T} = \frac{1-c}{1-c-e+\frac{bK}{h}}$$

$$\frac{bK}{h} > e \Rightarrow -e + \frac{bK}{h} > 0 \Rightarrow \frac{\Delta y}{\Delta G} < 1$$

$$\frac{bK}{h} < e \Rightarrow -e + \frac{bK}{h} < 0 \Rightarrow \frac{\Delta y}{\Delta G} > 1$$

$$\frac{bK}{h} = e \Rightarrow -e + \frac{bK}{h} = 0 \Rightarrow \frac{\Delta y}{\Delta G} = 1$$

در این صورت اگر:



۱۱۸- گزینه «۱» اگر اقتصاد در دام نقدینگی باشد، به معنی افقی بودن منحنی LM است و افقی بودن LM یعنی نرخ بهره در یک سطح ثابت است. در نتیجه نرخ بهره در بازار پول تعیین می‌شود و سطح درآمد از تقاطع IS و LM به دست می‌آید و در حقیقت در بازار کالا سطح درآمد تعیین می‌شود. توجه کنید که نرخ بهره تعیین شده در بازار پول نرخ بهره اسمی است و اگر نرخ تورم را از آن کم کنیم نرخ بهره حقیقی به دست می‌آید.

۱۱۹- گزینه «۴» قیمت اوراق قرضه از رابطه مقابل به دست می‌آید.

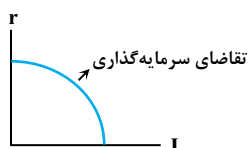
$$P = \frac{I}{1+r} + \frac{I}{(1+r)^2} + \dots + \frac{I+P_n}{(1+r)^n}$$

که P_n قیمت اسمی اوراق قرضه، P قیمت اوراق قرضه برای خرید، r نرخ بهره بازار و I عایدی سالانه اوراق قرضه می‌باشد. در این سؤال اوراق قرضه با سررسید ۱۰ ساله است که ۸ سال آن گذشته و ۲ سال آن باقی مانده است. یعنی به خریدار اوراق قرضه در سال اول عایدی اوراق (یعنی ۱۵۰۰ ریال) و در سال دوم عایدی اوراق به همراه قیمت اسمی اوراق قرضه پرداخت می‌شود. در نتیجه:

$$P = \frac{1500}{1+0/1} + \frac{1500+10000}{(1+0/1)^2} = \frac{1500}{1/1} + \frac{11500}{(1/1)^2} \rightarrow P = 10867/78$$

راه حل تستی: چون نرخ بهره اوراق قرضه بیشتر از بهره بازار است پس حتماً باید قیمت اوراق قرضه بیشتر از قیمت اسمی اوراق قرضه شود که فقط در گزینه (۴) این اتفاق افتاده است. اگر نرخ بهره بازار و نرخ بهره اوراق قرضه یکسان باشند، قیمت اوراق قرضه و قیمت اسمی اوراق قرضه برابر خواهند بود.

۱۲۰- گزینه «۱» اگر مردم در تمامی سطوح درآمدی بیشتر خرج کنند، یعنی مصرف ثابت افزایش یافته و عرض از مبدأ IS افزایش می‌یابد. در این صورت منحنی IS به صورت موازی به سمت بالا و سمت راست منتقل می‌شود و نرخ بهره افزایش می‌یابد ولی به طور مستقیم تأثیری روی عرضه پول ندارد. اما می‌تواند با افزایش تقاضا موجب افزایش قیمت شود و در نتیجه عرضه حقیقی پول را کاهش دهد و منحنی LM را به صورت موازی به سمت چپ و بالا منتقل کند. اما این اثر غیرمستقیم است. در نتیجه گزینه (۱) پاسخ مناسب‌تری است.



۱۲۱- گزینه «۴» سرمایه‌گذاری تابع معکوس از نرخ بهره است، به شرطی که نرخ بهره از رشد قیمت‌ها یا تورم، خالص شده باشد. بنابراین با افزایش نرخ بهره حقیقی، سرمایه‌گذاری کاهش پیدا می‌کند. توجه کنید که اگر قیمت‌ها بیش از نرخ بهره افزایش یابند، تأثیر منفی افزایش نرخ بهره بر سرمایه‌گذاری خنثی می‌شود و حتی سرمایه‌گذاری می‌تواند افزایش یابد.

کاهش سود حاصل از سرمایه‌گذاری و کاهش تولید زمانی منجر به کاهش سرمایه‌گذاری می‌شوند که سرمایه‌گذاری امری زیان‌ده شده باشد و یا اینکه سود حاصل از سرمایه‌گذاری از نرخ سود انتظاری افراد کمتر شده باشد. در غیر این صورت سرمایه‌گذاری کاهش نمی‌یابد.



۱۲۲- گزینه «۲» طبق نظر پیگو با کاهش قیمت‌ها، ثروت حقیقی فرد افزایش می‌یابد و مصرف را زیاد می‌کند و بنابراین IS به طرف بالا و راست منتقل می‌شود.

۱۲۳- «هیچ کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.»

$$y = 2000 \Rightarrow S = -300 + 0/2(2000) = 100, S = 100 \Rightarrow \bar{I} = 300$$

بنابراین برای رسیدن به تعادل باید پس‌انداز ۳۰۰ باشد و درآمد معادل آن عبارت است از: $300 = -300 + 0/2y, 600 = 0/2y \Rightarrow y = 3000$

۱۲۴- گزینه «۴» کاهش عرضه پول منحنی LM را به سمت چپ و بالا انتقال می‌دهد و باعث می‌شود درآمد ملی کاهش و نرخ بهره افزایش یابند. کاهش خریدهای دولت منحنی IS را به صورت موازی به سمت چپ و پایین منتقل می‌کند و درآمد ملی و نرخ بهره را کاهش می‌دهد.

افزایش پرداخت‌های انتقالی منحنی IS را به صورت موازی به سمت راست و بالا منتقل می‌کند و از این طریق موجب افزایش درآمد ملی و نرخ بهره می‌شود. کاهش نرخ مالیات باعث افزایش درآمد قابل تصرف و در پی آن افزایش مصرف خصوصی می‌شود. در این صورت منحنی IS به سمت راست و بالا

منتقل می‌شود اما این انتقال ناموازی خواهد بود و شیب IS را کاهش می‌دهد. ضریب تکاثری پرداخت‌های انتقالی به صورت $\frac{c}{1-c(1-t) + \frac{aK}{h}}$ و ضریب

تکاثری نرخ مالیات به صورت $\frac{-cy_0}{1-c(1-t_1) + \frac{aK}{h}}$ می‌باشد. همان‌طور که مشخص است از بین گزینه‌ها تنها کاهش نرخ مالیات می‌تواند ضریب تکاثری را

تغییر دهد و آن را بزرگ‌تر کند.

۱۲۵- گزینه «۱» اگر معادله دو خط $S+T$ را به دست آورده و مقادیر t_0 و t_1 را در آن قرار داده و از هم کم کنیم

در سطح درآمد y_0 مقدار AC به دست می‌آید.

$$S + T_{(t_0)} = -C_0 + cT_0 + [1 - c(1 - t_0)]Y \quad ; \quad S + T_{(t_1)} = -C_0 + cT_0 + [1 - c(1 - t_1)]Y$$

حال در سطح درآمد y_0 این دو مقدار را از هم کم می‌کنیم.

$$AC = -C_0 + cT_0 + [1 - c(1 - t_1)]y_0 - [-C_0 + cT_0 - [1 - c(1 - t_0)]y_0] \rightarrow AC = -c\Delta ty_0$$

از طرفی نسبت $\frac{AC}{AB}$ شیب خط $S + T_{(t_1)}$ است و $AB = \Delta y$ است.

$$S + T_{(t_1)} \text{ شیب خط} = \frac{AC}{AB} = \frac{-c\Delta ty_0}{\Delta y} = 1 - c(1 - t_1) \rightarrow \Delta y = \frac{-cy_0}{1 - c(1 - t_1)} \Delta t = AB$$

۱۲۶- گزینه «۱» شیب IS برابر است با $\frac{1 - c(1 - t) - e + m}{a}$ که در آن e حساسیت سرمایه‌گذاری به درآمد و a حساسیت سرمایه‌گذاری به نرخ بهره است.

چون مقادیر c, t و m را نداریم باید گزینه‌های مختلف را به صورت مقایسه‌ای بررسی کنیم. در بین گزینه اول و دوم چون در هر دو مقدار a ثابت است، لذا هر کدام که e بیشتری داشته باشد، کم شیب‌تر خواهد بود، پس گزینه (۱) از (۲) کم‌شیب‌تر است. در مقایسه بین گزینه یک و سه، چون e در هر دو ثابت است ولی a در گزینه اول بیشتر است، لذا «۱» از «۳» کم‌شیب‌تر است. در مقایسه بین گزینه‌های چهار و یک مشخص می‌شود که هم e و هم a در گزینه (۱) بیشتر هستند و گزینه (۱) کم‌شیب‌تر است و لذا نهایتاً گزینه (۱) از همه گزینه‌ها کم‌شیب‌تر خواهد بود و کارآیی سیاست پولی در آن از همه بیشتر است.

۱۲۷- گزینه «۴» تابع LM به صورت مقابل است:

$$r = \frac{-1 M^s}{h P} + \frac{k}{h} Y \Rightarrow Y = \frac{h}{k} r + \frac{M^s}{kP}$$

و چون تابع LM در صورت سؤال به صورت $Y = 400 + 100r$ است، لذا $100 = \frac{h}{k}$ و چون h در تابع تقاضای سوداگری برابر ۲۰ است پس داریم:

$$\frac{h}{k} = 100 \Rightarrow \frac{20}{k} = 100 \Rightarrow k = 0/2$$

$$\Delta Y = \frac{1}{k} \Delta \left(\frac{M^s}{p} \right) = \frac{1}{0/2} (10) = 50$$

فصل چهارم

« عرضه و تقاضای کل و بازار کار »

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

- کله ۱- کاهش در عرضه پول واقعی که به دلیل کاهش در عرضه اسمی پول ایجاد شده باشد به کدام صورت نشان داده می‌شود؟ (سراسری ۷۵)
- (۱) انتقال منحنی تقاضای کل به سمت چپ
(۲) انتقال منحنی تقاضای کل به سمت راست
(۳) حرکت روی منحنی تقاضای کل به سمت چپ
(۴) حرکت روی منحنی تقاضای کل به سمت راست
- کله ۲- چنانچه نیروی کار تمایل به فراغت بیشتری پیدا کند، در آن صورت: (سراسری ۷۵)
- (۱) حرکت روی منحنی عرضه کل به سمت بالا خواهد بود.
(۲) حرکت روی منحنی عرضه کل به سمت پایین خواهد بود.
(۳) منحنی عرضه کل اقتصاد به سمت بالا و چپ منتقل می‌شود.
(۴) منحنی عرضه کل به سمت پایین و راست منتقل می‌شود.
- کله ۳- کدام مورد درباره اثر ثروت (اثر پیگو) صحیح است؟ (سراسری ۷۵)
- (۱) سبب می‌شود که اقتصاد به اشتغال کامل نرسد.
(۲) کاهش در ثروت حقیقی را به تبع کاهش در نرخ بهره توضیح می‌دهد.
(۳) افزایش ثروت حقیقی را به تبع کاهش در سطح عمومی قیمت‌ها توضیح می‌دهد.
(۴) افزایش ثروت حقیقی را به تبع افزایش دستمزدها توضیح می‌دهد.
- کله ۴- هرچه حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره بیشتر باشد، (سراسری ۷۵)
- (۱) بر شیب منحنی تقاضای کل بی‌اثر خواهد بود.
(۲) موجب جابه‌جایی منحنی تقاضای کل خواهد شد.
(۳) منحنی تقاضای کل پرسیب‌تر خواهد بود.
(۴) منحنی تقاضای کل کم شیب‌تر خواهد بود.
- کله ۵- هر قدر میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر باشد، شیب منحنی تقاضای کل (سراسری ۷۵)
- (۱) کمتر خواهد بود.
(۲) برابر صفر خواهد بود.
(۳) بزرگ‌تر خواهد بود.
(۴) بین صفر و یک تغییر خواهد کرد.
- کله ۶- منحنی تقاضای کل در فضای سطح قیمت و درآمد، تعادل را توصیف می‌کند. (سراسری ۷۵)
- (۱) اقتصاد در بازار کالا
(۲) اقتصاد در بازار پول
(۳) مشترک بازار پول و کالا
(۴) سرمایه‌گذاری در سطح معینی از نرخ بهره
- کله ۷- پایین بودن حساسیت تقاضای کل اقتصاد به سطح قیمت موجب می‌شود که در صورت اعمال یک سیاست انبساطی مالی (سراسری ۷۵)
- (۱) افزایش قیمت‌ها شدید خواهد بود.
(۲) افزایش قیمت‌ها محدود خواهد بود.
(۳) بالا بودن میل نهایی به مصرف افزایش قیمت‌ها شدید خواهد بود.
(۴) با افقی بودن عرضه کل اقتصاد افزایش قیمت‌ها مشاهده نمی‌شود.
- کله ۸- اثر افزایش نرخ بهره بر منحنی تقاضای کل اقتصادی در فضای (y, p) موجب: (سراسری ۷۵)
- (۱) جابه‌جایی منحنی تقاضای کل اقتصاد به سمت چپ است.
(۲) جابه‌جایی منحنی تقاضای کل اقتصاد به طرف پایین است.
(۳) کاهش تقاضای کل اقتصاد در سطح ثابت قیمتی است.
(۴) هیچ‌گونه تغییری در منحنی تقاضای کل اقتصاد ایجاد نمی‌کند.
- کله ۹- اثر بلندمدت یک سیاست انبساطی پولی یا مالی از نظر کلاسیک‌ها چیست؟ (سراسری ۷۶)
- (۱) افزایش سطح قیمت‌ها بدون تغییر در تولید
(۲) افزایش هر دوی قیمت‌ها و سطح تولید
(۳) ثبات سطح قیمت‌ها و افزایش در تولید
(۴) کاهش سطح قیمت‌ها بدون تغییر در تولید



- ۱۰- اثر مستقیم سیاست‌های پولی و مالی بر است.
 (۱) بازار کار (۲) تقاضا (۳) عرضه (۴) عرضه و تقاضا (سراسری ۷۶)
- ۱۱- منحنی تقاضای کل، شیب کم‌تری خواهد داشت اگر:
 (۱) منحنی LM شیب بیشتری داشته باشد.
 (۲) منحنی LM شیب کم‌تری داشته باشد.
 (۳) نرخ مالیات‌ها بر درآمد بیشتر باشد.
 (۴) میل نهایی به مصرف کوچک‌تر باشد. (سراسری ۷۶)
- ۱۲- منحنی عرضه کل عمودی است زیرا:
 (۱) سطح دستمزدها، قیمت‌ها و نرخ بهره انعطاف‌پذیرند.
 (۲) سطح قیمت‌ها، دستمزدها و نرخ بهره غیر قابل انعطاف هستند.
 (۳) منحنی LM عمودی است.
 (۴) منحنی IS عمودی است. (سراسری ۷۶)
- ۱۳- منحنی تقاضای کل در فضای سطح قیمت و درآمد، تعادل را توصیف می‌کند.
 (۱) اقتصاد در بازار کالا (۲) اقتصاد در بازار پول
 (۳) مشترک بازار پول و کالا (۴) سرمایه‌گذاری در سطح معینی از نرخ بهره (سراسری ۷۶)
- ۱۴- در کدام یک از حالات زیر تعادل همزمان در بازارهای پول و کالا وجود دارد؟
 (۱) بر روی منحنی عرضه کل تولید (۲) بر روی منحنی IS (۳) بر روی منحنی LM (۴) بر روی منحنی تقاضای کل (سراسری ۷۶)
- ۱۵- اثر پیگو دلالت می‌کند که:
 (۱) عرضه قادر است تقاضای خود را فراهم کند.
 (۲) هزینه‌های دولت منجر به کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود.
 (۳) کاهش در نرخ بهره موجب افزایش در هزینه‌های سرمایه‌گذاری نمی‌گردد.
 (۴) تغییر در سطح قیمت‌ها در قدرت حقیقی موجودی پول اثر گذاشته و سبب تغییر در تقاضای کل می‌شود. (سراسری ۷۷)
- ۱۶- در صورتی که منحنی عرضه کل عمودی باشد، سیاست مالی انبساطی کدام‌یک از تغییرات زیر را ایجاد خواهد کرد؟
 (۱) سطح قیمت و تولید واقعی را افزایش می‌دهد.
 (۲) سطح تولید واقعی را افزایش می‌دهد ولی بر سطح عمومی قیمت‌ها اثری ندارد.
 (۳) سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش می‌دهد ولی تأثیری بر تولید واقعی ندارد.
 (۴) هیچ تأثیری بر سطح عمومی قیمت‌ها و سطح تولید واقعی ندارد. (سراسری ۷۷)
- ۱۷- اتخاذ یک سیاست پولی هنگامی بیشترین انتقال را در منحنی تقاضای کل (AD) به وجود می‌آورد که:
 (۱) منحنی IS افقی باشد. (۲) منحنی IS عمودی باشد.
 (۳) منحنی LM عمودی باشد. (۴) اقتصاد در شرایط دام نقدینگی باشد. (سراسری ۷۷)
- ۱۸- با توجه به نمودار عرضه کل با شیب مثبت چنانچه افزایشی در هزینه واقعی هر واحد مواد اولیه ایجاد شود آنگاه نمودار عرضه کل به سمت
 (۱) چپ انتقال یافته، سطح قیمت کاهش یافته و تولید واقعی افزایش می‌یابد.
 (۲) چپ انتقال یافته، سطح قیمت افزایش یافته و تولید واقعی کاهش می‌یابد.
 (۳) راست انتقال یافته، سطح قیمت کاهش یافته و تولید واقعی افزایش می‌یابد.
 (۴) راست انتقال یافته، سطح قیمت افزایش یافته و تولید واقعی کاهش می‌یابد. (سراسری ۷۷)
- ۱۹- انتقال منحنی تقاضای کل به سمت چپ و پایین در تحلیل کینزی سبب کدام می‌شود؟
 (۱) افزایش دستمزد اسمی و حقیقی (۲) افزایش دستمزد اسمی و کاهش دستمزد حقیقی
 (۳) کاهش دستمزد اسمی و حقیقی (۴) کاهش دستمزد اسمی و افزایش دستمزد حقیقی (سراسری ۷۷)
- ۲۰- در کدام مورد منحنی تقاضای کل (AD) دارای شیب تندتری است؟
 (۱) بزرگ‌تر بودن ضریب افزایش پولی (۲) واکنش بیشتر تقاضای معاملاتی پول نسبت به درآمد
 (۳) واکنش بیشتر تقاضای سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره (۴) هنگامی که تقاضا برای پول تابع نرخ بهره نباشد. (سراسری ۷۸)



کج ۲۱- اثر پیگو بیان‌کننده این موضوع است که افزایش قیمت‌ها:

(سراسری ۷۸)

- ۱) باعث کاهش مخارج مصرفی جامعه می‌شود.
- ۲) باعث افزایش مخارج مصرفی جامعه می‌شود.
- ۳) باعث افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود.
- ۴) درآمدهای واقعی دولت را کاهش می‌دهد.

(سراسری ۷۸)

کج ۲۲- هنگامی که اقتصاد در سطحی پایین‌تر از اشتغال کامل در تعادل باشد، آرتور پیگو استدلال می‌کند

- ۱) نرخ بهره افزایش می‌یابد.
- ۲) قیمت‌ها افزایش می‌یابد.
- ۳) منحنی LM آن قدر به طور موازی به طرف پایین و راست منتقل می‌شود تا اینکه بیکاری از بین برود و تعادل اشتغال کامل برقرار شود.
- ۴) ارزش واقعی پول کاهش می‌یابد.

(سراسری ۷۸)

کج ۲۳- کدام عامل باعث تغییر مکان منحنی عرضه کل می‌گردد؟

- ۱) تغییر قیمت‌ها
- ۲) تغییر در پس‌انداز
- ۳) تغییر در سرمایه‌گذاری
- ۴) تغییر در انتظارات تورمی

(سراسری ۷۸)

کج ۲۴- بر اساس نظریه کینز علت عمده بیکاری کدام است؟

- ۱) مازاد تقاضای کل
- ۲) کمبود عرضه کل
- ۳) کمبود تقاضای کل (= تقاضای مؤثر)
- ۴) انعطاف‌پذیری مزد و قیمت‌ها

کج ۲۵- افزایش مالیات‌های مستقل از درآمد و افزایش میل نهایی به مصرف در قبال درآمدهای معین موجب می‌گردد که سطح تعادلی تولید: (سراسری ۷۸)

- ۱) از طرف تقاضا افزایش یابد.
- ۲) از طرف تقاضا کاهش یابد.
- ۳) را نتوان با قطعیت از طرف تقاضا تعیین کرد.
- ۴) از طرف عرضه کاهش یابد.

(سراسری ۷۸)

کج ۲۶- شیب منحنی عرضه کل نسبت به قیمت بی‌نهایت است اگر:

- ۱) تغییرات قیمت‌ها بیشتر از تغییرات دستمزدها باشد.
- ۲) تغییرات قیمت‌ها و دستمزدها کاملاً متناسب باشند.
- ۳) تولیدات از کشش کامل برخوردار باشند.
- ۴) دستمزدها کاملاً ثابت باشند.

(سراسری ۷۸)

کج ۲۷- در شرایطی که دستمزدها و قیمت‌ها انعطاف‌پذیرند و جریان کامل اطلاعات وجود دارد، افزایش هزینه‌های دولت موجب:

- ۱) کاهش دستمزد اسمی تعادلی شده ولی تغییری در دستمزد حقیقی تعادل ایجاد نمی‌شود.
- ۲) افزایش دستمزد اسمی تعادلی شده ولی تغییری در دستمزد حقیقی تعادلی ایجاد نمی‌شود.
- ۳) کاهش دستمزد حقیقی تعادلی می‌گردد.
- ۴) کاهش دستمزد اسمی تعادلی می‌گردد.

(سراسری ۷۸)

کج ۲۸- کدام مورد باعث انتقال منحنی تقاضای کل به سمت راست (در فضای P و Y) می‌شود؟

- ۱) افزایش سطح عمومی قیمت‌ها
- ۲) افزایش مخارج دولت
- ۳) افزایش نرخ مالیات
- ۴) کاهش سطح عمومی قیمت‌ها

(سراسری ۷۸)

کج ۲۹- کدام مورد باعث انتقال منحنی عرضه کوتاه مدت به سمت راست در طول زمان می‌شود؟

- ۱) افزایش عرضه پول
- ۲) افزایش تقاضای پول
- ۳) افزایش سطح عمومی قیمت‌ها
- ۴) بهبود در کارایی نیروی کار

(سراسری ۷۹)

کج ۳۰- افزایش میل نهایی به مصرف چه تأثیری بر شیب منحنی تقاضای کل (AD) می‌گذارد؟

- ۱) شیب آن را ملایم می‌کند.
- ۲) شیب آن را تند می‌کند.
- ۳) شیب آن را در محدوده‌ای تند و در محدوده‌ای ملایم می‌کند.
- ۴) هیچ تأثیری ندارد.

(سراسری ۷۹)

کج ۳۱- بر طبق نظریه فریدمن کدام گزینه درباره وضعیت دام نقدینگی درست است؟

- ۱) در دام نقدینگی منحنی تقاضای کل در فضای سطح قیمت و درآمد، افقی است.
- ۲) در دام نقدینگی نظریه مقداری سنتی کاربردی ندارد.
- ۳) نرخ بهره در بالاترین حد خودش است.
- ۴) همه مردم انتظار افزایش قیمت اوراق قرضه را دارند.



- ۳۲- مقدار انتقال افقی منحنی IS و مقدار انتقال افقی منحنی تقاضای کل بر اثر مخارج دولت (\bar{G}) به ترتیب برابر است با: (سراسری ۷۹)
- ۱) حاصل ضرب ضریب فزاینده در مدل درآمد - مخارج و $\Delta \bar{G}$ و حاصل ضرب ضریب فزاینده مدل IS-LM و $\Delta \bar{G}$
 - ۲) حاصل ضرب ضریب فزاینده مدل IS-LM و $\Delta \bar{G}$ و حاصل ضرب ضریب فزاینده مدل IS-LM و $\Delta \bar{G}$
 - ۳) حاصل ضرب ضریب فزاینده مدل IS-LM و $\Delta \bar{G}$ و حاصل ضرب ضریب فزاینده مدل عرضه و تقاضا و $\Delta \bar{G}$
 - ۴) حاصل ضرب ضریب فزاینده مدل درآمد - مخارج و $\Delta \bar{G}$ و حاصل ضرب ضریب فزاینده مدل عرضه و تقاضا و $\Delta \bar{G}$
- ۳۳- در شرایطی منحنی تقاضای کل عمودی است که (سراسری ۸۰)
- ۱) تقاضای پول نسبت به درآمد بسیار حساس باشد.
 - ۲) تقاضای پول نسبت به نرخ بهره حساس نباشد.
 - ۳) سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره بسیار حساس باشد.
 - ۴) سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره حساس نباشد.
- ۳۴- در اقتصاد کلاسیک، هر گاه مالیات‌های غیرمستقیم کاهش یابد، چه نتایجی در بازار کالا رخ می‌دهد؟ (سراسری ۸۰)
- ۱) تولید واقعی (درآمد ملی واقعی) کاهش می‌یابد ولی سطح قیمت تغییر نمی‌کند.
 - ۲) تولید واقعی (درآمد ملی واقعی) و سطح قیمت هر دو بالا می‌روند.
 - ۳) سطح قیمت بالا می‌رود ولی تولید واقعی (درآمد واقعی) تغییر نمی‌کند.
 - ۴) سطح قیمت کاهش می‌یابد ولی تولید واقعی (درآمد ملی واقعی) تغییر نمی‌کند.
- ۳۵- بیکاری که به علت عدم تطابق بین مهارت‌های شغلی و مهارت‌های مورد نیاز کارفرمایان ایجاد می‌گردد، چه نامیده می‌شود؟ (سراسری ۸۰)
- ۱) بیکاری ساختاری
 - ۲) بیکاری اصطلاحی
 - ۳) بیکاری فصلی
 - ۴) بیکاری ادواری
- ۳۶- اگر عرضه‌کنندگان کار دچار توهم پولی نباشند، افزایش در حجم اسمی پول: (آزاد ۸۰)
- ۱) تقاضا برای کار را بیش از عرضه کار افزایش می‌دهد.
 - ۲) عرضه کار را بیش از تقاضا برای کار افزایش می‌دهد.
 - ۳) موجب افزایش در سطح اشتغال می‌شود.
 - ۴) اثری بر سطح اشتغال نخواهد داشت.
- ۳۷- هر قدر حساسیت تقاضا برای پول نسبت به درآمد بزرگ‌تر باشد: (آزاد ۸۰)
- ۱) شیب منحنی تقاضای کل از شیب منحنی عرضه کل کوچک‌تر می‌شود.
 - ۲) شیب منحنی تقاضای کل کوچک‌تر است.
 - ۳) شیب منحنی تقاضای کل بزرگ‌تر است.
 - ۴) شیب منحنی تقاضای کل بزرگ‌تر از شیب منحنی عرضه کل می‌شود.
- ۳۸- هر قدر تعدیل در قیمت‌های انتظاری نزدیک‌تر به تغییر در قیمت‌های واقعی باشد: (آزاد ۸۰)
- ۱) شیب منحنی عرضه کل کوچک‌تر خواهد شد.
 - ۲) شیب منحنی عرضه کل به یک نزدیک‌تر خواهد شد.
 - ۳) شیب منحنی عرضه کل بزرگ‌تر خواهد شد.
 - ۴) شیب منحنی عرضه کل همچنان بی‌تأثیر خواهد ماند.
- ۳۹- منظور از اعمال سیاست‌های درآمدی این است که: (آزاد ۸۰)
- ۱) همراه با انتقال منحنی تقاضای کل به سمت پایین، منحنی عرضه کل به سمت بالا انتقال یابد.
 - ۲) همراه با انتقال منحنی تقاضای کل به سمت بالا، منحنی عرضه کل نیز به سمت بالا منتقل شود.
 - ۳) همراه با انتقال منحنی تقاضای کل به سمت بالا، منحنی عرضه کل به سمت پایین انتقال یابد.
 - ۴) همراه با انتقال منحنی تقاضای کل به سمت پایین، منحنی عرضه کل به سمت راست و پایین منتقل شود.
- ۴۰- کلاسیک‌های جدید بر این نکته اصرار دارند که تولید در دوره حال نسبت به دوره قبل هیچ تغییری نمی‌کند، اگر: (آزاد ۸۰)
- ۱) قیمت‌های پیش‌بینی شده در دوره قبل کوچک‌تر از سطح قیمت‌های واقعی در دوره حال باشد.
 - ۲) قیمت‌های پیش‌بینی شده در دوره قبل دقیقاً برابر سطح قیمت‌های واقعی در دوره حال باشد.
 - ۳) قیمت‌های پیش‌بینی شده در دوره قبل بزرگ‌تر از سطح قیمت‌های واقعی در دوره حال باشد.
 - ۴) قیمت‌های پیش‌بینی شده تحت تأثیر شوک‌های عرضه قرار نگیرد.



- ۴۱- شیب منحنی تقاضای کل نسبتاً مسطح‌تر خواهد بود، اگر:
- (۱) نرخ مالیات به طور نسبی کمتر و میل نهایی به مصرف نسبتاً بزرگ‌تر باشد.
 - (۲) نرخ مالیات به طور نسبی بزرگ‌تر و میل نهایی به مصرف نسبتاً کوچک‌تر باشد.
 - (۳) نرخ مالیات بزرگ‌تر از میل نهایی به مصرف باشد.
 - (۴) نرخ مالیات کوچک‌تر از میل نهایی به مصرف باشد.
- ۴۲- دستمزدهای چسبنده:
- (۱) شیب منحنی عرضه کل را به طور نسبی افزایش می‌دهد.
 - (۲) هیچ اثری بر شیب منحنی عرضه کل ندارد.
 - (۳) شیب منحنی عرضه کل را برابر صفر می‌کند.
 - (۴) شیب منحنی عرضه کل را به طور نسبی کاهش می‌دهد.
- ۴۳- هر قدر اثر تغییرات قیمت بر تولید و اشتغال کمتر باشد:
- (۱) شیب منحنی عرضه کل کوچک‌تر خواهد بود.
 - (۲) شیب منحنی عرضه کل بزرگ‌تر خواهد بود.
 - (۳) شیب منحنی عرضه کل به یک نزدیک‌تر خواهد شد.
 - (۴) شیب منحنی عرضه کل به شیب تقاضای کل نزدیک‌تر خواهد شد.
- ۴۴- اگر تقاضا برای پول نسبت به تغییرات نرخ بهره حساسیتی نداشته باشد، افزایش در میانگین نرخ مالیات:
- (۱) اثری بر تقاضای کل نخواهد داشت.
 - (۲) موجب کاهش در تقاضای کل خواهد شد.
 - (۳) موجب کاهش در درآمد ملی خواهد شد.
 - (۴) موجب افزایش در تقاضای کل خواهد شد.
- ۴۵- اقتصاددانان کلاسیک بر این نکته تأکید داشتند که:
- (۱) بخش عرضه اقتصاد وابسته به بخش تقاضای آن است.
 - (۲) بخش عرضه اقتصاد مستقل از بخش تقاضای آن است.
 - (۳) بخش عرضه کوتاه‌مدت اقتصاد وابسته به بخش تقاضای آن است.
 - (۴) بخش عرضه کوتاه‌مدت اقتصاد مستقل از بخش تقاضای آن است.
- ۴۶- در چه صورت ضریب فزاینده مدل عرضه و تقاضای کل با ضریب فزاینده مدل خط ۴۵ درجه برابر است؟
- (۱) تنها در صورتی که منحنی عرضه کل افقی باشد.
 - (۲) تنها در صورتی که نرخ بهره در مدل تأثیر نداشته باشد.
 - (۳) تنها در صورتی که منحنی تقاضای کل عمودی باشد.
 - (۴) در صورتی که منحنی عرضه کل افقی و یا منحنی LM افقی و یا منحنی IS عمودی باشد.
- ۴۷- در صورت تندتر شدن شیب منحنی MP_L بنگاه‌های اقتصادی، شیب منحنی عرضه کل اقتصاد چه تغییری را نشان می‌دهد؟
- (۱) شیب آن در قبال قیمت تقلیل می‌یابد.
 - (۲) شیب آن در قبال قیمت افزایش می‌یابد.
 - (۳) اثری بر شیب آن در قبال قیمت ندارد.
 - (۴) منحنی عرضه کل اقتصاد به صورت موازی به طرف چپ حرکت می‌کند و شیب آن در قبال قیمت تغییر نمی‌کند.
- ۴۸- منحنی تقاضای کل (در فضای P و Y) مسطح‌تر خواهد بود اگر:
- (۱) نرخ مالیات بیشتر شود.
 - (۲) منحنی IS دارای شیب زیاد باشد.
 - (۳) تقاضای پول نسبت به نرخ بهره دارای حساسیت بیشتری باشد.
 - (۴) حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره زیادتر باشد.
- ۴۹- کدام ویژگی از ویژگی‌های اقتصادی کینزی محسوب نمی‌شود؟
- (۱) کارگران توهم پولی ندارند.
 - (۲) پس‌انداز تابع مستقیم درآمد است.
 - (۳) قیمت‌ها و دستمزدها انعطاف‌پذیرند.
 - (۴) تقاضا عرضه خود را به وجود می‌آورد.



- ۵۰- در صورتی ضریب فزاینده مدل عرضه و تقاضا با ضریب فزاینده مدل IS-LM برابر است که:
- (۱) منحنی عرضه کل افقی باشد.
 - (۲) اقتصاد در دام نقدینگی باشد.
 - (۳) اقتصاد در وضعیت قضیه کلاسیک‌ها باشد.
 - (۴) منحنی عرضه کل افقی یا اقتصاد در دام نقدینگی باشد.
- (سراسری ۸۱)
- ۵۱- اگر کارگران به عنوان عرضه‌کنندگان کار دچار توهم پولی باشند، افزایش در حجم اسمی پول:
- (۱) عرضه کار را کمتر از تقاضا برای کار افزایش خواهد داد.
 - (۲) تقاضا برای کار را کمتر از عرضه کار افزایش خواهد داد.
 - (۳) بر سطح اشتغال مؤثر خواهد بود.
 - (۴) عرضه و تقاضا برای کار را به یک نسبت کاهش خواهد داد.
- (آزاد ۸۱)
- ۵۲- هر قدر حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره بزرگ‌تر باشد:
- (۱) شیب منحنی تقاضای کل کوچک‌تر خواهد بود.
 - (۲) شیب منحنی تقاضای کل بزرگ‌تر خواهد بود.
 - (۳) شیب منحنی تقاضای کل بزرگ‌تر از شیب منحنی عرضه کل خواهد بود.
 - (۴) شیب منحنی تقاضای کل کوچک‌تر از شیب منحنی عرضه کل خواهد بود.
- (آزاد ۸۱)
- ۵۳- هر قدر تعدیل در قیمت‌های انتظاری نسبت به تغییر در قیمت‌های واقعی کمتر باشد:
- (۱) شیب منحنی عرضه کل بزرگ‌تر خواهد بود.
 - (۲) شیب منحنی عرضه کل کوچک‌تر خواهد بود.
 - (۳) شیب منحنی عرضه کل به یک نزدیک‌تر خواهد بود.
 - (۴) شیب منحنی عرضه کل نزدیک‌تر به شیب منحنی تقاضای کل خواهد بود.
- (آزاد ۸۱)
- ۵۴- شیب منحنی تقاضای کل نسبتاً بزرگ خواهد بود، اگر:
- (۱) نرخ مالیات کوچک‌تر از میل نهایی به مصرف باشد.
 - (۲) نرخ مالیات به طور نسبی پایین‌تر و میل نهایی به مصرف نسبتاً بزرگ‌تر باشد.
 - (۳) نرخ مالیات بزرگ‌تر از میل نهایی به مصرف باشد.
 - (۴) نرخ مالیات به طور نسبی بالاتر و میل نهایی به مصرف نسبتاً کوچک‌تر باشد.
- (آزاد ۸۱)
- ۵۵- در الگوی هندسی IS-LM هر گاه عرضه اسمی پول افزایش یابد و سطح قیمت نیز به همان اندازه بالا رود، نتیجه می‌گیریم که:
- (۱) منحنی LM ثابت می‌ماند ولی منحنی تقاضای کل تولید (AD) به طرف بالا و راست منتقل می‌شود.
 - (۲) منحنی LM به طرف پایین و راست منتقل می‌شود و منحنی تقاضای کل تولید (AD) به طرف بالا و راست انتقال می‌یابد.
 - (۳) منحنی LM و منحنی تقاضای کل تولید (AD) هر دو ثابت می‌مانند.
 - (۴) منحنی LM به طرف پایین و راست انتقال می‌یابد ولی منحنی تقاضای کل تولید (AD) ثابت است.
- (سراسری ۸۲)
- ۵۶- اگر تمایل مردم به کار کردن بیشتر شود منتقل می‌شود.
- (۱) منحنی تقاضای کار و منحنی عرضه کل هر دو به سمت راست
 - (۲) منحنی عرضه کار و منحنی عرضه کل هر دو به سمت بالا و چپ
 - (۳) منحنی عرضه کار به سمت بالا و چپ و منحنی عرضه کل به سمت پایین و راست
 - (۴) منحنی عرضه کار و منحنی عرضه کل هر دو به سمت پایین و راست
- (سراسری ۸۲)
- ۵۷- طبق نظریه کلاسیک‌های جدید منحنی عرضه کل:
- (۱) همیشه عمودی است.
 - (۲) می‌تواند در کوتاه‌مدت عمودی باشد.
 - (۳) حتماً در کوتاه‌مدت عمودی است.
 - (۴) تنها در بلندمدت عمودی است.
- (سراسری ۸۲)
- ۵۸- هر چه قدر حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره زیاد شود و هر چه قدر حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره کم شود، شیب تقاضای کل:
- (۱) زیاد و کم می‌شود.
 - (۲) زیاد و زیاد می‌شود.
 - (۳) کم و زیاد می‌شود.
 - (۴) کم و کم می‌شود.
- (سراسری ۸۲)



(سراسری ۸۲)

۵۹- اگر چنانچه قیمت‌ها افزایش یابند در چارچوب اثر پیگو منحنی IS به سمت

- (۱) چپ و منحنی تقاضای کل به سمت راست منتقل می‌شود.
- (۲) چپ منتقل می‌شود و حرکت به سمت بالا روی منحنی تقاضای کل ثابت انجام می‌شود.
- (۳) راست و منحنی تقاضای کل به سمت راست منتقل می‌شود.
- (۴) راست و حرکت روی منحنی تقاضای کل انجام می‌شود.

(آزاد ۸۲)

۶۰- هر قدر حساسیت تقاضا برای پول جهت مبادلات نسبت به تغییرات درآمد کوچک‌تر باشد:

- (۱) شیب منحنی تقاضای کل کوچک‌تر خواهد بود.
- (۲) شیب منحنی تقاضای کل بزرگ‌تر خواهد بود.
- (۳) تفاوت شیب‌های منحنی‌های عرضه و تقاضای کل کمتر خواهد بود.
- (۴) تفاوت شیب‌های منحنی‌های عرضه و تقاضای کل بزرگ‌تر خواهد بود.

(آزاد ۸۲)

۶۱- هر قدر تعدیل در قیمت‌های انتظاری نسبت به تغییرات سطح قیمت‌ها کمتر باشد:

- (۱) شیب منحنی عرضه کل بزرگ‌تر خواهد بود.
- (۲) شیب منحنی تقاضای کل کوچک‌تر خواهد بود.
- (۳) شیب منحنی عرضه کل کوچک‌تر خواهد بود.
- (۴) شیب منحنی تقاضای کل بزرگ‌تر خواهد بود.

(آزاد ۸۲)

۶۲- مطابق با نظر پول‌گراها (monetarists) یک کاهش در نرخ مالیات:

- (۱) هیچ اثری بر سطح قیمت‌ها و تولید ندارد.
- (۲) هیچ اثری بر سطح قیمت‌ها ندارد، ولی تولید را افزایش می‌دهد.
- (۳) هیچ اثری بر تولید ندارد، ولی موجب افزایش سطح قیمت‌ها می‌شود.
- (۴) هم تولید و هم سطح قیمت‌ها را افزایش می‌دهد.

(آزاد ۸۲)

۶۳- اگر قیمت‌های انتظاری دقیقاً به اندازه تغییرات در سطح قیمت‌ها و با سرعت هرچه تمام‌تر تعدیل شوند، در آن صورت:

- (۱) شیب منحنی عرضه کل برابر صفر خواهد بود.
- (۲) شیب منحنی عرضه کل بین صفر و بی‌نهایت خواهد بود.
- (۳) شیب منحنی عرضه کل برابر بی‌نهایت خواهد بود.
- (۴) شیب منحنی عرضه کل بین صفر و یک خواهد بود.

(آزاد ۸۲)

۶۴- چسبندگی دستمزدها:

- (۱) هیچ تأثیری بر شیب منحنی عرضه کل ندارد.
- (۲) شیب منحنی عرضه کل را به طور نسبی افزایش می‌دهد.
- (۳) شیب منحنی عرضه کل را به طور نسبی کاهش می‌دهد.
- (۴) شیب منحنی عرضه کل را تا حد بی‌نهایت افزایش می‌دهد.

(آزاد ۸۲)

۶۵- اگر حقوق‌بگیران متأثر از توهم پولی باشند، یک افزایش در سطح قیمت‌ها موجب می‌شود:

- (۱) سطح اشتغال افزایش یابد.
- (۲) سطح اشتغال کاهش یابد.
- (۳) عرضه و تقاضا برای کار به یک نسبت افزایش یابند.
- (۴) سطح اشتغال و تولید به یک نسبت کاهش یابند.

(آزاد ۸۲)

۶۶- هر قدر دستمزد حقیقی کمتر باشد:

- (۱) شیب منحنی عرضه کل کوچک‌تر خواهد بود.
- (۲) شیب منحنی عرضه کل بزرگ‌تر خواهد بود.
- (۳) شیب‌های منحنی‌های عرضه و تقاضای کل به یکدیگر نزدیک‌تر خواهند شد.
- (۴) شیب منحنی عرضه کل کوچک‌تر از شیب منحنی تقاضای کل خواهد شد.

(آزاد ۸۲)

۶۷- کلاسیک‌های جدید تأکید دارند که:

- (۱) شیب منحنی عرضه کل در کوتاه و بلندمدت بین صفر و بی‌نهایت است.
- (۲) شیب منحنی عرضه کل در بلندمدت بزرگ‌تر از شیب عرضه کل در کوتاهمدت است.
- (۳) شیب منحنی عرضه کل در کوتاهمدت هم بی‌نهایت است.
- (۴) شیب منحنی عرضه کل تنها در بلندمدت بی‌نهایت است.



(سراسری ۸۳)

۶۸- اگر توسط دولت کف دستمزد وضع شود:

- (۱) منحنی عرضه کار برای دستمزدهای پایین تر از کف، افقی و منحنی عرضه کل کم شیب تر می شود.
- (۲) منحنی عرضه کار و منحنی عرضه کل هر دو افقی می شوند.
- (۳) منحنی عرضه کار برای دستمزدهای پایین تر از کف، افقی و منحنی عرضه کل افقی می شود.
- (۴) منحنی عرضه کار افقی و منحنی عرضه کل کم شیب تر می شود.

(سراسری ۸۳)

۶۹- در اقتصاد کینزی، کدام یک از موارد زیر یکی از دلایل تعادل اشتغال ناقص نیست:

- (۱) دام نقدینگی
- (۲) چسبندگی دستمزد پولی
- (۳) تناقض بین پس انداز و سرمایه گذاری
- (۴) عدم توهم پولی کارگران

۷۰- در اقتصاد کلاسیک با فرض تعادل اشتغال کامل، هرگاه دولت مخارج سرمایه گذاری خود را کاهش دهد، چه نتایجی در اقتصاد رخ می دهد؟

(سراسری ۸۳)

- (۱) با چسبندگی و انعطاف ناپذیری قیمت هیچ اتفاقی نمی افتد و اشتغال کامل ثابت خواهد بود.
- (۲) با انعطاف پذیری قیمت، یک رکود تورمی موقتی به وجود می آید ولی خودبه خود از بین می رود و تعادل اشتغال کامل مجدداً به وجود می آید.
- (۳) رکود اقتصادی و بیکاری به وجود می آید، سطح قیمت تنزل پیدا می کند، عرضه واقعی پول افزایش می یابد، منحنی LM جابه جا می شود و رونق تورمی تمام می شود.
- (۴) رکود اقتصادی و بیکاری به وجود می آید، سطح قیمت تنزل پیدا می کند، عرضه واقعی پول افزایش می یابد، منحنی LM جابه جا می شود و تعادل اشتغال کامل مجدداً به وجود می آید.

(آزاد ۸۳)

۷۱- هر قدر میل نهایی به مصرف بزرگ تر و نرخ مالیات کمتر باشد:

- (۱) شیب منحنی تقاضای کل کوچک تر خواهد بود.
- (۲) شیب منحنی تقاضای کل بزرگ تر خواهد بود.
- (۳) شیب منحنی تقاضای کل بزرگ تر از شیب منحنی عرضه کل خواهد بود.
- (۴) شیب منحنی تقاضای کل کوچک تر از شیب منحنی عرضه کل خواهد بود.

(آزاد ۸۳)

۷۲- مدافعین مکتب پول گراها تصریح می کنند که اعمال سیاست مالی انبساطی:

- (۱) موجب افزایش سطح قیمت ها و تولید می شود.
- (۲) هیچ تغییری در سطح قیمت ها و تولید ایجاد نمی کند.
- (۳) موجب افزایش سطح قیمت ها ولی کاهش تولید می شود.
- (۴) موجب افزایش سطح قیمت ها می شود ولی هیچ اثری بر تولید ندارد.

(آزاد ۸۳)

۷۳- در یک اقتصاد کلان بسته، چسبندگی دستمزدهای اسمی موجب:

- (۱) افزایش شیب منحنی تقاضای کل می شود.
- (۲) افزایش شیب منحنی عرضه کل می شود.
- (۳) کاهش شیب منحنی عرضه کل می شود.
- (۴) افزایش شیب های منحنی های عرضه و تقاضای کل می شود.

(آزاد ۸۳)

۷۴- هر قدر تعدیل در قیمت های انتظاری نسبت به تغییر در قیمت های واقعی کمتر باشد:

- (۱) شیب منحنی عرضه کل بزرگ تر خواهد بود.
- (۲) شیب منحنی عرضه کل کوچک تر خواهد بود.
- (۳) شیب منحنی عرضه کل نزدیک تر به شیب منحنی تقاضای کل خواهد شد.
- (۴) شیب منحنی عرضه کل به یک نزدیک تر خواهد شد.

(آزاد ۸۳)

۷۵- اگر تقاضا برای پول نسبت به تغییرات نرخ بهره حساسیت نداشته باشد، کاهش در متوسط نرخ مالیات ها:

- (۱) هیچ اثری بر تقاضای کل نخواهد داشت.
- (۲) تقاضای کل را افزایش خواهد داد.
- (۳) تقاضای کل را کاهش خواهد داد.
- (۴) تقاضای کل و درآمد ملی را به یک نسبت افزایش خواهد داد.



(آزاد ۸۳)

۷۶- هر قدر محصول نهایی کار بزرگ تر باشد:

- (۱) شیب منحنی عرضه کل بزرگ تر از شیب منحنی تقاضای کل خواهد شد.
- (۲) شیب منحنی عرضه کل بزرگ تر ولی شیب منحنی تقاضای کل کوچک تر خواهد بود.
- (۳) شیب منحنی عرضه کل بزرگ تر خواهد بود.
- (۴) شیب منحنی عرضه کل کوچک تر خواهد بود.

(آزاد ۸۳)

۷۷- شیب منحنی تقاضای کل کوچک تر می شود، اگر:

- (۱) حساسیت تقاضا برای سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره کوچک تر باشد.
- (۲) میل نهایی به مصرف کوچک تر باشد.
- (۳) حساسیت تقاضا برای پول نسبت به تغییرات درآمد بزرگ تر باشد.
- (۴) حساسیت تقاضا برای پول نسبت به تغییرات درآمد کوچک تر باشد.

(آزاد ۸۳)

۷۸- شیب منحنی تقاضای کل کوچک تر خواهد شد، اگر:

- (۱) نرخ مالیات بالاتر و میل نهایی به مصرف کوچک تر باشند.
- (۲) نرخ مالیات پایین تر و میل نهایی به مصرف بزرگ تر باشند.
- (۳) نرخ مالیات بالاتر و میل نهایی به مصرف بزرگ تر باشند.
- (۴) نرخ مالیات پایین تر و میل نهایی به مصرف کوچک تر باشند.

(سراسری ۸۴)

۷۹- اگر کارگران انتظار داشته باشند که در آینده قیمت ها کاهش می یابد آنگاه:

- (۱) تقاضای کل کاهش می یابد.
- (۲) عرضه کل کاهش می یابد.
- (۳) منحنی عرضه کل به سمت چپ و بالا منتقل می شود.
- (۴) منحنی عرضه کل به سمت راست و پایین منتقل می شود.

(آزاد ۸۴)

۸۰- اصلاح قانون مالیات ها در ایران، مبنی بر کاهش نرخ مالیات می تواند:

- (۱) منجر به افزایش مخارج کل و کاهش سطح تعادلی درآمد شود.
- (۲) منجر به کاهش مخارج کل و کاهش سطح تعادلی درآمد شود.
- (۳) منجر به کاهش مخارج کل ولی افزایش سطح تعادلی درآمد شود.
- (۴) منجر به افزایش مخارج کل و افزایش سطح تعادلی درآمد شود.

(آزاد ۸۴)

۸۱- طبق اثر پیگو، کاهش قیمت سبب:

- (۱) افزایش مخارج مصرفی می شود.
- (۲) بالا رفتن منحنی تقاضای کل می شود.
- (۳) حساسیت تقاضای کل نسبت به قیمت حتی در دام نقدینگی می شود.
- (۴) موارد ۱ و ۳

(آزاد ۸۴)

۸۲- به نظر کینز، در کدام یک از شرایط زیر مدل کلاسیک ها جواب تعادلی ندارد؟

- (۱) کشش تقاضای پول نسبت به نرخ بهره بی نهایت باشد.
- (۲) کشش تقاضای پول نسبت به نرخ بهره صفر باشد.
- (۳) در بازار کالا، چسبندگی قیمت وجود داشته باشد.
- (۴) در بازار کار، چسبندگی قیمت وجود داشته باشد.

(سراسری ۸۵)

۸۳- اگر با تغییر پارامترهای تابع تقاضای پول، رفتار مردم به سمت نگهداری پول بیشتر میل کند، انتقال منحنی های LM و تقاضای کل به ترتیب چگونه است؟

- (۱) ناموازی به سمت راست، ناموازی به سمت چپ
- (۲) موازی به سمت چپ و بالا، موازی به سمت چپ و بالا
- (۳) ناموازی به سمت راست، ناموازی به سمت راست
- (۴) ناموازی به سمت چپ و بالا، ناموازی به سمت چپ و پایین

(سراسری ۸۵)

۸۵۴- با توجه به تابع تقاضای نیروی کار کلاسیک ها در بازار کار، هرگاه دستمزد پولی (W_m) با نرخ کمی کمتر از افزایش سطح قیمت بالا برود:

- (۱) مقدار تقاضای نیروی کار افزایش می یابد.
- (۲) مقدار تقاضای نیروی کار کاهش می یابد.
- (۳) مقدار تقاضای نیروی کار اصولاً تغییری نمی کند.
- (۴) هزینه متوسط کار برای تولیدکنندگان ثابت می ماند.



- ۸۵- منحنی عرضه کل مکان هندسی ترکیباتی از قیمت‌ها و تولید است که در آن تعادل زیر برقرار است؟ (آزاد ۸۵)
- (۱) بازار کالا (۲) بازار پول (۳) بازار کار (۴) تعادل عرضه و تقاضای کل
- ۸۶- اگر دستمزدهای اسمی از انعطاف‌پذیری برخوردار باشند، سیاست‌های انبساطی جانب تقاضا در نرخ بیکاری، اثربخشی دارند. (سراسری ۸۶)
- (۱) بیشتر - کاهش - بیشتر (۲) بیشتر - کاهش - کمتر (۳) کمتر - افزایش - بیشتر (۴) کمتر - افزایش - کمتر
- ۸۷- طبق منحنی عرضه لوکاس اگر در اشتغال کامل باشیم سپس قیمت‌های واقعی بیش از قیمت‌های انتظاری افزایش یابد: (سراسری ۸۶)
- (۱) منحنی عرضه کل ثابت می‌ماند و سطح محصول تغییر نمی‌کند.
 (۲) منحنی عرضه کل به سمت بالا منتقل شده و محصول از سطح اشتغال کامل بیشتر می‌شود.
 (۳) منحنی عرضه کل به سمت بالا منتقل می‌شود اما سطح محصول تغییر نمی‌کند.
 (۴) منحنی عرضه کل به سمت پایین منتقل شده و محصول از سطح اشتغال کامل کمتر می‌شود.
- ۸۸- اگر برای همه سطوح اشتغال در بازار کار کف دستمزد وضع شود: (سراسری ۸۶)
- (۱) شیب منحنی عرضه کل افزایش می‌یابد. (۲) شیب منحنی عرضه کل کاهش می‌یابد.
 (۳) شیب منحنی عرضه کل صفر می‌شود. (۴) منحنی عرضه کل عمودی می‌شود.
- ۸۹- اگر اثر کاهش قیمت داخلی بر رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی را در نظر بگیریم: (سراسری ۸۶)
- (۱) منحنی تقاضای کل کم شیب‌تر می‌شود. (۲) منحنی تقاضای کل پر شیب‌تر می‌شود.
 (۳) منحنی عرضه کل شیب مثبت پیدا می‌کند. (۴) شیب عرضه و تقاضای کل تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد.
- ۹۰- با توجه به تابع تقاضای نیروی کار در بازار کار کلاسیک‌ها، هرگاه دستمزد پولی (W_m) با نرخی بیشتر از افزایش سطح قیمت (P) بالا برود، آنگاه: (سراسری ۸۶)
- (۱) مقدار تقاضای نیروی کار کاهش می‌یابد.
 (۲) مقدار تقاضای نیروی کار افزایش می‌یابد.
 (۳) مقدار تقاضای نیروی کار اصولاً تغییر نمی‌کند.
 (۴) مقدار تقاضای نیروی کار تا اندازه‌ای کاهش می‌یابد و سپس افزایش می‌یابد.
- ۹۱- کدام مورد منحنی تقاضای کل را به سمت راست منتقل می‌کند؟ (سراسری ۸۷)
- (۱) افزایش بهره‌وری (۲) تغییر در عرضه پول (۳) کاهش حجم پول در گردش (۴) کاهش نرخ ذخیره قانونی
- ۹۲- در شرایطی شیب منحنی تقاضای کل در فضای قیمت - تولید نسبتاً بالا است که شیب تابع سرمایه‌گذاری و شیب تابع تقاضای پول باشد. (سراسری ۸۷)
- (۱) نسبتاً بالا - نسبتاً بالا (۲) نسبتاً پایین - نسبتاً پایین
 (۳) نسبتاً بالا - نسبتاً پایین (۴) نسبتاً پایین - نسبتاً بالا
- ۹۳- برای اینکه اثر ازدحامی قیمت و نرخ بهره هر دو در ضریب فزاینده‌های IS-LM و عرضه و تقاضای کل حذف شود باید: (سراسری ۸۷)
- (۱) منحنی تقاضا عمودی باشد. (۲) منحنی عرضه افقی باشد.
 (۳) منحنی عرضه عمودی باشد. (۴) یا منحنی عرضه افقی یا منحنی تقاضا عمودی باشد.
- ۹۴- در نقطه‌نظر کینزین‌ها دستمزدهای پولی: (آزاد ۸۷)
- (۱) به سمت بالا چسبنده هستند. (۲) به سمت پایین چسبنده هستند.
 (۳) در هر دو جهت چسبنده هستند. (۴) دارای چسبندگی نیستند.
- ۹۵- اگر در الگوی عرضه و تقاضای کل اثر محدودکننده‌ی قیمت صفر باشد در صورتی که $I = I_0 - 1000r$ شیب LM مساوی $1/0000$ باشد و ضریب فزاینده‌ی مخارج در الگوی خط 45° ، $2/5$ باشد با 100 واحد افزایش در G الگوی عرضه و تقاضا چقدر درآمد کل افزایش می‌یابد؟ (سراسری ۸۸)
- (۱) 100 (۲) 150 (۳) 180 (۴) 200



(سراسری ۸۸)

۹۶- در چارچوب الگوی عرضه و تقاضای کل، در بلندمدت سطح تولید توسط :

(۱) ترجیحات عموم مردم تعیین می‌شود.

(۳) عرضه پول و سطح مخارج دولت و سطح مالیات‌ها تعیین می‌شود.

(۲) دو نیروی عرضه و تقاضا تعیین می‌شود.

(۴) مقدار سرمایه و نیروی کار و فناوری موجود تعیین می‌شود.

(سراسری ۸۸)

۹۷- هرچقدر عکس‌العمل بهره‌ای تقاضای پول کوچک‌تر باشد:

(۱) شیب منحنی‌های LM و تقاضای کل هر دو بزرگ‌تر است.

(۳) شیب منحنی LM بزرگ‌تر و شیب منحنی تقاضای کل کوچک‌تر است.

(۲) شیب منحنی‌های LM و تقاضای کل هر دو کوچک‌تر است.

(۴) شیب منحنی LM کوچک‌تر و شیب منحنی تقاضای کل بزرگ‌تر است.

(آزاد ۸۸)

۹۸- کدام عامل باعث انتقال منحنی عرضه کل (AS) به سمت راست نمی‌شود؟

(۱) کاهش قیمت انتظاری کارگران

(۲) بدبینی کارگران نسبت به آینده بازار کار

(۳) بدبینی کارفرمایان نسبت به آینده بازار کار

(۴) خوش‌بینی کارفرمایان نسبت به آینده بازار کار

(سراسری ۸۹)

۹۹- در چه صورت در الگوی عرضه و تقاضای کل اثر محدودکننده قیمتی (تأثیر ازدحام خارجی) صفر است؟

(۱) تنها وقتی IS عمودی باشد.

(۲) تنها وقتی که منحنی عرضه کل افقی باشد.

(۳) IS عمودی باشد یا LM افقی باشد.

(۴) تنها وقتی LM افقی باشد.

(سراسری ۸۹)

۱۰۰- افزایش نرخ بهره بر تقاضای کل اقتصاد چگونه است؟

(۱) منحنی تقاضای کل به چپ می‌رود.

(۲) تقاضای کل تغییر نمی‌کند.

(۳) تقاضای کل کاهش می‌یابد.

(۴) منحنی تقاضای کل به راست می‌رود.

(سراسری ۸۹)

۱۰۱- کدام مکاتب از فرضیه انتظارات عقلایی در تحلیل کلان استفاده می‌کنند؟

(۱) کلاسیک‌های جدید و کینزی‌های جدید

(۲) مکتب فریدمن

(۳) نئوکلاسیک‌ها

(۴) کینزی‌ها

(آزاد ۸۹)

۱۰۲- افزایش تمایل به کار کارگران موجب:

(۱) انتقال منحنی عرضه کل به راست، کاهش دستمزد اسمی و افزایش دستمزد حقیقی می‌شود.

(۲) انتقال منحنی عرضه کل به چپ، کاهش دستمزد اسمی و کاهش دستمزد حقیقی می‌شود.

(۳) انتقال منحنی عرضه کل به راست، کاهش دستمزد اسمی و کاهش دستمزد حقیقی می‌شود.

(۴) انتقال منحنی عرضه کل به چپ، افزایش دستمزد اسمی و کاهش دستمزد حقیقی می‌شود.

(آزاد ۸۹)

۱۰۳- اگر سیاست مالی انبساطی روی تولید حقیقی بی‌اثر باشد، در آن صورت:

(۱) روی نرخ بهره نیز بی‌اثر است.

(۲) روی دستمزد حقیقی نیز بی‌اثر است.

(۳) روی سطح قیمت‌ها نیز بی‌اثر است.

(۴) روی دستمزد اسمی نیز بی‌اثر است.

(آزاد ۸۹)

۱۰۴- خنثی بودن پول طبق نظریه کلاسیک‌ها به معنی عدم تأثیر عرضه پول:

(۱) بر تولید اسمی است.

(۲) بر تولید اسمی و حقیقی است.

(۳) بر سرمایه‌گذاری است.

(۴) بر تولید حقیقی است.

(آزاد ۸۹)

۱۰۵- سیاست مناسب برای کاهش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش نرخ بهره:

(۱) سیاست مالی انقباضی است.

(۲) سیاست پولی انقباضی است.

(۳) سیاست پولی انبساطی است.

(۴) سیاست مالی انبساطی است.

(آزاد ۸۹)

۱۰۶- در شرایط اشتغال کامل کدام بیکاری یا بیکاری‌ها وجود دارند؟

(۱) ساختاری و ادواری

(۲) اصطکاکی

(۳) ادواری

(۴) اصطکاکی و ادواری



- کله ۱۰۷- در کدام یک از حالت‌های زیر، منحنی عرضه کل (با فرض ثابت بودن سایر عوامل) دارای شیب کمتری است؟ (آزاد ۸۹)
- (۱) وجود توهم پولی کامل و چسبندگی دستمزدها.
 (۲) فقط وجود توهم پولی کامل.
 (۳) فقط وجود چسبندگی دستمزدها به سمت پایین.
 (۴) عدم وجود توهم پولی و عدم وجود چسبندگی دستمزدها.

- کله ۱۰۸- در کشورهای واردکننده نفت اگر ارزش تولید ناخالص ملی بالفعل (y_a) برابر با 10^2 واحد پولی و ارزش تولید ناخالص ملی بالقوه (y_p) برابر با 10^0 واحد پولی و ضمناً ارقام زیر برای یک کشور موجود باشد:
 نرخ تورم واقعی کدام است؟ (سراسری ۹۰)

- نرخ رشد بهره‌وری $PR = 0/01$ نرخ تورم انتظاری $P^e = 0/01$
- ضریب شکاف $q = 0/5 GNP$ نرخ رشد قیمت نفت $PM = 3\%$
- (۱) صفر (۲) $0/04$ (۳) $0/05$ (۴) $0/6$

- کله ۱۰۹- اگر حجم پول اسمی M افزایش یابد و از طریق اثر تراز حقیقی ($\frac{M}{P}$) مصرف را تحت تأثیر قرار دهد (بدون تغییر P)، در مقایسه وقتی که اثر تراز حقیقی لحاظ نشود، منحنی تقاضای کل را: (سراسری ۹۰)

- (۱) تنها کم شیب‌تر می‌سازد.
 (۲) بدون انتقال کم شیب‌تر می‌سازد.
 (۳) بیشتر انتقال داده و پر شیب‌تر می‌سازد.
 (۴) بیشتر انتقال داده و کم شیب‌تر می‌سازد.

- کله ۱۱۰- اثر تراز حقیقی (تغییر قیمت با فرض ثابت بودن M) و اثر قیمت بر صادرات به ترتیب شیب تقاضای کل را: (سراسری ۹۰)
- (۱) کم می‌کند - کم می‌کند. (۲) کم می‌کند - زیاد می‌کند. (۳) زیاد می‌کند - زیاد می‌کند. (۴) زیاد می‌کند - کم می‌کند.

- کله ۱۱۱- وضع کف دستمزد در اقتصاد کینزی، شیب منحنی عرضه کل را..... (سراسری ۹۰)
- (۱) عمودی می‌سازد. (۲) کاهش می‌دهد. (۳) افزایش می‌دهد. (۴) افقی می‌سازد.

- کله ۱۱۲- هرچه منحنی عرضه کل دارای کشش بیشتری باشد، سیاست مالی انبساطی اثر دارد. (آزاد ۹۰)
- (۱) ضعیف‌تری بر تولید و اشتغال
 (۲) شدیدتری بر تولید و اشتغال
 (۳) شدیدتری بر دستمزدها و قیمت‌ها
 (۴) شدیدتری بر نرخ بهره

- کله ۱۱۳- هنگامی که بر روی منحنی AD سطح قیمت کاهش می‌یابد، کدام یک از متغیرهای زیر افزایش نمی‌یابند؟ (آزاد ۹۰)
- (۱) حجم حقیقی پول (۲) تقاضای سفته‌بازی حقیقی پول (۳) حجم اسمی پول (۴) سرمایه‌گذاری

- کله ۱۱۴- اثر پیگو به معنی آن است که افزایش قیمت‌ها اثر بر روی مصرف و اثر بر روی تقاضای کل دارد. (آزاد ۹۰)
- (۱) معکوس - معکوس (۲) معکوس - مستقیم (۳) مستقیم - معکوس (۴) مستقیم - مستقیم

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور ی فصل چهارم

۱- گزینه «۱» رفتار IS و AD، از نظر انتقال با یکدیگر برابر است. همه عواملی که باعث انتقال IS به راست می‌شود تقاضای کل را نیز به سمت راست منتقل می‌کند و بر عکس. اما در مورد LM، همه عوامل تأثیرگذار در انتقال LM به راست در انتقال تقاضای کل به راست مؤثرند و بر عکس، به جز قیمت که در تقاضای کل فقط باعث حرکت روی این منحنی خواهد شد.

۲- گزینه «۳» اگر نیروی کار تمایل به فراغت بیشتری داشته باشد در دستمزدهای قبلی کار کمتری در جامعه عرضه می‌شود در نتیجه منحنی عرضه نیروی کار به سمت چپ و بالا منتقل خواهد شد و از این رو عرضه کل اقتصاد نیز به چپ و بالا منتقل می‌شود.

۳- گزینه «۳» در اثر پیگو یا اثر ثروت، مصرف به جز درآمد به ثروت فرد بستگی دارد و بر این اساس می‌توان عمودی شدن تقاضای کل را حتی در صورت وجود دام نقدینگی غیرممکن دانست. چون از طرفی با کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، عرضه پول افزایش می‌یابد، LM به راست منتقل می‌شود و از طرف دیگر به دلیل افزایش ثروت حقیقی، مصرف افزایش خواهد یافت (بر اساس اثر پیگو) و با افزایش مصرف، IS به سمت راست منتقل می‌شود. بر اساس اثر پیگو حتی با وجود دام نقدینگی تقاضای کل دارای شیب منفی خواهد بود.

۴- گزینه «۴» شیب منحنی IS عبارت است از $(-\frac{1-c(1-t)}{a})$ که a بیانگر حساسیت سرمایه‌گذاری به نرخ بهره می‌باشد. هرچه این نسبت بیشتر باشد شیب IS کمتر می‌شود و چون رابطه شیب IS با شیب تقاضای کل مستقیم است، منحنی تقاضای کل نیز دارای شیب کمتر خواهد بود. اگر $a = 0$ باشد IS عمودی می‌باشد در نتیجه تقاضای کل نیز عمودی خواهد شد.

۵- گزینه «۱» هرچه میل نهایی مصرف c بیشتر باشد، IS به حالت افقی نزدیک‌تر خواهد بود و چون شیب تقاضای کل با شیب IS رابطه مستقیم دارد، شیب تقاضای کل نیز کم خواهد شد.

$$\text{AD شیب} : \frac{dP}{dr} = \frac{h}{a} \frac{[1-c(1-t)-e+m]+k}{\frac{\bar{M}}{P^r}}$$

$$\text{IS شیب} : \frac{\Delta r}{\Delta y} = \frac{1-c(1-t)-e+m}{a} \quad ; \quad \text{LM شیب} : \frac{\Delta r}{\Delta y} = \frac{k}{h}$$

۶- گزینه «۳» در تمام نقاط روی منحنی تقاضای کل تعادل همزمان در دو بازار پول و کالا وجود دارد، چون این منحنی از نقاط مشترک LM (تعادل پول) و IS (تعادل بازار کالا) استخراج می‌شود. البته این مربوط به زمانی است که عرضه از تقاضا پیروی می‌کند. در مدل عرضه و تقاضای کل، عرضه و تقاضا هر یک به‌طور مستقل تعیین می‌شوند و قیمت انعطاف‌پذیر است. در این شرایط منحنی تقاضای کل فقط میزان تقاضا را تعیین می‌کند و مقدار عرضه با توجه به بازار کار و تابع تولید تعیین می‌شود و در این صورت تعادل اقتصاد از برابری عرضه و تقاضا به‌دست می‌آید.

۷- گزینه «۴» سیاست انبساطی مالی با انتقال IS به سمت راست باعث انتقال تقاضای کل به سمت راست خواهد شد. اما اگر عرضه کل افقی باشد سطح عمومی قیمت‌ها تغییر نخواهد کرد و فقط تولید افزایش می‌یابد (برعکس عرضه کل عمودی). اگر عرضه کل دارای شیب مثبت باشد انتقال تقاضای کل باعث افزایش قیمت و مقدار خواهد شد. مقدار تغییر قیمت بستگی به شیب عرضه کل خواهد داشت و وقتی حساسیت تقاضای کل اقتصاد به قیمت کم باشد، منحنی تقاضای کل تقریباً عمودی خواهد بود و به تنهایی مقدار تولید تعادلی اقتصاد را تعیین می‌کند.

۸- گزینه «۴» افزایش نرخ بهره اگر به دلیل انتقال IS به سمت راست باشد، منحنی تقاضای کل را نیز به سمت راست منتقل می‌کند و اگر افزایش نرخ بهره به دلیل کاهش عرضه اسمی پول باشد، LM را به سمت چپ و منحنی تقاضای کل را به سمت چپ انتقال می‌دهد. اگر در سطح ثابتی از تولید نرخ بهره افزایش یافته باشد به این معنی است که این دو انتقال با هم رخ داده و با هم برابر است، در نتیجه تقاضای کل در همان جایگاه قبلی قرار می‌گیرد.

۹- گزینه «۱» به دلیل عدم وجود توهم پولی در نظریات کلاسیک‌ها و انعطاف‌پذیری کامل قیمت‌ها، منحنی عرضه کل عمودی می‌باشد و با اجرای سیاست‌های انبساطی و انقباضی پولی و مالی و انتقال LM و IS و نهایتاً انتقال تقاضای کل، فقط سطح عمومی قیمت‌ها تغییر می‌کند و عرضه کل عمودی امکان تغییر در درآمد را فراهم نمی‌کند. از نظر کلاسیک‌ها متغیرهای حقیقی مثل تولید، اشتغال، دستمزد حقیقی و ... فقط با تغییر عرضه کل در اقتصاد تغییر خواهند یافت.



۱۰- گزینه «۲» سیاست‌های پولی و مالی بر منحنی‌های IS و LM و در نتیجه بر تقاضای کل اقتصاد نیز اثر می‌گذارند. به سیاست‌های پولی و مالی، سیاست‌های مدیریت تقاضا گفته می‌شود.

۱۱- گزینه «۱» شیب منحنی تقاضای کل به شیب منحنی IS و LM بستگی دارد. هرچه LM به حالت عمودی و یا IS به حالت افقی نزدیک‌تر شود (کارآیی بیشتر سیاست پولی) منحنی تقاضای کل به حالت افقی نزدیک‌تر خواهد بود و هرچه LM به حالت افقی و IS به حالت عمودی نزدیک‌تر باشد (کارآیی حداکثر سیاست مالی)، منحنی تقاضای کل به حالت عمودی نزدیک‌تر خواهد بود. اگر LM افقی یا IS عمودی باشد تقاضای کل نیز عمودی می‌شود. با افزایش نرخ مالیات یا کم شدن میل نهایی به مصرف، IS به حالت عمودی نزدیک می‌شود و تقاضای کل پرسیب‌تر می‌شود. به عبارت دیگر شیب تقاضای کل رابطه مستقیم با IS و رابطه معکوس با LM دارد. البته زمانی که شیب LM به خاطر تغییر h (حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره) دچار تغییر می‌شود، رابطه معکوس بین شیب LM و AD صادق است و از آنجا که $0 < k < 1$ است ولی $+\infty \leq h \leq 0$ است، می‌توان در حالت معمول تغییر شیب LM را ناشی از تغییر h دانست چون h عامل مهم‌تری در شیب $LM \left(\frac{k}{h}\right)$ است.

۱۲- گزینه «۱» انعطاف‌پذیری کامل قیمت و دستمزد باعث می‌شود در صورت عدم وجود توهم پولی، منحنی عرضه کل عمودی گردد. در این صورت دیگر عرضه از تغییرات قیمت تأثیر نمی‌پذیرد و با توجه به فروض کلاسیک عرضه کل شرایط فوق را داراست. در نتیجه عمودی است و سطح دستمزدها، قیمت‌ها، و نرخ بهره انعطاف‌پذیر می‌باشد. گزینه‌های ۳ و ۴ (حالت‌های LM و IS) بر تقاضای کل تأثیر می‌گذارد نه عرضه کل.

۱۳- گزینه «۳» در تمام نقاط روی منحنی تقاضای کل تعادل همزمان در دو بازار پول و کالا وجود دارد چون این منحنی از نقاط مشترک LM (تعادل پول) و IS (تعادل بازار کالا) استخراج می‌شود. البته این مربوط به زمانی است که عرضه از تقاضا پیروی می‌کند. در مدل عرضه و تقاضای کل، عرضه و تقاضا هر یک به‌طور مستقل تعیین می‌شوند و قیمت انعطاف‌پذیر است. در این شرایط منحنی تقاضای کل فقط میزان تقاضای اقتصاد را تعیین می‌کند و مقدار عرضه با توجه به بازار کار و تابع تولید تعیین می‌شود و در این صورت تعادل اقتصاد از برابری عرضه و تقاضا به دست می‌آید.

۱۴- گزینه «۴» تقاضای کل از تقاطع IS و LM به دست می‌آید و IS تعادل بازار کالاها و خدمات و LM تعادل بازار پول است. در نتیجه تقاضای کل تعادل در هر دو بازار را نشان می‌دهد.

۱۵- گزینه «۴» طبق اثر پیگو مصرف علاوه بر درآمد ملی تابعی از ثروت نیز می‌باشد و با کاهش قیمت علاوه بر افزایش عرضه پول و انتقال LM به راست، ثروت حقیقی و در پی آن مصرف نیز طبق اثر پیگو افزایش می‌یابد و IS به سمت راست منتقل می‌شود که این انتقال به اثر پیگو معروف می‌باشد. با وجود اثر پیگو حتی در دام نقدینگی نیز منحنی تقاضای کل دارای شیب منفی خواهد بود و سیاست‌های پولی کارآیی خواهند داشت.

۱۶- گزینه «۳» طبق نظریات کلاسیک‌ها در عرضه کل عمودی، سیاست انبساطی (مالی یا پولی) باعث افزایش تقاضای کل خواهد شد که افزایش تقاضای کل فقط باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها خواهد شد و فقط متغیرهای اسمی را تحت تأثیر و تغییر قرار خواهد داد و تولید واقعی، درآمد واقعی و ... ثابت خواهند ماند.

۱۷- گزینه «۱ و ۳» سیاست پولی زمانی بیشترین کارآیی را دارد که IS افقی یا LM عمودی باشد و در این دو حالت بیشترین انتقال در تقاضای کل رخ می‌دهد.

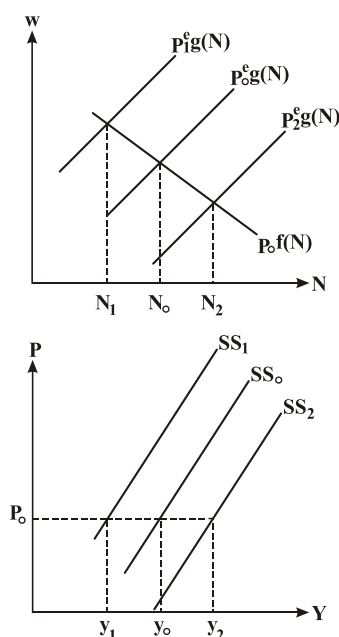
۱۸- گزینه «۲» افزایش هزینه‌های تولید مثل افزایش هزینه واقعی هر واحد مواد اولیه باعث تولید کمتر در قیمت‌های ثابت نسبت به قبل خواهد شد و عرضه کل به سمت چپ منتقل می‌شود. با انتقال عرضه کل به سمت چپ سطح قیمت‌ها افزایش و درآمد ملی کاهش خواهد یافت.

۱۹- گزینه «۴» در تحلیل‌های کینزی به دلیل عدم وجود انعطاف‌پذیری در دستمزدها، دستمزدها کمتر از قیمت‌ها کاهش می‌یابند و با انتقال منحنی تقاضای کل به سمت پایین و کاهش سطح قیمت‌ها و سطح تولید، کاهش تولید باعث کاهش تقاضای نیروی کار و کاهش دستمزد می‌شود و چون کاهش دستمزد اسمی از کاهش سطح عمومی قیمت‌ها کمتر است دستمزد حقیقی $\left(\frac{W}{P}\right)$ افزایش می‌یابد. ولی در تحلیل‌های کلاسیکی (عرضه کل عمودی) متغیرهای اسمی به نسبت یکسان تغییر می‌کنند.

۲۰- گزینه «۲» شیب منحنی IS به صورت مستقیم و شیب منحنی LM به صورت غیرمستقیم در شیب تقاضای کل تأثیر دارد. اگر LM افقی باشد و یا IS عمودی باشد تقاضای کل عمودی خواهد شد. تنها استثناء در مورد فوق این است که تغییر شیب LM به دلیل تغییر در حساسیت تقاضای پول نسبت به درآمد باشد. شیب LM برابر است با $(\frac{K}{h})$ و هرچه قدر بیشتر شود LM به حالت عمودی نزدیک می‌شود و همزمان تقاضای کل نیز به حالت عمودی نزدیک‌تر خواهد شد (رابطه مستقیم LM و تقاضای کل) و این مورد در کل روابط فوق استثناء می‌باشد. واکنش بیشتر تقاضای معاملاتی پول نسبت به درآمد همان استثناء می‌باشد و باعث افزایش شیب تقاضای کل خواهد شد.

۲۱- گزینه «۱» وقتی اثر پیگو وجود دارد مصرف تابعی از ثروت حقیقی نیز می‌باشد و همه عواملی که باعث افزایش ثروت حقیقی شوند باعث افزایش مصرف خواهند شد و بر عکس. با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ثروت حقیقی کاهش خواهد یافت در نتیجه با کاهش ثروت، مصرف فرد نیز کاهش خواهد یافت و به این ترتیب مخارج مصرفی جامعه نیز کاهش می‌یابد.

۲۲- گزینه «۳» طبق نظریه پیگو، در صورت تعادل در پایین‌تر از اشتغال کامل، شرایط رکودی برقرار بوده و قیمت‌ها رو به کاهش است. با کاهش قیمت ثروت حقیقی افراد افزایش می‌یابد و باعث افزایش مصرف خصوصی و انتقال منحنی IS به سمت راست می‌شود. همچنین با کاهش قیمت، عرضه حقیقی پول افزایش می‌یابد و باعث انتقال LM به سمت راست خواهد شد، البته انتقال افقی LM بیش از IS خواهد بود که در این صورت نرخ بهره کاهش و تولید افزایش می‌یابد. با کاهش نرخ بهره و افزایش سرمایه‌گذاری، IS دوباره به سمت راست منتقل می‌شود و نهایتاً اشتغال کامل با تکرار روند فوق اتفاق خواهد افتاد.



اثر تغییر انتظارات قیمتی بر جایگاه منحنی عرضه کل

۲۳- گزینه «۴» تغییر در انتظارات تورمی باعث می‌شود که نیروی کار و سایر عوامل تولید، دستمزد بیشتری را تقاضا کنند و هزینه‌های تولید به این دلیل افزایش یابد در نتیجه، منحنی عرضه کل اقتصاد به سمت چپ و بالا منتقل می‌شود. اگر قیمت تغییر کند روی منحنی عرضه کل و تقاضای کل جابه‌جا می‌شویم و تغییر در پس‌انداز و تغییر در سرمایه‌گذاری باعث جابه‌جایی منحنی تقاضای کل خواهد شد.

در شکل مقابل، اگر انتظارات مربوط به سطح عمومی قیمت‌ها از p_0^e به p_1^e افزایش یابد، موجب انتقال منحنی عرضه کل به سمت بالا و چپ می‌شود و در همان سطح قیمت p_0 ، سطح اشتغال را به N_1 کاهش می‌دهد. در نتیجه منحنی عرضه کل به SS_1 انتقال می‌یابد. برای حالتی که انتظارات قیمتی از p_0^e به p_2^e کاهش می‌یابد برعکس بالا است.

۲۴- گزینه «۳» کمبود تقاضای کل و عدم انعطاف‌پذیری (چسبندگی) قیمت‌ها عمده‌ترین دلیل بیکاری از نظر کینز می‌باشد.

۲۵- گزینه «۳» با افزایش مالیات‌های مستقل (T_0) منحنی IS به سمت چپ منتقل می‌شود و تقاضای کل نیز به سمت چپ منتقل می‌شود ولی افزایش میل نهایی به مصرف باعث کم‌شیب‌تر شدن IS و انتقال آن به سمت راست خواهد شد. در نتیجه تابع تقاضای کل نیز کم‌شیب‌تر شده و به سمت راست منتقل می‌شود و چون نمی‌توانیم تأثیر هر یک را در افزایش و کاهش تقاضای کل مشخص کنیم نمی‌توان در مورد درآمد تعادلی نتیجه‌گیری کرد.

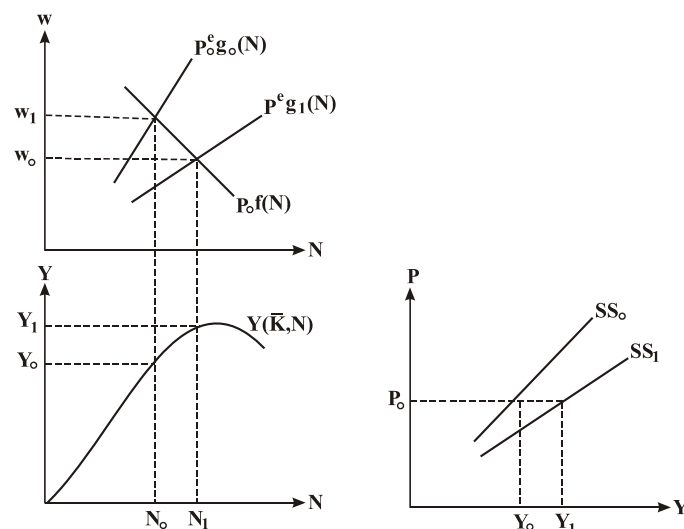
۲۶- گزینه «۲» اگر تغییرات قیمت و دستمزد کاملاً متناسب باشد به این مفهوم است که به اندازه افزایش قیمت، هزینه تولید افزایش یافته است پس تولید ثابت می‌ماند و منحنی عرضه کل عمودی می‌شود (شیب آن بی‌نهایت خواهد بود). چنین عرضه‌ای در تئوری‌های کلاسیکی به دلیل انعطاف‌پذیری کامل قیمت‌ها و دستمزد و وجود اطلاعات کامل وجود دارد. ولی کینز به توهم پولی یا عدم انعطاف کامل قیمت‌ها و دستمزد و عرضه کل با شیب مثبت معتقد بود.



۲۷- گزینه «۲» با توجه به اطلاعات مسئله، عرضه کل عمودی می‌باشد و افزایش سطح هزینه‌های دولت تقاضای کل را به سمت راست منتقل می‌کند و سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد ولی تولید تعادلی و اشتغال تغییر نخواهند کرد. چون نیروی کار دچار توهم پولی نیست، با افزایش سطح قیمت‌ها دستمزد درخواستی آنان متناسب با رشد قیمت‌ها افزایش خواهد یافت، ولی فقط دستمزد اسمی آن‌هاست که افزایش می‌یابد و دستمزد حقیقی آن‌ها همانند تولید و اشتغال حقیقی ثابت خواهد بود.

به اعتقاد کلاسیک‌ها، متغیرهای حقیقی (تولید، اشتغال، دستمزد حقیقی) با تغییر در یک متغیر حقیقی مثل حجم سرمایه، بازدهی نیروی کار، افزایش توان تکنولوژی و عرضه کار تغییر می‌یابد، ولی کینز معتقد بود متغیرهای اسمی و سیاست‌های پولی و مالی نیز در سطح تولید و اشتغال تأثیرگذار می‌باشند.

۲۸- گزینه «۲» تمام متغیرهایی که IS را به سمت راست منتقل کنند، تقاضای کل را نیز به سمت راست منتقل خواهند کرد و تمام عوامل منتقل‌کننده LM (به جز قیمت که باعث حرکت روی تقاضای کل خواهد شد) به سمت راست، تقاضای کل را نیز به سمت راست منتقل خواهد کرد. سیاست‌های پولی و مالی انبساطی باعث انتقال تقاضای کل به سمت راست خواهد شد و برعکس (سیاست‌های مالی تقاضای کل را به صورت موازی و سیاست‌های پولی تقاضای کل را به صورت غیر موازی منتقل می‌کند). افزایش مخارج دولت یک سیاست انبساطی مالی می‌باشد.



بهبود در کارایی نیروی کار و اثر تغییر فرهنگ کارکردن و تغییر ترجیحات کارگران به نفع کار بیشتر و فراغت کمتر بر جایگاه منحنی عرضه کل

۲۹- گزینه «۴» بهبود کارایی نیروی کار در همان سطح قیمت باعث افزایش عرضه خواهد شد و منحنی عرضه کل به سمت راست منتقل می‌شود. افزایش عرضه اسمی پول (سیاست پولی انبساطی) تقاضای کل را به سمت راست منتقل می‌کند و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها باعث حرکت روی منحنی‌های عرضه کل و تقاضای کل خواهد شد. با افزایش عرضه حقیقی پول به دلیل افزایش عرضه اسمی پول منحنی تقاضای کل به سمت راست منتقل می‌شود، ولی اگر افزایش عرضه حقیقی پول به دلیل تغییر سطح قیمت‌ها باشد تقاضای کل جابه‌جا نخواهد شد و روی منحنی تقاضای کل جابه‌جا خواهیم شد.

۳۰- گزینه «۱» شیب منحنی IS و LM بر شیب منحنی تقاضای کل تأثیر می‌گذارد. شیب تقاضای کل دارای ارتباط مستقیم با شیب IS و ارتباط معکوس و منفی با شیب LM می‌باشد. در نتیجه هرچه قدر IS به حالت عمودی و LM به حالت افقی نزدیک‌تر باشد شیب تقاضای کل عمودی‌تر خواهد شد. با توجه به شیب منحنی تقاضای کل به صورت زیر:

$$\frac{dp}{dy} = \frac{1 - c(1-t) + m + \frac{ak}{h}}{-aM^s / hP^2}$$

با افزایش c شیب منحنی تقاضای کل کاهش می‌یابد.

۳۱- گزینه «۲» در دام نقدینگی LM، به صورت افقی است و نرخ بهره در پایین‌ترین سطح خود ثابت است. در این حالت تقاضای سفته بازی پول افقی است (کشش تقاضای پول نسبت به نرخ بهره بی‌نهایت است). در این حالت به علت پایین بودن نرخ بهره و بالا بودن قیمت اوراق قرضه، هرچه عرضه پول افزایش یابد، پول برای سفته‌بازی نگهداری می‌شود، در این حالت منحنی تقاضای کل عمودی خواهد شد. البته پدیده دام نقدینگی مطابق با دیدگاه کینزین‌ها است و فریدمن به عنوان یک اقتصاددان پول‌گرا دیدگاه متفاوتی نسبت به کینزین‌ها دارد. بنابراین می‌توان گفت سؤال به شکل داده شده درست نیست.

۳۲- گزینه «۱» در مدل درآمد - مخارج یا خط 45° بازار پول وجود ندارد و نرخ بهره ثابت است. ولی در مدل IS-LM بازار پول وجود دارد و نرخ بهره نیز متغیر است. اگر LM افقی باشد (نرخ بهره ثابت) ضریب تکاثر مخارج دولت در مدل درآمد - مخارج و مدل IS-LM برابر است. هرچه LM به حالت عمودی نزدیک‌تر شود ضریب تکاثر مخارج دولت در مدل IS-LM از ضریب تکاثر مخارج دولت در مدل درآمد - مخارج کمتر می‌شود. اگر LM عمودی باشد ضریب تکاثر مخارج دولت در مدل IS-LM صفر می‌باشد. انتقال افقی IS بدون توجه به LM، برابر ضریب تکاثر مخارج دولت در مدل درآمد - مخارج ضربدر تغییرات در G است. اما انتقال افقی منحنی تقاضای کل که از تقاطع منحنی‌های IS و LM به دست می‌آید، برابر است با تغییر مخارج دولت ضربدر ضریب تکاثر مدل IS-LM.

۳۳- گزینه «۴» تقاضای کل از نقاط تعادلی بازار پول و کالا (IS, LM) استخراج می‌شود. اگر IS عمودی یا LM افقی باشد تقاضای کل نیز عمودی خواهد بود و برعکس. اگر سرمایه‌گذاری تابعی از نرخ بهره نباشد، IS عمودی خواهد بود و در نتیجه تقاضای کل نیز عمودی خواهد بود. با توجه به معادله شیب تقاضای کل نیز می‌توان دریافت زمانی منحنی AD عمودی و شیبش بی‌نهایت است که $a = 0$ یا $h = \infty$ باشد. (a: حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، h: حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره)

$$\text{شیب AD} : \frac{dP}{dy} = - \frac{\frac{h}{a} [1 - c(1-t) - e + m] + k}{\frac{\bar{M}}{p^2}}$$

۳۴- گزینه «۳» اقتصاددانان کلاسیک به عمودی بودن عرضه کل اعتقاد داشتند و در این صورت به موجب کاهش مالیات‌های غیرمستقیم و انتقال منحنی تقاضای کل به سمت راست، فقط سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد ولی تولید ملی واقعی هیچ تغییری نخواهد کرد.

۳۵- گزینه «۱» چهار نوع بیکاری عمده در اقتصاد کلان وجود دارد که عبارتند از:

بیکاری ادواری، ساختاری، اصطکاکی، فصلی: در بیکاری ادواری که به آن بیکاری سیکلی نیز می‌گویند، بر اثر ادوار تجاری (رونق و رکود)، بیکاری نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. برای مقابله با این بیکاری اجرای سیاست‌های انبساطی (پولی و مالی) جهت افزایش تقاضای کل کارساز خواهد بود. در بیکاری ساختاری نیروی کار فاقد مهارت یا آموزش لازم می‌باشد که عدم تحرک، نبود انگیزه و ... می‌تواند منشأ این بیکاری باشد. برای رفع این بیکاری بایستی آموزش لازم به کارگران داده شود. در بیکاری اصطکاکی هنوز فرد شغل مناسب خود را پیدا نکرده است اگر چه شغل مناسبی نیز برای وی وجود دارد (مثل فارغ‌التحصیلان). نهایتاً در بیکاری فصلی در بعضی شغل‌های فصلی (مثل کارگران ساختمانی) در برخی فصل‌ها کارگران بیکار خواهند بود.

۳۶- گزینه «۴» افزایش حجم پول سبب افزایش تقاضای کل می‌شود و در نتیجه در تقاطع منحنی عرضه و تقاضای بازار، قیمت افزایش می‌یابد. حال اگر عرضه‌کنندگان کار دچار توهم پولی نباشند سطح دستمزدهای خود را دقیقاً به اندازه قیمت‌ها افزایش می‌دهند. در نتیجه دستمزد حقیقی $\left(\frac{w}{p}\right)$ تغییری نمی‌کند و

با ثابت بودن $\frac{w}{p}$ تقاضا برای نیروی کار و عرضه نیروی کار تغییری نخواهد کرد و در نتیجه تولید و سطح اشتغال تغییری نمی‌کند. البته اگر نمودارهای عرضه و تقاضای نیروی کار برحسب دستمزد اسمی رسم شود، منحنی عرضه و تقاضا به یک نسبت جابه‌جا می‌شوند و باز هم سطح اشتغال و تولید ثابت می‌ماند و عرضه کل عمودی خواهد شد. کینز معتقد بود توهم پولی وجود دارد و کارگران دستمزد اسمی را کمتر از افزایش قیمت افزایش می‌دهند و دستمزد حقیقی کاهش می‌یابد و سطح تولید و اشتغال افزایش می‌یابد.

۳۷- گزینه «۳» شیب تابع تقاضا به صورت زیر است.

$$\frac{dP}{dy} = - \frac{1 - c(1-t) - e + \frac{ak}{h}}{\frac{a}{h} \cdot \frac{\bar{M}}{p^2}}$$

که در آن c میل نهایی به مصرف، t نرخ مالیات، e میل نهایی به سرمایه‌گذاری، a ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، h ضریب تقاضای پول نسبت به نرخ بهره و k ضریب تقاضای پول نسبت به درآمد است. حال طبق این رابطه مشخص است که هرچقدر حساسیت تقاضا برای پول نسبت به درآمد بیشتر باشد، مقدار k بزرگ‌تر است و هر چقدر k بزرگ‌تر باشد، شیب منحنی تقاضای کل بزرگ‌تر است و به حالت عمودی نزدیک‌تر است.



۳۸- گزینه «۳» اگر تعدیل در قیمت‌های انتظاری به تغییر در قیمت‌های واقعی خیلی نزدیک باشد، یعنی کارگران توهم پولی ندارند و نرخ دستمزد خود را خیلی نزدیک به افزایش قیمت تغییر می‌دهد تا قدرت خرید آن‌ها خیلی تغییر نکند. در این صورت نرخ دستمزد حقیقی مقدار کمی تغییر کرده و سطح اشتغال و تولید نیز خیلی کم تغییر می‌کند و منحنی عرضه کل به حالت عمودی نزدیک می‌شود. برعکس هرچقدر این تعدیل دیرتر و کمتر صورت گیرد، نرخ دستمزد حقیقی به میزان بیشتری تغییر کرده و سطح اشتغال و تولید بیشتر تغییر می‌کند و شیب منحنی عرضه کل کمتر می‌شود (افقی‌تر می‌شود).

۳۹- گزینه «۳» در بسیاری از موارد اعمال سیاست‌هایی در سمت تقاضا موجب افزایش تقاضا و افزایش قیمت می‌شود که کارگران و اتحادیه‌ها نیز نرخ دستمزد خود را افزایش می‌دهند. این امر اگر به طور کامل صورت گیرد اثر سیاست طرف تقاضا را خنثی می‌کند. در بعضی موارد حتی پیش‌بینی بیشتر از واقع انجام می‌دهند و دستمزد خود را بیش از قیمت افزایش می‌دهند که سبب کاهش تولید و اشتغال می‌شود. برای جلوگیری از این اتفاق دولت به اعمال سیاست‌های ارشادی که به آن سیاست‌های درآمدی گفته می‌شود می‌پردازد. در این سیاست، دولت همراه بانک مرکزی متعهد می‌شود که ثبات پایه پولی را تضمین کند و از طرف دیگر کارگران را تشویق می‌کند که نرخ دستمزد خود را در یک چارچوب منظم و معین تعیین کنند. کارفرمایان نیز متعهد می‌شوند که نرخ دستمزد را براساس افزایش بهره‌وری، افزایش دهند و نرخ‌های کالاهای خود را نیز افزایش ندهند تا سبب تورم نشود. در کل این سیاست‌ها موجب انتقال منحنی عرضه کل به سمت پایین و راست می‌شود و اگر انتقال منحنی تقاضا به سمت بالا و راست به موجب این سیاست را نیز در نظر بگیریم، گزینه «۳» صحیح خواهد شد. اما در اصل هیچ‌کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.

۴۰- گزینه «۲» دیدگاه کلاسیک به این صورت بود که سیاست مالی اعمالی سبب افزایش قیمت و در کوتاه‌مدت موجب افزایش تولید می‌شود. ولی در بلندمدت منحنی عرضه عمودی خواهد شد. اما کلاسیک‌های جدید معتقدند که در کوتاه‌مدت فقط اگر قیمت به درستی پیش‌بینی نشود یا به عبارتی تغییر غیره منتظره‌ای در قیمت صورت گیرد، منحنی عرضه کل صعودی خواهد بود و در غیر این صورت در کوتاه‌مدت نیز منحنی عرضه کل عمودی خواهد شد. البته دولت نمی‌تواند همیشه از سیاست‌های غیرمنتظره استفاده کند چون اعتماد مردم نسبت به سیاست‌های دولت و بانک مرکزی از بین می‌رود. بنابراین طبق دیدگاه کلاسیک‌های جدید اگر قیمت‌های پیش‌بینی شده در دوره قبل با سطح قیمت‌های واقعی در دوره حال دقیقاً برابر باشد، تولید و اشتغال در کوتاه‌مدت نیز تغییری نخواهد کرد.

۴۱- گزینه «۱» اگر شیب منحنی تقاضای کل مسطح‌تر باشد، باید شیب IS مسطح‌تر باشد. شیب IS به صورت زیر است:

$$\frac{dr}{dy} = -\frac{1-c(1-t)-e}{a}$$

برای اینکه شیب مسطح‌تر باشد باید e , a , c بزرگ‌تر و t کوچک‌تر باشد. اگر قدر مطلق شیب را در نظر بگیریم، هرچه e , c , a بزرگ‌تر باشد کسر کوچک‌تر می‌شود و اگر t کوچک‌تر باشد $(1-t)$ بزرگ‌تر شده و در نتیجه $c(1-t)$ بزرگ‌تر می‌شود که چون با علامت منفی ظاهر شده است صورت کسر را کوچک‌تر می‌کند.

۴۲- گزینه «۴» دستمزدهای چسبیده به این معنی است که کارگران نسبت به

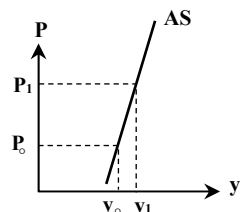
دستمزد قبلی اصرار می‌کنند.

در بعضی مواقع چسبندگی به سمت پایین وجود دارد که در این صورت با کاهش

قیمت‌ها کارگران حاضر نیستند دستمزد خود را کاهش دهند و در نتیجه دستمزد

حقیقی $\left(\frac{W}{P}\right)$ افزایش می‌یابد و تقاضا برای نیروی کار کاهش می‌یابد.

اگر چسبندگی به سمت بالا نیز داشته باشیم، با افزایش قیمت‌ها کارگران دستمزد خود را افزایش نمی‌دهند و دستمزد حقیقی کاهش می‌یابد و تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد. در نتیجه در هر دو صورت منحنی عرضه کالا نسبت به حالتی که چسبندگی وجود ندارد، مطابق شکل به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود.



۴۳- گزینه «۲» اگر منحنی عرضه کل را رسم کنیم، مشخص می‌شود که هر قدر اثر تغییرات قیمت بر

روی اشتغال و تولید کمتر باشد، شیب منحنی عرضه کل بیشتر می‌شود و در حالت حدی اگر با

تغییرات قیمت، سطح تولید و اشتغال تغییر نکند، منحنی عرضه کل به صورت عمودی تبدیل می‌شود و

هرچه تأثیر آن بیشتر باشد منحنی عرضه افقی‌تر و دارای شیب کمتر می‌شود.

۴۴- گزینه «۱» اگر تقاضای پول نسبت به تغییرات نرخ بهره حساسیتی نداشته باشد یعنی، با تغییر نرخ بهره تقاضای پول تغییر نکند، LM عمودی می‌شود و دیدگاه کلاسیک می‌باشد. با تغییر نرخ مالیات منحنی IS جابه‌جا می‌شود و چرخش می‌کند ولی چون LM عمودی است فقط نرخ بهره را تغییر می‌دهد. تغییر سرمایه‌گذاری ناشی از تغییر نرخ بهره کل، اثر سیاست مالی را خنثی می‌کند و تقاضای کل تغییری نمی‌کند.

۴۵- گزینه «۲» دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک بر عرضه تأکید دارد و تقاضا را مهم نمی‌داند و بر این باورند که اگر کالایی تولید و عرضه شود تقاضای آن به وجود می‌آید و مهم نیست که قبل از تولید تقاضایی برای آن کالا وجود داشته باشد. به همین دلیل عرضه اقتصاد را مستقل از بخش تقاضا می‌دانند و از نظر آن‌ها عرضه کل عمودی است. برخلاف کلاسیک‌ها، کینزین‌ها معتقد به بخش تقاضا هستند و می‌گویند ابتدا باید تقاضا برای یک کالا را به وجود آوریم و سپس آن کالا خود تولید می‌شود و در حقیقت بخش عرضه وابسته به بخش تقاضا است.

۴۶- گزینه «۳» در مدل خط ۴۵ درجه ضریب تکاثر مخارج دولت برابر $(\frac{1}{1-c(1-t)}\Delta G)$ می‌باشد که در مدل عرضه کل و تقاضای کل ضریب تکاثر (افزایش در درآمد) برابر است با ضریب تکاثر مدل AD-AS ضربدر ΔG . اگر LM افقی باشد یا IS عمودی باشد تقاضای کل عمودی خواهد بود و ضریب تکاثر مدل ۴۵ درجه (مخارج و درآمد) با ضریب تکاثر IS و LM و ضریب تکاثر AD-AS برابر خواهد بود.

۴۷- گزینه «۲» منحنی عرضه و تقاضای نیروی کار، شیب تابع تولید و درجه توهم پولی، در شیب عرضه کل تأثیر دارد. هرچه منحنی عرضه کار پرشیب‌تر، تقاضای کار پرشیب‌تر، تابع تولید کم‌شیب‌تر و درجه توهم پولی کمتر باشد، عرضه کل به حالت عمودی (پرشیب‌تر) نزدیک‌تر می‌شود و کشش این تابع نسبت به قیمت کمتر می‌شود. از طرفی تابع تقاضای نیروی کار همان تابع ارزش تولید نهایی نیروی کار است که از ضرب قیمت در تولید نهایی کار به دست می‌آید $D_L = VMP_L = P \cdot MP_L$ و با افزایش شیب MP_L ، شیب منحنی تقاضای کار نیز افزایش می‌یابد و عرضه کل به حالت عمودی نزدیک‌تر می‌شود.

۴۸- گزینه «۴» می‌دانیم شیب تقاضای کل عبارت است از:

$$\frac{dp}{dy} = \frac{1-c(1-t) + \frac{ak}{h}}{\frac{a}{h} \frac{\bar{M}^s}{p^2}} = -\frac{h}{a} \frac{[1-c(1-t)] + k}{\frac{\bar{M}^s}{p^2}}$$

اگر a افزایش یابد قدر مطلق شیب تقاضای کل کم می‌شود و تقاضای کل به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود. هرچه LM به حالت عمودی و IS به حالت افقی نزدیک‌تر شود، تقاضای کل به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود. ضمناً با افزایش نرخ مالیات و حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره شیب تقاضای کل بیشتر می‌شود.

۴۹- گزینه «۱ و ۳» از نظر کینز نیروی کار دچار توهم پولی می‌باشد و به همین دلیل تغییرات در قیمت‌ها را در دستمزد خود منعکس نمی‌کند. برخلاف نظریه کلاسیک‌ها که نیروی کار را دچار توهم پولی نمی‌دانند و معتقدند تغییرات در قیمت بلافاصله با همان مقدار دستمزدها را تغییر می‌دهد. همچنین کینز معتقد بود که پس‌انداز تابع مستقیمی از درآمد ملی است ولی کلاسیک‌ها پس‌انداز را تابع نرخ بهره می‌دانند. توهم پولی و چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدها به دلیل وجود اتحادیه‌ها از خصوصیات نظریه کینز می‌باشد، بنابراین طبق دیدگاه کینز دستمزدها و قیمت‌ها انعطاف‌پذیر نیستند. همچنین کینز معتقد بود هر عرضه‌ای تقاضای خود را به وجود می‌آورد.

۵۰- گزینه «۴» تقاضای کل زمانی عمودی خواهد بود که منحنی LM افقی باشد. در صورتی که LM افقی باشد، نرخ بهره در درآمد تعادلی تأثیری ندارد و درآمد تعادلی در واقع همانند مدل عرضه و تقاضا (خط ۴۵°) تعیین می‌شود (فقط سیاست‌های مالی تأثیرگذار است). علاوه بر آن اگر عرضه کل افقی باشد نیز ضریب تکاثر مدل درآمد مخارج با ضریب تکاثر مدل IS-LM برابر خواهد بود، چون در این حالت تغییر درآمد تعادلی برابر با انتقال افقی AD خواهد بود و انتقال افقی AD برابر با ضریب تکاثر مدل IS-LM است.

۵۱- گزینه «۳» این دیدگاه متعلق به کینزین‌هاست و توهم پولی به این معنی است که فرد با افزایش قیمت‌ها سطح دستمزد خود را به همان اندازه افزایش نمی‌دهد و با کمی افزایش در دستمزد اسمی راضی شده و به قدرت خرید خود توجهی ندارد که به همین علت می‌گویند دچار توهم پولی است. با این کار دستمزد حقیقی $\frac{W}{P}$ کاهش پیدا کرده و تقاضا برای کار افزایش می‌یابد و موجب افزایش سطح تولید و اشتغال می‌شود. کلاسیک‌ها برخلاف این مطلب معتقدند که کارگران دستمزد خود را به اندازه قیمت تغییر می‌دهند و دستمزد حقیقی ثابت مانده و عرضه کل عمودی خواهد شد و افزایش حجم اسمی پول تأثیری بر سطح تولید و اشتغال نداشته و فقط دستمزد اسمی و قیمت‌ها افزایش می‌یابد.



۵۲- گزینه «۱» شیب منحنی تقاضا به صورت زیر است:

$$\frac{dP}{dy} = -\frac{1-c(1-t)-e+\frac{ak}{h}}{\frac{a}{h} \cdot \frac{M}{p^2}} \rightarrow \frac{dP}{dy} = -\frac{\frac{h}{a}(1-c(1-t))+k}{\frac{M}{p^2}}$$

a ضریب سرمایه گذاری نسبت به نرخ بهره می باشد. هرچه حساسیت سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره بزرگ تر باشد، ضریب a بزرگ تر و هرچه a بزرگ تر باشد شیب منحنی تقاضا کوچک تر است.

۵۳- گزینه «۲» هر قدر تعدیل در قیمت های انتظاری نسبت به قیمت های واقعی کمتر باشد، به این معنی است که کارگران توهم پولی داشته و نرخ دستمزد خود را به اندازه قیمت افزایش نمی دهند که دیدگاه کینزین هاست. در این صورت نرخ دستمزد حقیقی کاهش می یابد و سبب می شود سطح تولید و اشتغال افزایش یابد و هرچه میزان این تعدیل کمتر باشد یعنی، توهم پولی کامل تر است. در نتیجه سطح تولید و اشتغال بیشتر افزایش می یابد و شیب منحنی عرضه کل کوچک تر می شود. (افقی تر می شود).

۵۴- گزینه «۴»

$$\frac{dP}{dy} = -\frac{1-c(1-t)-e+\frac{ak}{h}}{\frac{a}{h} \cdot \frac{M}{p^2}}$$

در نتیجه هرچه نرخ مالیات t بزرگ تر و میل نهایی به مصرف کوچک تر باشد، c(1-t) کوچک تر می شود که چون با علامت منفی است سبب بزرگ تر شدن شیب تقاضا می شود. در اینجا منظور قدر مطلق شیب است. ولی اگر منظور شیب با علامت جبری باشد گزینه «۲» صحیح خواهد بود.

۵۵- گزینه «۱» با افزایش عرضه اسمی پول سطح قیمت ها به همان اندازه افزایش می یابد. چون عرضه حقیقی پول تغییری نمی کند، LM نیز تغییر نمی کند. ولی به دلیل افزایش عرضه اسمی پول تقاضای کل به سمت راست و بالا منتقل می شود. برای انتقال AD (تقاضای کل) تغییر در عرضه اسمی پول کارساز می باشد ولی برای انتقال LM حتماً باید عرضه حقیقی پول $(\frac{M^s}{p})$ تغییر نماید.

۵۶- گزینه «۴» با افزایش تمایل مردم به کار کردن در همان دستمزدهای قبلی عرضه نیروی کار افزایش می یابد و به سمت راست منتقل می شود. با انتقال تابع عرضه نیروی کار، منحنی عرضه کل نیز به سمت راست انتقال می یابد.

۵۷- گزینه «۲» کلاسیک های جدید (طرفداران نظریه انتظارات عقلایی) برخلاف نظریه انتظارات تطبیقی فریدمن که اعتقاد دارد انتظارات تورمی براساس تجربیات گذشته تعدیل می شود و فقط در بلندمدت به دلیل تطبیق تورم واقعی و انتظاری عرضه عمودی است، اعتقاد دارند شکل گیری انتظارات تورمی فقط به اطلاعات گذشته و تجربیات بستگی ندارد و اطلاعات مختلفی می تواند در آن تأثیرگذار باشد و حتی در کوتاه مدت می تواند تورم انتظاری و واقعی با هم برابر گردد. در این حالت عرضه کل عمودی خواهد بود. ولی هر دو نظریه انتظارات تطبیقی و عقلایی به عمودی بودن عرضه کل بلندمدت (مثل کلاسیک ها) معتقدند. از نظر کلاسیک های جدید فقط زمانی منحنی عرضه کوتاه مدت عمودی نمی شود که دولت به صورت غیرمنتظره اقدام به اعمال سیاست کند.

۵۸- گزینه «۲» شیب تقاضای کل دارای رابطه مستقیم با شیب IS و رابطه غیرمستقیم با شیب LM می باشد. با افزایش حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره، LM افقی تر و تقاضای کل عمودی تر می شود و هرچه حساسیت سرمایه گذاری نسبت به نرخ بهره کم شود، IS عمودی تر و تقاضای کل نیز عمودی تر می شود.

۵۹- گزینه «۲» اثر پیگو بیان می کند که مصرف با ثروت حقیقی افراد رابطه مستقیم دارد. بنابراین با افزایش قیمت، ثروت حقیقی $(\frac{W}{P})$ کاهش می یابد و در نتیجه مصرف خصوصی کم می شود. در این صورت منحنی IS به سمت چپ و پایین منتقل می شود. همچنین کاهش مصرف خصوصی باعث می شود تقاضای کل کم شود، اما از آنجا که این کاهش تقاضا به دلیل تغییر قیمت رخ داده است، به صورت حرکت روی منحنی تقاضای کل به سمت بالا و چپ نشان داده می شود و منحنی تقاضای کل منتقل نمی شود.

۶۰- گزینه «۱» شیب منحنی تقاضا به صورت مقابل است.

$$\frac{dP}{dy} = - \frac{1 - c(1-t) - e + m + \frac{ak}{h}}{\frac{a}{h} \cdot \frac{\bar{M}}{P^2}}$$

که در آن k حساسیت تقاضا برای پول نسبت به درآمد ملی می باشد. حال اگر این حساسیت کوچک تر باشد یعنی k کوچک تر است و در نتیجه شیب منحنی تقاضا کوچک تر می شود.

۶۱- گزینه «۳» هر قدر تعدیل در قیمت های انتظاری نسبت به قیمت های واقعی کمتر باشد به این معنی است که کارگران توهم پولی داشته و نرخ دستمزد خود را به اندازه قیمت افزایش نمی دهند که دیدگاه کینزین هاست. در این صورت نرخ دستمزد حقیقی کاهش می یابد و سبب می شود سطح تولید و اشتغال افزایش یابد. هر چه میزان این تعدیل کمتر باشد یعنی، توهم پولی کامل تر است و در نتیجه سطح تولید و اشتغال بیشتر افزایش می یابد و شیب منحنی عرضه کل کوچک تر می شود (افقی تر می شود).

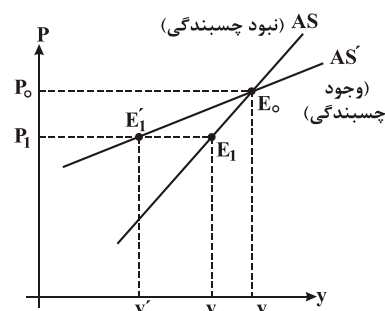
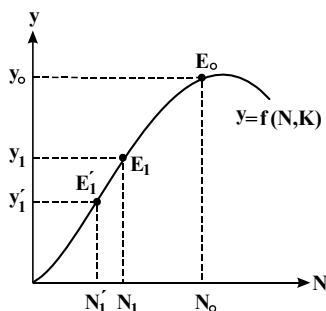
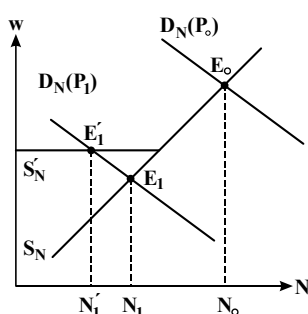
۶۲- گزینه «۱» پول گراها یا همان کلاسیک ها معتقدند که نمودار LM عمودی است و در نتیجه سیاست های مالی هیچ تأثیری بر سطح تولید و تقاضای کل و در نتیجه سطح قیمت ندارد. کاهش نرخ مالیات سبب چرخش و انتقال منحنی IS به سمت راست و بالا می شود و نرخ بهره افزایش می یابد. کاهش سرمایه گذاری ناشی از این افزایش نرخ بهره به طور کامل اثر این سیاست مالی انبساطی را خنثی می کند و در نتیجه هیچ اثری جز افزایش نرخ بهره ندارد.

۶۳- گزینه «۳» اگر قیمت های انتظاری دقیقاً و با سرعت به اندازه تغییرات قیمت تعدیل شود به این معنی است که توهم پولی وجود ندارد و دستمزدها دقیقاً به اندازه نرخ تغییر قیمت تغییر می کنند. در نتیجه دستمزد حقیقی تغییری نمی کند و به همین دلیل هیچ تأثیری بر تولید و اشتغال ندارد. فقط سطح دستمزد اسمی افزایش می یابد و منحنی عرضه عمودی و با شیب بی نهایت می شود.

۶۴- گزینه «۳» دستمزدهای چسبنده به این معنی است که کارگران نسبت به دستمزد قبلی اصرار می کنند. در بعضی مواقع چسبندگی به سمت پایین وجود دارد که در این صورت با کاهش قیمت ها کارگران حاضر نیستند دستمزد خود را کاهش دهند و در نتیجه دستمزد حقیقی $(\frac{W}{P})$ افزایش می یابد و تقاضا برای نیروی کار کاهش می یابد.

اگر چسبندگی به سمت بالا نیز داشته باشیم، با افزایش قیمت ها کارگران دستمزد خود را افزایش نمی دهند و دستمزد حقیقی کاهش می یابد و تقاضا برای نیروی کار افزایش می یابد. در نتیجه در هر دو صورت منحنی عرضه کالا نسبت به حالتی که چسبندگی وجود ندارد به حالت افقی نزدیک تر می شود.

اگر چسبندگی دستمزدها وجود داشته باشد، منحنی عرضه نیروی کار افقی خواهد بود. در شکل زیر منحنی عرضه نیروی کار S_N کاملاً صعودی است، بنابراین با توجه به آن چسبندگی دستمزد وجود ندارد. اما منحنی عرضه نیروی کار S'_N دارای شاخه ای افقی است و بنابراین در این قسمت ها چسبندگی دستمزد وجود دارد. حال اگر سطح قیمت ها کاهش یابد، منحنی تقاضای نیروی کار به سمت چپ منتقل می شود و سطح اشتغال و تولید تعادلی کاهش می یابد، اما همان طور که مشاهده می شود، با وجود چسبندگی دستمزد، کاهش اشتغال و تولید تعادلی تشدید شده و منحنی عرضه کل به حالت افقی نزدیک تر می شود.





۶۵- گزینه «۱» اگر کارگران توهم پولی داشته باشند با افزایش سطح قیمت‌ها، دستمزد خود را کمتر از این مقدار افزایش می‌دهند و در نتیجه دستمزد حقیقی $\left(\frac{W}{P}\right)$ کاهش پیدا می‌کند و تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد و سطح اشتغال و سطح تولید افزایش می‌یابد. در حقیقت تقاضای نیروی کار و عرضه هر دو به سمت بالا منتقل می‌شود ولی انتقال منحنی تقاضا بیشتر است و موجب افزایش سطح اشتغال می‌شود.

۶۶- گزینه «۱» هرچقدر دستمزد حقیقی کمتر باشد تقاضا برای نیروی کار بیشتر افزایش می‌یابد و سبب می‌شود سطح اشتغال و تولید بیشتر افزایش یابد. در نتیجه منحنی عرضه کل به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود.

۶۷- گزینه «۳» کلاسیک‌های جدید معتقدند که اگر تغییر قیمت پیش‌بینی نشده و غیره منظره‌ای روی ندهد حتی در کوتاه‌مدت نیز منحنی عرضه کل می‌تواند عمودی شود. دیدگاه کلاسیک به این صورت بود که سیاست مالی اعمالی سبب افزایش قیمت و در کوتاه‌مدت موجب افزایش تولید می‌شود ولی در بلندمدت منحنی عرضه عمودی خواهد شد. اما کلاسیک‌های جدید معتقدند که در کوتاه‌مدت فقط اگر قیمت به درستی پیش‌بینی نشود یا به عبارتی تغییر غیره منظره‌ای در قیمت صورت گیرد منحنی عرضه کل صعودی خواهد بود و در غیر این صورت در کوتاه‌مدت نیز منحنی عرضه کل عمودی خواهد شد. البته دولت نمی‌تواند همیشه از سیاست‌های غیرمنتظره استفاده کند چون اعتماد مردم نسبت به سیاست‌های دولت و بانک مرکزی از بین می‌رود. بنابراین طبق دیدگاه کلاسیک‌های جدید اگر قیمت‌های پیش‌بینی شده در دوره قبل با سطح قیمت‌های واقعی در دوره حال دقیقاً برابر باشد، تولید و اشتغال در کوتاه‌مدت نیز تغییری نخواهد کرد.

۶۸- گزینه «۱» اگر قیمت‌ها انعطاف‌پذیر باشد و نیروی کار دچار توهم پولی نباشد عرضه کل عمودی خواهد بود (کلاسیک‌ها)، ولی اگر توهم پولی وجود داشته باشد و قیمت‌ها انعطاف‌پذیر باشند عرضه نیروی کار دارای شیب مثبت خواهد بود. اگر چسبندگی دستمزدها به پایین باشد منحنی عرضه کار در سطح دستمزد کف افقی خواهد بود و منحنی عرضه کل نسبت به حالتی که چسبندگی دستمزد وجود ندارد کم‌شیب‌تر می‌شود.

۶۹- گزینه «۴» کینز به وجود توهم پولی، دام نقدینگی و چسبندگی دستمزد پولی اعتقاد دارد و به دلیل چسبندگی قیمت‌ها اعتقاد به تعادل اقتصاد با وجود اشتغال ناقص نیز داشته است.

۷۰- گزینه «۴» با کاهش مخارج دولت، IS به سمت چپ منتقل می‌شود و سطح قیمت‌ها در اثر انتقال AD به سمت چپ کاهش می‌یابد. با کاهش قیمت‌ها، عرضه واقعی پول افزایش می‌یابد، LM به راست منتقل می‌شود و نرخ بهره کاهش و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. با افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش مخارج دولت جبران شده و تعادل همراه با اشتغال کامل دوباره رخ می‌دهد.

۷۱- گزینه «۱» شیب منحنی تقاضا به صورت زیر است.

$$\frac{dP}{dy} = - \frac{1 - c(1-t) - e + m + \frac{ak}{h}}{\frac{a}{h} \cdot \frac{\bar{M}}{P^2}}$$

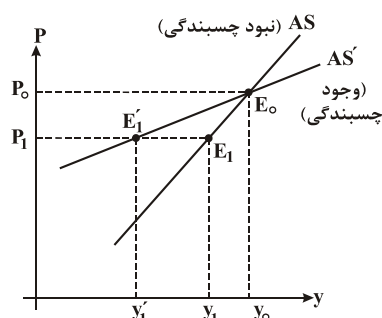
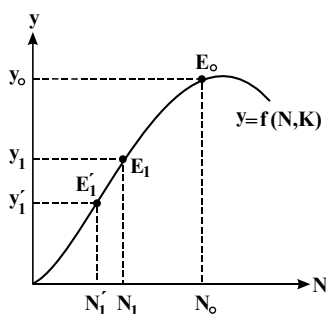
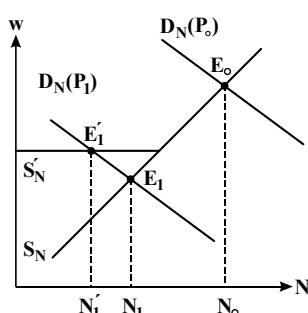
که c میل نهایی به مصرف و t نرخ مالیات است.

حال هرچقدر c بزرگ‌تر و نرخ مالیات کوچک‌تر باشد، $c(1-t)$ بزرگ‌تر می‌شود و چون ضریب منفی دارد شیب منحنی تقاضا کوچک‌تر می‌شود.

۷۲- گزینه «۲» طرفداران مکتب پولی یا کلاسیک‌ها اعتقاد دارند LM عمودی است و در نتیجه اعمال سیاست مالی انبساطی سبب انتقال منحنی IS به سمت راست و بالا و افزایش نرخ بهره می‌شود. بنابراین سطح تولید و اشتغال و سطح قیمت‌ها تغییر نمی‌کند، چون کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از افزایش نرخ بهره تأثیر سیاست مالی انبساطی را خنثی می‌کند.

۷۳- گزینه «۳» دستمزدهای چسبنده به این معنی است که کارگران نسبت به دستمزد قبلی اصرار می‌کنند. در بعضی مواقع چسبندگی به سمت پایین وجود دارد که در این صورت با کاهش قیمت‌ها کارگران حاضر نیستند دستمزد خود را کاهش دهند و در نتیجه دستمزد حقیقی $\left(\frac{W}{P}\right)$ افزایش می‌یابد و تقاضا برای نیروی کار کاهش می‌یابد.

اگر چسبندگی به سمت بالا نیز داشته باشیم، با افزایش قیمت‌ها کارگران دستمزد خود را افزایش نمی‌دهند و دستمزد حقیقی کاهش می‌یابد و تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد و در نتیجه در هر دو صورت منحنی عرضه کالا نسبت به حالتی که چسبندگی وجود ندارد مطابق شکل به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود. اگر چسبندگی دستمزدها وجود داشته باشد، منحنی عرضه نیروی کار افقی خواهد بود. در شکل زیر منحنی عرضه نیروی کار S_N کاملاً صعودی است، بنابراین با توجه به آن چسبندگی دستمزد وجود ندارد. اما منحنی عرضه نیروی کار S'_N دارای شاخه‌ای افقی است و بنابراین در این قسمت‌ها چسبندگی دستمزد وجود دارد. حال اگر سطح قیمت‌ها کاهش یابد، منحنی تقاضای نیروی کار به سمت چپ منتقل می‌شود و سطح اشتغال و تولید تعادلی کاهش می‌یابد، اما همان‌طور که مشاهده می‌شود، با وجود چسبندگی دستمزد، کاهش اشتغال و تولید تعادلی تشدید شده و منحنی عرضه کل به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود.



۷۴- گزینه «۲» هر قدر تعدیل در قیمت‌های انتظاری نسبت به قیمت‌های واقعی کمتر باشد به این معنی است که کارگران توهم پولی داشته و نرخ دستمزد خود را به اندازه قیمت افزایش نمی‌دهند که دیدگاه کینزین‌هاست. در این صورت نرخ دستمزد حقیقی کاهش می‌یابد و سبب می‌شود سطح تولید و اشتغال افزایش یابد و هرچه میزان این تعدیل کمتر باشد یعنی، توهم پولی کامل‌تر است و در نتیجه سطح تولید و اشتغال بیشتر افزایش می‌یابد و شیب منحنی عرضه کل کوچک‌تر می‌شود (افقی‌تر می‌شود).

۷۵- گزینه «۱» اگر تقاضای پول نسبت به تغییرات نرخ بهره حساسیتی نداشته باشد یعنی، با تغییر نرخ بهره تقاضای پول تغییر نکند، LM عمودی می‌شود و دیدگاه کلاسیک می‌باشد. با تغییر نرخ مالیات منحنی IS جابه‌جا شده و چرخش می‌کند ولی چون LM عمودی است، فقط نرخ بهره را تغییر می‌دهد و تغییر سرمایه‌گذاری ناشی از تغییر نرخ بهره، کل اثر سیاست مالی را خنثی می‌کند و تقاضای کل تغییری نمی‌کند.

۷۶- گزینه «۴» محصول نهایی نیروی کار همان MP_L است. تقاضای نیروی کار برابر با $P.MP_L$ است یعنی هرچه تولید نهایی نیروی کار بیشتر باشد تقاضای نیروی کار بیشتر می‌شود و سبب می‌شود منحنی تقاضای نیروی کار بیشتر جابه‌جا شده و سطح اشتغال افزایش یابد. در نتیجه شیب عرضه کل کاهش یافته و به حالت افقی نزدیک‌تر است.

۷۷- گزینه «۴» شیب منحنی تقاضا به صورت زیر است:

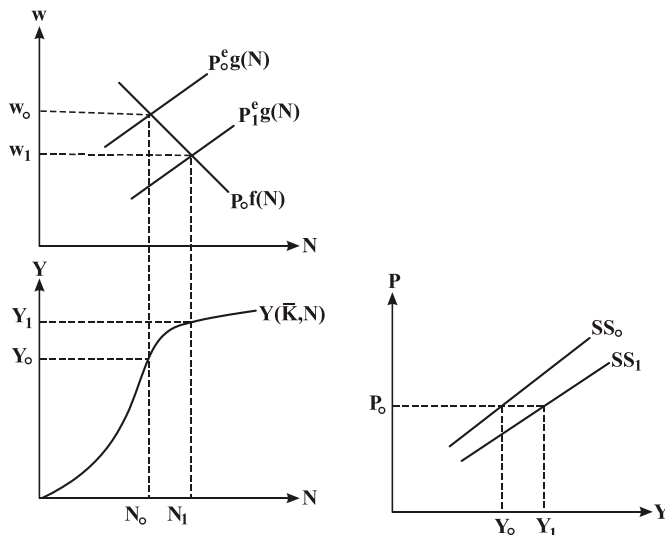
$$\frac{dP}{dy} = - \frac{1 - c(1-t) - e + m + \frac{ak}{h}}{\frac{a}{h} \cdot \frac{\bar{M}}{P^2}}$$

برای اینکه شیب منحنی تقاضا کوچک‌تر باشد باید e ، c و a بزرگ‌تر و m ، t و k کوچک‌تر باشند. مطابق گزینه‌ها فقط گزینه ۴ یکی از شرایط بالا را برآورده می‌کند.

۷۸- گزینه «۲» اگر شیب منحنی تقاضای کل مسطح‌تر باشد باید شیب IS مسطح‌تر باشد. شیب IS به صورت زیر است:

$$\frac{dr}{dy} = - \frac{1 - c(1-t) - e}{a}$$

برای اینکه شیب مسطح‌تر باشد باید e ، a و c بزرگ‌تر و t کوچک‌تر باشد. اگر قدر مطلق شیب را در نظر بگیریم، هرچه e ، c و a بزرگ‌تر باشد کسر کوچک‌تر می‌شود و اگر t کوچک‌تر باشد $(1-t)$ بزرگ‌تر شده و در نتیجه $c(1-t)$ بزرگ‌تر می‌شود که چون با علامت منفی ظاهر شده است، صورت کسر را کوچک‌تر می‌کند.



اثر تغییر انتظارات قیمتی بر جایگاه منحنی عرضه کل وقتی

که انتظارات قیمتی از p_0^e به p_1^e کاهش می‌یابد.

۷۹- گزینه «۴» اگر کارگران انتظار کاهش قیمت‌ها در آینده را داشته باشند انتظارات تورمی نیروی کار کاهش می‌یابد و منحنی عرضه کل به سمت راست منتقل می‌شود.

۸۰- گزینه «۴» با کاهش نرخ مالیات که در حقیقت نوعی سیاست مالی انبساطی است، هزینه‌های تولیدکننده کاهش یافته و سبب انتقال منحنی عرضه به سمت راست و پایین می‌شود. در نتیجه سطح تعادلی درآمد و مخارج کل افزایش می‌یابد ولی سطح قیمت‌ها کاهش می‌یابد. اگر منظور کاهش نرخ مالیاتی باشد که از درآمد مصرف‌کنندگان اخذ می‌شود، سبب افزایش تقاضا و در نتیجه افزایش سطح تعادلی درآمد و مخارج کل و همچنین افزایش سطح قیمت‌ها می‌شود. در هر دو حالت مخارج کل و سطح تعادلی درآمد افزایش می‌یابد.

۸۱- گزینه «۴» با کاهش قیمت، ثروت حقیقی $(\frac{A}{P})$ افزایش می‌یابد و چون طبق اثر پیگو مصرف با ثروت حقیقی رابطه مستقیم دارد، با افزایش ثروت حقیقی، مصرف افزایش یافته و موجب افزایش مخارج مصرفی می‌شود. همچنین با وجود اثر ثروت در حالی که در دام نقدبنگی هستیم و LM افقی است نیز منحنی تقاضای کل عمودی نخواهد شد. با کاهش قیمت منحنی LM افقی جابه‌جا نمی‌شود، اما با ورود اثر ثروت، کاهش قیمت سبب افزایش ثروت و افزایش مصرف و انتقال منحنی IS به سمت راست می‌شود. در نتیجه تقاضای کل افزایش می‌یابد و دیگر عمودی نیست و نسبت به قیمت حساسیت خواهد داشت. ولی اثر پیگو سبب انتقال منحنی تقاضای کل نمی‌شود بلکه فقط سبب نزولی شدن منحنی از حالت عمودی می‌شود.

۸۲- گزینه «۱» اگر کشش تقاضای پول نسبت به نرخ بهره بی‌نهایت باشد به معنی LM افقی است و با افزایش یا کاهش قیمت، منحنی LM جابه‌جا نمی‌شود و تقاضای کل تغییر نمی‌کند، در نتیجه منحنی تقاضای کل عمودی خواهد شد. طبق مدل کلاسیک‌ها منحنی عرضه کل عمودی است. حال اگر هم منحنی عرضه و هم منحنی تقاضا عمودی باشد راه‌حل تعادلی وجود نخواهد داشت. در گزینه «۲» LM عمودی خواهد شد و دقیقاً مطابق مدل کلاسیک‌ها است و منحنی تقاضا نزولی بوده و جواب تعادلی داریم. در گزینه‌های «۳» و «۴» نیز در حالت وجود چسبندگی قیمت، منحنی تقاضای کل عمودی نخواهد شد و در نتیجه در تمامی حالت‌ها به غیر از گزینه «۱» راه حل تعادلی وجود دارد.

۸۳- گزینه «۴» با افزایش تمایل مردم به نگهداری پول بیشتر، تقاضای معاملاتی پول (KY) به دلیل افزایش K افزایش می‌یابد. در نتیجه LM به سمت چپ منتقل می‌شود و نرخ بهره افزایش و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و در نتیجه تقاضای کل نیز به سمت چپ یا پایین منتقل می‌شود. از آنجا که تغییر K بر شیب LM و منحنی تقاضای کل تأثیرگذار است، پس می‌توان نتیجه گرفت که انتقال هر دو منحنی به صورت ناموازی صورت می‌گیرد.

۸۴- گزینه «۱» تقاضای نیروی کار رابطه معکوس با سطح دستمزد واقعی (حقیقی) نیروی کار دارد. دستمزد حقیقی از رابطه $(\frac{W_m}{P})$ ،

دستمزد پولی اسمی، به دست می‌آید و اگر نسبت رشد W_m کمتر از P باشد، به مفهوم کاهش دستمزد حقیقی نیروی کار می‌باشد و تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد.

۸۵- گزینه «۳» منحنی عرضه کل از تعادل همزمان بازار عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) و تابع تولید به دست می‌آید. یعنی با توجه به سطح قیمت‌ها کارگران دستمزد خود را تعیین می‌کنند و با توجه به این سطح دستمزد کارفرما اقدام به استخدام نیروی کار کند و از روی تابع تولید مقدار تولید با توجه به نیروی کار استخدام شده تعیین می‌شود. در نتیجه تابع عرضه که رابطه بین قیمت و تولید کل می‌باشد به دست می‌آید و باید بازار کار در تعادل باشد. ولی در تقاضای کل باید همزمان بازار پول و بازار کالا و خدمات در تعادل باشند که تعادل بازار پول همان منحنی LM و تعادل بازار کالا و خدمات، منحنی IS را به دست می‌دهد. تعادل همزمان این دو بازار از تقاطع IS, LM به دست می‌آید که تقاضای کل را نتیجه می‌دهد.

۸۶- گزینه «۲» انعطاف‌پذیری دستمزدها و عدم چسبندگی قیمت‌ها باعث نزدیک شدن به حالت اشتغال کامل می‌گردد و در این حالت سیاست‌های انبساطی جانب تقاضا در تغییر متغیرهای حقیقی از جمله تولید و نرخ بیکاری هیچ تأثیری نخواهند داشت و فقط باعث تغییر سطح عمومی قیمت‌ها خواهند شد.

۸۷- گزینه «۲» منحنی عرضه کل لوکاس به صورت عمودی می‌باشد و در این حالت تورم انتظاری با تورم واقعی برابر است و نرخ بیکاری طبیعی در اقتصاد وجود دارد. افزایش بیشتر قیمت‌های حقیقی نسبت به قیمت‌های انتظاری به دلیل پایین بودن دستمزد درخواستی کارگران موجب افزایش تولید خواهد شد. همچنین بیکاری در جامعه از بیکاری طبیعی پایین‌تر خواهد بود و منحنی عرضه کل به سمت راست منتقل شده و محصول از سطح اشتغال کامل بیشتر خواهد شد.

۸۸- گزینه «۲» با فرض وجود کف دستمزد در بازار کار با افزایش عرضه نیروی کار، تقاضاکننده نیروی کار نمی‌تواند سطح دستمزدها را پایین‌تر بیاورد و در نتیجه عکس‌العمل تولیدکننده نسبت به تغییرات قیمت محدود می‌شود. در واقع با این سیاست دولت در بازار نیروی کار چسبندگی دستمزد به وجود می‌آید و عرضه کل شیب کمتری نسبت به قبل خواهد داشت.

۸۹- گزینه «۱» کاهش قیمت کالای داخلی باعث افزایش صادرات شده و تقاضای کل کم شیب‌تر می‌شود.

۹۰- گزینه «۱» در وضعیت بازار کار کلاسیک‌ها چون اقتصاد در اشتغال کامل قرار دارد و انعطاف‌پذیری کامل در بازار وجود دارد، اگر افزایش دستمزد پولی بیشتر از تورم باشد در واقع هزینه تولید بیشتر از درآمد تولیدکنندگان افزایش می‌یابد و تقاضای نیروی کار کاهش خواهد یافت.

۹۱- گزینه «۴» منحنی تقاضای کل از منحنی‌های IS-LM به دست می‌آید. هر عاملی که IS را به سمت راست انتقال دهد، تقاضای کل را نیز به سمت راست انتقال می‌دهد. هر عاملی که LM را به سمت راست انتقال دهد، تقاضای کل را نیز به سمت راست و بالا انتقال می‌دهد. کاهش نرخ ذخیره قانونی باعث افزایش حجم پول می‌شود و منحنی LM را به سمت راست انتقال می‌دهد. بنابراین تقاضای کل را نیز به سمت بالا انتقال می‌دهد. توجه کنید که تغییر در عرضه پول می‌تواند در جهت کاهش یا افزایش باشد و این یعنی می‌تواند منحنی تقاضای کل را به سمت چپ یا راست منتقل کند. پس گزینه (۲) نمی‌تواند درست باشد.

۹۲- گزینه «۳» شیب منحنی تقاضای کل (AD) به شیب منحنی‌های IS و LM بستگی دارد. هر چه IS به حالت عمودی نزدیک‌تر یا LM به حالت افقی نزدیک‌تر شود، AD به حالت عمودی نزدیک‌تر می‌شود. اگر سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره حساسیت کم داشته باشد، یعنی تابع سرمایه‌گذاری به حالت عمودی نزدیک‌تر باشد، IS به حالت عمودی نزدیک می‌شود. اگر تقاضای پول نسبت به نرخ بهره حساسیت زیاد داشته باشد (یعنی تقاضای پول به حالت افقی نزدیک باشد) LM به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود.

همچنین با توجه به فرمول شیب منحنی تقاضای کل نیز می‌توانیم به بررسی بپردازیم:

$$\text{AD شیب} : \frac{dP}{dy} = - \frac{\frac{h}{a}[1-c(1-t)]+k}{\frac{M}{P^v}}$$



شیب تابع تقاضای پول برابر $\frac{1}{h}$ و شیب تابع سرمایه‌گذاری برابر $\frac{1}{a}$ می‌باشد. برای اینکه شیب منحنی تقاضای کل بالا باشد باید h زیاد و a کم باشد و این یعنی باید شیب تابع تقاضای پول کم و شیب تابع سرمایه‌گذاری نسبتاً زیاد باشد.

$$\frac{M^d}{P} = Ky - hr \Rightarrow r = -\frac{1}{h} \cdot \frac{M^d}{P} + \frac{K}{h} y$$

$$\text{شیب تابع تقاضای پول: } \frac{dr}{d\left(\frac{M^d}{P}\right)} = -\frac{1}{h}$$

$$\text{تابع سرمایه‌گذاری: } I = I_0 - ar \Rightarrow r = \frac{I_0}{a} - \frac{1}{a} I$$

$$\text{شیب تابع سرمایه‌گذاری: } \frac{dr}{dI} = -\frac{1}{a}$$

۹۳- گزینه «۱» اثر ازدحامی نرخ بهره به این معنی است که در اثر افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و باعث کاهش درآمد ملی می‌گردد. اگر IS عمودی یا LM افقی باشد، اثر ازدحامی نرخ بهره (اثر جایگزینی یا جانشینی جبری) صفر خواهد شد. اثر ازدحامی قیمت به این معنی است که با افزایش قیمت، عرضه واقعی پول کاهش می‌یابد و نرخ بهره افزایش می‌یابد و باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. اگر IS عمودی یا LM افقی باشد، این اثر صفر خواهد شد. می‌دانیم که اگر IS عمودی یا LM افقی باشد، منحنی تقاضای کل نیز عمودی خواهد شد.

۹۴- گزینه «۳» طبق نقطه نظر کینزین‌ها، کارگران توهم پولی کامل دارند و با تغییر قیمت نرخ دستمزد آن‌ها تغییر نمی‌کند و در نتیجه نرخ دستمزد حقیقی تغییر کرده و منحنی عرضه صعودی خواهد شد و دستمزدها به هر دو جهت چسبندگی دارند.

۹۵- گزینه «۴»

$$\text{ضریب تکاثر در مدل ۴۵ درجه} = \frac{1}{1-c(1-t)} = 2/5 \rightarrow 1-c(1-t) = 0/4$$

$$\text{شیب LM} = \frac{K}{h} = 0/0001$$

چون اثر محدودکننده قیمت صفر است، ضریب تکاثر در مدل IS-LM با مدل AD-AS برابر است و داریم:

$$K_G = \frac{1}{1-c(1-t) + \frac{ak}{h}} = \frac{1}{0/4 + 1000\left(\frac{1}{10,000}\right)} = \frac{1}{0/5} = 2$$

$$K_G = \frac{dY}{dG} = 2 \rightarrow dY = 2(100) = 200$$

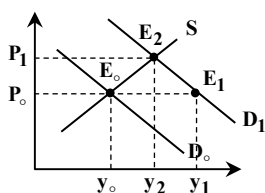
۹۶- گزینه «۴» در بلندمدت، عرضه کل عمودی است و تقاضای کل نمی‌تواند تعیین‌کننده سطح تولید باشد. بنابراین عوامل تعیین‌کننده موقعیت عرضه کل، تعیین‌کننده سطح تولید می‌باشند.

۹۷- گزینه «۳» هرچه عکس‌العمل بهره‌ای تقاضای پول (h) کوچک‌تر باشد، شیب LM که به صورت $\frac{K}{h}$ است، بیشتر می‌شود. همچنین شیب منحنی تقاضای کل برابر است با:

$$\frac{dP}{dy} = -\frac{\frac{h}{a}[1-c(1-t)+m]+k}{\frac{M^s}{P^2}}$$

بنابراین هرچه h کوچک‌تر باشد، منحنی تقاضای کل کم‌شیب‌تر و به حالت افقی نزدیک‌تر خواهد بود.

۹۸- گزینه «۴» کاهش قیمت انتظاری کارگران به این معناست که در هر سطح اشتغال، دستمزد کمتری را درخواست می‌کنند که سبب انتقال منحنی عرضه کل به سمت پایین و راست می‌شود. همچنین بدبینی کارگران نسبت به آینده بازار کار سبب می‌شود کارگران برای حفظ شغل خود، حاضر باشند دستمزدهای کمتری دریافت کنند و این یعنی منحنی عرضه نیروی کار به سمت راست منتقل می‌شود و باعث می‌شود اشتغال و تولید زیاد شود و منحنی عرضه کل به سمت راست منتقل شود. بدبین شدن کارفرمایان نسبت به بازار کار به این معنی است که آن‌ها گمان می‌کنند در آینده نتوانند نیروی کار مورد نظر خود را استخدام کنند، در نتیجه حاضرند دستمزدها را افزایش دهند تا کارگران مورد نظر خود را حفظ یا استخدام کنند. در این صورت منحنی تقاضای نیروی کار به سمت راست منتقل می‌شود و اشتغال و تولید افزایش می‌یابد و این یعنی AS نیز به سمت راست منتقل می‌شود. اما خوش‌بینی کارفرمایان نسبت به آینده عکس حالت قبل است و کارفرمایان چون می‌دانند در آینده به راحتی نیروی کار مورد نیاز خود را استخدام می‌کنند، در حال حاضر دستمزد را کاهش می‌دهند که این به معنی انتقال منحنی تقاضای نیروی کار به سمت چپ و در نتیجه کاهش اشتغال و تولید و انتقال AS به سمت چپ است.



۹۹- گزینه «۳» در الگوی عرضه و تقاضای کل اگر مطابق شکل، تقاضا از D_0 به D_1 افزایش یابد، ابتدا تقاضا در قیمت P_0 به Y_1 افزایش می‌یابد اما عرضه افزایش نمی‌یابد و در همان سطح Y_0 باقی می‌ماند و موجب ایجاد مازاد تقاضا می‌شود در نتیجه، قیمت‌ها شروع به افزایش می‌کنند. افزایش قیمت موجب کاهش حجم حقیقی پول، افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود و در نتیجه تقاضا شروع به کاهش کرده و از نقطه E_1 به سمت نقطه E_2 حرکت می‌کند و عرضه نیز با افزایش قیمت از E_0 به سمت E_2 می‌رود و در کل تولید به جای Y_1 ، به سطح Y_2 افزایش می‌یابد.

به این اثر، اثر محدودکننده قیمت یا تأثیر ازدحام خارجی می‌گویند که اجازه نمی‌دهد تولید به سطح Y_1 برسد. مطابق شکل مشخص است که اگر منحنی عرضه کل افقی و یا منحنی تقاضای کل عمودی باشد، اثر محدودکننده قیمت صفر خواهد شد. از طرفی اگر IS عمودی و یا LM افقی باشد نیز منحنی تقاضای کل عمودی خواهد شد. در نتیجه اگر منحنی عرضه کل افقی، منحنی تقاضای کل عمودی، IS عمودی و یا LM افقی باشد، اثر محدودکننده قیمتی صفر خواهد بود. گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ چون از لفظ «تنها» استفاده کرده‌اند، غلط می‌باشند و بهترین جواب گزینه (۳) است.

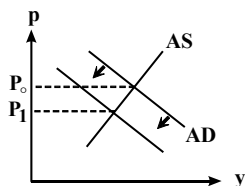
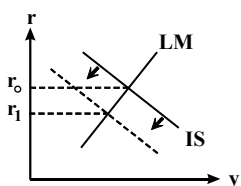
۱۰۰- گزینه «۲» نرخ بهره تأثیری در تقاضای کل ندارد و همچنین منحنی تقاضای کل را جابه‌جا نمی‌کند. فقط اگر اثر ثروت ناشی از تغییر نرخ بهره را نیز لحاظ کنیم، منحنی تقاضای کل افقی‌تر می‌شود. ولی باز هم با افزایش یا کاهش نرخ بهره، میزان تقاضا تغییری نخواهد کرد.

۱۰۱- گزینه «۱» نئوکلاسیک‌ها اعتقاد به مکانیزم بازار داشتند و بحث انتظارات را در مدل مطرح نمی‌کنند. نظریه انتظارات عقلایی جزو بزرگ‌ترین انتقادات وارد شده به نظریات کینزی بود به همین دلیل، کینزی‌های جدید انتظارات عقلایی را نیز در مدل‌های خود وارد کردند تا بتوانند چسبندگی‌های قیمت و دستمزد را توضیح بدهند. کلاسیک‌های جدید نیز قبل از کینزی‌های جدید، انتظارات عقلایی را وارد مدل کرده بودند. فریدمن نیز به انتظارات تطبیقی اعتقاد داشت نه انتظارات عقلایی.

۱۰۲- گزینه «۳» با افزایش تمایل به کار کارگران، منحنی عرضه نیروی کار به سمت راست منتقل شده و در همان سطح قیمت، اشتغال افزایش می‌یابد. با افزایش تولید، عرضه کل به سمت راست منتقل می‌شود. همچنین دستمزد اسمی کاهش یافته و در نتیجه دستمزد حقیقی نیز کاهش می‌یابد.

۱۰۳- گزینه «۲» اگر سیاست مالی انبساطی روی تولید حقیقی بی‌اثر است، یعنی یا منحنی LM عمودی است و یا منحنی عرضه کل. بنابراین در حالت اول، حتی با افزایش نرخ بهره تولید حقیقی ثابت می‌ماند و در حالت دوم نیز با تغییر قیمت‌ها باز تولید حقیقی بدون تغییر می‌ماند. بنابراین تنها گزینه صحیح، عدم تغییر دستمزد حقیقی است. زیرا سایر گزینه‌ها متغیرهایی اسمی هستند که می‌توانند تحت تأثیر قرار بگیرند.

۱۰۴- گزینه «۴» خنثی بودن پول طبق نظریه کلاسیک‌ها به این معنی است که تغییرات عرضه پول تنها روی سطح قیمت‌ها منعکس شده و با وجود تغییر در تولید اسمی، تولید حقیقی را بدون تغییر نگه می‌دارد.



۱۰۵- گزینه «۱» با سیاست مالی انقباضی، منحنی IS به طرف چپ منتقل شده و در نتیجه، نرخ بهره کاهش می‌یابد. همچنین این انتقال AD (تقاضای کل) را نیز به طرف چپ منتقل می‌کند که این کار، سطح عمومی قیمت‌ها را کاهش می‌دهد.



۱۰۶- گزینه «۲» در شرایط اشتغال کامل، مازاد تقاضای کار صفر است؛ بنابراین بیکاری، معادل بیکاری اصطلاحی است، یعنی برای همه آن‌هایی که می‌خواهند در دستمزد جاری کار کنند، کار وجود دارد. بیکاری اصطلاحی، بیکاری است که گرچه برای افراد جویای کار، شغل وجود دارد، ولی فرد به علت یافتن موقعیت شغلی بهتر مدتی برای جستجوی کار بیکار می‌شود.

۱۰۷- گزینه «۱» هر چقدر توهم پولی بیشتر باشد (به حالت افراطی کینزی نزدیک‌تر باشیم)، شیب تابع عرضه کل کمتر خواهد شد. همچنین با وجود چسبندگی دستمزد با کاهش قیمت، دستمزدها نمی‌توانند کاهش پیدا کنند؛ در نتیجه دستمزد حقیقی $\frac{W}{P}$ افزایش یافته و اشتغال و تولید نیز کاهش می‌یابد. در نتیجه با عرضه کل افقی تری روبه‌رو می‌شویم. بنابراین هم چسبندگی و هم توهم پولی باعث افقی‌تر شدن عرضه کل می‌شود.

۱۰۸- گزینه «۲» رابطه‌ای که برای نرخ تورم وجود دارد به صورت زیر می‌باشد:

$$\dot{P} - \dot{P}^e = \text{GNP شکاف} \times (y_a - y_p) = 0.05(102 - 100) = 1 \rightarrow \dot{P} = 1\% + 1\% = 2\%$$

اما با توجه به اینکه کشور واردکننده نفت است، نرخ رشد قیمت نفت را می‌توان به طور تقریبی به طور مستقیم وارد رابطه نرخ تورم کرد. یعنی باید به \dot{P} مقدار ۳٪ اضافه شود. از طرف دیگر چون نرخ رشد بهره‌وری برابر ۱٪ است، باید از نرخ تورم کاسته شود تا به نرخ تورم واقعی رسید یعنی:

$$\text{نرخ تورم واقعی} = 2\% + 3\% - 1\% = 4\%$$

۱۰۹- گزینه «۴» با در نظر گرفتن اثر تراز حقیقی شیب منحنی تقاضا تغییر می‌کند.

$$\text{شیب تقاضا بدون اثر تراز حقیقی} = -\frac{1 - c(1-t) + m + \frac{ak}{h}}{\frac{a}{h} \frac{\bar{M}}{P^2}}$$

$$\text{شیب تقاضا با اثر تراز حقیقی} = -\frac{1 - c(1-t) + m + \frac{ak}{h}}{\left(\frac{a}{h} + \lambda\right) \frac{\bar{M}}{P^2}}$$

که λ ضریب اثر تراز حقیقی است. از طرفی انتقال افقی منحنی تقاضا نیز با در نظر گرفتن اثر تراز حقیقی بیشتر می‌شود.

$$\Delta y = \frac{\frac{a}{h} + \lambda}{1 - c(1-t) + m + \frac{ak}{h}} \Delta \frac{\bar{M}}{P}$$

که مقدار λ نسبت به عدم در نظر گرفتن تراز حقیقی به صورت کسر اضافه شده است.

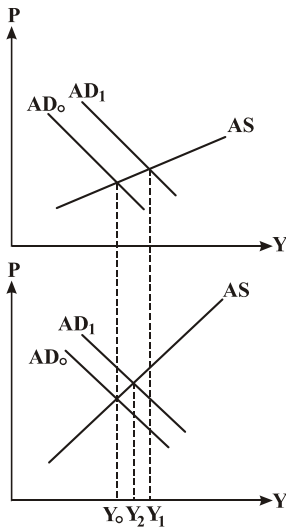
۱۱۰- گزینه «۱» با در نظر گرفتن اثر تراز حقیقی شیب منحنی تقاضای کل کم می‌شود زیرا، مقدار λ به مخرج کسر شیب تقاضا اضافه می‌شود.

$$\text{شیب تقاضا} = -\frac{1 - c(1-t) + m + \frac{ak}{h}}{\left(\frac{a}{h} + \lambda\right) \frac{\bar{M}}{P^2}}$$

از طرفی با در نظر گرفتن اثر قیمت بر صادرات، با افزایش قیمت، صادرات کاهش می‌یابد؛ زیرا کالای داخلی در مقایسه با کالای خارجی گران‌تر می‌شود و با کاهش قیمت، صادرات افزایش می‌یابد. اگر اثر قیمت را در نظر بگیریم با افزایش قیمت، میزان درآمد به نسبت قبل بیشتر کاهش می‌یابد و با کاهش قیمت نیز نسبت به قبل، درآمد بیشتر افزایش می‌یابد در نتیجه شیب منحنی تقاضای کل کاهش می‌یابد.

۱۱۱- گزینه «۲» تعیین کف دستمزد موجب می‌شود خط دستمزد جدید برای دستمزدهای پایین‌تر از دستمزد کف، جانشین منحنی عرضه نیروی کار شود و این کار موجب می‌شود $g'(N)$ صفر شود و در نتیجه شیب منحنی عرضه کل کاهش یابد.

$$\text{شیب عرضه کل بدون کف دستمزد} = \frac{1}{f(N)} \cdot \frac{g' - f'}{w(1-p')} \quad \text{شیب عرضه کل با در نظر گرفتن کف دستمزد} = \frac{1}{f(N)} \cdot \frac{-f'}{w(1-p')}$$



منحنی عرضه با شیب کمتر و کشش بالاتر

منحنی عرضه با شیب بیشتر و کشش کمتر

۱۱۲- گزینه «۲» هرچه منحنی عرضه کل با کشش تر باشد، افقی‌تر خواهد بود، لذا در این صورت تأثیر سیاست‌های پولی و مالی که با جابه‌جایی‌های منحنی تقاضای کل همراهند بر تولید ملی بیشتر خواهد بود.

وقتی منحنی عرضه کم شیب‌تر باشد، Y بیشتر زیاد می‌شود و P کمتر افزایش می‌یابد. در نتیجه اشتغال بیشتر افزایش می‌یابد. هم‌چنین نرخ بهره کمتر افزایش می‌یابد.

۱۱۳- گزینه «۳» حجم اسمی پول صرفاً توسط سیاست‌های بانک مرکزی تعیین می‌شود و ارتباطی با سطح قیمت‌ها و درآمد ملی ندارد.

۱۱۴- گزینه «۱» پیگو معتقد بود که افزایش قیمت‌ها باعث کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده می‌شود و لذا مصرف کم می‌شود و با کاهش مصرف، تقاضای کل نیز کاهش می‌یابد.



فصل پنجم

«تحلیل کلان اقتصاد باز»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل پنجم

- کله ۱- در سیستم نرخ ارز شناور نسبت به سیستم نرخ ارز ثابت:
- (۱) سیاست مالی استقلال کمتری پیدا می‌کند.
 (۲) سیاست پولی استقلال کمتری پیدا می‌کند.
 (۳) سیاست پولی استقلال بیشتری پیدا می‌کند.
 (۴) استقلال سیاست پولی و مالی تغییری نمی‌کند.
- (سراسری ۷۷)
- کله ۲- علت مثبت بودن شیب منحنی تراز پرداخت‌ها (BP) چیست؟
- (۱) بالا بودن شدت تحرک سرمایه بین اقتصاد داخل و اقتصاد خارج
 (۲) کوچک بودن کشور در بازار جهانی سرمایه همراه با آزادی نقل و انتقال سرمایه
 (۳) لزوم افزایش بازدهی سرمایه همراه با گسترش تولید در کشور
 (۴) وجود نظام نرخ‌های شناور ارز در کشور
- (سراسری ۷۹)
- کله ۳- کدام مورد باعث اصلاح کسری تراز پرداخت‌ها می‌شود؟
- (۱) افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (۲) افزایش واردات
 (۳) ترقی ارزش پول (۴) کاهش سطح عمومی قیمت‌ها
- (سراسری ۸۰)
- کله ۴- در یک اقتصاد باز و با حجم نسبتاً زیاد مبادلات خارجی، یک کاهش در ارزش پولی ملی موجب:
- (۱) انتقال منحنی IS به سمت راست و بالا می‌شود.
 (۲) انتقال منحنی IS به سمت چپ می‌شود.
 (۳) انتقال منحنی‌های IS و LM به سمت چپ می‌شود.
 (۴) انتقال منحنی LM به سمت راست می‌شود.
- (آزاد ۸۰)
- کله ۵- کدام عامل منجر به رکود داخلی ولی بهبود تراز تجاری خواهد شد؟
- (۱) رونق سرمایه‌گذاری داخلی
 (۲) سیاست پولی انبساطی داخلی
 (۳) کاهش در قیمت داخلی کالاهای وارداتی
 (۴) اتخاذ سیاست‌های مالی انقباضی داخلی
- (سراسری ۸۱)
- کله ۶- افزایش نرخ ارز حقیقی:
- (۱) بر موقعیت IS اثری ندارد.
 (۲) موجب جابه‌جایی IS به سمت چپ و پایین می‌شود.
 (۳) موجب تغییر شیب منحنی IS می‌شود.
 (۴) موجب جابه‌جایی IS به سمت راست و بالا می‌شود.
- (سراسری ۸۲)
- کله ۷- اگر بخواهیم منحنی تراز تجاری صفر را در فضای قیمت مقدار (p,y) رسم کنیم شیب آن:
- (۱) مثبت خواهد بود. (۲) منفی خواهد بود. (۳) عمودی است. (۴) افقی است.
- (سراسری ۸۲)
- کله ۸- در یک اقتصاد باز با فرض امکان انتقال سرمایه و نظام ارز ثابت، اعمال سیاست پولی:
- (۱) کاربردش را در بلندمدت از دست می‌دهد.
 (۲) کاربردش را در کوتاه‌مدت از دست می‌دهد.
 (۳) کاربردش را در کوتاه‌مدت از دست می‌دهد ولی در بلندمدت مؤثر خواهد بود.
 (۴) کاربردش را در کوتاه و بلندمدت از دست خواهد داد.
- (آزاد ۸۲)
- کله ۹- اگر شیب منحنی تراز پرداخت‌ها کوچک‌تر از شیب منحنی LM باشد، اعمال یک سیاست مالی انقباضی:
- (۱) موجب کسری تراز پرداخت‌های کشور می‌شود.
 (۲) موجب مازاد تراز پرداخت‌های کشور می‌شود.
 (۳) هیچ تأثیری بر تراز پرداخت‌های کشور ندارد.
 (۴) موجب مازاد حساب‌های سرمایه‌ای کشور می‌شود.
- (سراسری ۸۳)
- کله ۱۰- با فرض تحرک کامل سرمایه، نرخ‌های ارز شناور تراز پرداخت‌ها:
- (۱) بستگی به رابطه نرخ بهره خارجی با نرخ بهره داخلی دارد.
 (۲) همیشه منفی خواهد بود.
 (۳) همیشه در تعادل خواهد بود.
 (۴) همیشه مثبت خواهد بود.
- (سراسری ۸۳)
- کله ۱۱- در سمت راست یا زیر منحنی BP (تراز پرداخت‌های بین‌المللی) و منحنی LM به ترتیب چه وضعیتی وجود دارد؟
- (۱) مازاد تراز پرداخت‌ها و مازاد عرضه پول
 (۲) مازاد تراز پرداخت‌ها و مازاد تقاضای پول
 (۳) کسری تراز پرداخت‌ها و مازاد عرضه پول
 (۴) کسری تراز پرداخت‌ها و مازاد تقاضای پول
- (سراسری ۸۳)



- ۱۲- یک کاهش در نرخ واقعی ارز موجب می‌شود:
- صادرات کشور افزایش و واردات آن کاهش پیدا کند.
 - صادرات کشور کاهش و واردات آن افزایش پیدا کند.
 - صادرات و واردات کشور به یک نسبت افزایش پیدا کند.
 - صادرات و واردات کشور کاهش پیدا کند.
- (آزاد ۸۳)
- ۱۳- در تعادل اولیه در نظام نرخ ارز شناور با فرض تحرک کامل سرمایه و ثابت بودن قیمت‌ها، سیاست پولی:
- بر تراز تجاری و سطح درآمد اثری ندارد.
 - تراز تجاری را بهبود بخشیده و خروج سرمایه و سطح درآمد ملی را افزایش می‌دهد.
 - موجب کسری تراز پرداخت‌ها می‌شود.
 - موجب کاهش سطح درآمد می‌شود.
- (سراسری ۸۴)
- ۱۴- هر گاه میل نهایی به مصرف 0.75 ، نرخ مالیات 0.2 تابع واردات به شکل $M = 50 + 0.1Y$ باشد، افزایش 20 واحد واردات مستقل موجب چه مقدار تغییر در کسری بودجه دولت خواهد شد؟
- (سراسری ۸۴)
- (۱) -40 (۲) -8 (۳) $+8$ (۴) $+40$
- ۱۵- کدام گزینه زیر صحیح است؟
- در نظام نرخ ارز ثابت، تغییرات متناسب عرضه و تقاضای ارز، دلیل ثبات نرخ ارز است.
 - در نظام نرخ ارز شناور، عرضه و تقاضای ارز، نرخ ارز را تعیین می‌کند.
 - در نظام نرخ ارز شناور، کسری یا مازاد در بازار ارز وجود ندارد.
 - موارد ۲ و ۳
- (آزاد ۸۴)
- ۱۶- فرض کنید سایر شرایط ثابت باشد، آنگاه کدام یک از موارد زیر منجر به خروج سرمایه می‌شود؟
- کاهش نرخ بهره داخلی
 - افزایش نرخ بهره داخلی
 - کاهش نرخ بهره خارجی
 - موارد ۲ و ۳
- (آزاد ۸۴)
- ۱۷- در سمت راست و پایین منحنی تراز پرداخت‌های خارجی (BP) و منحنی LM چه وضعیتی پیش می‌آید؟
- کسری تراز پرداخت‌ها و مازاد تقاضای پول
 - کسری تراز پرداخت‌ها و مازاد عرضه پول
 - مازاد تراز پرداخت‌ها و مازاد تقاضای پول
 - مازاد تراز پرداخت‌ها و مازاد عرضه پول
- (سراسری ۸۵)
- ۱۸- چنانچه نرخ ارز افزایش یابد برای حفظ تعادل تراز پرداخت‌ها باید:
- درآمد ملی کاهش یابد.
 - درآمد ملی افزایش یابد.
 - قیمت‌های داخلی کاهش یابد.
 - نرخ بهره داخلی افزایش یابد.
- (آزاد ۸۵)
- ۱۹- به فرض آن که نسبت قیمت کالاهای وارداتی به قیمت کالاهای داخلی ثابت باشد سطح واردات در یک کشور تابع
- مستقیم درآمد ملی است.
 - معکوس درآمد ملی است.
 - ارتباطی با درآمد ملی ندارد.
 - نرخ بهره است.
- (آزاد ۸۶)
- ۲۰- در شرایطی که خالص صادرات منفی باشد:
- ارز وارد کشور شده و موجب افزایش درآمد ملی می‌گردد.
 - ارز از کشور خارج شده و موجب کاهش درآمد ملی می‌گردد.
 - موجب بالا بودن نرخ بهره داخلی در مقایسه با نرخ بهره خارجی شده و ارز وارد کشور می‌شود.
 - موجب پایین بودن نرخ بهره داخلی در مقایسه با نرخ بهره خارجی شده و ارز از کشور خارج می‌شود.
- (آزاد ۸۶)
- ۲۱- در اقتصاد باز افزایش موجب جابه‌جایی منحنی‌های IS, BP و LM به طرف می‌شود.
- سطح قیمت‌ها - راست
 - سطح قیمت‌ها - چپ
 - نرخ ارز - چپ
 - نرخ ارز - راست
- (سراسری ۸۷)
- ۲۲- در فضای r و Y ، افزایش نرخ ارز و قیمت داخلی به ترتیب منحنی BP (تراز پرداخت‌ها) را به:
- چپ و چپ منتقل می‌کند.
 - راست و راست منتقل می‌کند.
 - راست و چپ منتقل می‌کند.
 - چپ و چپ منتقل می‌کند.
- (آزاد ۸۸)
- ۲۳- نرخ ارز حقیقی برابر است با:
- حاصل تقسیم نرخ ارز اسمی به شاخص قیمت‌های خارجی
 - حاصل ضرب نرخ ارز اسمی در نسبت شاخص قیمت‌های داخلی به خارجی
 - حاصل تقسیم نرخ ارز اسمی به شاخص قیمت‌های داخلی
 - حاصل ضرب نرخ ارز اسمی در شاخص قیمت‌های داخلی
- (آزاد ۹۰)



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل پنجم

۱- گزینه «۳» کارآیی سیاست پولی در سیستم نرخ ارز ثابت صفر می‌باشد چون با اجرای سیاست‌های پولی (مثلاً یک سیاست انبساطی) LM به راست منتقل می‌شود، درآمد ملی افزایش و نرخ بهره کاهش می‌یابد. با افزایش درآمد ملی، واردات افزایش می‌یابد و با کاهش نرخ بهره سرمایه از کشور خارج می‌شود. افزایش واردات و خروج سرمایه باعث کسری تراز پرداخت‌ها می‌شود که کسری تراز پرداخت‌ها نیز به مازاد تقاضای ارز و تمایل به افزایش نرخ ارز منجر می‌شود. چون سیستم نرخ ارز ثابت است بانک مرکزی با فروش ارز باعث کاهش حجم پول می‌شود و LM به محل اولیه خود بر می‌گردد. اما در سیستم نرخ ارز شناور و با اجرای سیاست انبساطی دولت مجبور به فروش ارز نمی‌باشد، در نتیجه سیاست پولی در نظام ارزی شناور کارآیی بالاتری دارد.

۲- گزینه «۳» منحنی BP بیانگر تعادل تراز پرداخت‌ها در فضای Y و r می‌باشد و هر گاه روی این منحنی باشیم تعادل در بخش خارجی اقتصاد برقرار می‌باشد. شیب منحنی BP، معمولاً مثبت و از شیب LM کمتر می‌باشد. با افزایش درآمد، واردات افزایش می‌یابد و با کسری تراز تجاری و کسری تراز پرداخت‌ها مواجه می‌شویم. برای برقراری تعادل تراز پرداخت‌ها باید نرخ بهره افزایش یابد تا سرمایه وارد کشور شود و کسری تراز پرداخت از بین برود. شیب منحنی BP بستگی زیادی به آزادی تحرک سرمایه بین اقتصاد داخلی و اقتصاد بین‌الملل دارد.

۳- گزینه «۴» تراز پرداخت‌ها در صورت وجود کسری با افزایش صادرات و کاهش واردات اصلاح می‌شود که ترقی ارزش پول یا افزایش سطح قیمت‌ها باعث افزایش واردات و کاهش صادرات می‌شود. ولی اگر سطح قیمت‌ها کاهش یابد قیمت کالاهای داخلی در مقایسه با کالاهای خارجی ارزان‌تر خواهد بود و صادرات افزایش و واردات کاهش می‌یابد، در نتیجه کسری تراز تجاری نیز اصلاح خواهد شد.

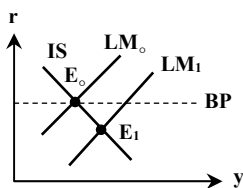
۴- گزینه «۱» کاهش ارزش پول ملی به این معنی است که پول ملی در مقابل پول خارجی ارزان‌تر می‌شود، یعنی نرخ ارز افزایش می‌یابد. این امر سبب می‌شود که کالاهای داخلی نسبت به کالاهای خارجی ارزان‌تر شود و خارجی‌ها بیشتر از کالاهای داخلی خریداری کنند که به معنی افزایش صادرات است. همچنین چون کالاهای خارجی به پول داخلی گران‌تر می‌شود، قدرت خرید مردم کم می‌شود و در نتیجه واردات کاهش می‌یابد که سبب افزایش خالص صادرات می‌شود. افزایش خالص صادرات در هر نرخ بهره، میزان درآمد ملی را افزایش و سبب انتقال منحنی IS به سمت راست و بالا می‌شود.

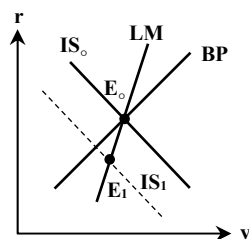
۵- گزینه «۴» رونق سرمایه‌گذاری داخلی باعث انتقال IS به سمت راست و افزایش Y می‌شود. با افزایش Y، واردات زیاد می‌شود که موجب تضعیف تراز تجاری خواهد شد. سیاست پولی انبساطی نیز باعث افزایش Y و تضعیف تراز تجاری می‌شود. کاهش در قیمت داخلی کالاهای وارداتی باعث افزایش واردات می‌شود و با افزایش واردات، درآمد (Y) کاهش می‌یابد و وضعیت تراز تجاری بدتر می‌شود. نهایتاً اتخاذ سیاست‌های مالی انقباضی داخلی باعث انتقال IS به سمت چپ و ایجاد رکود اقتصادی ($\downarrow r, \downarrow Y$) می‌شود، کاهش y سبب کاهش واردات و بهبود تراز تجاری می‌شود. $NX = EX - IM - my$

۶- گزینه «۴» با افزایش نرخ ارز حقیقی صادرات و واردات تغییر خواهند کرد یعنی، صادرات افزایش و واردات کاهش می‌یابد. در نتیجه IS به سمت راست منتقل می‌شود.

۷- گزینه «۲» صادرات منهای واردات منحنی تراز تجاری می‌باشد و اگر این تراز را در فضای Y و P رسم کنیم چون واردات تابعی از درآمد است، با افزایش درآمد واردات افزایش می‌یابد و کسری تراز تجاری ایجاد می‌شود. برای تعادل تراز تجاری، قیمت‌ها در داخل باید کاهش یابند تا صادرات افزایش و واردات کاهش یابد در نتیجه P و Y در تراز تجاری رابطه معکوس با هم دارند.

۸- گزینه «۱» اگر فرض کنیم امکان انتقال سرمایه وجود داشته باشد به این معنی است که BP افقی است. با اعمال سیاست پولی انبساطی و افزایش حجم پول، منحنی LM به سمت پایین و راست منتقل می‌شود و به LM₁ می‌رود و چون در پایین منحنی BP قرار می‌گیرد سبب کسری تراز پرداخت می‌شود. در نتیجه تقاضا برای ارز افزایش می‌یابد و قیمت آن تمایل به بالا رفتن دارد ولی در سیستم نرخ ارز ثابت بانک مرکزی شروع به فروش ارز می‌کند تا نرخ ارز ثابت بماند که این سبب کاهش حجم پولی می‌شود و منحنی LM مجدداً به جای اولیه خود باز می‌گردد. در نتیجه این سیاست در کوتاه‌مدت اثر موقتی بر سطح درآمدی می‌گذارد اما با گذشت زمان و در بلندمدت اثر خود را از دست می‌دهد.





۹- گزینه «۱» اگر شیب منحنی تراز پرداختها کمتر از LM باشد مطابق با شکل، با اعمال سیاست مالی انقباضی منحنی IS به سمت چپ و پایین منتقل شده و از نقطه تعادل اولیه E_0 به E_1 می‌رویم که در زیرمنحنی BP است و نشان‌دهنده کسری تراز پرداختها است. اگر سیاست مالی انقباضی اتخاذ می‌شد دچار مزاد تراز پرداختها می‌شدیم. سیاست پولی انقباضی باعث کسری تراز پرداختها و سیاست پولی انقباضی باعث مزاد تراز پرداختها می‌شود. اگر شیب BP بیشتر از LM باشد نیز می‌توان به راحتی با نمودار به جواب رسید.

۱۰- گزینه «۳» اگر تحرک کامل سرمایه وجود داشته باشد و نرخ ارز شناور باشد، تراز پرداختها همیشه در تعادل خواهد بود؛ زیرا اگر کسری تراز پرداختها وجود داشته باشد تقاضای ارز افزایش یافته، نرخ ارز افزایش می‌یابد و کسری تراز پرداختها از بین می‌رود. در صورت وجود مزاد تراز پرداختها عرضه ارز بیشتر از تقاضا خواهد بود و با کاهش نرخ ارز مزاد تراز پرداختها از بین می‌رود.

۱۱- گزینه «۴» منحنی LM بیانگر تعادل بازار پول و منحنی BP بیانگر تعادل در بازار ارز می‌باشد. در نقاط پایین BP کسری تراز پرداختها و در نقاط بالای BP مزاد تراز پرداختها برقرار است. در همه نقاط بالای LM مزاد عرضه پول وجود دارد و در نقاط پایین LM مزاد تقاضای پول وجود دارد.

۱۲- گزینه «۲» کاهش نرخ واقعی ارز سبب می‌شود که قیمت اجناس خارجی در مقایسه با کالاهای داخلی ارزان‌تر شود و در نتیجه حجم واردات افزایش و صادرات کاهش می‌یابد.

۱۳- «هیچ‌کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.» اگر سیاست پولی انقباضی اتفاق بیفتد، LM به سمت راست منتقل می‌شود و چون BP افقی است در کوتاه‌مدت کسری تراز تجاری به وجود می‌آید و این کسری باعث افزایش نرخ ارز می‌شود. افزایش نرخ ارز صادرات را افزایش و واردات را کاهش می‌دهد و IS را به سمت راست منتقل می‌کند و با بهبود تراز تجاری، کسری تراز پرداختها از بین می‌رود. در این سؤال سیاست پولی انقباضی و انقباضی مشخص نشده است.

$$14- \text{گزینه «۳»} \quad \text{ضریب تکاثر واردات مستقل} = \frac{\Delta y}{\Delta M_0} = \frac{-1}{1-c(1-t)+m}$$

$$BD = G - T = G - T_0 - ty$$

از آنجا که با تغییر واردات مستقل، مقدار y تغییر می‌کند، داریم:

$$ABD = -t\Delta y = -t\left(\frac{-1}{1-c(1-t)+m}\Delta M_0\right) \Rightarrow$$

$$\Delta BD = \frac{t}{1-c(1-t)+m}\Delta M_0 \Rightarrow \Delta BD = \frac{0/2}{1-0/75(1-0/2)+0/1}(20) = 8$$

۱۵- گزینه «۴» سیستم نرخ ارز ثابت سیستمی است که بانک مرکزی نرخ ارز را ثابت نگه می‌دارد و نرخ ارز توسط عرضه و تقاضای ارز تعیین نمی‌شود. زمانی که کسری تراز پرداختها شکل گیرد تقاضای ارز افزایش می‌یابد و نرخ ارز تمایل به افزایش دارد ولی در این هنگام بانک مرکزی شروع به فروش ارز می‌کند تا اضافه تقاضا جبران شده و نرخ ارز تغییر نکند.

در سیستم نرخ ارز شناور، بانک مرکزی در تعیین نرخ ارز دخالتی نمی‌کند و نرخ ارز با مکانیزم بازار تعیین می‌شود، یعنی تقاطع عرضه و تقاضای ارز نرخ آن را تعیین می‌کند. در این سیستم کسری و یا مزاد تراز پرداختها اگر شکل گیرد به صورت اتوماتیک برطرف می‌شود و نیازی به دخالت وجود ندارد. چون با مزاد تراز پرداختها عرضه ارز بیشتر از تقاضای ارز شده و قیمت ارز کاهش می‌یابد. این امر سبب کاهش صادرات و افزایش واردات می‌شود که مزاد ارز را از بین می‌برد. همچنین اگر کسری تراز پرداختها داشته باشیم، تقاضا برای ارز بیشتر از عرضه ارز شده و قیمت ارز افزایش یافته و صادرات افزایش و واردات کاهش می‌یابد و در نتیجه کسری ارز در بازار از بین می‌رود.

۱۶- گزینه «۱» با کاهش نرخ بهره داخلی نسبت به خارجی و یا افزایش نرخ بهره خارجی نسبت به داخلی، سرمایه‌گذاری در خارج دارای بازدهی بیشتری خواهد بود و این امر سبب خروج سرمایه از داخل به خارج کشور می‌شود. ولی اگر نرخ بهره داخلی افزایش و یا نرخ بهره خارجی کاهش یابد، بازدهی سرمایه‌گذاری در داخل بیشتر از خارج خواهد شد و سبب ورود سرمایه به داخل کشور می‌شود.

۱۷- گزینه «۱» BP بیانگر نقاط تعادل تراز پرداختها و LM بیانگر تعادل بازار پول می‌باشد. نقاط پایین BP بیانگر کسری تراز پرداختها است و در نقاط پایین LM مزاد تقاضای پول وجود دارد.



۱۸- گزینه «۲» اگر نرخ ارز افزایش یابد، قیمت کالای داخلی نسبت به کالای خارجی ارزان‌تر می‌شود و سبب افزایش صادرات و کاهش واردات و ایجاد مازاد تراز پرداخت‌ها می‌شود. برای کاهش مازاد تراز پرداخت‌ها یا باید حساب سرمایه کاهش یابد که بدین منظور باید نرخ بهره داخلی کاهش یابد تا خروج سرمایه روی دهد و یا باید حساب جاری را کاهش داد. برای این کار باید صادرات کاهش و واردات افزایش یابد. با افزایش درآمد ملی واردات که تابع مستقیمی از درآمد ملی است افزایش می‌یابد و خالص صادرات کاهش یافته و مازاد تراز پرداخت‌ها از بین می‌رود. با کاهش درآمد ملی و کاهش قیمت‌های داخلی، صادرات افزایش و واردات کم شده و مازاد تراز پرداخت‌ها بیشتر می‌شود.

۱۹- گزینه «۱» اگر قیمت کالاهای وارداتی ارزان‌تر از کالای داخلی باشد واردات افزایش و اگر قیمت کالاهای وارداتی بیشتر باشد واردات کاهش می‌یابد. اگر نسبت قیمت کالاهای وارداتی به قیمت کالاهای داخلی ثابت باشد سطح واردات ثابت است. البته تمامی این موارد در صورتی درست است که سطح درآمد ملی ثابت فرض شود. واردات با سطح درآمد ملی رابطه مستقیم دارد و اگر درآمد ملی افزایش یابد میزان واردات افزایش و اگر درآمد ملی کاهش یابد سطح واردات کاهش می‌یابد.

۲۰- گزینه «۲» اگر خالص صادرات منفی باشد چون یکی از اجزای درآمد ملی خالص صادرات است، پس موجب کاهش درآمد ملی می‌شود. همچنین چون واردات افزایش و صادرات کاهش یافته است، پس ارز از کشور خارج می‌شود. اما گزینه «۴» در صورتی درست است که تحرک ناقص سرمایه را داشته باشیم و اگر تحرک کامل سرمایه باشد، نرخ بهره داخلی تغییری نمی‌کند و ورود و خروج سرمایه نخواهیم داشت و در هر شرایطی با منفی بودن خالص صادرات گزینه «۲» رخ می‌دهد.

۲۱- گزینه «۲» با افزایش سطح قیمت‌ها در داخل، نرخ واقعی ارز کاهش می‌یابد، در نتیجه صادرات کاهش و واردات افزایش می‌یابد، بنابراین منحنی‌های IS و $BP = 0$ به سمت چپ انتقال می‌یابند. همچنین با افزایش سطح قیمت‌ها، عرضه واقعی پول کاهش می‌یابد. بنابراین LM نیز به سمت چپ انتقال پیدا می‌کند.

۲۲- گزینه «۳» با افزایش نرخ ارز، قدرت خرید خارجی‌ان افزایش می‌یابد که موجب افزایش خالص صادرات می‌شود. افزایش صادرات سبب افزایش مازاد تراز پرداخت‌ها شده و در هر سطح نرخ بهره درآمد را افزایش می‌دهد یعنی، منحنی BP به سمت پایین و راست منتقل می‌شود. با افزایش قیمت داخلی، کالاهای داخلی به نسبت کالاهای خارجی گران‌تر شده و قدرت رقابت خود را از دست می‌دهند و سبب کاهش خالص صادرات شده و موجب انتقال منحنی BP به سمت چپ و بالا می‌شود.

۲۳- گزینه «۲» نرخ ارز حقیقی برابر است با نرخ ارز اسمی ضرب در حاصل تقسیم قیمت‌های خارجی به قیمت‌های داخلی. یعنی در واقع گزینه ۲ هم غلط است، اما با اصلاح نسبت قیمت داخلی به خارجی به نسبت قیمت خارجی به داخلی، می‌توان گزینه ۲ را انتخاب کرد. لزوماً سایر گزینه‌ها غلط‌اند.

$$\text{نرخ ارز اسمی } E = \frac{\text{سطح قیمت خارجی } P^*}{\text{سطح قیمت داخلی } P} \times e = \text{نرخ ارز حقیقی}$$

فصل ششم

« منحنی فیلیس و نظریات تورم »

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل ششم

- کله ۱- اگر نرخ تورم انتظاری با نرخ تورم واقعی برابر گردد:
- (۱) نرخ بیکاری صفر می‌شود.
 (۲) نرخ بیکاری واقعی بیشتر از نرخ بیکاری طبیعی است.
 (۳) نرخ بیکاری واقعی با نرخ بیکاری طبیعی برابر می‌گردد.
 (۴) نرخ بیکاری واقعی کمتر از نرخ بیکاری طبیعی است.
 (سراسری ۷۵)
- کله ۲- یکی از راه‌هایی که می‌توان نرخ طبیعی بیکاری را کاهش داد عبارت است از:
- (۱) افزایش نرخ حداقل دستمزد
 (۲) افزایش نرخ بیمه‌های بیکاری
 (۳) تعقیب یک سیاست مالی و یا پولی انقباضی دستمزد
 (۴) گسترش اطلاعات مربوط به مشاغل
 (سراسری ۷۶)
- کله ۳- به اعتقاد طرفداران مکتب انتظارات عقلایی:
- (۱) افزایش منظم عرضه پول، نرخ بیکاری را کاهش می‌دهد.
 (۲) تغییرات پیش‌بینی نشده عرضه پول، تأثیری بر تولید و بیکاری ندارد.
 (۳) منحنی فیلیس در کوتاه‌مدت، نزولی و در بلندمدت، عمودی می‌باشد.
 (۴) منحنی فیلیس کوتاه‌مدت در مواجهه با سیاست‌های منظم پولی عمودی است.
 (سراسری ۷۷)
- کله ۴- نرخ طبیعی بیکاری نرخی است که در آن کدام بیکاری وجود نداشته باشد؟
- (۱) ادواری (۲) اصطکاکی (۳) ساختاری (۴) فصلی
 (سراسری ۷۷)
- کله ۵- اگر تولید در سطح اشتغال کامل بوده و بر اثر رشد نهاده‌ها سالیانه ۴ درصد رشد داشته باشد، با ثابت گرفتن سرعت گردش پول، نرخ رشد مناسب عرضه پول برابر با چند درصد است؟
- (۱) ۸ (۲) ۴ (۳) ۲ (۴) صفر
 (سراسری ۷۷)
- کله ۶- با توجه به رابطه مقداری پول $(MV = PY)$ ، اگر حجم پول ۱۰٪ افزایش، سرعت گردش پول ۳٪ کاهش و تولید حقیقی ۲٪ افزایش یابد، سطح قیمت‌ها چند درصد تغییر می‌کند؟
- (۱) ۵٪ افزایش می‌یابد. (۲) ۵٪ کاهش می‌یابد. (۳) ۱۵٪ کاهش می‌یابد. (۴) ۱۵٪ افزایش می‌یابد.
 (سراسری ۷۷)
- کله ۷- براساس نظریه انتظارات عقلایی:
- (۱) مردم پیش‌بینی‌های خود را بر اساس اطلاعات گذشته تنظیم می‌کنند.
 (۲) مردم پیش‌بینی‌های خود را بر اساس اطلاعات حال و آینده تنظیم می‌کنند.
 (۳) شیب منحنی فیلیس منفی می‌شود.
 (۴) مردم در پیش‌بینی‌های خود دچار خطاهای منظم نمی‌شوند و با سیاست غیر قابل پیش‌بینی نمی‌توان مردم را چند بار فریب داد.
 (سراسری ۷۸)
- کله ۸- در حالت افزایش ناگهانی قیمت انرژی (به عنوان یک نهاده تولید) و با فرض ثابت بودن بقیه شرایط، کدام یک از وضعیت‌های زیر محتمل‌تر است؟
- (۱) افزایش سطح تولید و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها
 (۲) افزایش سطح تولید و کاهش سطح عمومی قیمت‌ها
 (۳) کاهش سطح تولید و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها
 (۴) کاهش سطح تولید و کاهش سطح عمومی قیمت‌ها.
 (سراسری ۷۸)
- کله ۹- کدام مورد باعث انتقال منحنی فیلیس کوتاه‌مدت به سمت پایین و چپ می‌شود؟
- (۱) افزایش تورم (۲) سیاست‌های پولی (۳) سیاست‌های مالی (۴) تغییر نرخ رشد کارآیی اقتصادی
 (سراسری ۷۸)
- کله ۱۰- فرضیه تورم ساختاری دلالت می‌کند که تورم عمدتاً به دلیل:
- (۱) تغییر در ساختار تقاضای کل و وجود قیمت‌ها و دستمزدهای انعطاف‌ناپذیر است.
 (۲) افزایش تقاضای کل فقط از طریق افزایش صادرات است.
 (۳) افزایش هزینه‌های تولید است.
 (۴) قدرت انحصاری بنگاه‌های بزرگ و دخالت دولت است.
 (سراسری ۷۸)



- کله ۱۱- هرچه درجه توهم پولی بین کارگران زیادتر باشد، انتظار داریم
 (۱) منحنی فیلیپس شیب کمتری داشته باشد.
 (۲) منحنی فیلیپس شیب تندتری داشته باشد.
 (۳) منحنی فیلیپس از درجه تحذب بالاتری برخوردار باشد.
 (۴) کارآیی سیاست‌های مالی برای افزایش تولید کم باشد. (سراسری ۷۹)
- کله ۱۲- در قالب نمودار منحنی فیلیپس بلندمدت، منحنی‌های کوتاه‌مدت بالاتر، متناظر با سطوح می‌باشند.
 (۱) بالاتر بیکاری (۲) بالاتر تورم انتظاری (۳) پایین‌تر بیکاری (۴) پایین‌تر تورم انتظاری (سراسری ۷۹)
- کله ۱۳- کدام یک از سیاست‌های ذیل باعث انتقال منحنی فیلیپس به سمت چپ می‌شود؟
 (۱) افزایش عرضه پول (۲) افزایش هزینه‌های دولت
 (۳) کاهش دریافتی‌های مالیاتی دولت (۴) برنامه‌ریزی آموزش نیروی کار و مبادله اطلاعات بهتر شغلی (سراسری ۷۹)
- کله ۱۴- کدام یک از موارد زیر تأثیر اقتصادی تورم محسوب نمی‌شود؟
 (۱) تورم شدید و پیش‌بینی نشده موجب می‌شود که درآمد ملی به نفع ثروتمندان و به ضرر دستمزد بگیران توزیع گردد.
 (۲) تورم شدید و پیش‌بینی نشده موجب می‌شود که بستانکاران از تورم سود ببرند و بدهکاران ضرر کنند.
 (۳) در دوران تورم ملایم، دو هدف رشد اقتصادی و اشتغال کامل با یکدیگر هماهنگ هستند.
 (۴) مردم در دوران تورم شدید از خرج کردن بر روی آثار هنری (مانند تابلوهای نقاشی اصل) خودداری می‌کنند. (سراسری ۸۰)
- کله ۱۵- اگر افزایش در عرضه پول اسمی منجر به هیچ تغییری در سطح درآمد اسمی نشود، بایستی یافته باشد.
 (۱) درآمد واقعی کاهش (۲) سرعت گردش پول به طور متناسب کاهش
 (۳) سطح قیمت‌ها افزایش (۴) نرخ بهره افزایش (سراسری ۸۰)
- کله ۱۶- بر اساس بحث فریدمن از منحنی‌های فیلیپس انتظارات انباشته، هر گاه نرخ بیکاری از نرخ بیکاری طبیعی کمتر باشد، نرخ تورم واقعی خواهد بود.
 (۱) صفر (۲) با نرخ تورم انتظاری برابر (۳) از نرخ تورم انتظاری بیشتر (۴) از نرخ تورم انتظاری کمتر (سراسری ۸۱)
- کله ۱۷- انتظارات تورمی:
 (۱) موقعیت منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت را تعیین می‌کند.
 (۲) موقعیت منحنی فیلیپس بلندمدت را تعیین می‌کند.
 (۳) شیب منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت را تعیین می‌کند.
 (۴) شیب منحنی فیلیپس بلندمدت را تعیین می‌کند. (سراسری ۸۱)
- کله ۱۸- مطابق با منحنی فیلیپس، وقتی بیکاری با یک نرخ ثابتی کاهش می‌یابد:
 (۱) نرخ دستمزد ابتدا با نرخ فزاینده و سپس با نرخ نزولی افزایش می‌یابد.
 (۲) نرخ دستمزد با یک نرخ ثابتی افزایش می‌یابد.
 (۳) نرخ دستمزد با یک نرخ نزولی افزایش می‌یابد.
 (۴) نرخ دستمزد با یک نرخ فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. (آزاد ۸۱)
- کله ۱۹- براساس منحنی فیلیپس، افزایش بیکاری با یک نرخ ثابت موجب می‌شود:
 (۱) دستمزد اسمی با یک نرخ نزولی کاهش پیدا کند.
 (۲) دستمزد اسمی با یک نرخ ثابتی کاهش یابد.
 (۳) دستمزد اسمی با یک نرخ ثابتی افزایش پیدا کند.
 (۴) دستمزد اسمی با یک نرخ فزاینده افزایش یابد. (آزاد ۸۳)
- کله ۲۰- فرض کنید که نرخ بیکاری واقعی (U) برابر با نرخ بیکاری طبیعی (\bar{U}) و برابر با $0/06$ است. در این صورت نرخ رشد GNP حقیقی برابر با $0/03$ است. حال اگر نرخ بیکاری طبیعی (\bar{U}) همان $0/06$ باشد ولی نرخ بیکاری واقعی (U) افزایش یابد و به $0/08$ برسد، به فرض آنکه ضریب a در فرمول قانون اوکان برابر با ۲ باشد، با استفاده از عملکرد قانون اوکان درصد رشد خالص GNP حقیقی چقدر خواهد بود؟ (سراسری ۸۴)
- (۱) منهای یک درصد (۲) صفر (۳) ۲ درصد (۴) ۴ درصد

کله ۲۱- در اقتصاد کلاسیک و با در نظر گرفتن بازار نیروی کار در سطح کلان، هرگاه نرخ مشارکت بانوان در نیروی کار افزایش یابد، کدام یک از موارد زیر اتفاق نمی‌افتد؟ (سراسری ۸۴)

- (۱) افزایش میزان اشتغال (۲) کاهش دستمزد پولی (۳) کاهش دستمزد واقعی (۴) کاهش نرخ بیکاری

کله ۲۲- کدام یک از موارد زیر، عوامل تورم ناشی از فشار هزینه به شمار می‌آیند؟ (آزاد ۸۴)

- (۱) افزایش حداقل دستمزد کارگران (۲) افزایش قیمت انرژی
(۳) افزایش نقدینگی بدون تناسب با رشد محصول (۴) موارد ۱ و ۳

کله ۲۳- اگر نظریه مقداری پول در اقتصاد ایران صادق باشد، با این فرض که رشد محصول ۸ درصد، رشد سرعت گردش پول ۲ درصد و رشد نقدینگی ۲۰ درصد باشد، تورم را چه میزان پیش‌بینی می‌کنید؟ (آزاد ۸۴)

- (۱) ۲۸ درصد (۲) ۲۲ درصد (۳) ۱۲ درصد (۴) ۱۴ درصد

کله ۲۴- منحنی فیلیپس بلندمدت: (آزاد ۸۴)

- (۱) افقی است. (۲) نزولی است. (۳) صعودی است. (۴) عمودی است.

کله ۲۵- افزایش نرخ مشارکت زنان در بازار کار منجر به: (آزاد ۸۴)

- (۱) کاهش بیکاری می‌شود. (۲) افزایش اشتغال می‌شود.
(۳) افزایش عرضه نیروی کار می‌شود. (۴) افزایش تقاضای نیروی کار می‌شود.

کله ۲۶- اگر دولت افزایش حقوق و دستمزد را متناسب با افزایش بازده نهایی کارکنان تعیین کند، در اثر این سیاست: (آزاد ۸۴)

- (۱) سطح عمومی قیمت‌ها نیز متناسب با افزایش حقوق و دستمزد، افزایش می‌یابد.
(۲) سطح عمومی قیمت‌ها بیشتر از افزایش حقوق و دستمزد، افزایش می‌یابد.
(۳) سطح عمومی قیمت‌ها کمتر از افزایش حقوق و دستمزد، افزایش می‌یابد.
(۴) سطح عمومی قیمت‌ها تغییر نمی‌کند.

کله ۲۷- در نظریه فریدمن عامل ارتباطی میان درآمد اسمی و حجم پول: (آزاد ۸۵)

- (۱) نرخ بهره اسمی است. (۲) سرعت گردش پول است. (۳) نرخ بهره واقعی است. (۴) انتظارات تورمی است.

کله ۲۸- براساس نظریه مقداری پول، کدام یک از عوامل زیر تعیین‌کننده سطح عمومی قیمت‌هاست؟ (آزاد ۸۵)

- (۱) افزایش نرخ بهره (۲) سطح تقاضای تولید کل در اقتصاد (۳) افزایش سرعت گردش پول (۴) افزایش دائمی حجم پول

کله ۲۹- کدام یک از موارد زیر با تورم رکودی (Stagflation) همراه است؟ (آزاد ۸۵)

- (۱) افزایش هزینه‌های دولت (۲) افزایش قیمت نهاده‌های تولید (۳) افزایش عرضه پول (۴) افزایش مصرف خصوصی

کله ۳۰- کدام یک از موارد زیر می‌تواند منجر به کاهش سطح تولید و افزایش سطح قیمت‌ها و افزایش بیکاری شود؟ (آزاد ۸۵)

- (۱) سیاست پولی انقباضی (۲) سیاست مالی انبساطی
(۳) فشار اتحادیه‌های کارگری برای بالا بردن دستمزدها (۴) سیاست مالی انقباضی

کله ۳۱- با توجه به معادله کمبریج $M=KPY$ که در آن M حجم پول و K معکوس سرعت گردش پول ثابت فرض شده است. چنانچه سطح درآمد ملی در حد ۲۰۰۰ میلیارد ریال و در حد اشتغال کامل باشد، با افزایش حجم پول از سطح ۴۰۰۰ میلیارد ریال به ۶۰۰۰ میلیارد ریال شاهد چه تأثیری بر سطح عمومی قیمت‌ها خواهیم بود؟ (آزاد ۸۶)

- (۱) سطح عمومی قیمت‌ها ۵۰٪ کاهش می‌یابد. (۲) سطح عمومی قیمت‌ها ۵۰٪ افزایش می‌یابد.
(۳) سطح عمومی قیمت‌ها ۲۰٪ افزایش می‌یابد. (۴) سطح عمومی قیمت‌ها تغییری نمی‌کند.



- ۳۲- هنگامی که نرخ تورم پیش‌بینی نشده، مثبت است:
- (۱) بستانکاران و بدهکاران هر دو ضرر می‌کنند.
 (۲) بستانکاران و بدهکاران هر دو سود می‌برند.
 (۳) بستانکاران ضرر می‌کنند و بدهکاران سود می‌برند.
 (۴) بدهکاران ضرر می‌کنند و بستانکاران سود می‌برند.
- (سراسری ۸۷)
- ۳۳- در تئوری انتظارات عقلایی از دیدگاه نئوکینزین‌ها:
- (۱) صرفاً تغییرات پیش‌بینی نشده در تقاضای کل منجر به سیکل‌های تجاری می‌شود.
 (۲) صرفاً تغییرات پیش‌بینی شده در تقاضای کل منجر به سیکل‌های تجاری می‌شود.
 (۳) هیچ یک از تغییرات پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده در تقاضای کل منجر به سیکل‌های تجاری نمی‌شوند.
 (۴) تغییرات پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده در تقاضای کل منجر به سیکل‌های تجاری می‌شود.
- (آزاد ۸۷)
- ۳۴- منظور از منحنی فیلیپس چیست؟
- (۱) ارتباط مثبت بین دستمزدهای پولی و نرخ بیکاری
 (۲) ارتباط منفی بین نرخ بهره و نرخ بیکاری
 (۳) ارتباط معکوس بین دستمزدهای پولی و نرخ بیکاری
 (۴) ارتباط مثبت بین نرخ بهره و نرخ بیکاری
- (سراسری ۸۸)
- ۳۵- در چارچوب ایده‌ی منحنی فیلیپس بلندمدت مداخله‌ی دولت از طریق سیاست مالی انبساطی در بلندمدت و در تعادل جدید:
- (۱) بر تورم و سطح محصول تأثیری ندارد.
 (۲) بر تورم بی‌تأثیر بوده و سطح محصول را افزایش می‌دهد.
 (۳) تورم را افزایش داده و بر سطح محصول بی‌تأثیر است.
 (۴) تورم و سطح محصول را افزایش می‌دهد.
- (آزاد ۸۸)
- ۳۶- از دیدگاه فریدمن علت عمودی نبودن منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت:
- (۱) وجود چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدها است.
 (۲) فرضیه انتظارات عقلایی است.
 (۳) عدم تعدیل کامل انتظارات تورمی نسبت به تورم واقعی است.
 (۴) پیش‌بینی نشدن سیاست‌هاست.
- (آزاد ۸۸)
- ۳۷- در صورتی که انتظارات قیمتی به صورت عقلایی شکل گیرد، بدین مفهوم است که:
- (۱) در پیش‌بینی سطح قیمت‌ها، خطا وجود ندارد.
 (۲) در پیش‌بینی سطح قیمت‌ها، خطا وجود دارد.
 (۳) در پیش‌بینی سطح قیمت‌ها، میانگین خطای دوره‌های قبل تأثیر دارد.
 (۴) در پیش‌بینی سطح قیمت‌ها، میانگین خطاهای مثبت و منفی مشخص نیست.
- (آزاد ۸۸)
- ۳۸- در الگوی عرضه کل لوکاس $[Y = Y_n + \beta(P - P^e)]$ دلیل صعودی بودن عرضه کل در کوتاه‌مدت این است که:
- (۱) در مقادیر پایین‌تر از Y_n ، کاهش P کمتر از P^e است.
 (۲) در مقادیر بالاتر از Y_n ، افزایش P کمتر از P^e است.
 (۳) در مقادیر بالاتر از Y_n ، کاهش P بیشتر از P^e است.
 (۴) در مقادیر پایین‌تر از Y_n ، کاهش P بیشتر از P^e است.
- (آزاد ۸۸)
- ۳۹- براساس معادله فیلیپس همراه با انتظارات افزایش یافته، هرگاه نرخ بیکاری واقعی (u) کمتر از نرخ بیکاری طبیعی (\bar{u}) باشد، آنگاه \dot{P} (توضیح: $\dot{P} =$ نرخ تورم واقعی، $P^e =$ نرخ تورم انتظاری)
- (سراسری ۹۰)
- (۱) برابر صفر است
 (۲) با P^e برابر است
 (۳) از P^e بیشتر است
 (۴) از P^e کمتر است
- (آزاد ۹۰)
- ۴۰- اقتصاددانان کلاسیک جدید بر این باورند که در صورت سیاست‌های پولی است.
- (۱) غیرمنتظره بودن - منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت عمودی
 (۲) غیرمنتظره نبودن - منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت نزولی
 (۳) غیرمنتظره نبودن - منحنی فیلیپس در بلندمدت نزولی
 (۴) غیرمنتظره بودن - منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت نزولی
- (آزاد ۹۰)
- ۴۱- وجه اشتراک نظریه پولیون و نظریه کلاسیک‌های جدید در آن است که هر دو سیاست پولی را در بی‌اثر می‌دانند.
- (۱) کوتاه‌مدت بر تولید اسمی و حقیقی
 (۲) بلندمدت بر تولید حقیقی
 (۳) بلندمدت بر تولید اسمی و حقیقی
 (۴) کوتاه‌مدت بر تولید حقیقی

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل ششم

۱- گزینه «۳» می‌توان معادله فیلیپس را با اضافه کردن انتظارات به صورت زیر نوشت:

$$\dot{P} = -\varepsilon(U - U_f) + \dot{P}^e$$

با توجه به رابطه فوق، اگر $\dot{P} = \dot{P}^e$ (تورم = تورم انتظاری) باشد حتماً $U = U_f$ (بیکاری طبیعی = بیکاری واقعی) خواهد بود.

۲- گزینه «۴» بخشی از بیکاران طبیعی را افرادی تشکیل می‌دهند که با وجود شغل دلخواه برای آن‌ها به دلیل اطلاعات ناقص نیروی کار، شغل دلخواه خود را پیدا نمی‌کنند و فقط با گسترش اطلاعات مربوط به مشاغل، مثل گسترش مراکز کاریابی، این بیکاری قابل کاهش دادن می‌باشد. بیکاری ادواری را می‌توان با سیاست‌های انبساطی پولی و مالی از بین برد چون وجود بیکاری ادواری به دلیل کاهش تقاضای کل و تولید می‌باشد.

۳- گزینه «۴» طرفداران مکتب انتظارات عقلایی معتقدند که افراد از همه اطلاعات موجود برای پیش‌بینی تورم استفاده می‌کنند. بنابراین اگر سیاست‌هایی به صورت منظم و اعلام شده اجرا گردد، افراد آن‌ها را به درستی تشخیص می‌دهند و انتظارات تورمی خود را مطابق با آن تعدیل می‌کنند. در این شرایط تورم انتظاری با تورم واقعی برابر خواهد بود و به دلیل عدم وجود تورم پولی دستمزدها به اندازه تغییر قیمت‌ها، تغییر می‌کنند و دستمزد واقعی ثابت باقی می‌ماند. در این صورت سطح تولید، اشتغال و بیکاری نیز ثابت باقی می‌مانند و منحنی‌های فیلیپس و عرضه کل در کوتاه‌مدت و بلندمدت عمودی خواهند بود. از نظر طرفداران انتظارات عقلایی منحنی فیلیپس فقط زمانی می‌تواند نزولی باشد که یک سیاست پولی به صورت اعلام نشده اجرا شود که در این صورت هم منحنی فیلیپس فقط برای یک دوره نزولی خواهد بود و بعد از آن دوباره عمودی می‌شود.

۴- گزینه «۱» بیکاری ادواری یا سیکلی ناشی از سیکل‌های اقتصادی است. یعنی در دوران رکود بیکاری افزایش و در دوران رونق بیکاری کاهش می‌یابد که با اجرای سیاست‌های پولی و مالی انبساطی این بیکاری کاهش می‌یابد. بیکاری ساختاری (نیروی کار کم تخصص)، اصطلاحاً (نیروی کاری که با وجود شغل، شغل مناسب خود را نیافته است) و بیکاری فصلی (که در برخی فصول سال بیکار هستند) جزء بیکاری طبیعی هستند که برای تحرک اقتصاد لازم و مفیدند.

۵- گزینه «۲» طبق نظریه مقداری پول، حجم پول ضربدر سرعت گردش پول بایستی با سطح قیمت ضربدر محصول تولید شده در کشور برابر گردد $(M.V = P.Y)$. اگر این رابطه را بر حسب نرخ رشد متغیرهای تشکیل دهنده بنویسیم خواهیم داشت:

$$\dot{M} + \dot{V} = \dot{P} + \dot{Y}$$

یعنی (نرخ رشد حجم پول + نرخ رشد سرعت گردش پول) باید برابر (نرخ رشد قیمت + نرخ رشد تولید ملی) باشد. با توجه به اطلاعات مسئله، اگر تولید بر اثر رشد نهاده‌ها ۴٪ رشد کند، با ثابت بودن سرعت گردش پول برای جلوگیری از وقوع تورم باید حجم پول دقیقاً ۴٪ رشد داشته باشد.

۶- گزینه «۱» بر اساس رابطه مقداری پول $M.V = P.Q$ است. اگر این رابطه را به صورت رشد هر یک از عوامل بنویسیم خواهیم داشت:

$$\dot{M} + \dot{V} = \dot{P} + \dot{Q} \Rightarrow 10 - 3 = \dot{P} + 2 \Rightarrow \dot{P} = 5$$

یعنی سطح قیمت‌ها ۵٪ افزایش می‌یابد.

۷- گزینه «۴» طبق نظریه انتظارات عقلایی، نحوه پیش‌بینی متغیرها یا شکل‌گیری انتظارات به صورت تطبیقی، رفتاری عقلایی نمی‌باشد و معتقد هستند که افراد در پیش‌بینی متغیرها دچار خطای پیش‌بینی می‌شوند ولی مجموع خطایشان در پیش‌بینی برابر صفر می‌باشد. یعنی اگر در یک دوره تورم واقعی از تورم انتظاری بیشتر باشد، در دوره بعد معمولاً به دلیل افزایش انتظارات عقلایی از تورم، تورم واقعی کمتر از تورم پیش‌بینی شده خواهد بود و اگر دولت سیاست‌های منظم داشته باشد (مثل افزایش ۵٪ حجم نقدینگی در سال) این سیاست‌ها توسط مردم قابل پیش‌بینی خواهد بود ولی با سیاست‌های غیر قابل پیش‌بینی و اتفاقی می‌توان مردم را فریب داد تا انتظارات نادرستی از تورم داشته باشند. اما اگر این سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی چند بار تکرار شوند دیگر اثربخش نخواهند بود. زیرا مردم نسبت به دولت بی‌اعتماد می‌شوند و تورم را بیش از آنچه دولت اعلام می‌کند پیش‌بینی می‌کنند. در این صورت حتی ممکن است تورم انتظاری از تورم واقعی بیشتر شود و سیاست‌های دولت نتیجه عکس دهد.

۸- گزینه «۳» انرژی به عنوان یک نهاده تولید، تأثیر بسیار زیادی در سطح تولید دارد و با افزایش ناگهانی قیمت هر نهاده تولید، هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و منحنی عرضه کل به سمت چپ منتقل می‌شود، با انتقال منحنی عرضه به سمت چپ، سطح عمومی قیمت‌ها (P) افزایش می‌یابد و سطح تولید و درآمد ملی کاهش خواهد یافت.



۹- گزینه «۴» با اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی منحنی تقاضای کل حرکت می‌کند که در نتیجه باعث حرکت بر روی منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت می‌شود. افزایش نرخ تورم نیز باعث حرکت بر روی منحنی فیلیپس می‌گردد. تغییر نرخ رشد کارآیی اقتصادی، باعث جابه‌جایی منحنی تقاضای نیروی کار و تابع تولید می‌شود و در نتیجه باعث جابه‌جایی منحنی عرضه می‌گردد. اگر نرخ رشد کارآیی اقتصادی افزایش پیدا کند، منحنی عرضه کل به سمت راست منتقل می‌گردد که باعث جابه‌جایی منحنی فیلیپس به سمت چپ و پایین می‌شود.

۱۰- گزینه «۱» هرگاه تقاضا در اقتصاد به صورت اساسی و بنیانی تغییر نماید، تورم ساختاری به وجود می‌آید؛ یعنی، ترکیب تقاضای کل دچار تغییر سریع می‌شود بدون آنکه ارزش پولی آن تغییر کند مثل افزایش شهرنشینی، کسر بودجه و ... و چون قیمت‌ها و دستمزدها به سمت پایین انعطاف‌ناپذیرند سطح متوسط قیمت‌ها افزایش می‌یابد. افزایش تقاضای کل به وجود آورنده تورم ناشی از فشار تقاضا و افزایش هزینه‌های تولید باعث ایجاد تورم فشار هزینه خواهد شد.

۱۱- گزینه «۱» هرچه توهم نیروی کار بیشتر باشد منحنی عرضه کل به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود و منحنی فیلیپس نیز کم شیب‌تر خواهد بود. در حالت حدی که نیروی کار دچار توهم پولی نباشد (عرضه کار تابعی از دستمزد حقیقی باشد نه دستمزد اسمی) منحنی عرضه کل عمودی خواهد شد و منحنی فیلیپس نیز عمودی می‌شود، یعنی تغییر قیمت‌ها هیچ تأثیری در بیکاری و سطح اشتغال نخواهد داشت. در صورت وجود توهم پولی عرضه کل و منحنی فیلیپس دارای شیب خواهند بود.

۱۲- گزینه «۲» در تحلیل انتظارات تطبیقی (فریدمن - فیلیپس) در کوتاه‌مدت به دلیل شکل‌گیری ناقص انتظارات نیروی کار، منحنی فیلیپس دارای شیب منفی می‌باشد. با تغییر انتظارات تورمی، نیروی کار دستمزد پیشنهادی خود را افزایش می‌دهد و با این اتفاق هزینه تولید افزایش می‌یابد و عرضه کل به سمت چپ منتقل می‌شود، در نتیجه، منحنی فیلیپس به سمت راست انتقال می‌یابد.

با افزایش تورم واقعی و کم بودن تورم انتظاری نیروی کار، روی منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت حرکت می‌کنیم و نرخ بیکاری از نرخ بیکاری طبیعی کمتر می‌شود ولی در دوره‌های بعدی با تطبیق تورم انتظاری با تورم واقعی توسط نیروی کار، بیکاری از بین می‌رود و به منحنی فیلیپس در بلندمدت می‌رسیم.

۱۳- گزینه «۴» انتقال منحنی فیلیپس با منحنی عرضه کل رابطه معکوس دارد و هر عاملی که باعث انتقال منحنی عرضه کل به سمت چپ شود منحنی فیلیپس را به سمت راست منتقل می‌کند و هر عاملی که منحنی عرضه کل را به سمت راست منتقل کند، منحنی فیلیپس را به سمت چپ منتقل می‌کند. انتقال منحنی تقاضای کل باعث حرکت روی منحنی فیلیپس خواهد شد و از بین گزینه‌ها فقط برنامه‌های آموزش نیروی کار و مبادله اطلاعات بهتر شغلی باعث انتقال منحنی عرضه کل به سمت راست می‌شود. کاهش بیکاری طبیعی، منجر به انتقال منحنی فیلیپس به سمت چپ می‌شود و بقیه موارد منحنی تقاضای کل را تغییر می‌دهند. البته اگر منظور از مالیات دریافتی در گزینه (۳) مالیاتی باشد که از بنگاه‌ها اخذ می‌شود، این گزینه هم درست خواهد بود، زیرا کاهش مالیات سودآوری و انگیزه فعالیت بنگاه را افزایش می‌دهد و موجب انتقال منحنی عرضه کل به سمت راست و انتقال منحنی فیلیپس به سمت چپ می‌شود. اما احتمالاً منظور طراح سؤال مالیاتی است که از خانواده اخذ می‌شود که باعث انتقال منحنی تقاضای کل و حرکت روی منحنی فیلیپس می‌شود.

۱۴- گزینه «۲» معمولاً تورم به کسانی که حقوق ثابت دارند ضرر می‌رساند یا کسانی که پول خود را به صورت نقد نگهداری می‌کنند و کسانی که پول قرض می‌گیرند سود بیشتری نسبت به کسانی که قرض می‌دهند به دست می‌آورند، چون پس از اتمام دوره تورمی پول ارزش واقعی قبلی خود را نخواهد داشت. در تورم شدید افراد به جای سرمایه‌گذاری جهت تولید به سمت خرید و فروش کالاهایی که دارای بازدهی سریع‌اند، می‌روند و در تورم ملایم، رشد اقتصادی همراه با اشتغال کامل میسر خواهد بود، اگر تورم بالا باشد خرید کالاهای لوکس کاهش می‌یابد.

۱۵- گزینه «۲» با استفاده از نظریه مقداری پول ($M.V = P.Y$) که برابر درآمد اسمی و M حجم پول و V سرعت گردش پول می‌باشد می‌توان بررسی کرد که با افزایش M اگر $P.Y$ ثابت باشد، حتماً سرعت گردش پول بایستی کاهش پیدا کرده باشد تا تعادل نظریه مقداری پول برقرار گردد.

۱۶- گزینه «۳» طبق نظریه انتظارات تطبیقی، اگر منحنی فیلیپس را بررسی نماییم، رابطه نرخ تورم واقعی (P)، نرخ تورم انتظاری (P^e) و نرخ بیکاری

واقعی (U) و نرخ بیکاری طبیعی (U_f) به صورت روبرو می‌باشد:

$$\overset{\circ}{P} = -\varepsilon(U - U_f) + P^e$$

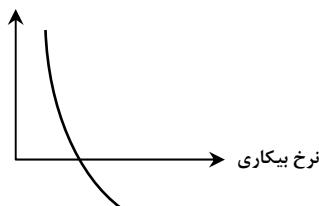
معادله منحنی فیلیپس:

$$\overset{\circ}{P} - P^e = -\varepsilon(U - U_f) ; \text{ if } \rightarrow U < U_f \rightarrow \overset{\circ}{P} > P^e ; \text{ if } \rightarrow U = U_f \rightarrow \overset{\circ}{P} = P^e ; \text{ if } \rightarrow U > U_f \rightarrow \overset{\circ}{P} < P^e$$

۱۷- گزینه «۱» با توجه به معادله منحنی فیلیپس ($\overset{\circ}{P} = \varepsilon(U - U_f) + P^e$)، تغییر تورم انتظاری (P^e) باعث تغییر عرض از مبدأ منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت می‌شود. با افزایش انتظارات تورمی منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت به سمت بالا و با کاهش انتظارات تورمی منحنی فیلیپس کوتاه‌مدت به سمت چپ

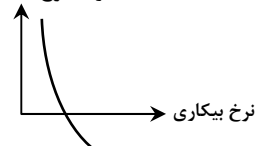
و پایین منتقل می‌شود. در بلندمدت و طبق نظریه انتظارات تطبیقی $\overset{\circ}{P} = P^e$ می‌باشد در نتیجه $U = U_f$ خواهد بود و منحنی فیلیپس بلندمدت در سطح نرخ بیکاری طبیعی، عمودی است. بنابراین بین تغییرات نرخ تورم و بیکاری رابطه‌ای وجود ندارد.

رشد نرخ دستمزد



۱۸- گزینه «۴» با توجه به منحنی فیلیپس در شکل مشخص است که هرچه نرخ بیکاری کاهش یابد بر روی منحنی به سمت چپ و بالا حرکت می‌کنیم و اگر نرخ بیکاری با نرخ ثابت کاهش یابد، چون منحنی نسبت به مبدأ محدب است نرخ دستمزد با نرخ فزاینده‌ای افزایش می‌یابد.

رشد نرخ دستمزد



۱۹- گزینه «۱» منحنی فیلیپس به صورت مقابل است. اگر نرخ بیکاری با یک نرخ ثابت افزایش یابد بر روی منحنی به سمت راست و پایین حرکت می‌کنیم که سبب کاهش نرخ دستمزد است. اما این کاهش مطابق نمودار دارای یک نرخ نزولی است.

۲۰- گزینه «۱» قانون اوکان می‌گوید یک درصد افزایش بیکاری باعث می‌شود GNP، a درصد کاهش یابد که به a ضریب قانون اوکان می‌گویند. حال اگر طبق قاعده اوکان با ضریب (۲) این سؤال را بررسی کنیم، افزایش ۱ درصد در بیکاری GNP را ۲ درصد کاهش می‌دهد ($\Delta GNP\%$) در نتیجه، اگر نرخ بیکاری ۲ درصد افزایش یابد GNP حقیقی برابر با ۴ درصد کاهش می‌یابد و از ۳ درصد به ۱- درصد کاهش می‌یابد.

۲۱- گزینه «۴» با افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، عرضه نیروی کار به سمت راست منتقل می‌شود و اشتغال در جامعه افزایش می‌یابد و این باعث کاهش سطح دستمزدها می‌شود؛ ولی به دلیل افزایش شاغلین و نیروی کار، کاهش نرخ بیکاری چندان مشخص نمی‌باشد.

۲۲- گزینه «۱ و ۲» تورم ناشی از فشار هزینه همان تورم ناشی از فشار عرضه است که افزایش هزینه‌ها سبب کاهش عرضه و انتقال منحنی عرضه به سمت چپ و بالا می‌شود و قیمت را افزایش داده و موجب تورم می‌شود. حال افزایش حداقل دستمزد کارگران و افزایش قیمت انرژی چون به عنوان افزایش هزینه‌های تولید به حساب می‌آیند از عوامل تورم ناشی از فشار هزینه محسوب می‌شوند. اما در گزینه «۳» افزایش نقدینگی بدون تناسب با رشد محصول فقط سبب افزایش تقاضا و انتقال منحنی تقاضا به سمت بالا و راست می‌شود و سبب ایجاد تورم می‌شود که به آن تورم ناشی از فشار تقاضا می‌گویند. در صورت گزینه «۴» ذکر شده که گزینه‌های «۱» و «۳» که نادرست است و اگر ذکر می‌شد گزینه‌های «۱» و «۲» آنگاه گزینه «۴» صحیح بود.

M.V = P.Y

۲۳- گزینه «۴» نظریه مقداری پول رابطه‌ای به صورت روبرو را در نظر می‌گیرد.

که M حجم پول اسمی، V سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و Y تولید ناخالص ملی حقیقی است. حال برای به دست آوردن میزان رشد از رابطه بالا Ln گرفته و سپس مشتق می‌گیریم تا نرخ رشد به دست آید.

$$\ln M + \ln V = \ln P + \ln Y \rightarrow \frac{dM}{M} + \frac{dV}{V} = \frac{dP}{P} + \frac{dY}{Y} \rightarrow \dot{M} + \dot{V} = \dot{P} + \dot{Y}$$

که \dot{M} به معنی مشتق بر حسب زمان است و $\frac{dM}{M}$ نرخ رشد حجم پول اسمی است. حال مقادیر را از سؤال جایگذاری می‌کنیم، که \dot{P} همان نرخ تورم است.

$$\%20 + \%2 = \frac{dP}{P} + \%8 \rightarrow \frac{dP}{P} = \%14 = \dot{P}$$

۲۴- گزینه «۴» منحنی فیلیپس رابطه بین نرخ دستمزد و نرخ بیکاری را نشان می‌دهد که نزولی و به صورت غیرخطی و محدب است؛ اما با اصلاح انجام شده در منحنی فیلیپس، رابطه بین نرخ تورم و نرخ بیکاری نشان داده می‌شود. در کوتاه‌مدت با افزایش و یا کاهش قیمت، انتظارات تورمی به طور کامل شکل نمی‌گیرد و با تورم واقعی برابر نخواهد شد و در نتیجه نرخ بیکاری با نرخ تورم رابطه معکوس داشته و تغییر می‌کند. اما در بلندمدت انتظارات تورمی به طور کامل شکل گرفته و با تورم حقیقی برابر خواهد شد و در نتیجه نرخ بیکاری هیچ تغییری نخواهد کرد و از این رو منحنی فیلیپس عمودی خواهد شد. در حقیقت در کوتاه‌مدت به علت عدم شکل‌گیری تورم انتظاری با افزایش قیمت‌ها (تورم) کارگران دستمزدهای خود را افزایش نداده و در نتیجه عرضه برای نیروی کار تغییری نکرده و تقاضا افزایش یافته است و سبب کاهش نرخ بیکاری می‌شود، اما در بلندمدت با شکل‌گیری تورم انتظاری، کارگران دستمزد خود را افزایش داده و در نتیجه منحنی عرضه به سمت بالا و چپ منتقل می‌شود و نرخ بیکاری افزایش می‌یابد تا در سطح اولیه خود قرار گیرد و در نتیجه منحنی فیلیپس عمودی خواهد شد.



۲۵- گزینه «۳» با افزایش نرخ مشارکت زنان کل نیروی کار افزایش می‌یابد چون افرادی که تاکنون جزء نیروی کار نبودند اکنون تمایل به کار پیدا کرده‌اند و سبب افزایش عرضه نیروی کار می‌شود. البته با افزایش عرضه نیروی کار در بازار، نرخ دستمزد کاهش می‌یابد و میزان تقاضا و اشتغال نیز افزایش می‌یابد. اما اگر هدف درصد اشتغال باشد معلوم نیست چه تغییری می‌کند. همچنین میزان تقاضای نیروی کار بر روی منحنی تقاضای نیروی کار افزایش می‌یابد و موجب انتقال منحنی تقاضا نمی‌شود و همچنین چون از طرفی عرضه نیروی کار افزایش و از طرفی اشتغال نیز افزایش یافته معلوم نیست که بیکاری کاهش و یا افزایش یافته است. به هر حال چون نتیجه مستقیم افزایش نرخ مشارکت زنان در افزایش عرضه نیروی کار می‌باشد، گزینه «۳» مناسب‌تر است و گزینه‌های «۲» و «۴» از نتایج بعد از افزایش عرضه می‌باشد.

۲۶- گزینه «۴» بین نرخ دستمزد، بازدهی نهایی نیروی کار و هزینه نهایی رابطه مقابل برقرار است.

$$MC = \frac{W}{MP_L}$$

حال اگر دستمزد (W) متناسب با بازدهی نهایی (MP_L) تغییر کند، آنگاه MC تغییر نخواهد کرد. همچنین در بازار رقابتی داریم $P = MC$ و در نتیجه سطح قیمت تغییری نمی‌کند و نرخ تورم صفر خواهد شد. همچنین اگر بازار را انحصاری در نظر بگیریم طبق رابطه $MR = MC$ تعادل خود را تعیین می‌کند و چون MC و MR ثابت هستند پس سطح تولید تغییر نکرده و مطابق نمودار تقاضا سطح قیمت‌ها نیز ثابت باقی می‌ماند. اگر افزایش دستمزد بیشتر از افزایش بازدهی نهایی باشد، در بازار رقابتی سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد ولی کمتر از افزایش دستمزدها، یعنی، گزینه «۳». اگر بازدهی نهایی تغییر نکند و دستمزدها افزایش یابد در بازار رقابتی سطح عمومی قیمت‌ها متناسب با افزایش دستمزد افزایش می‌یابد یعنی، گزینه «۱» و اگر بازار انحصاری باشد سطح عمومی قیمت‌ها بیشتر از افزایش دستمزد افزایش می‌یابد چون در این حالت $P > MC$ است یعنی، گزینه «۲».

۲۷- گزینه «۲» فریدمن به نظریه مقداری پول معتقد بود که طبق این نظریه: $M.V = P.Y$ که M حجم پول اسمی، V سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و Y درآمد اسمی است. طبق این رابطه مشخص است که عامل ارتباطی بین درآمد و حجم حقیقی پول ($\frac{M}{P}$)، سرعت گردش پول (V) است.

۲۸- گزینه «۴» بر طبق نظریه مقدار پول $M.V = P.Y$ است. از دیدگاه کلاسیک سرعت گردش پول (V) تقریباً ثابت است و چون اعتقاد به اشتغال در سطح بالقوه دارند همیشه تولید را در سطح اشتغال کامل ثابت می‌دانند؛ در نتیجه در این حالت هر گونه افزایش در حجم پول (M) اثر خود را به طور مستقیم و فقط بر سطح عمومی قیمت‌ها می‌گذارد و موجب تورم می‌شود.

۲۹- گزینه «۲» منظور از تورم رکودی این است که همزمان با وجود افزایش قیمت و تورم در بازار، رکود نیز به وجود می‌آید. در این حالت چون باید هم تولید کم شود و هم قیمت افزایش یابد، باید انتقال در منحنی عرضه به سمت چپ و بالا صورت گیرد. با انتقال منحنی تقاضا فقط یکی از موارد روی می‌دهد؛ یعنی یا قیمت افزایش می‌یابد و یا رکود صورت می‌گیرد. بنابراین انتقال حتماً در سمت عرضه است. با افزایش قیمت نهاده‌ها، هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و سبب انتقال منحنی عرضه به سمت چپ و بالا می‌شود که هم قیمت افزایش می‌یابد و هم رکود شکل می‌گیرد. گزینه «۱» و «۴» سیاست‌های مالی انبساطی و گزینه «۳» سیاست پول انبساطی است که سبب افزایش تقاضا و انتقال آن به سمت راست و بالا می‌شود و قیمت‌ها و تولید افزایش می‌یابد و رکود اتفاق نمی‌افتد بلکه رونق روی می‌دهد.

۳۰- گزینه «۳» تنها زمانی سطح تولید کاهش و سطح قیمت‌ها و نرخ بیکاری همزمان افزایش می‌یابند که منحنی عرضه کل به سمت چپ و بالا منتقل شود و فقط گزینه «۳» با افزایش سطح دستمزدها سبب کاهش استخدام نیروی کار، افزایش قیمت‌ها و کاهش سطح تولید می‌شود. سیاست پولی و مالی انقباضی و یا انبساطی سیاست‌های طرف تقاضا هستند و سبب انتقال منحنی تقاضا می‌شود و با انتقال منحنی تقاضا یا قیمت و سطح تولید افزایش می‌یابد و یا هر دو کاهش می‌یابند و نمی‌تواند همزمان منجر به کاهش تولید و افزایش قیمت شود.

۳۱- گزینه «۲»

$$M = KPY \rightarrow \ln M = \ln K + \ln P + \ln Y$$

با گرفتن مشتق از طرفین، میزان رشد را به دست می‌آوریم و چون K ثابت است و Y در سطح اشتغال کامل ثابت در نظر گرفته می‌شود، رابطه به صورت روبرو است که \dot{M} نرخ تغییرات حجم پول است.

$$\frac{dM}{M} = \frac{2000}{4000} \times 100 = 50\% = \dot{M}$$

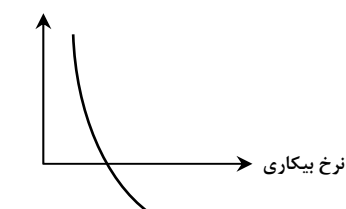
همان نرخ تورم یا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است.

$$\rightarrow \frac{dP}{P} = 50\% = \dot{P}$$

۳۲- گزینه «۳» در زمان تورم، بدهکاران سود می‌برند و بستانکاران ضرر می‌کنند، زیرا کسانی که بدهکار هستند پول را موقعی که برمی‌گردانند، ارزش کمتری دارد. در دوران تورم، کسانی که وام گرفته‌اند (بدهکاران) سود می‌برند و کسانی که پول قرض داده‌اند ضرر می‌کنند.

۳۳- گزینه «۴» نوکینزین‌ها یا کینزین‌های جدید به چسبندگی دستمزدها اعتقاد دارند و دلیل آن عواملی از قبیل قراردادهای دوره‌ای و بلندمدت است و به همین دلیل حتی تغییرات پیش‌بینی شده نیز موجب تغییرات سطح اشتغال و درآمد می‌شود. در نتیجه تغییرات پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده در چارچوب انتظارات عقلایی در تقاضای کل منجر به سیکل‌های تجاری می‌شود چون حتی اگر کارگران بخواهند دستمزد خود را تغییر دهند به علت قراردادهای چندساله و یا بلندمدت نمی‌توانند این کار را انجام دهند.

رشد نرخ دستمزد



۳۴- گزینه «۳» منحنی فیلیپس به صورت مقابل می‌باشد و مطابق شکل مشخص است که هرچه نرخ بیکاری کاهش یابد بر روی منحنی به سمت چپ و بالا حرکت می‌کنیم و اگر نرخ بیکاری با نرخ ثابت کاهش یابد چون منحنی نسبت به مبدأ محدب است نرخ دستمزد با نرخ فزاینده‌ای افزایش می‌یابد.

۳۵- گزینه «۱» اگر در بلندمدت منحنی فیلیپس را عمودی در نظر بگیریم، سیاست مالی انبساطی باعث می‌شود که تقاضای کل افزایش یابد و روی منحنی فیلیپس به سمت بالا حرکت کنیم. بنابراین تورم افزایش می‌یابد ولی سطح تولید و بیکاری را تغییر نمی‌دهد، که در این صورت گزینه ۳ صحیح است. اما طبق نظریه پولیون در دراز مدت، هرگونه سیاست مالی باعث ازدحام می‌شود و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و در نهایت تقاضای کل تغییر نمی‌کند، می‌توان گفت که اگر سیاست مالی همراه با سیاست پولی نباشد، بر تقاضای کل تأثیر ندارد، بنابراین تورم و سطح محصول را تغییر نمی‌دهد.

۳۶- گزینه «۳» فریدمن برای تحلیل منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای انتظارات تومی الگوی انتظارات تطبیقی را مطرح می‌کند و این رابطه به صورت نامحدود تکرار می‌شود به طوری که نرخ تورم انتظاری در دوره t ، میانگین وزنی از نرخ تورم واقعی در دوره‌های گذشته است. در یک دوره کوتاه‌مدت هنگامی که نرخ تورم تغییر می‌کند، انتظارات تومی \dot{P}^e بلافاصله تغییر نمی‌کند و بر روی یکی از منحنی‌های فیلیپس کوتاه‌مدت به سمت بالا یا پایین حرکت صورت می‌گیرد و در دوره‌های بعدی فرد اطلاعات مربوط به نرخ تورم در دوره‌های قبلی را کسب کرده و مقداری از خطای خود را اصلاح می‌کند. در نتیجه در کوتاه‌مدت منحنی فیلیپس عمودی نیست ولی در بلندمدت به مرور اصلاح صورت می‌گیرد و نرخ تورم انتظاری با نرخ تورم واقعی برابر می‌شود و منحنی فیلیپس عمودی خواهد شد.

۳۷- گزینه «۱» انتظارات عقلایی حالتی است که توسط کلاسیک‌های جدید مطرح شد و می‌گویند که تعدیل در قیمت‌ها به صورت آنی صورت می‌گیرد و در نتیجه قیمت‌های انتظاری با قیمت‌های واقعی برابر می‌شوند. به همین علت در پیش‌بینی سطح قیمت‌ها خطا وجود نخواهد داشت.

۳۸- گزینه «۴» در مقادیر پایین‌تر از Y_n ، کاهش قیمت (P) از کاهش قیمت‌های انتظاری (P^e) بیشتر است و سبب می‌شود ($\beta > 0$ است) سطح تولید و اشتغال کاهش پیدا کند، چون دستمزد حقیقی افزایش می‌یابد.

۳۹- گزینه «۳» از رابطه تورم واقعی و انتظاری استفاده می‌کنیم.

$$\dot{P} - \dot{P}^e = -\varepsilon(u_t - u_f)$$

که \dot{P} تورم واقعی، \dot{P}^e تورم انتظاری، u_t نرخ بیکاری واقعی و u_f نرخ بیکاری طبیعی است. حال اگر $u_t < u_f$ باشد، $u_t - u_f < 0$ بوده و کل سمت راست تساوی عددی مثبت می‌شود یعنی، $\dot{P} - \dot{P}^e > 0$ خواهد شد. در نتیجه \dot{P} (تورم واقعی) بیشتر از تورم انتظاری (\dot{P}^e) می‌شود.

۴۰- گزینه «۴» اقتصاددانان کلاسیک جدید از انتظارات عقلایی استفاده می‌کردند. در انتظارات عقلایی تنها سیاست‌های پولی غیرمنتظره مؤثرند و آن هم در کوتاه‌مدت و در بلندمدت هیچ‌گونه سیاستی بر تولید مؤثر نخواهد بود. سیاست‌های منتظره نه در کوتاه‌مدت و نه در بلندمدت تأثیری بر تولید ندارند.

۴۱- گزینه «۲» هر دو نظریه معتقدند که در بلندمدت تولید حقیقی ثابت است و اثر سیاست‌ها تنها بر قیمت‌ها مؤثر خواهند بود. دقت کنید که در بلندمدت تولید اسمی می‌تواند زیاد شود (یا کم شود) چون قیمت‌ها می‌توانند تغییر کنند. تفاوت دو نظریه در کوتاه‌مدت است، چون کلاسیک‌های جدید معتقدند که سیاست اگر منتظره باشد در کوتاه‌مدت هم بی‌اثر است ولی پولیون در کوتاه‌مدت چنین نظری نداشتند.



فصل هفتم

« نظریات مصرف »

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل هفتم

- کله ۱- اگر میل نهایی به مصرف MPC و میل متوسط به مصرف APC در کوتاه‌مدت باشد، چه رابطه‌ای بین این دو برقرار است؟ (سراسری ۷۵)
- (۱) $APC > MPC$ (۲) $MPC > APC$ (۳) $MPC = APC$ (۴) $MPC + APC$
- کله ۲- طبق نظریه فریدمن در مورد مصرف در سال‌های رونق، رکود و عادی درآمد زودگذر به ترتیب است. (سراسری ۷۶)
- (۱) صفر - مثبت - منفی (۲) منفی - صفر - مثبت (۳) مثبت - منفی - صفر (۴) منفی - مثبت - صفر
- کله ۳- کدام یک از اقتصاددانان در زمینه نظریه‌های مصرف شهرت دارند؟ (سراسری ۷۶)
- (۱) توبین - سامونلسون - کینز (۲) فریدمن - دوزنبری - سولو (۳) کوزنتس - دوزنبری - فریدمن (۴) کلارک - مودیگلیانی - سولو
- کله ۴- اگر مالیات‌ها کاهش یابد و مردم گمان کنند این کاهش موقتی است، در آن صورت: (سراسری ۷۷)
- (۱) درآمد اتفاقی منفی است. (۲) درآمد جاری بزرگ‌تر از درآمد دائمی می‌شود.
(۳) این کاهش مالیات اثری بر درآمد جاری ندارد. (۴) مصرف جاری کوچک‌تر از مصرف دائمی می‌شود.
- کله ۵- کدام یک از موارد زیر جزء فرضیه‌های تئوری مصرف کینز به‌شمار می‌رود؟ (سراسری ۷۷)
- (۱) در کوتاه‌مدت، با افزایش درآمد، میل متوسط مصرف کاهش می‌یابد. (۲) در بلندمدت، میل متوسط و نهایی مصرف برابرند.
(۳) در کوتاه‌مدت، میل نهایی مصرف از میل متوسط مصرف بزرگ‌تر است. (۴) در کوتاه‌مدت، میل متوسط و نهایی مصرف برابرند.
- کله ۶- طبق تحلیل فرضیه درآمد دائمی مصرف در دوران (سراسری ۷۷)
- (۱) رکود، درآمد دائمی کمتر از درآمد جاری است. (۲) رکود، درآمد اتفاقی منفی است.
(۳) رونق، درآمد دائمی بیشتر از درآمد جاری است. (۴) رونق، درآمد دائمی و جاری برابرند اما در دوران رکود، برابر نیستند.
- کله ۷- تفاوت نظریه درآمد دائمی و نظریه درآمد نسبی در این است که: (سراسری ۷۹)
- (۱) در نظریه درآمد دائمی $APC > MPC$ است، ولی در نظریه درآمد نسبی بر عکس است.
(۲) در نظریه درآمد نسبی درآمد سال قبل در نظر گرفته می‌شود، لیکن در نظریه درآمد دائمی این‌طور نیست.
(۳) در نظریه درآمد دائمی با افزایش درآمد، مصرف یک‌باره افزایش می‌یابد در حالی که در نظریه درآمد نسبی برعکس است.
(۴) در نظریه درآمد دائمی یک حالت تقارن همراه با کاهش یا افزایش درآمد دیده می‌شود، لیکن در نظریه درآمد نسبی این‌طور نیست.
- کله ۸- کدام گزینه درباره نظریه فریدمن نادرست است؟ (سراسری ۷۹)
- (۱) این نظریه براساس رفتار حداکثر سازی و قانون روان‌شناسانه استوار است.
(۲) براساس این نظریه، تغییرات موقتی مالیات اثر ناچیزی روی مصرف دارد.
(۳) براساس این نظریه، نوسانات مصرف باید کمتر از نوسانات درآمد باشد.
(۴) براساس این نظریه، هدف پس‌انداز ایجاد ثبات در مصرف است.
- کله ۹- در نظریه درآمد دائمی فریدمن، کدام یک از فرضیه‌های زیر صحیح نیست؟ ضریب همبستگی آماری بین (سراسری ۸۰)
- (۱) درآمد زودگذر و درآمد جاری (اندازه‌گیری شده) مثبت است. (۲) درآمد دائمی و درآمد جاری (اندازه‌گیری شده) مثبت است.
(۳) درآمد دائمی و درآمد زودگذر برابر با صفر است. (۴) مصرف زودگذر و درآمد زودگذر مثبت است.
- کله ۱۰- در نظریه درآمد دائمی فریدمن، میل نهایی به مصرف از درآمد در کوتاه‌مدت در مقایسه با میل نهایی به مصرف از درآمد در بلندمدت، (سراسری ۸۰)
- (۱) بزرگ‌تر است. (۲) قابل مقایسه نیست. (۳) کوچک‌تر است. (۴) یکسان است.



- کله ۱۱- اطلاعات مربوط به ادوار تجاری نشان می‌دهد که در دوران رونق اقتصادی:
- (آزاد ۸۰)
- (۱) نسبت مصرف به درآمد ملی $(\frac{C}{Y})$ کوچک‌تر از میانگین آن است. (۲) نسبت مصرف به درآمد ملی $(\frac{C}{Y})$ برابر میانگین آن است.
- (۳) نسبت مصرف به درآمد ملی $(\frac{C}{Y})$ بزرگ‌تر از میانگین آن است. (۴) ارتباطی بین مصرف و درآمد ملی وجود ندارد.
- کله ۱۲- مطابق با نظریه درآمد دائمی فریدمن، یک افزایش ناگهانی درآمد ناشی از نوسانات گذرا:
- (آزاد ۸۰)
- (۱) بلافاصله بر سطح مصرف فرد اثر می‌گذارد. (۲) هیچ اثری بر سطح مصرف فرد ندارد.
- (۳) بلافاصله بر سطح مصرف فرد اثر نمی‌گذارد. (۴) اثر قابل ملاحظه‌ای بر سطح مصرف فرد دارد.
- کله ۱۳- براساس اطلاعات موجود، در نوسانات ادواری نسبت مصرف به درآمد ملی:
- (آزاد ۸۰)
- (۱) خلاف جهت تغییر در درآمد تغییر می‌کند. (۲) در راستای تغییر در درآمد تغییر می‌کند.
- (۳) دقیقاً برابر تغییر در درآمد تغییر می‌کند. (۴) بیشتر از تغییر در درآمد تغییر می‌کند.
- کله ۱۴- کدام یک از فرضیه‌های زیر براساس نظریه درآمد مطلق صحیح است؟
- (سراسری ۸۱)
- (۱) مهم‌ترین عامل تعیین کننده مخارج مصرفی، درآمد آینده است. (۲) در کوتاه‌مدت با افزایش درآمد میل متوسط به مصرف ثابت است.
- (۳) در کوتاه‌مدت میل نهایی به مصرف ثابت است و بنابراین ارزش عددی ضریب فزاینده نیز با ادوار تجاری تغییر نمی‌کند. (۴) در کوتاه‌مدت میل نهایی به مصرف با ادوار تجاری تغییر می‌کند و در آن صورت ارزش عددی ضریب فزاینده نیز با ادوار تجاری تغییر می‌کند.
- کله ۱۵- بازار اعتباری (Credit market) این امکان را به وجود می‌آورد تا:
- (آزاد ۸۱)
- (۱) مصرف فرد همواره نسبت به دوره قبل ثابت بماند. (۲) مصرف فرد در یک دوره همواره کمتر از درآمدش باشد.
- (۳) مصرف فرد همواره بیش از درآمدش باشد. (۴) مصرف فرد در یک دوره از درآمدش متفاوت باشد.
- کله ۱۶- کدام مورد از ویژگی‌های تابع مصرف دوزنبیری نیست؟
- (سراسری ۸۲)
- (۱) اثرپذیری رفتار مصرفی فرد از رفتار مصرفی سایر افراد (۲) ثبات APC در صورت وارد شدن در رکود اقتصادی
- (۳) ثبات APC در صورت رشد مداوم درآمد ملی (۴) مقاومت مصرف‌کنندگان در مقابل کاهش مصرف در صورت کاهش درآمد
- کله ۱۷- از دید فرضیه درآمد دائمی فریدمن، هرچه در یک اقتصاد درآمد کل پرنوسان تر باشد، میل نهایی به مصرف کوتاه‌مدت:
- (سراسری ۸۲)
- (۱) کوچک‌تر خواهد بود. (۲) بزرگ‌تر خواهد بود.
- (۳) از میل نهایی به مصرف بلندمدت بزرگ‌تر است. (۴) از میل نهایی به مصرف بلندمدت کوچک‌تر است.
- کله ۱۸- کینز و پیروان او بر این اعتقاد هستند که:
- (آزاد ۸۲)
- (۱) میل نهایی به مصرف در کوتاه و بلندمدت کوچک‌تر از میانگین میل به مصرف است. (۲) در کوتاه‌مدت میل نهایی به مصرف کوچک‌تر از میانگین میل به مصرف است ولی در بلندمدت مساوی میانگین میل به مصرف است.
- (۳) در کوتاه و بلندمدت میل نهایی به مصرف مساوی میانگین میل به مصرف است. (۴) میل نهایی به مصرف در کوتاه‌مدت کوچک‌تر ولی در بلندمدت بزرگ‌تر از میانگین میل به مصرف است.
- کله ۱۹- معمولاً گفته می‌شود که در دوران رونق اقتصادی نسبت مصرف به تولید:
- (آزاد ۸۲)
- (۱) کوچک‌تر می‌شود. (۲) بزرگ‌تر می‌شود.
- (۳) ثابت می‌ماند. (۴) همچنان مساوی میانگین آن باقی خواهد ماند.
- کله ۲۰- براساس نظریه درآمد دائمی فریدمن:
- (آزاد ۸۲)
- (۱) درآمد گذرا اثری بر مصرف گذرا ندارد. (۲) درآمد گذرا موجب افزایش مصرف گذرا می‌شود.
- (۳) درآمد گذرا موجب افزایش مصرف دائمی می‌شود. (۴) درآمد گذرا موجب کاهش مصرف دائمی می‌شود.



- ۲۱- در چارچوب فرضیه درآمد دائمی کدام یک از عبارات زیر صحیح است؟
 (۱) مصرف زودگذر با درآمد زودگذر، درآمد دائمی و مصرف دائمی مرتبط نیست.
 (۲) مصرف زودگذر با مصرف دائمی مرتبط نیست، اما با درآمد دائمی مرتبط است.
 (۳) مصرف زودگذر با مصرف دائمی مرتبط نیست، اما با درآمد زودگذر مرتبط است.
 (۴) درآمد زودگذر تنها با مصرف زودگذر مرتبط است.
- ۲۲- در نظریه مصرف دوزنبری وقتی درآمد افزایش می‌یابد، مصرف با میل نهایی به مصرف:
 (۱) بلندمدت تغییر می‌کند، تنها اگر این درآمد جدید از حداکثر درآمدهای قبلی بیشتر باشد.
 (۲) بلندمدت تغییر می‌کند، تنها اگر این درآمد از حداکثر درآمدهای قبلی کمتر باشد.
 (۳) کوتاهمدت تغییر می‌کند.
 (۴) بلندمدت تغییر می‌کند.
- ۲۳- آمار مربوط به ادوار تجاری در کشور آمریکا نشان می‌دهد که در سال‌های رونق اقتصادی:
 (۱) نسبت مصرف به درآمد واقعی کوچک‌تر از میانگین این نسبت است.
 (۲) نسبت مصرف به درآمد واقعی بزرگ‌تر از میانگین این نسبت است.
 (۳) نسبت مصرف به درآمد واقعی مساوی میانگین این نسبت است.
 (۴) نسبت مصرف به درآمد واقعی در دوره رونق مساوی نسبت مصرف به درآمد واقعی در دوره رکود است.
- ۲۴- فریدمن در نظریه مصرف خود فرض می‌کند:
 (۱) درآمد گذرا موجب افزایش مصرف گذرا می‌شود.
 (۲) درآمد گذرا موجب کاهش مصرف گذرا می‌شود.
 (۳) هیچ رابطه‌ای بین درآمد گذرا و مصرف گذرا وجود ندارد.
 (۴) درآمد گذرا موجب کاهش مصرف دائمی می‌شود.
- ۲۵- مطابق با آمار و اطلاعات موجود، در دوران رونق اقتصادی کشور:
 (۱) نسبت مصرف به تولید ملی ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد.
 (۲) نسبت مصرف به تولید ملی بدون هیچ تغییری باقی می‌ماند.
 (۳) نسبت مصرف به تولید ملی بزرگ‌تر می‌شود.
 (۴) نسبت مصرف به تولید ملی کوچک‌تر می‌شود.
- ۲۶- کدام یک از موارد زیر، با توجه به افزایش جمعیت جوان در ایران صحیح می‌باشد؟
 (۱) طبق نظریه مصرف مودیگیلانی، میل متوسط به مصرف افزایش می‌یابد.
 (۲) طبق نظریه مصرف فریدمن، میل متوسط به مصرف افزایش می‌یابد.
 (۳) طبق نظریه مصرف دوزنبری، میل متوسط به مصرف افزایش می‌یابد.
 (۴) طبق نظریه مصرف کینز، میل متوسط به مصرف افزایش می‌یابد.
- ۲۷- اگر اعلام شود مالیات بردرآمد برای دو سال ۱۰ درصد افزایش می‌یابد. مطابق نظریه مصرف دوزنبری:
 (۱) مصرف خانوار کمتر از ۱۰ درصد کاهش می‌یابد.
 (۲) مصرف خانوار ثابت می‌ماند.
 (۳) مصرف خانوار بیشتر از ۱۰ درصد کاهش می‌یابد.
 (۴) مصرف خانوار ۱۰ درصد کاهش می‌یابد.
- ۲۸- در تابع مصرف کینز، مصرف تابع مستقیم:
 (۱) درآمد نسبی فرد نسبت به درآمد دیگران است.
 (۲) درآمد دائمی است.
 (۳) درآمدهای زودگذر است.
 (۴) درآمد قابل تصرف واقعی است.
- ۲۹- فروش اوراق قرضه توسط دولت به مردم برای تأمین کسری بودجه باعث:
 (۱) تغییر مصرف نمی‌شود چون مردم انتظار دارند مالیات‌های آتی بالاتری داشته باشند.
 (۲) تغییر مصرف به وجود نمی‌آید چون تورم به وجود می‌آورد.
 (۳) افزایش مصرف می‌شود چون ثروت زیاد می‌شود.
 (۴) کاهش مصرف می‌شود چون ثروت کم می‌شود.



- کله ۳۰- در نظریه دوزنبری مصرف تابع:
- (۱) درآمد جاری است. (۲) درآمد نسبی است. (۳) درآمد دائمی است. (۴) درآمد زودگذر است. (آزاد ۸۶)
- کله ۳۱- در نظریه درآمد نسبی دوزنبری؛
- (۱) میل نهایی به مصرف بزرگ‌تر از میل متوسط به مصرف است.
 (۲) میل نهایی به مصرف کوچک‌تر از میل متوسط به مصرف است.
 (۳) میل نهایی به مصرف کوچک‌تر از میل متوسط به مصرف و بزرگ‌تر از یک می‌باشد.
 (۴) میل نهایی به مصرف معادل میل متوسط به مصرف است. (آزاد ۸۶)
- کله ۳۲- براساس نظریه درآمد دائمی فریدمن؛
- (۱) درآمد دائمی با ثروت رابطه‌ای ندارد. (۲) درآمد دائمی با نرخ بهره جاری رابطه مستقیم دارد.
 (۳) درآمد دائمی با ثروت رابطه‌ای مستقیم دارد. (۴) درآمد دائمی با ثروت رابطه معکوس دارد. (آزاد ۸۶)
- کله ۳۳- میل نهایی به پس‌انداز در تابع مصرف کینز معادل است با:
- (۱) $MPS = \frac{S}{Y}$ (۲) $MPS = 1 - \frac{C}{Y}$ (۳) $MPS = 1 - \frac{1}{Y}$ (۴) $MPS = \frac{\Delta S}{\Delta Y}$ (آزاد ۸۷)
- کله ۳۴- در نظریه مصرف دوزنبری، مصرف
- (۱) تابع درآمد دائمی است. (۲) افراد از یکدیگر مستقل نیستند و به یکدیگر وابسته‌اند.
 (۳) تابع درآمد جاری است. (۴) تابع درآمد دوره قبل است. (آزاد ۸۷)
- کله ۳۵- در نظریه فریدمن:
- (۱) مصرف تابع درآمد نسبی است. (۲) مصرف تابع درآمد دوره قبل است.
 (۳) مصرف تابع درآمد دائمی است. (۴) مصرف تابع درآمد جاری است. (آزاد ۸۷)
- کله ۳۶- با توجه به تئوری مصرف دوزنبری، در کوتاه‌مدت و بلندمدت کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟
- (۱) در کوتاه‌مدت $MPC < APC$ و در بلندمدت $MPC = APC$ است.
 (۲) APC بلندمدت بیشتر از APC کوتاه‌مدت است.
 (۳) APC بلندمدت بیشتر از MPC کوتاه‌مدت است.
 (۴) MPC کوتاه‌مدت کمتر از MPC بلندمدت است. (آزاد ۸۸)
- کله ۳۷- در صورتی که $\lambda_t = 0/5$, $Y_t = 10$, $Y_{t-1} = 6$ و میل نهایی به مصرف در بلندمدت معادل $0/8$ باشد، براساس تابع مصرف کوتاه‌مدت فریدمن، میل متوسط و میل نهایی به مصرف در کوتاه‌مدت به ترتیب برابر است با:
- (۱) $0/6, 0/8$ (۲) $0/4, 0/64$ (۳) $0/4, 1/06$ (۴) $0/5, 1/06$ (آزاد ۸۸)
- کله ۳۸- بر طبق تحلیل فریدمن در نظریه درآمد دائمی، هنگامی که درآمد دائمی بیش از درآمد جاری است
- (۱) مصرف جاری بیشتر از مصرف دائمی است. (۲) مصرف جاری کمتر از مصرف دائمی است.
 (۳) APS کمتر از مقدار بلندمدت آن است. (۴) مصرف اتفاقی منفی است. (آزاد ۹۰)



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنگوری فصل هفتم

۱- گزینه «۱» تابع مصرف در کوتاه‌مدت عبارت است از $C = C_0 + cY$ که در این تابع $MPC = c$ می‌باشد و $APC = \frac{C}{Y} = \frac{C_0 + cY}{Y}$ است. در نتیجه

چون $c < \frac{C_0}{Y} + c$ می‌باشد، در کوتاه‌مدت APC بزرگ‌تر از MPC بوده و با افزایش درآمد چون $\frac{C_0}{Y}$ کمتر می‌شود MPC و APC به هم نزدیک می‌شوند.

۲- گزینه «۳» طبق نظریه فریدمن درآمد دائمی درآمدی است که انتظار داریم به صورت مستمر به دست آوریم و میانگین درآمد دوره‌های گذشته می‌باشد (درآمد جاری = درآمد دائمی + درآمد اتفاقی)، درآمد اتفاقی (زودگذر)، مابه‌التفاوت درآمد جاری از درآمد دائمی است که ممکن است مثبت، منفی یا صفر باشد. اما میانگین درآمد اتفاقی در بلندمدت صفر خواهد بود، در دوران رونق، درآمد جاری افزایش می‌یابد و درآمد اتفاقی مثبت می‌باشد و در دوران رکود، درآمد اتفاقی منفی است. همچنین در شرایط عادی درآمد جاری با درآمد دائمی برابر است و درآمد اتفاقی برابر صفر خواهد بود.

۳- گزینه «۳» در رابطه با مصرف، چهار نظریه عمده وجود دارد که عبارتند از: نظریه مصرف درآمد مطلق کینز، نظریه مصرف درآمد دائمی فریدمن، نظریه مصرف درآمد نسبی دوزنبری و نظریه مصرف چرخه زندگی مودیگلیانی. همچنین کوزنتس نشان داد که میل متوسط به مصرف در بلندمدت ثابت است و منحنی مصرف بلندمدت از مبدأ مختصات می‌گذرد. در نتیجه گزینه (۳) صحیح می‌باشد.

۴- گزینه «۲» درآمد جاری عبارت است از درآمد دائمی به علاوه درآمد اتفاقی و درآمد دائمی درآمدی است که انتظار داریم در همه عمر به طور متوسط به دست آوریم. درآمد اتفاقی یا گذرا ممکن است مثبت، منفی یا صفر باشد. اگر درآمد اتفاقی مثبت باشد، درآمد جاری از درآمد دائمی بیشتر خواهد بود و برعکس. با کاهش مالیات درآمد اتفاقی افزایش می‌یابد در نتیجه درآمد جاری از درآمد دائمی بیشتر خواهد بود. (نظریه درآمد دائمی فریدمن)

۵- گزینه «۱» میل نهایی مصرف، نسبت تغییرات مصرف به تغییرات درآمد است و میل متوسط مصرف کل، مصرف تقسیم بر درآمد می‌باشد. میل متوسط مصرف با توجه به روابط زیر در تئوری کنیزی همواره از میل نهایی مصرف بیشتر است و فقط در درآمد بی‌نهایت (بسیار زیاد) MPC و APC با هم می‌توانند برابر باشند:

$$C_t = C_0 + cY \quad MPC = \frac{dC_t}{dY} = c$$

$$APC = \frac{C}{Y} = \frac{C_0}{Y} + \frac{cY}{Y} = \frac{C_0}{Y} + c \quad c + \frac{C_0}{Y} > c \Rightarrow APC > MPC$$

۶- گزینه «۲» میانگین ساده یا وزنی درآمدهای گذشته که انتظار داریم در طول زندگی به دست آوریم درآمد دائمی می‌باشد اما درآمد جاری معمولاً متفاوت از درآمد دائمی خواهد بود و میزان اختلاف بین درآمد جاری و درآمد دائمی درآمد اتفاقی یا گذرا می‌باشد که ممکن است مثبت یا منفی باشد و اگر درآمد اتفاقی صفر باشد، درآمد دائمی با درآمد جاری برابر خواهد شد. در دوران رکود به دلیل بیکاری و یا کاهش دستمزد درآمد جاری از درآمد دائمی کمتر است و درآمد اتفاقی منفی خواهد بود.

۷- گزینه «۴» در نظریه درآمد نسبی دوزنبری، با فرض وجود چسبندگی در مصرف امکان تغییر مصرف به سمت پایین و کم کردن سطح مصرف به سختی وجود دارد اما با افزایش درآمد، مصرف کننده مصرف خود را افزایش می‌دهد، ولی در نظریه درآمد دائمی فریدمن در صورت کاهش درآمد دائمی (نه درآمد اتفاقی) مصرف نیز کاهش خواهد یافت و تا سطح مصرف بلندمدت کاهش می‌یابد.

۸- گزینه «۱» طبق نظریه مصرف فریدمن، مصرف تابعی از درآمد دائمی است و اگر تغییرات درآمد اتفاقی باشد، اثر ناچیزی بر مصرف می‌گذارد و در صورت موقتی و گذرا بودن تغییر درآمد، بر روی تابع مصرف کوتاه‌مدت که شیب کمتری نسبت به تابع مصرف بلندمدت دارد، حرکت می‌کنیم. اگر درآمد اتفاقی مثبت باشد مازاد درآمد را پس‌انداز می‌کنیم تا در دوره‌هایی که درآمد اتفاقی منفی است مورد استفاده قرار دهیم. تغییرات مالیات موقتی اثر کمی بر مصرف و تقاضای کل خواهد داشت و فقط تغییر در درآمد دائمی، مصرف دائمی را تغییر خواهد داد.

۹- گزینه «۴» درآمد دائمی درآمدی است که فرد به‌طور مستمر به‌دست می‌آورد و میانگین وزنی درآمد انتظاری فرد در طول زندگی است. درآمد جاری درآمد هر دوره می‌باشد، تفاوت بین درآمد جاری و درآمدی درآمد زودگذر یا اتفاقی می‌باشد. میانگین درآمد اتفاقی برابر صفر است و میانگین درآمد جاری همان میانگین درآمد دائمی می‌باشد و همین رابطه بین مصرف دائمی و جاری وجود دارد. فریدمن معتقد بود که ضریب همبستگی بین مصرف موقتی و مصرف دائمی، ضریب همبستگی بین درآمد موقتی و درآمد دائمی و ضریب همبستگی بین درآمد موقتی و مصرف موقتی صفر است.

۱۰- گزینه «۳» در بلندمدت طبق نظریه فریدمن فرد دارای تابع مصرف با شیب بیشتری می‌باشد و تغییر درآمد در بلندمدت اثر بیشتری روی مصرف نسبت به کوتاه‌مدت دارد.

۱۱- گزینه «۱» این گفته که در دوران رونق و با افزایش درآمد $\frac{C}{Y}$ یا نسبت مصرف به درآمد ملی کاهش می‌یابد، طبق گفته‌های کینز می‌باشد که البته با اطلاعات و داده‌های ادوار تجاری مطابقت دارد. با افزایش درآمد چون افراد می‌خواهند مصرف نسبتاً ثابتی را در طول زندگی داشته باشند، سعی می‌کنند بیشتر این افزایش درآمد را پس‌انداز کنند و در نتیجه مصرف به اندازه درآمد افزایش نمی‌یابد و $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد. همچنین طبق نظریه فریدمن:

$$Y = Y_p + Y_T, C = C_p + C_T, C_p = kY_p$$

که Y و C درآمد و مصرف جاری، Y_p و C_p درآمد و مصرف دائمی و Y_T و C_T درآمد و مصرف زودگذر هستند که درآمد دائمی با درآمد زودگذر، مصرف جاری با مصرف زودگذر و مصرف زودگذر با درآمد زودگذر همبستگی ندارند. معمولاً افراد در دوران رونق دارای درآمد زودگذر مثبت و در دوران رکود دارای درآمد زودگذر منفی هستند، پس:

$$\text{در دوران رونق: } \frac{C}{Y} = \frac{C}{Y_p + Y_T} < \frac{C}{Y_p} = k \quad (Y_T > 0)$$

$$\text{در دوران رکود: } \frac{C}{Y} = \frac{C}{Y_p + Y_T} > \frac{C}{Y_p} = k \quad (Y_T < 0)$$

پس مشخص است در دوران رونق با افزایش سطح درآمد $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد و درآمد اضافه شده بیشتر صرف پس‌انداز و مخارج مصرفی می‌شود و نه مصرف.

۱۲- گزینه «۳» مطابق نظریه فریدمن افزایش ناگهانی در درآمد ناشی از نوسانات زودگذر، هیچ‌گونه تأثیر مستقیمی بر مصرف نمی‌گذارد، بلکه درآمد دائمی است که بر مصرف تأثیر می‌گذارد و چون درآمد دائمی میانگین وزنی درآمد در تمامی دوره‌های زندگی می‌باشد پس تأثیر این افزایش ناگهانی در درآمد تأثیر زیادی روی درآمد دائمی نمی‌گذارد و در نتیجه تأثیر چندانی بر مصرف ندارد. گزینه «۱» زمانی درست است که تغییر در درآمد دائمی داده شود. گزینه «۲» نیز غلط است چون بالأخره این افزایش درآمد بر مصرف تأثیر می‌گذارد حال ممکن است با تأخیر و با شدت کمتری باشد.

۱۳- گزینه «۱» در نوسانات ادواری با افزایش درآمد نسبت مصرف به درآمد کاهش و با کاهش درآمد $\frac{C}{Y}$ افزایش می‌یابد. این گفته که در دوران رونق و با

افزایش درآمد $\frac{C}{Y}$ یا نسبت مصرف به درآمد ملی کاهش می‌یابد، طبق گفته‌های کینز می‌باشد که البته با اطلاعات و داده‌های ادوار تجاری مطابقت دارد. با افزایش درآمد چون افراد می‌خواهند مصرف نسبتاً ثابتی را در طول زندگی داشته باشند سعی می‌کنند بیشتر این افزایش درآمد را پس‌انداز کنند و در نتیجه مصرف به اندازه درآمد افزایش نمی‌یابد و $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد. همچنین طبق نظریه فریدمن:

$$Y = Y_p + Y_T, C = C_p + C_T, C_p = kY_p$$

که Y و C درآمد و مصرف جاری، Y_p و C_p درآمد و مصرف دائمی و Y_T و C_T درآمد و مصرف زودگذر هستند که درآمد دائمی با درآمد زودگذر، مصرف جاری با مصرف زودگذر و مصرف زودگذر با درآمد زودگذر همبستگی ندارند. معمولاً افراد در دوران رونق دارای درآمد زودگذر مثبت و در دوران رکود دارای درآمد زودگذر منفی هستند، پس:

$$\text{در دوران رونق: } \frac{C}{Y} = \frac{C}{Y_p + Y_T} < \frac{C}{Y_p} = k \quad (Y_T > 0)$$

$$\text{در دوران رکود: } \frac{C}{Y} = \frac{C}{Y_p + Y_T} > \frac{C}{Y_p} = k \quad (Y_T < 0)$$

پس مشخص است در دوران رونق با افزایش سطح درآمد $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد و درآمد اضافه شده بیشتر صرف پس‌انداز و مخارج مصرفی می‌شود و نه مصرف.



۱۴- گزینه «۳» طبق نظریه مصرف‌کننده مصرف هر دوره تابعی از درآمد جاری همان دوره است $(C_t = C_0 + cY_t)$ و در این تابع میل نهایی به مصرف $MPC = c$ مقدار ثابتی است و با افزایش یا کاهش درآمد تغییر نمی‌کند ولی میل متوسط به مصرف $(APC = \frac{C_t}{Y})$ با افزایش درآمد کاهش می‌یابد و ضریب فزاینده عبارت است از $\frac{1}{1-c}$ که به دلیل ثابت بودن میل نهایی به مصرف در ادوار تجاری و دوره‌های رونق و رکود تغییر نمی‌کند.

۱۵- گزینه «۴» بازار اعتباری بازاری است که در آن درآمد فرد ثابت نیست، بلکه می‌توان به صورت قرض گرفتن و یا قرض دادن درآمد را از آینده به حال و یا از حال به آینده منتقل کرد. در نتیجه در صورتی که قرض بگیرد مصرفش افزایش یافته و از سطح درآمدی‌اش بیشتر می‌شود (منظور درآمدی است که معمولاً دارد) و اگر در یک دوره وام خود را پس بدهد مصرف در آن دوره کاهش می‌یابد و از سطح درآمدی‌اش کمتر می‌شود.

۱۶- گزینه «۲» در تابع مصرف دوزنبیری (تابع مصرف درآمد نسبی) مصرف کاملاً حالت نمایشی دارد و دارای چسبندگی به سمت پایین می‌باشد یعنی مصرف کالا تحت تأثیر محیط و اطرافیان هر فرد قرار دارد و اصل چسبندگی مصرف بیانگر این مفهوم است که با افزایش درآمد مصرف افزایش می‌یابد ولی با کاهش درآمد مصرف به راحتی کاهش نمی‌یابد و در این صورت APC افزایش می‌یابد اما با افزایش درآمد APC کوتاه‌مدت با APC بلندمدت برابر بوده و ثابت خواهد بود.

۱۷- گزینه «۱» نوسان درآمد ملی به معنای بیشتر بودن درآمد اتفاقی (مثبت یا منفی) در کنار درآمد دائمی می‌باشد، درآمد دائمی میانگین درآمدهای جاری است و اگر درآمد اتفاقی زیاد در نوسان باشد تفاوت درآمد دائمی از درآمد جاری بیشتر خواهد شد و در نتیجه میل نهایی به مصرف بلندمدت با میل نهایی به مصرف کوتاه‌مدت تفاوت بیشتری خواهد داشت، طبق نظریه فریدمن میل نهایی به مصرف بلندمدت بیشتر از میل نهایی به مصرف کوتاه‌مدت است و با افزایش درآمد اتفاقی میل نهایی به مصرف کمتر خواهد شد.

۱۸- گزینه «۱» کینز در نظریه مصرف خود ادعا می‌کند که میل نهایی مصرف (MPC) از میل متوسط مصرف (APC) کوچک‌تر است و میل نهایی به پس‌انداز (MPS) از میل متوسط به پس‌انداز (APS) بزرگ‌تر است و با افزایش درآمد از APC کاسته شده و بر APS افزوده می‌شود. اما در نظریه مصرف کینز صحبتی از دوره کوتاه‌مدت و یا بلندمدت نمی‌شود و اقتصاددانانی که بعد از کینز آمدند همچون مودیگلیانی و فریدمن در مورد کوتاه‌مدت و بلندمدت به بحث پرداختند.

۱۹- گزینه «۱» این گفته که در دوران رونق و با افزایش درآمد $\frac{C}{Y}$ یا نسبت مصرف به درآمد ملی کاهش می‌یابد طبق گفته‌های کینز می‌باشد که البته با اطلاعات و داده‌های ادوار تجاری مطابقت دارد. با افزایش درآمد چون افراد می‌خواهند مصرف نسبتاً ثابتی را در طول زندگی داشته باشند سعی می‌کنند بیشتر این افزایش درآمد را پس‌انداز کنند و در نتیجه مصرف به اندازه درآمد افزایش نمی‌یابد و $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد. همچنین طبق نظریه فریدمن:

$$Y = Y_p + Y_T, \quad C = C_p + C_T, \quad C_p = kY_p$$

که Y و C درآمد و مصرف جاری، Y_p و C_p درآمد و مصرف دائمی و Y_T و C_T درآمد و مصرف زودگذر هستند که درآمد دائمی با درآمد زودگذر، مصرف جاری با مصرف زودگذر و مصرف زودگذر با درآمد زودگذر همبستگی ندارند. معمولاً افراد در دوران رونق دارای درآمد زودگذر مثبت و در دوران رکود دارای درآمد زودگذر منفی هستند، پس:

$$\text{در دوران رونق: } \frac{C}{Y} = \frac{C_p + C_T}{Y_p + Y_T} < \frac{C_p}{Y_p} = k \quad (Y_T > 0)$$

$$\text{در دوران رکود: } \frac{C}{Y} = \frac{C_p + C_T}{Y_p + Y_T} > \frac{C_p}{Y_p} = k \quad (Y_T < 0)$$

پس مشخص است در دوران رونق با افزایش سطح درآمد $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد و درآمد اضافه‌شده بیشتر صرف پس‌انداز و مخارج مصرفی می‌شود و نه مصرف.



۲۰- گزینه «۱» فریدمن در نظریه درآمد و دائمی خود درآمد و مصرف را به دو جزء دائمی و گذرا تفکیک می‌کند.

که Y_p درآمد دائمی، Y_T درآمد گذرا، C_p مصرف دائمی و C_T مصرف گذرا است.

$$Y = Y_p + Y_T \quad C = C_p + C_T \quad C_p = kY_p$$

طبق این نظریه بین Y_p و Y_T ، C_T و C_p و همچنین بین Y_T و C_T هیچ‌گونه همبستگی وجود ندارد و در نتیجه اثری برهم ندارند.

۲۱- گزینه «۱» بر طبق نظریه درآمد دائمی فریدمن در مصرف کالاها، همبستگی بین درآمد موقتی با مصرف موقتی، درآمد موقتی با درآمد دائمی و مصرف موقتی و مصرف دائمی صفر می‌باشد و رابطه‌ای بین آن‌ها وجود ندارد.

مصرف موقتی + مصرف دائمی = جمع مصرف جاری
درآمد موقتی + درآمد دائمی = جمع درآمد جاری

۲۲- گزینه «۱» با افزایش درآمد طبق نظریه دوزنبری MPC افزایش می‌یابد و با کاهش درآمد APC افزایش می‌یابد (APS کاهش می‌یابد)، کاهش درآمد در این حالت با کاهش مصرف و کاهش پس‌انداز رابطه تناسبی ندارد، ولی در حالت افزایش درآمد اگر افزایش درآمد از حداکثر درآمدهای قبلی بیشتر باشد فرد روی تابع مصرف بلندمدت حرکت می‌کند. ولی اگر به سطح درآمدهای قبلی نرسیده باشیم روی تابع مصرف کوتاه‌مدت هستیم و APC کاهش و APS افزایش می‌یابد.

۲۳- گزینه «۱» این گفته که در دوران رونق و با افزایش درآمد $\frac{C}{Y}$ یا نسبت مصرف به درآمد ملی کاهش می‌یابد، طبق گفته‌های کینز می‌باشد که البته با اطلاعات و داده‌های ادوار تجاری مطابقت دارد. با افزایش درآمد چون افراد می‌خواهند مصرف نسبتاً ثابتی را در طول زندگی داشته باشند سعی می‌کنند بیشتر این افزایش درآمد را پس‌انداز کنند و در نتیجه مصرف به اندازه درآمد افزایش نمی‌یابد و $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد. همچنین طبق نظریه فریدمن:

$$Y = Y_p + Y_T, \quad C = C_p + C_T, \quad C_p = kY_p$$

که Y و C درآمد و مصرف جاری، Y_p و C_p درآمد و مصرف دائمی و Y_T و C_T درآمد و مصرف زودگذر هستند که درآمد دائمی با درآمد زودگذر، مصرف جاری با مصرف زودگذر و مصرف زودگذر با درآمد زودگذر همبستگی ندارند. معمولاً افراد در دوران رونق اقتصادی دارای درآمد زودگذر مثبت و در دوران رکود دارای درآمد زودگذر منفی هستند. پس:

$$\text{در دوران رونق: } \frac{C}{Y} = \frac{C_p + C_T}{Y_p + Y_T} < \frac{C_p}{Y_p} = k \quad (Y_T > 0)$$

$$\text{در دوران رکود: } \frac{C}{Y} = \frac{C_p + C_T}{Y_p + Y_T} > \frac{C_p}{Y_p} = k \quad (Y_T < 0)$$

پس مشخص است در دوران رونق با افزایش سطح درآمد $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد و درآمد اضافه‌شده بیشتر صرف پس‌انداز و مخارج مصرفی می‌شود و نه مصرف.

۲۴- گزینه «۳» فریدمن در نظریه درآمد دائمی خود درآمد و مصرف را به دو جزء دائمی و گذرا تفکیک می‌کند. که Y_p درآمد دائمی، Y_T درآمد گذرا، C_p مصرف دائمی و C_T مصرف گذرا است. طبق این نظریه، بین Y_p و Y_T ، C_T و C_p و همچنین بین Y_T و C_T هیچ‌گونه همبستگی وجود ندارد و در نتیجه اثری برهم ندارند.

$$Y = Y_p + Y_T \quad C = C_p + C_T \quad C_p = kY_p$$

۲۵- گزینه «۴» این گفته که در دوران رونق و با افزایش درآمد $\frac{C}{Y}$ یا نسبت مصرف به درآمد ملی کاهش می‌یابد، طبق گفته‌های کینز می‌باشد که البته با اطلاعات و داده‌های ادوار تجاری مطابقت دارد. با افزایش درآمد چون افراد می‌خواهند مصرف نسبتاً ثابتی را در طول زندگی داشته باشند سعی می‌کنند بیشتر این افزایش درآمد را پس‌انداز کنند و در نتیجه مصرف به اندازه درآمد افزایش نمی‌یابد و $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد. همچنین طبق نظریه فریدمن:

$$Y = Y_p + Y_T, \quad C = C_p + C_T, \quad C_p = kY_p$$



که Y و C درآمد و مصرف جاری، Y_p و C_p درآمد و مصرف دائمی و Y_T و C_T درآمد و مصرف زودگذر هستند که درآمد دائمی با درآمد زودگذر، مصرف جاری با مصرف زودگذر و مصرف زودگذر با درآمد زودگذر همبستگی ندارند. معمولاً افراد در دوران رونق اقتصادی دارای درآمد زودگذر مثبت و در دوران رکود دارای درآمد زودگذر منفی هستند. پس:

$$\text{در دوران رونق: } \frac{C}{Y} = \frac{C}{Y_p + Y_T} > \frac{C}{Y_p} = k \quad (Y_T < 0)$$

$$\text{در دوران رکود: } \frac{C}{Y} = \frac{C}{Y_p + Y_T} < \frac{C}{Y_p} = k \quad (Y_T > 0)$$

پس مشخص است در دوران رونق با افزایش سطح درآمد $\frac{C}{Y}$ کاهش می‌یابد و درآمد اضافه‌شده بیشتر صرف پس‌انداز و مخارج مصرفی می‌شود و نه مصرف.

۲۶- گزینه «۱» فریدمن فقط در مورد درآمد و مصرف دائمی و زودگذر بحث می‌کند و مستقیماً به دوره زندگی افراد اشاره ندارد، بلکه فقط از آن می‌توان این نتیجه را گرفت که در جمعیت جوان چون سطح درآمد کمتر است میل متوسط به مصرف افزایش می‌یابد. کینز و دوزنبری نیز در این مورد بحثی به میان نمی‌آورند. فقط مودیگلیانی است که به طور مستقیم دوره زندگی را به سه دوره جوانی، میان‌سالی و پیری تقسیم می‌کند و این‌گونه بحث می‌کند که چون در دوره جوانی و پیری فرد درآمد زیادی ندارد بیشتر از آنکه پس‌انداز کند مصرف می‌کند و در نتیجه میل متوسط به مصرف $(\frac{C}{Y})$ بالایی دارد ولی در دوره میان‌سالی چون درآمد زیادی دارد بیشتر پس‌انداز می‌کند تا در دوره بعدی مصرفش کاهش پیدا نکند. در نتیجه، در این دوره میل متوسط به مصرف (APC) کاهش می‌یابد. در نتیجه با توجه به افزایش جمعیت جوان اگر منظور جمعیت جوان بدون درآمد و یا با درآمد کم باشد میل متوسط به مصرف افزایش می‌یابد و میل متوسط به پس‌انداز (APS) کاهش می‌یابد.

۲۷- گزینه «۱» نظریات مصرف همچون کینز، فریدمن و مودیگلیانی مطلوبیت فرد را از مصرف دیگران مستقل می‌دانند. ولی دوزنبری مطلوبیت فرد را از مصرف، وابسته به مصرف دیگران می‌داند و اعتقاد دارد، فرد زمانی مطلوبیت به دست می‌آورد که مصرف نسبی او نسبت به دیگران افزایش یابد و نه مصرف مطلق خود فرد، که به آن در اصطلاح عامیانه «چشم و هم‌چشمی» گفته می‌شود. همچنین دوزنبری معتقد است اگر درآمد فرد کاهش پیدا کند فرد مصرف خود را به همان نسبت کاهش نمی‌دهد، بلکه از پس‌انداز خود می‌کاهد و سعی می‌کند مصرف را در حد مصرف قبلی نگه دارد چون به آن سطح مصرف عادت کرده است. ولی با افزایش درآمد فرد مصرف خود را با نسبت میل متوسط به مصرف (APC) افزایش می‌دهد. در نتیجه در این سؤال با افزایش مالیات به میزان ۱۰ درصد برای دو سال به طور موقت طبق نظریه دوزنبری، فرد مصرف خود را کمتر از ۱۰ درصد کاهش می‌دهد و سعی می‌کند با کاهش پس‌انداز سطح مصرف خود را خیلی کاهش ندهد.

۲۸- گزینه «۴» طبق نظریه مصرف کینز، مصرف فرد تابع مستقیمی از درآمد قابل تصرف واقعی است. گزینه «۱» مربوط به نظریه دوزنبری است که اعتقاد دارد مصرف فرد به درآمد نسبی فرد در مقایسه با دیگران بستگی دارد و سطح مصرف دیگران را در مطلوبیت فرد مؤثر می‌داند. همچنین درآمدهای دائمی و زودگذر نیز فقط در نظریه فریدمن مطرح شده است.

۲۹- گزینه «۱» اگر مطابق با نظریه بارو - ریکاردو تحلیل کنیم گزینه «۱» صحیح می‌شود. طبق این نظریه، مردم اوراق قرضه دولتی را جزء ثروت خود به حساب نمی‌آورند، چون انتظار دارند دولت برای بازخرید این اوراق نرخ مالیات را در آینده افزایش دهد و در نتیجه با خرید اوراق قرضه دولتی ثروت مردم تغییر نکرده و مصرف آن‌ها تغییر نمی‌کند.

۳۰- گزینه «۲» طبق نظریه مصرف کینز، مصرف فرد تابع مستقیمی از درآمد قابل تصرف واقعی است. گزینه «۲» مربوط به نظریه دوزنبری است که اعتقاد دارد مصرف فرد به درآمد نسبی فرد در مقایسه با دیگران بستگی دارد و سطح مصرف دیگران را در مطلوبیت فرد مؤثر می‌داند. همچنین درآمدهای دائمی و زودگذر نیز فقط در نظریه فریدمن مطرح شده است.

۳۱- گزینه «۲» طبق نظریه دوزنبری با افزایش درآمد، مصرف فرد افزایش می‌یابد، اما با کاهش درآمد مصرف به همان نسبت کاهش نمی‌یابد چون فرد به آن سطح از مصرف عادت کرده است، پس میل نهایی به مصرف کوچک‌تر از میل متوسط به مصرف می‌شود و همچنین میل نهایی به مصرف کوچک‌تر از یک است.

۳۲- گزینه «۳» روابط نظریه درآمد دائمی به صورت مقابل است:

$$C_p = cY_p \quad ; \quad Y_p = \rho.w$$

که C_p مصرف دائمی، Y_p درآمد دائمی، ρ نرخ بازدهی متوسط انواع دارایی‌ها و w ثروت مادی و ثروت انسانی می‌باشد. در نتیجه درآمد دائمی با ثروت رابطه مستقیم دارد. با افزایش نرخ بهره، قیمت اوراق قرضه کاهش یافته و سبب کاهش ثروت و در نتیجه کاهش درآمد دائمی می‌شود. در نتیجه درآمد دائمی با نرخ بهره جاری رابطه معکوس دارد و تغییر در درآمد دائمی بر سطح مصرف تأثیر می‌گذارد و تغییر در درآمد زودگذر تأثیر چندانی بر سطح مصرف ندارد.

۳۳- گزینه «۴» میل نهایی به پس‌انداز تغییرات پس‌انداز را نسبت به درآمد ملی نشان می‌دهد که به صورت $MPS = \frac{\partial S}{\partial Y} = \frac{\Delta S}{\Delta Y}$ است. گزینه «۱» و گزینه «۲» میل متوسط به پس‌انداز را نشان می‌دهند.

$$S + C = Y \quad ; \quad \frac{S}{Y} + \frac{C}{Y} = 1 \quad , \quad APC = \frac{C}{Y} \quad , \quad APS = \frac{S}{Y} = 1 - \frac{C}{Y}$$

۳۴- گزینه «۲» در نظریه مصرف دوزنبیری افراد مستقل از هم نیستند و به یکدیگر وابسته هستند و مصرف یک فرد از مصرف فرد دیگر اثر می‌گیرد. دیگر نظریات مصرف همچون کینز، فریدمن و مودیگلیانی مطلوبیت فرد را از مصرف دیگران مستقل می‌دانند ولی دوزنبیری مطلوبیت فرد را از مصرف، وابسته به مصرف دیگران می‌داند و اعتقاد دارد فرد زمانی مطلوبیت به دست می‌آورد که مصرف نسبی او نسبت به دیگران افزایش یابد و نه مصرف مطلق خود فرد که به آن در اصطلاح عامیانه «چشم و هم‌چشمی» گفته می‌شود. همچنین دوزنبیری معتقد است اگر درآمد فرد کاهش پیدا کند فرد مصرف خود را به همان نسبت کاهش نمی‌دهد بلکه از پس‌انداز خود می‌کاهد و سعی می‌کند مصرف را در حد مصرف قبلی نگه دارد. چون به آن سطح مصرف عادت کرده است ولی با افزایش درآمد فرد مصرف خود را به نسبت میل متوسط به مصرف (APC) افزایش می‌دهد.

۳۵- گزینه «۳» روابط نظریه درآمد دائمی به صورت زیر است:

$$C_p = cY_p \quad ; \quad Y_p = \rho.w$$

که C_p مصرف دائمی، Y_p درآمد دائمی، ρ نرخ بازدهی متوسط انواع دارایی‌ها و w ثروت مادی و ثروت انسانی می‌باشد. بنابراین تغییر در درآمد دائمی بر سطح مصرف تأثیر می‌گذارد و تغییر در درآمد زودگذر تأثیر چندانی بر سطح مصرف ندارد. درآمد جاری برابر با مجموع درآمد دائمی و درآمد زودگذر است و چون درآمد زودگذر بر مصرف بی‌تأثیر است، نمی‌توان مصرف را تابع درآمد جاری دانست. نظریه درآمد نسبی توسط دوزنبیری ارائه شد و مربوط به نظریه فریدمن نمی‌باشد.

۳۶- گزینه «۲» طبق تئوری مصرف دوزنبیری تا وقتی که درآمد از حداکثر درآمد قبلی بیشتر باشد، MPC بلندمدت با MPC کوتاه‌مدت، APC کوتاه‌مدت و APC بلندمدت برابر است. اما اگر درآمد از حداکثر درآمد قبلی کمتر باشد، MPC بلندمدت و APC بلندمدت با هم برابر خواهند بود اما از MPC کوتاه‌مدت بزرگ‌تر و از APC کوتاه‌مدت کوچک‌تر خواهند بود. همچنین در کوتاه‌مدت MPC از APC کوچک‌تر است.

۳۷- گزینه «۲» رابطه درآمد دائمی و مصرف دائمی به صورت زیر است:

$$Y_t^P = \lambda Y_t + (1-\lambda)Y_{t-1} \quad ; \quad C_t = kY_t^P = k\lambda Y_t + k(1-\lambda)Y_{t-1}$$

که Y_t^P درآمد دائمی، Y_t درآمدی جاری در لحظه t و Y_{t-1} درآمد جاری در لحظه $t-1$ است. با توجه به رابطه، مشخص است که میل نهایی به مصرف در کوتاه‌مدت برابر $k\lambda$ است که $k = 0/8$ و $\lambda = 0/5$ است، پس میل نهایی به مصرف در کوتاه‌مدت $0/4$ است. میل متوسط به مصرف نیز از رابطه $\frac{C_t}{Y_t}$ به دست می‌آید.

$$C_t = 0/8 \times 0/5 Y_t + 0/8 (1 - 0/5) Y_{t-1} = 0/4 \times 1 + 0/4 \times 6 = 6/4 \quad , \quad APC = \frac{C_t}{Y_t} = \frac{6/4}{10} = 0/64$$

۳۸- گزینه «۳» وقتی درآمد دائمی بیشتر از درآمد جاری است یعنی درآمد اتفاقی منفی است. البته این منفی بودن درآمد اتفاقی ارتباطی با منفی بودن یا مثبت بودن مصرف اتفاقی ندارد. چون کوواریانس بین آن‌ها صفر است. پس به طور کلی نمی‌توان در مورد مصرف نظر داد. در این حالت APC کوتاه‌مدت از APC بلندمدت بزرگ‌تر و APS کوتاه‌مدت از APS بلندمدت کوچک‌تر است.



فصل هشتم

« مدل‌ها و نظریات سرمایه‌گذاری »

تست‌های طبقه‌بندی شده کنگوری فصل هشتم

- کج ۱-** بر حسب الگوی شتاب ساده سرمایه‌گذاری همچنان که اقتصاد وارد رکود می‌شود و درآمد ملی کاهش می‌یابد، ما انتظار داریم که: (سراسری ۷۵)
- (۱) موجودی سرمایه مطلوب منفی شود.
 - (۲) سطح سرمایه‌گذاری خالص صفر شود.
 - (۳) سطح سرمایه‌گذاری خالص منفی شود.
 - (۴) سطح سرمایه‌گذاری خالص با شتاب کمتری افزایش یابد.
- کج ۲-** هنگامی که مقوله استهلاک از مقدار سرمایه‌گذاری ناخالص کل خصوصی در اقتصادی تجاوز کند، آنگاه: (سراسری ۷۵)
- (۱) خالص سرمایه‌گذاری منفی است.
 - (۲) خالص سرمایه‌گذاری خارجی منفی است.
 - (۳) تولید ناخالص ملی بر حسب قیمت‌های حقیقی ثابت می‌ماند.
 - (۴) در این اقتصاد مصرف کل در حال افزایش و پس‌انداز کل در حال کاهش است.
- کج ۳-** بر اساس روش ارزش فعلی، ارزش تنزیل شده فعلی درآمدهای آینده، سرمایه‌گذاری (سراسری ۷۶)
- (۱) با نرخ بهره رابطه معکوس دارد.
 - (۲) با نرخ بهره رابطه مستقیم دارد.
 - (۳) با هزینه‌های اولیه سرمایه‌گذاری رابطه مستقیم دارد.
 - (۴) هیچ‌گونه استفاده کاربردی ندارد.
- کج ۴-** در نظریه شتاب ساده سرمایه‌گذاری با ضریب شتاب، برابر است. (سراسری ۷۶)
- (۱) ضریب فزاینده سرمایه‌گذاری (۲) نسبت سرمایه به تولید (۳) نسبت تولید به سرمایه (۴) نسبت سرمایه‌گذاری به تولید
- کج ۵-** افزایش در مخاطرات یا ریسک وام‌دهی در بازار سرمایه در نظام سرمایه‌گذاری شرکتی چه تأثیری را در این بازار به وجود می‌آورد؟ (سراسری ۷۹)
- (۱) موجب افزایش در منحنی عرضه وجوه مالی، کاهش نرخ بهره و افزایش مقدار سرمایه‌گذاری خواهد شد.
 - (۲) موجب افزایش در تابع تقاضای سرمایه‌گذاری، افزایش نرخ بهره و افزایش مقدار سرمایه‌گذاری خواهد شد.
 - (۳) موجب کاهش در منحنی عرضه وجوه مالی، افزایش نرخ بهره و کاهش مقدار سرمایه‌گذاری خواهد شد.
 - (۴) موجب کاهش در تابع تقاضای سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ بهره و کاهش مقدار سرمایه‌گذاری خواهد شد.
- کج ۶-** هرچه هزینه سفارش کالای جدید بیشتر، سرعت دریافت کالا کمتر، و نرخ بهره پایین‌تر باشد، نسبت مطلوب ذخایر انبار بنگاه‌های اقتصادی به میزان فروش آن، (سراسری ۷۹)
- (۱) بیشتر خواهد بود.
 - (۲) کمتر خواهد بود.
 - (۳) تغییری نخواهد کرد.
 - (۴) بستگی به ذخایر انبار در دوره‌های قبل دارد.
- کج ۷-** کینز بر این اعتقاد بود که نوسانات در اقتصاد عمدتاً ناشی از: (آزاد ۸۰)
- (۱) تغییرات بی‌رویه در حجم اسمی پول است.
 - (۲) نوسانات در نوسانات در سرمایه‌گذاری است.
 - (۳) نوسانات در تکنولوژی مورد استفاده در تولید است.
 - (۴) تغییرات در عرضه کار است.
- کج ۸-** کدام یک از سیاست‌های زیر به ترتیب دارای بیشترین تأثیر و کمترین تأثیر بر سطح درآمد ملی هستند؟ (سراسری ۸۱)
- (۱) کاهش موقت مالیات بر سرمایه‌گذاری و کاهش موقت مالیات بر مصرف
 - (۲) کاهش موقت مالیات بر سرمایه‌گذاری و افزایش مالیات بر مصرف
 - (۳) کاهش موقت مالیات بر مصرف و کاهش موقت مالیات بر سرمایه‌گذاری
 - (۴) افزایش موقت مالیات بر مصرف و افزایش موقت مالیات بر سرمایه‌گذاری



- ۹- از نظر کینز، دلیل اصلی نوسانات در اقتصاد مبتنی بر بازار:
- (۱) نوسانات در سرمایه‌گذاری است.
 (۲) نوسانات در سرمایه‌گذاری و حجم اسمی پول است.
 (۳) نوسانات در حجم اسمی پول است.
 (۴) نوسانات در سطح تولید است.
- ۱۰- براساس روش محاسبه یورگنسون از هزینه اجاره سرمایه، در صورتی که قیمت کالای سرمایه‌ای ثابت باشد، کدام مورد هزینه اجاره سرمایه را کاهش می‌دهد؟
- (۱) نرخ استهلاک
 (۲) نرخ بهره حقیقی
 (۳) نرخ بهره اسمی
 (۴) نرخ تورم کالاهای سرمایه‌ای
- ۱۱- کینز معتقد بود که باید دلیل عمده نوسانات اقتصاد را:
- (۱) در تغییرات عرضه و تقاضا برای کار جستجو کرد.
 (۲) در تغییرات سرمایه‌گذاری جستجو کرد.
 (۳) در نوسانات سرمایه‌گذاری جستجو کرد.
 (۴) در تغییرات بی‌رویه حجم اسمی پول جستجو کرد.
- ۱۲- در اقتصاد کلان، کاهش در موجودی انبار:
- (۱) معادل یک نوع پس‌انداز مثبت است.
 (۲) معادل یک نوع کاهش در سرمایه‌گذاری است.
 (۳) معادل یک نوع پس‌انداز منفی است.
 (۴) معادل یک نوع افزایش در سرمایه‌گذاری است.
- ۱۳- چنانچه میل نهایی به مصرف در جامعه‌ای معادل $MPC = 0.8$ باشد و افزایش اولیه سرمایه‌گذاری مستقل برابر 20 میلیارد ریال باشد براساس نظریه ضریب فزاینده $K = \frac{\Delta Y}{\Delta I}$ در آمد ملی به چه میزان افزایش می‌یابد؟
- (۱) $\Delta Y = 200$
 (۲) $\Delta Y = 150$
 (۳) $\Delta Y = 100$
 (۴) $\Delta Y = 300$
- ۱۴- طبق اصل شتاب ساده، اگر تقاضای کل با نرخ کاهنده افزایش یابد در این صورت:
- (۱) سرمایه‌گذاری خالص کاهش می‌یابد.
 (۲) سرمایه‌گذاری خالص منفی می‌شود.
 (۳) سرمایه‌گذاری خالص صفر می‌شود.
 (۴) سرمایه‌گذاری خالص افزایش می‌یابد.
- ۱۵- مقدار GNP معادل 10000 واحد، مصرف کل معادل 5000 واحد مقدار استهلاک 200 واحد است تراز تجاری هم برقرار است. کسر بودجه دولت معادل 200 و کل مالیات معادل 2800 واحد است پس انداز ناخالص و سرمایه‌گذاری خالص کل عبارت است از:
- (۱) 2200 و 1800
 (۲) 2000 و 1600
 (۳) 2200 و 2000
 (۴) 2500 و 1800
- ۱۶- کدام مورد به احتمال زیاد توسط یک مدل شتاب سرمایه‌گذاری تعیین نمی‌شود؟
- (۱) سرمایه‌گذاری مطلوب در موجودی انبار
 (۲) مخارج مصرف کنندگان برای خرید مواد غذایی
 (۳) سرمایه‌گذاری در ساختمان‌سازی برای مسکن خصوصی
 (۴) مخارج تولید کنندگان برای خرید کالاهای تولیدی
- ۱۷- پرداخت سوبسید به سرمایه‌گذاری
- (۱) نرخ بهره و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد.
 (۲) نرخ بهره و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.
 (۳) نرخ بهره را افزایش و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.
 (۴) نرخ بهره را کاهش و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد.
- ۱۸- اگر درصد استهلاک بنگاه کاهش یابد، سرمایه‌گذاری خالص تعادلی:
- (۱) افزایش می‌یابد.
 (۲) بدون تغییر می‌ماند.
 (۳) کاهش می‌یابد.
 (۴) ممکن است افزایش یابد.
- ۱۹- در الگوی سرمایه‌گذاری، تحلیل ساده شتاب، مبین آن است که:
- (۱) تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای به طور غیرمستقیم با سطح درآمد ملی در ارتباط است.
 (۲) تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای صرفاً به هزینه استهلاک بستگی دارد.
 (۳) تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای مستقیماً با تغییر در سطح درآمد ملی تغییر می‌کند.
 (۴) تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای متأثر از درآمد ملی نیست.



(آزاد ۸۸)

کج ۲۰- فرض اساسی در نظریه شتاب ساده سرمایه‌گذاری:

- (۱) نسبت ثابت تغییرات تولید به سرمایه‌گذاری است.
 (۲) نسبت ثابت تغییرات تولید به سرمایه است.
 (۳) نسبت ثابت سرمایه‌گذاری به تولید است.
 (۴) نسبت ثابت سرمایه به تولید است.

(آزاد ۸۹)

کج ۲۱- با توجه به تحلیل کینز، اگر روی منحنی MEI سرمایه‌گذاری مثبتی صورت گیرد، موجودی سرمایه:

- (۱) کمتر از حد مطلوب است.
 (۲) در حال کاهش خواهد بود.
 (۳) بیش از حد مطلوب است.
 (۴) در حد مطلوب است.

(آزاد ۸۹)

کج ۲۲- اگر منحنی LM صعودی و منحنی IS عمودی باشد، کدام یک از عبارات زیر صحیح است؟

- (۱) تقاضای کل افقی و سیاست مالی بر تولید اسمی مؤثر است.
 (۲) تقاضای کل عمودی و سیاست مالی بر تولید اسمی مؤثر نیست.
 (۳) تقاضای کل عمودی و سیاست پولی بر تولید اسمی مؤثر است.
 (۴) تقاضای کل عمودی و سیاست مالی بر تولید اسمی مؤثر است.

کج ۲۳- اگر فرض کنیم تابع MEI به شکل $I = 500 - 40m$ که در آن m نشان دهنده نرخ بازدهی داخلی می‌باشد و چنانچه میزان سرمایه‌گذاری

(آزاد ۹۰)

معادل ۴۹۰ واحد پولی فرض گردد در این شرایط نرخ بهره برابر است با:

- (۱) ۰/۲
 (۲) ۰/۳۵
 (۳) ۰/۳
 (۴) ۰/۲۵

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل هشتم

۱- گزینه «۳» اگر الگوی شتاب ساده در اقتصاد وجود داشته باشد نسبت سرمایه به تولید ثابت است یعنی:

$$K = kY \Rightarrow \Delta K = k\Delta Y \Rightarrow I_n = k\Delta Y$$

از آنجا که k عدد ثابتی است تغییرات سرمایه یا سرمایه‌گذاری خالص تابعی مستقیم از تغییرات درآمد خواهد بود. پس در حالت رکود چون به سرمایه کمتری احتیاج خواهیم داشت سرمایه‌گذاری خالص منفی خواهد بود.

۲- گزینه «۱» سرمایه‌گذاری خالص (مثل هر متغیر خالص دیگر در اقتصاد کلان) از سرمایه‌گذاری ناخالص منهای استهلاک به دست می‌آید و اگر استهلاک از سرمایه‌گذاری ناخالص بیشتر باشد سرمایه‌گذاری خالص منفی خواهد بود.

$$I_n = I_g - D \quad \text{if } D > I_g \Rightarrow I_n < 0$$

۳- گزینه «۱» هرچه نرخ بهره افزایش یابد، ارزش فعلی درآمدهای دوره آینده کمتر خواهد شد، ارزش فعلی درآمدهای دوره آینده از رابطه زیر به دست

$$PV = \frac{TR_t}{(1+r)^t} \quad \text{می‌آید:}$$

در این صورت NPV نیز کم می‌شود و تعداد پروژه‌هایی که توجیه اقتصادی دارند کاهش می‌یابد و در نتیجه سرمایه‌گذاری کم می‌شود.

۴- گزینه «۲» در نظریه شتاب ساده سرمایه‌گذاری، نسبت سرمایه به تولید ($k = \frac{K}{Y}$) همواره برابر با مقدار ثابتی می‌باشد که همان ضریب شتاب خواهد بود:

$$k = \frac{K}{Y} \Rightarrow K = kY \Rightarrow \Delta K = k\Delta Y \Rightarrow I_n = k\Delta Y$$

۵- گزینه «۳» در صورت افزایش ریسک، افراد نرخ بهره بیشتری را در مقابل عرضه پول پیشنهاد می‌دهند. بین ریسک و نرخ بهره رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. با افزایش ریسک عرضه وجوه مالی کم می‌شود، نرخ بهره در بازار افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاری به دلیل افزایش نرخ بهره کاهش می‌یابد.

۶- گزینه «۱» در تعیین موجودی بهینه انبار دو نکته بسیار حائز اهمیت می‌باشد. ابتدا هزینه‌های انبارداری و نگهداری مواد اولیه در انبار و ارزش پولی آن‌ها و دومی هزینه هر بار حمل و سفارش و روزهای تحویل کالا و مواد اولیه. موجودی بهینه انبار مقدار موجودی است که این دو هزینه را حداقل نماید، بنابراین هرچه هزینه حمل و نقل، سفارش، رسیدن کالا و قرارداد بیشتر باشد، بنگاه‌ها موجودی بیشتری نگهداری می‌کنند و هرچه نرخ بهره بالاتر رود، ارزش موجودی انبار و قیمت مواد اولیه افزایش می‌یابد و بنگاه‌ها سعی در نگه‌داشتن مواد اولیه کمتری خواهند داشت.

۷- گزینه «۲» کینز بیشتر معتقد بود که اقتصاد طرف تقاضا اهمیت دارد و اگر تقاضا ایجاد شود، عرضه به وجود می‌آید و معتقد به دخالت دولت برای خروج از بحران اقتصادی بود و مهم‌ترین دلیل نوسانات اقتصادی را سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌دانست. در مقابل دیدگاه کلاسیک و پول‌گراها، معتقد بودند که دخالت‌های دولت در اقتصاد و سیاست‌های مالی دولت و همچنین تغییرات حجم پول توسط بانک مرکزی مهم‌ترین دلیل در نوسانات اقتصادی می‌باشد.

۸- گزینه «۱» اگر نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری به صورت موقت کاهش یابد، سرمایه‌گذاران به سرعت سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند و باعث افزایش در درآمد ملی خواهند شد و اگر مالیات بر مصرف به طور موقت کاهش یابد طبق الگوی درآمد دائمی فریدمن، مصرف‌کنندگان این تغییر را گذرا و موقتی تلقی نموده و تأثیر زیادی در مصرف آن‌ها نخواهد داشت و با تغییر جزئی مصرف درآمد ملی تغییر زیادی نخواهد داشت.

۹- گزینه «۱» کینز بیشتر معتقد بود که اقتصاد طرف تقاضا اهمیت دارد و اگر تقاضا ایجاد شود عرضه به وجود می‌آید و معتقد به دخالت دولت برای خروج از بحران اقتصادی بود و مهم‌ترین دلیل نوسانات اقتصادی را سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌دانست. در طرف مقابل دیدگاه کلاسیک و پول‌گراها معتقد بودند که دخالت‌های دولت در اقتصاد و سیاست‌های مالی دولت و همچنین تغییرات حجم پول توسط بانک مرکزی مهم‌ترین دلیل در نوسانات اقتصادی می‌باشد.



۱۰- گزینه «۴» سؤال به شکل داده شده درست نیست. هزینه اجاره سرمایه (هزینه فرصت) از رابطه روبرو به دست می آید:

$$\frac{RC}{P} = r - \dot{P}^e + \delta$$

r : نرخ بهره اسمی \dot{P}^e : نرخ تورم انتظاری δ : نرخ استهلاک $r - \dot{P}^e$: نرخ بهره حقیقی

پس افزایش نرخ استهلاک و کاهش نرخ بهره اسمی و حقیقی باعث می شود هزینه اجاره سرمایه کاهش یابد. ضمناً با توجه به اینکه در سؤال فرض شده است که قیمت کالای سرمایه ای ثابت است، وجود تورم برای کالاهای سرمایه ای بی معنی به نظر می رسد. اما با این وجود گزینه (۴) به عنوان گزینه درست انتخاب شده است.

۱۱- گزینه «۳» کینز بیشتر معتقد بود که در اقتصاد طرف تقاضا اهمیت دارد و اگر تقاضا ایجاد شود، عرضه به وجود می آید و معتقد به دخالت دولت برای خروج از بحران اقتصادی بود و مهم ترین دلیل نوسانات اقتصادی را سرمایه گذاری بخش خصوصی می دانست. در طرف مقابل دیدگاه کلاسیک و پول گراها معتقد بودند که دخالت های دولت در اقتصاد و سیاست های مالی دولت و همچنین تغییرات حجم پول توسط بانک مرکزی مهم ترین دلیل در نوسانات اقتصادی می باشد.

۱۲- گزینه «۲» در حالت تعادل سرمایه گذاری برنامه ریزی شده با پس انداز برابر است. حال اگر کاهش در موجودی انبار به وجود آید یا باید ناشی از این باشد که مصرف کننده پس انداز خود را کاهش داده و مصرف را افزایش داده و تولیدکنندگان نتوانسته اند در همان لحظه پاسخ دهند و موجودی انبار کاهش پیدا می کند. حالت دیگر زمانی است که سرمایه گذاری در موجودی انبار کاهش پیدا کند و در نتیجه موجودی انبار جوابگوی تقاضا نباشد و از میزان آن کاسته شود و در حقیقت معادل یک نوع کاهش سرمایه گذاری است.

۱۳- گزینه «۳» چنانچه $K = \frac{dY}{dI}$ را از رابطه IS محاسبه کنیم به رابطه روبرو می رسیم:

$$K = \frac{dY}{dI} = \frac{1}{1 - c(1 - t)}$$

چون در سؤال از نرخ مالیات صحبتی نشده است مقدار t را برابر صفر در نظر می گیریم. منظور از c نیز همان میل نهایی به مصرف یا MPC است.

$$K = \frac{dY}{dI} = \frac{1}{1 - c} = \frac{1}{1 - MPC} = \frac{1}{1 - 0.8} = 5 \rightarrow \Delta Y = K \Delta I = 5 \Delta I \rightarrow \Delta Y = 5 \times 20 = 100$$

۱۴- گزینه «۱» اصل شتاب ساده این مطلب را بیان می کند که سرمایه گذاری تابعی از تولید یا درآمد ملی و در نتیجه تابعی از تقاضای کل نیز می باشد. حال اگر تقاضای کل در حال افزایش باشد سرمایه گذاری خالص مثبت و اگر تقاضای کل در حال کاهش باشد سرمایه گذاری خالص منفی است. اگر نرخ افزایش تقاضای کل فزاینده باشد سرمایه گذاری خالص مثبت و در حال افزایش است و اگر نرخ افزایش تقاضای کل کاهنده باشد سرمایه گذاری خالص مثبت ولی در حال کاهش است.

۱۵- گزینه «۱» چون تراز تجاری برقرار است ($X - M = 0$) می توانیم بخش خارجی را در نظر نگیریم. بنابراین با توجه به مدل سه بخشی مصرف - درآمد و روابط بین متغیرهای کلان به صورت زیر خواهیم داشت:

$$G - T = 200 \Rightarrow G - 2800 = 200 \Rightarrow G = 3000$$

$$Y = C + I + G \Rightarrow 10000 = 5000 + I + 3000 \Rightarrow I_g = 2000$$

$$I_n = I_g - D \Rightarrow I_n = 2000 - 200 \Rightarrow I_n = 1800$$

$$\text{پس انداز ناخالص} = 2000 + 200 = 2200$$

۱۶- گزینه «۲» در الگوی شتاب سرمایه گذاری، نسبت سرمایه به تولید ثابت به دست می آید و در الگوی شتاب ساده رابطه زیر بین سرمایه گذاری و درآمد وجود دارد. در نتیجه مصرف برای مواد غذایی، ارتباطی به رابطه روبرو نخواهد داشت:

$$K = kY$$

۱۷- گزینه «۱» با پرداخت سوبسید به سرمایه گذاری، سرمایه گذاری افزایش می یابد و در مدل IS-LM، منحنی IS به سمت راست منتقل می شود در نتیجه نرخ بهره و Y افزایش می یابند. با افزایش درآمد سرمایه گذاری مجدداً افزایش می یابد.

۱۸- گزینه «۱» می‌دانیم بین سرمایه‌گذاری خالص و هزینه سرمایه رابطه معکوس وجود دارد و هزینه سرمایه برابر است با: $\frac{RC}{P} = r - \dot{P}^e + \delta - \gamma$

که در آن r نرخ بهره اسمی، \dot{P}^e نرخ تورم انتظاری، δ نرخ استهلاک و γ نرخ تخفیف مالیاتی است. مشخص است که با کاهش نرخ استهلاک، هزینه سرمایه کاهش می‌یابد و موجب افزایش سرمایه‌گذاری خالص می‌شود.

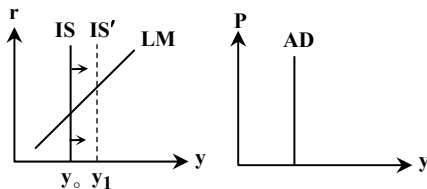
۱۹- گزینه «۳» اصل ساده شتاب در سرمایه‌گذاری این مطلب را بیان می‌کند که سرمایه‌گذاری با درآمد ملی رابطه مستقیم دارد. بنابراین با تغییر در سطح درآمد ملی، تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

۲۰- گزینه «۱ و ۴» طبق نظریه شتاب ساده سرمایه‌گذاری، نسبت سرمایه به تولید همواره مقدار ثابتی است که به این نسبت ثابت «ضریب شتاب» می‌گویند. در این صورت می‌توان نشان داد که نسبت سرمایه‌گذاری خالص به تغییرات تولید نیز همواره ثابت و برابر با ضریب شتاب است.

$$\frac{K_t}{Y_t} = k \Rightarrow K_t = kY_t \Rightarrow \Delta K_t = k\Delta Y_t \Rightarrow I_{nt} = k\Delta Y_t \Rightarrow \frac{I_{nt}}{\Delta Y_t} = k$$

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نسبت تغییرات تولید به سرمایه‌گذاری نیز ثابت و برابر با $\frac{1}{k}$ است.

۲۱- گزینه «۴» MEI منحنی کارایی نهایی سرمایه‌گذاری می‌باشد که روی محور افقی سرمایه‌گذاری و در محور عمودی نرخ بهره قرار می‌گیرد که منفی، با شیب منفی خواهد بود. در منحنی MEI به ازای هر نرخ بهره، پروژه‌های غیر قابل توجیه در نظر گرفته نمی‌شود. جابه‌جایی منحنی MEI از بهبود تکنولوژی، ریسک سرمایه‌گذاری، تغییر قیمت مواد اولیه و خوش‌بینی یا بدبینی انتظارات تأثیر می‌پذیرد، ولی حرکت روی منحنی تنها تابع نرخ بهره است که با کاهش نرخ بهره سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و برعکس. بنابراین حرکت روی منحنی MEI حد مطلوب سرمایه‌گذاری را نمایش می‌دهد.



۲۲- گزینه «۴» اگر IS عمودی و LM صعودی باشد، تقاضای کل عمودی بوده و تنها سیاست مالی مؤثر است و تولید را تغییر می‌دهد.

۲۳- گزینه «۴» اگر منظور طراح از میزان سرمایه‌گذاری، میزان سرمایه‌گذاری تعادلی باشد، آنگاه باید نرخ بازدهی داخلی در تعادل برابر با نرخ بهره باشد، لذا داریم:

$$I = 500 - 40m \Rightarrow 490 = 500 - 40m \Rightarrow m = 0.25 \Rightarrow r = 0.25$$



فصل نهم

« عرضه و تقاضای پول »

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکور فصل نهم

- کله ۱-** هدف اساسی سیاست‌های انقباضی برای مبارزه با تورم محدود کردن عرضه پول است. این هدف از طریق کدام یک از تغییرات زیر به وجود می‌آید؟ (سراسری ۷۵)
- (۱) افزایش در ضریب ذخیره دولتی
(۲) افزایش در وام‌های بانک مرکزی به بانک‌های تجاری
(۳) کاهش در نرخ تنزیل مجدد
(۴) خرید اوراق قرضه دولتی در بازار اوراق قرضه، توسط بانک مرکزی
- کله ۲-** براساس نظریه مقداری پول اگر تولید ۵۰۰ واحد، سرعت گردش پول ۴ و حجم پول ۳۰۰۰ میلیارد ریال باشد، در این صورت سطح قیمت (متوسط قیمت هر واحد کالا) برابر است با: (سراسری ۷۵)
- (۱) ۲۴
(۲) ۴۰
(۳) ۶۰
(۴) ۳۰۰
- کله ۳-** فروش اوراق قرضه دولتی برای تأمین کسری بودجه توسط خزانه‌داری به مردم:
(۱) حجم پول و دارایی‌های بخش خصوصی را افزایش می‌دهد.
(۲) حجم پول را تغییر نمی‌دهد و فقط دارایی‌های بخش خصوصی را کاهش می‌دهد.
(۳) حجم پول را تغییر نداده و فقط دارایی‌های بخش خصوصی را افزایش می‌دهد.
(۴) موجب کاهش حجم پول و افزایش دارایی‌های بخش خصوصی می‌شود.
- کله ۴-** کاهش در عرضه پول واقعی که به دلیل کاهش در عرضه اسمی پول ایجاد شده باشد به کدام صورت نشان داده می‌شود؟ (سراسری ۷۶)
- (۱) انتقال منحنی تقاضای کل به سمت چپ
(۲) انتقال منحنی تقاضای کل به سمت راست
(۳) حرکت روی منحنی تقاضای کل به سمت چپ
(۴) حرکت روی منحنی تقاضای کل به سمت راست
- کله ۵-** اگر بانک مرکزی بخواهد به دلیل سیاست توازن بودجه و به دنبال کاهش مخارج دولت، نرخ بهره را تثبیت کند، نیاز دارد که:
(۱) اوراق قرضه در عملیات بازار باز خریداری کند.
(۲) اوراق قرضه در عملیات بازار باز به فروش برساند.
(۳) درصد ذخیره قانونی را کاهش دهد.
(۴) نسبت اسکناس و مسکوک به سپرده‌ها را کاهش دهد.
- کله ۶-** اشخاص نقدینگی بیشتری نگهداری می‌کنند، اگر آن‌ها:
(۱) فکر کنند که قیمت اوراق قرضه افزایش می‌یابد.
(۲) انتظار داشته باشند که نرخ بهره (بازدهی) اوراق قرضه کاهش یابد.
(۳) انتظار داشته باشند که نرخ بهره (بازدهی) اوراق قرضه کاهش یابد.
(۴) انتظار داشته باشند که نرخ بهره (بازدهی) اوراق قرضه افزایش یابد.
- کله ۷-** در کدام یک از موارد زیر حجم اسمی پول افزایش می‌یابد؟ (سراسری ۷۸)
- (۱) بانک مرکزی اقدام به خرید اوراق قرضه نماید.
(۲) ضریب ذخیره‌ی قانونی افزایش یابد.
(۳) نرخ تنزیل مجدد افزایش یابد.
(۴) بانک مرکزی اقدام به فروش اوراق قرضه نماید.
- کله ۸-** شیب تابع تقاضای سفته‌بازی پول در قبال نرخ بهره در صورت افزایش خطر فعالیت‌های سفته‌بازی چه تغییری خواهد داشت؟ (سراسری ۷۸)
- (۱) افزایش می‌یابد.
(۲) کاهش می‌یابد.
(۳) تغییری نشان نمی‌دهد.
(۴) جهت تغییر شیب بستگی به حساسیت سرمایه‌گذاری در قبال نرخ بهره دارد.
- کله ۹-** تعریف M_1 از پول شامل:
(۱) پول خارج از بانک‌ها، سپرده‌های دیداری و چک‌های مسافرتی می‌شود.
(۲) پول خارج از بانک‌ها و سپرده‌های دیداری می‌شود.
(۳) پول منتشر شده و سپرده‌های دیداری می‌شود.
(۴) پول منتشر شده، سپرده‌های دیداری و حساب سپرده بازار پول می‌شود.



کله ۱۰- در یک اقتصاد فرضی، افزایشی معادل ۱۵٪ در حجم پول و کاهش می معادل ۲٪ در سرعت گردش پول در یک سال معین رخ داده است، انتظار داریم که در این سال تولید ناخالص ملی اسمی،

(سراسری ۷۹)

- (۱) ۳۰٪ کاهش یابد. (۲) ۷/۵٪ کاهش یابد. (۳) ۷/۵٪ افزایش یابد. (۴) ۱۳٪ افزایش یابد.

کله ۱۱- براساس دیدگاه فریدمن تقاضای پول (اسمی) با سطح عمومی قیمت‌ها و تورم انتظاری به ترتیب ارتباط (سراسری ۷۹)

- (۱) مستقیم و مستقیم دارد. (۲) معکوس و معکوس دارد. (۳) مستقیم و معکوس دارد. (۴) معکوس و مستقیم دارد.

کله ۱۲- اگر سرعت درآمدی گردش پول برابر با ۳ باشد به این معنی است که، (سراسری ۷۹)

- (۱) به طور متوسط مردم برای هر ریال مخارج روی کالاها و خدمات سه ریال پول نگهداری می کنند.
 (۲) به طور متوسط حجم پول ۳ مرتبه در مبادله‌های مربوط به اقتصاد دست به دست شده است.
 (۳) به طور متوسط هر ریال از حجم پول کشور به میزان سه ریال از مخارج روی کالاها و خدمات نهایی و واسطه‌ای را تأمین مالی می کند.
 (۴) به طور متوسط هر ریال از حجم پول کشور سه مرتبه تبدیل به درآمد شده است.

کله ۱۳- تقاضای معاملاتی پول:

(سراسری ۷۹)

- (۱) ارتباطی با سرعت گردش پول ندارد. (۲) با نرخ بهره رابطه غیرمستقیم دارد.
 (۳) با سطح قیمت‌ها رابطه معکوس دارد. (۴) صرفاً تابعی از درآمد ملی است.

کله ۱۴- ضریب فزاینده پولی کشور در سالی معین برابر با ۳/۵۷ برآورد گردیده است. در این سال دولت مبلغ ۱۰ میلیارد ریال از بانک مرکزی وام گرفته است. تغییر در پایه پولی در این سال کدام است؟ (سراسری ۷۹)

- (۱) افزایشی معادل ۳۵/۷ میلیارد ریال (۲) افزایشی معادل ده میلیارد ریال
 (۳) کاهش می معادل ده میلیارد ریال (۴) کاهش می معادل ۳۵/۷ میلیارد ریال

کله ۱۵- اگر در نتیجه تورم، درآمد ماهیانه فردی ۵۰ درصد و نرخ بهره ۲۰ درصد افزایش پیدا کند، لیکن به دلیل ابداعات پولی، هزینه‌های برداشت پول از سیستم بانکی علی‌رغم تورم ۲۰ درصد کاهش پیدا کند، این تغییرات چه تأثیری بر تقاضای پول فرد خواهد داشت؟ (سراسری ۸۱)

- (۱) ۵ درصد کاهش می یابد. (۲) ۱۰ درصد کاهش می یابد. (۳) ۵۰ درصد افزایش می یابد. (۴) تغییری نمی کند.

کله ۱۶- نرخ تنزیل مجدد، نرخ بهره‌ای است که:

(آزاد ۸۱)

- (۱) براساس آن بانک‌های تجاری از یکدیگر اعتبار دریافت می کنند.
 (۲) براساس آن بانک‌های تجاری از بانک مرکزی قرض می گیرند.
 (۳) اشخاص حقیقی در آن اوراق بهادار خود را برای بار دوم تنزیل می کنند.
 (۴) اشخاص حقیقی به پشتوانه اوراق بهادار خود از بانک‌های تجاری اعتبار می گیرند.

کله ۱۷- دولت اوراق قرضه‌اش را از بانک مرکزی خریداری می کند و معادل آن را به مردم می فروشد، در نتیجه:

(آزاد ۸۱)

- (۱) پایه پول و عرضه پول تغییر نمی کند. (۲) پایه پول تغییر نمی کند ولی عرضه پول کاهش می یابد.
 (۳) پایه پول و عرضه پول کاهش می یابد. (۴) پایه پول کاهش می یابد ولی عرضه پول تغییر نمی کند.

کله ۱۸- تأمین کسری بودجه دولت از طریق فروش اوراق بهادار:

(آزاد ۸۳)

- (۱) موجب افزایش حجم اسمی پول می شود. (۲) موجب کاهش حجم اسمی پول می شود.
 (۳) تغییری در حجم اسمی پول ایجاد نمی کند. (۴) موجب افزایش حجم حقیقی پول می شود.

کله ۱۹- با فرض ثابت بودن حجم حقیقی پول، یک کاهش ناگهانی در درآمد کل موجب:

(آزاد ۸۳)

- (۱) افزایش در تقاضا برای پول جهت مبادلات و افزایش تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی می شود.
 (۲) کاهش در تقاضا برای پول جهت مبادلات و کاهش در تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی می شود.
 (۳) افزایش در تقاضا برای پول جهت مبادلات و کاهش در تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی می شود.
 (۴) کاهش در تقاضا برای پول جهت مبادلات و افزایش در تقاضا برای پول جهت سفته‌بازی می شود.



(سراسری ۸۴)

کدام ۲۰- در مکتب پولی فریدمن:

- (۱) در بلندمدت تنها مسئله نظام سرمایه‌داری مسئله بیکاری است.
- (۲) سیاست‌های طرف تقاضا در بلندمدت مؤثر نیست اما در کوتاه‌مدت مؤثر است.
- (۳) سیاست‌های طرف تقاضا در بلندمدت مؤثر نیست اما تنها سیاست‌های پیش‌بینی نشده در کوتاه‌مدت مؤثر است.
- (۴) نظریه تورم بر فشار هزینه مبتنی است.

(آزاد ۸۴)

کدام ۲۱- کدام یک از موارد سبب افزایش پایه پولی می‌شود؟

- (۱) افزایش مازاد حساب ذخیره ارزی دولت
- (۲) افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی
- (۳) افزایش صادرات
- (۴) ۱ و ۲

(آزاد ۸۴)

کدام ۲۲- کدام یک از شیوه‌های زیر برای تأمین کسری بودجه سبب افزایش نقدینگی می‌شود؟

- (۱) فروش اوراق مشارکت (اوراق قرضه) توسط دولت به بانک مرکزی
- (۲) فروش اوراق مشارکت (اوراق قرضه) توسط دولت به مردم
- (۳) فروش اوراق مشارکت (اوراق قرضه) توسط بانک مرکزی
- (۴) شیوه‌های ۱ و ۲

(آزاد ۸۵)

کدام ۲۳- ابداع روش‌های نوین بانکی مانند ایجاد کارت‌های اعتباری توسط بانک‌های تجاری:

- (۱) حجم پول را تغییر می‌دهد.
- (۲) حجم پایه پولی را تغییر می‌دهد.
- (۳) سرعت گردش پول را تغییر می‌دهد.
- (۴) تغییری به وجود نمی‌آورد.

(آزاد ۸۵)

کدام ۲۴- عملیات بازار باز کدام یک از موارد زیر است؟

- (۱) دریافت اوراق قرضه دولتی توسط بانک مرکزی از دولت و انتشار پول
- (۲) خرید اوراق قرضه دولتی توسط بانک‌های تجاری از مردم
- (۳) بازخرید اوراق قرضه دولتی توسط خزانه‌داری از مردم
- (۴) خرید اوراق قرضه دولتی توسط بانک مرکزی از بانک‌های تجاری

کدام ۲۵- در نظریه تقاضای معاملاتی پول کینز چنانچه $L_1 = kY$ تقاضای معاملاتی معادل $L_1 = kY$ باشد با فرض آن که $Y = 1000$ میلیارد ریال باشد و مقدار

(آزاد ۸۶)

k از $k = \frac{1}{4}$ به $k = \frac{1}{8}$ کاهش یابد تقاضای معاملاتی پول از:

- (۱) از ۱۲۵ میلیارد ریال به ۱۰۰ میلیارد ریال کاهش می‌یابد.
- (۲) از ۲۵۰ میلیارد ریال به ۱۰۰ میلیارد ریال کاهش می‌یابد.
- (۳) از ۱۲۵ میلیارد ریال به ۸۰ میلیارد ریال کاهش می‌یابد.
- (۴) از ۲۵۰ میلیارد ریال به ۱۲۵ میلیارد ریال کاهش می‌یابد.

(آزاد ۸۶)

کدام ۲۶- در نظام بانکداری حجم ذخایر قانونی به کدام یک از عوامل زیر بستگی دارد؟

- (۱) به سپرده دیداری بانک
- (۲) به ضریب ذخیره قانونی
- (۳) به حجم پول در گردش
- (۴) به مقدار سپرده دیداری بانک‌ها و ضریب ذخیره قانونی

(آزاد ۸۷)

کدام ۲۷- پایه پولی یا پول مبنا عبارت است از:

- (۱) مجموع سپرده‌های دیداری و غیر دیداری
- (۲) مجموع پول نقد، اسکناس و مسکوک در دست مردم و ذخایر در دست بانک‌ها
- (۳) مجموع اسکناس، مسکوک و سپرده‌های غیردیداری
- (۴) مجموع سپرده‌های غیردیداری و ذخایر در دست بانک‌ها

(آزاد ۸۷)

کدام ۲۸- با افزایش نسبت ذخایر قانونی در اقتصاد:

- (۱) حجم پول افزایش می‌یابد.
- (۲) حجم پول تغییری نمی‌کند.
- (۳) حجم پول ممکن است در هر جهت تغییر کند.
- (۴) حجم پول کاهش می‌یابد.



کله ۲۹- وزارت نیرو در سال ۱۳۸۶ اقدام به فروش اوراق مشارکت کرده است. با ثابت بودن سایر شرایط، اجرای این سیاست در این سال موجب می‌شود که:

(آزاد ۸۸)

- (۱) حجم عرضه پول کاهش می‌یابد. (۲) حجم عرضه پول افزایش می‌یابد.
 (۳) تغییر در حجم پول بستگی به ضریب فزاینده پولی دارد. (۴) حجم عرضه پول تغییر نمی‌کند.

(آزاد ۸۸)

کله ۳۰- در کدام یک از موارد زیر عرضه پول کاهش می‌یابد؟

- (۱) خرید اوراق قرضه دولتی توسط بانک‌های تجاری (۲) افزایش تمایل مردم به نگهداری اسکناس و مسکوک
 (۳) کاهش نرخ تورم (۴) افزایش مسافرت‌های خارجی به ایران

(آزاد ۸۸)

کله ۳۱- تابع تقاضای پول از دیدگاه فریدمن بستگی به:

- (۱) عوامل متعددی از جمله بازده سایر دارایی‌ها (نظیر بازده اوراق قرضه و سهام و نرخ تورم) دارد.
 (۲) صرفاً بستگی به نرخ بهره دارد.
 (۳) صرفاً بستگی به درآمد دائمی دارد.
 (۴) صرفاً بستگی به ثروت انسانی دارد.

(آزاد ۸۹)

کله ۳۲- هنگامی که دولت بدهی خود را به بانک مرکزی بازپرداخت می‌کند؟

- (۱) دارایی‌های بانک مرکزی کاهش و عرضه پول کاهش می‌یابد. (۲) دارایی‌های بانک مرکزی کاهش و عرضه پول افزایش می‌یابد.
 (۳) دارایی‌های بانک مرکزی افزایش و عرضه پول کاهش می‌یابد. (۴) دارایی‌های بانک مرکزی افزایش و عرضه پول افزایش می‌یابد.

(آزاد ۸۹)

کله ۳۳- براساس تئوری تقاضای پول بامول - توپین، تقاضای پول تابعی:

- (۱) فقط از درآمد است. (۲) فقط از نرخ بهره است.
 (۳) صعودی از درآمد و نزولی از نرخ بهره است. (۴) صعودی از درآمد و نرخ بهره است.



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل نهم

۱- گزینه «۱» افزایش نرخ ذخیره قانونی، ضریب تکاثر پول را کاهش می‌دهد در نتیجه عرضه پول کاهش می‌یابد. چون عرضه پول عبارت است از $M^S = mH$ ، m ضریب تکاثر پول و H پایه پولی یا پول پر قدرت، ضریب تکاثر پول برابر است با:

$$m = \frac{1 + cu}{cu + it + re}$$

که در آن cu = نسبت سکه و اسکناس به سپرده‌های دیداری، it = نرخ ذخیره قانونی و re = نرخ ذخایر اضافی بانک‌های تجاری) و پایه

پول برابر است با ذخایر طلا، ارز، اوراق قرضه و بدهی دولت به بانک مرکزی و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی. خرید اوراق قرضه دولتی در بازار اوراق قرضه توسط بانک مرکزی و افزایش وام بانک مرکزی به بانک‌های تجاری باعث افزایش پایه پولی و عرضه پول خواهد شد و کاهش نرخ تنزیل مجدد باعث افزایش وام بانک مرکزی به بانک‌های تجاری و افزایش عرضه پول می‌شود. و تنها افزایش ضریب ذخایر قانونی (it) باعث کاهش عرضه پول خواهد شد.

۲- گزینه «۱» در نظریه مقداری پول، تولید ضربدر سطح قیمت باید با حجم پول ضربدر سرعت گردش پول برابر باشد در نتیجه طبق رابطه زیر خواهیم داشت:

$$M.V = P.Q \Rightarrow 3000 \times 4 = P \times 500 \Rightarrow P = 24$$

۳- گزینه «۳» فروش اوراق قرضه به مردم حجم پول را تغییر نمی‌دهد و فقط ترکیب دارایی‌ها را عوض می‌کند ولی اگر اوراق قرضه توسط دولت به بانک مرکزی فروخته شود پایه پولی و حجم پول تغییر می‌یابد. اوراق قرضه‌ای که مردم دریافت می‌کنند جزء ثروت و دارایی آن‌ها محسوب می‌شود. بنابراین دارایی‌های بخش خصوصی افزایش یافته است.

۴- گزینه «۱» رفتار IS و AD ، از نظر انتقال با یکدیگر برابر است. همه عواملی که باعث انتقال IS به راست می‌شوند تقاضای کل را نیز به سمت راست منتقل می‌کنند و برعکس. اما در مورد LM ، همه عوامل تأثیرگذار در انتقال LM به راست در انتقال تقاضای کل به راست مؤثرند و بر عکس، بجز قیمت که در تقاضای کل فقط باعث حرکت روی این منحنی خواهد شد.

۵- گزینه «۲» در زمانی که دولت سیاست توازن مالی یا کاهش مخارج را دنبال می‌کند IS به سمت چپ منتقل می‌شود و نرخ بهره و درآمد ملی کاهش می‌یابد و اگر بانک مرکزی هدف تثبیت نرخ بهره را دنبال کند، باید یک سیاست انقباضی پول را اجرا کند که فروش اوراق قرضه در عملیات بازار باز باعث کاهش حجم پول در دست مردم خواهد شد.

۶- گزینه «۴» اگر اشخاص فکر کنند که قیمت اوراق قرضه افزایش می‌یابد، سعی می‌کنند تمام دارایی خود را به صورت اوراق قرضه نگهداری کنند تا در آینده از عایدی حاصل از افزایش قیمت اوراق قرضه بهره‌مند شوند. همچنین اگر اشخاص انتظار داشته باشند که مقدار معاملاتشان کاهش یابد، پول کمتری برای انجام معاملات نزد خود نگه می‌دارند. ضمناً اگر اشخاص انتظار داشته باشند که در آینده نرخ بهره (بازدهی) اوراق قرضه کاهش یابد، ترجیح می‌دهند در زمان حال تمام دارایی خود را به اوراق قرضه تبدیل کنند (نرخ بهره اوراق قرضه‌ای که در زمان حال خریداری می‌شود از نرخ بهره اوراق قرضه‌ای که در آینده صادر می‌شود بیشتر خواهد بود). بنابراین در این سه مورد اشخاص نقدینگی کمتری نگهداری می‌کنند. اما اگر اشخاص انتظار داشته باشند که در آینده نرخ بهره اوراق قرضه افزایش یابد، همه دارایی خود را به صورت پول نقد نگه می‌دارند تا در آینده اوراق قرضه خریداری نمایند، بنابراین در زمان حال نقدینگی افزایش می‌یابد.

۷- گزینه «۱» اگر بانک مرکزی اقدام به خرید اوراق قرضه نماید، پایه پولی (پول پر قدرت) افزایش می‌یابد و عرضه پول افزایش خواهد یافت. حجم اسمی پول برابر است با ضریب تکاثر پولی (m) ضربدر پایه پولی (H)، در نتیجه عرضه پول با درصد بالاتری نسبت به میزان خرید اوراق قرضه افزایش می‌یابد. ولی افزایش نرخ تنزیل مجدد باعث افزایش نرخ ذخایر اضافی و کاهش ضریب تکاثر پول خواهد شد و افزایش ذخیره قانونی باعث کاهش ضریب تکاثر پول و کاهش عرضه پول می‌شود و فروش اوراق قرضه نیز باعث کاهش پایه پولی و کاهش حجم پول خواهد شد.

۸- گزینه «۱» ریسک و خطر فعالیت‌های سفته بازی اگر افزایش یابد بازدهی نگهداری پول برای سفته بازی و انجام معاملات سودآور کاهش می‌یابد و چون مردم پول کمتری را بدون توجه زیاد به افزایش یا کاهش نرخ بهره جهت انجام سفته بازی نزد خود نگه می‌دارند، شیب تابع تقاضای سفته‌بازی پول افزایش می‌یابد (حساسیت کمتر به تغییرات نرخ بهره).

۹- گزینه «۱» M_1 برابر است با اسکناس و مسکوک در دست مردم، سپرده‌های دیداری حساب‌های بانکی با قابلیت دریافت پول و بدون سررسید و چک‌های اعتباری با قابلیت نقد شوندگی. ولی M_2 برابر است با مجموع M_1 و سپرده‌های مدت‌دار (شبه پول).

۱۰- گزینه «۴» براساس رابطه نظریه مقداری پول داریم: $M.V = P.Q$ و اگر این رابطه را بر حسب رشد بنویسیم خواهیم داشت:

$$M.V = GNP_n \Rightarrow \dot{M} + \dot{V} = \dot{GNP}_n \quad ; \quad ۱۳ - ۲ = ۱۳$$

اگر حجم پول (M) ۱۵٪ رشد و سرعت گردش پول ۲٪ کاهش داشته باشد تولید ناخالص ملی اسمی ۱۳ درصد افزایش می‌یابد.

۱۱- گزینه «۳» تقاضای اسمی پول، با سطح قیمت‌ها رابطه مستقیم دارد به اعتقاد فریدمن علاوه بر نقش مبادله‌ای پول می‌توان پول را وسیله نگهداری ثروت نیز بیان کرد و با افزایش بازدهی سایر اشکال دارایی، هزینه نگهداری پول به عنوان یک دارایی افزایش می‌یابد و پول کمتری تقاضا می‌شود و در حالت کلی به اعتقاد فریدمن تابع تقاضای پول، تابعی از نرخ بهره بانکی (r_m) ، نرخ بازدهی اوراق قرضه (r_b) ، نرخ بازدهی سهام (r_s) ، نرخ تورم انتظاری، درآمد و ثروت (W) می‌باشد که رابطه تقاضای پول فقط با ثروت و درآمد مثبت و با بقیه عوامل منفی است.

۱۲- گزینه «۴» طبق نظریه مقداری پول $(M.V=P.Q)$ ، V یا سرعت گردش پول به این معنی می‌باشد که هر یک واحد پول به طور متوسط چند مرتبه در مبادلات کالاها و خدمات نهایی مورد استفاده قرار گرفته است و این یعنی به‌طور متوسط هر یک واحد پول چند مرتبه تبدیل به درآمد شده است.

۱۳- گزینه «۲» با توجه به نظریه تقاضای پول بامول و توپین تقاضای معاملاتی پول علاوه بر درآمد ملی (تابع مستقیم)، دارای رابطه غیرمستقیم و معکوس با نرخ بهره می‌باشد. با افزایش نرخ بهره، هزینه فرصت نگهداری پول برای معاملات افزایش می‌یابد، بنابراین تقاضای معاملاتی پول کاهش می‌یابد. با افزایش درآمد، معاملات نیز بیشتر می‌شوند و تقاضای معاملاتی پول افزایش می‌یابد. با افزایش سطح قیمت‌ها ارزش اسمی معاملات افزایش می‌یابد در نتیجه تقاضای معاملاتی پول افزایش می‌یابد.

۱۴- گزینه «۲» دارایی‌های بانک مرکزی همان پایه پولی می‌باشد که عبارت است از: ذخایر ارزی خارجی، ذخایر طلا، اوراق قرضه دولتی، مطالبات بانک مرکزی از دولت و اعتبارات اعطایی بانک مرکزی به سایر بانک‌ها. با دریافت ۱۰ میلیارد ریال وام توسط دولت از بانک مرکزی پایه پولی ۱۰ میلیارد ریال افزایش می‌یابد و تغییر در عرضه پول عبارت است از ۳۵/۷ میلیارد ریال.

۱۵- «هیچ‌کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.» طبق نظریه تقاضای معاملاتی پول با مول و توپین، تقاضای حقیقی معاملاتی پول $(\frac{M_t^d}{P})$ با هزینه‌های برداشت پول از سیستم بانکی (tc) ، نرخ بهره (r) و درآمد (Y) دارای رابطه روبرو می‌باشد:

$$\frac{M_t^d}{P} = \frac{1}{2} - \frac{1}{2}tc - \frac{1}{2}r + \frac{1}{2}y = \sqrt{\frac{tc \cdot y}{2r}}$$

با توجه به توان $\frac{1}{2}$ متغیرهای tc و Y کشش تقاضای پول نسبت به این متغیرها برابر $\frac{1}{2}$ و با توجه به توان $-\frac{1}{2}$ نرخ بهره کشش تقاضای پول نسبت به نرخ بهره برابر $-\frac{1}{2}$ می‌باشد، در نتیجه خواهیم داشت:

$$\left(\frac{M_t^d}{P}\right) = \frac{1}{2}tc - \frac{1}{2}r + \frac{1}{2}y = \frac{1}{2}(-0/2) - \frac{1}{2}(0/2) + \frac{1}{2}(0/5)$$

$$\Rightarrow \left(\frac{M_t^d}{P}\right) = -0/1 - 0/1 + 0/25 = 0/55 = 5\%$$

۱۶- گزینه «۲» نرخ تنزیل مجدد، در حقیقت همان نرخ بهره‌ای است که بانک مرکزی با آن نرخ به بانک‌های تجاری وام می‌دهد که اگر این نرخ کاهش پیدا کند، میزان وام دریافتی بانک‌های تجاری افزایش و ذخیره اضافی کاهش می‌یابد و سبب افزایش ضریب تکاثر خلق پول و در نتیجه، افزایش حجم پول می‌شود و برعکس.



۱۷- گزینه «۳» اگر دولت اوراق قرضه‌اش را از بانک مرکزی بخرد، یعنی مطالبات بانک مرکزی از دولت کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه پایه پولی و به صورت تکاثری، حجم پول کاهش پیدا می‌کند. اما فروش اوراق قرضه توسط دولت به مردم هیچ تغییری در پایه پولی شکل نمی‌دهد و بر حجم پول نیز تأثیری ندارد. بنابراین در همان مرحله اول پایه پولی و عرضه پول کاهش می‌یابد.

۱۸- گزینه «۴ و ۳» اگر دولت کسری بودجه را از طریق فروش اوراق بهادار، به مردم یا بانک‌های تجاری تأمین کند پایه پولی و حجم پولی تغییر نمی‌کند. اما اگر دولت اوراق قرضه خود را به بانک مرکزی بفروشد موجب افزایش مطالبات بانک مرکزی از دولت و در نتیجه افزایش حجم پولی می‌شود.

۱۹- گزینه «۴» حجم حقیقی پول ثابت به معنی عمودی بودن آن و نداشتن رابطه با نرخ بهره است. با کاهش درآمد، تقاضای معاملاتی پول کاهش می‌یابد و چون حجم حقیقی پول ثابت است باید نرخ بهره کاهش پیدا کند تا تقاضای سفته بازی پول افزایش یابد و بازار پول در تعادل باقی بماند.

۲۰- گزینه «۲» طبق نظریه انتظارات تطبیقی فریدمن منحنی عرضه کل در کوتاه‌مدت صعودی است و منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت دارای شیب منفی می‌باشد، ولی در بلندمدت چون انتظارات تطبیقی به صورت کامل شکل می‌گیرد، هم عرضه کل و هم منحنی فیلیپس عمودی خواهند بود، منحنی عرضه کل در سطح اشتغال کامل و منحنی فیلیپس در نرخ بیکاری طبیعی عمودی خواهد بود پس سیاست‌های طرف تقاضا که باعث انتقال تقاضای کل می‌شوند در بلندمدت مؤثر نخواهند بود و فقط در کوتاه‌مدت می‌توانند درآمد و تولید را تغییر دهند.

۲۱- گزینه «۲» پایه پولی در حقیقت دارایی‌ها و مطالبات بانک مرکزی است که هرچه بیشتر باشد پایه پولی افزایش و هرچه کمتر باشد پایه پولی کاهش می‌یابد. در گزینه «۳» با افزایش صادرات میزان ارز ورودی به کشور افزایش می‌یابد، اما دلیلی ندارد که ذخایر ارزی بانک مرکزی افزایش یابد و فقط در صورتی که سیستم نرخ ارز ثابتی داشته باشیم، بانک مرکزی جهت جلوگیری از کاهش قیمت ارز شروع به خرید ارز کرده و ذخایر بانک مرکزی افزایش یافته و سبب افزایش پایه پولی می‌شود. در گزینه «۱» نیز مازاد حساب ذخایر ارزی دولت ارتباطی به ذخایر بانک مرکزی ندارد و دلیلی وجود ندارد که ذخایر ارزی بانک مرکزی افزایش یابد. در نتیجه با توجه به این که ذکر نشده سیستم نرخ ارز ثابت وجود دارد و همچنین دلایل بالا فقط گزینه «۲» می‌تواند سبب افزایش پایه پولی شود.

۲۲- گزینه «۱» فروش اوراق مشارکت توسط دولت به بانک مرکزی سبب افزایش مطالبات بانک مرکزی از دولت و در نتیجه افزایش پایه پولی و حجم پول (نقدینگی) می‌شود. اما با فروش اوراق مشارکت توسط دولت به مردم هیچ‌گونه تغییری در پایه پولی ایجاد نمی‌شود و در نتیجه نقدینگی تغییر نمی‌کند. در گزینه «۳» فروش اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی سبب افزایش بدهی‌های بانک مرکزی و کاهش پایه پولی و در نتیجه کاهش حجم پول می‌شود و نه افزایش حجم پول.

۲۳- گزینه «۳» با ایجاد کارت‌های اعتباری، هزینه نقد کردن پول در بانک‌ها کاهش می‌یابد و طبق نظریه بامول - توبین که تقاضای معاملاتی پول را بر

حسب درآمد (Y)، هزینه نقد کردن پول (tc) و نرخ بهره به صورت مقابل نشان می‌دهد:

$$M^d = \sqrt{\frac{tc \cdot y}{2r}}$$

با کاهش هزینه نقد کردن پول (tc) مقدار تقاضای معاملاتی پول کاهش یافته و مردم اسکناس کمتری نگهداری می‌کنند. این امر سرعت گردش پول را افزایش می‌دهد، ولی بر حجم کل پول تأثیری ندارد. حجم پول به صورت $M=CU+DD$ است که M حجم پول، CU اسکناس و مسکوکات در دست مردم و DD سپرده‌های دیداری مردم است که به همان نسبت که از اسکناس‌های در دست مردم (CU) به علت کارت‌های اعتباری کاسته می‌شود به سپرده‌های دیداری اضافه شده و در نتیجه حجم پول تغییری نمی‌کند.

۲۴- گزینه «۴» تأمین کسری بودجه دولت به دو صورت شکل می‌گیرد. یکی فروش اوراق قرضه دولتی به بانک مرکزی و دیگری فروش اوراق قرضه به بانک‌های تجاری و یا مردم. به خرید و فروش اوراق قرضه دولت توسط بانک مرکزی در بازار اوراق قرضه عملیات بازار باز می‌گویند، در واقع در عملیات بازار باز بانک مرکزی می‌تواند اوراق قرضه‌ای که قبلاً دولت به مردم یا بانک‌های تجاری فروخته است را در بازار اوراق قرضه از مردم یا بانک‌های تجاری بخرد.

$$L_1 = kY = \frac{1}{4} \times 1000 = 250$$

۲۵- گزینه «۴»

$$L_1 = \frac{1}{8} \times 1000 = 125$$

با تغییر k از $\frac{1}{4}$ به $\frac{1}{8}$ داریم:

پس تقاضای معاملاتی پول از ۲۵۰ میلیارد ریال به ۱۲۵ میلیارد ریال کاهش می‌یابد.

$$RR = rr \times DD$$

۲۶- گزینه «۴» حجم ذخیره قانونی از رابطه مقابل به دست می‌آید:

که RR کل حجم ذخیره قانونی، rr نرخ یا ضریب ذخیره قانونی و DD سپرده‌های دیداری بانک‌ها می‌باشد. در نتیجه با تغییر هر کدام از مقادیر سپرده‌های دیداری و یا ضریب ذخیره قانونی، مقدار حجم ذخیره قانونی بانک‌ها تغییر می‌کند.

$$\bar{H} = CU + RR + ER$$

۲۷- گزینه «۲» پایه پولی به صورت رابطه مقابل است:

که در آن \bar{H} پایه پولی، CU شامل پول نقد، اسکناس و مسکوکات در دست مردم، RR حجم کل ذخایر قانونی بانک‌ها و ER حجم کل ذخایر اضافی بانک‌ها است. در نتیجه پایه پولی از مجموع پول نقد، اسکناس و مسکوکات در دست مردم و حجم کل ذخایر در دست بانک‌ها به دست می‌آید.

۲۸- گزینه «۴» با افزایش نسبت یا نرخ ذخیره قانونی (rr)، ضریب تکاثر خلق پول که به صورت $m = \frac{cu+1}{cu+rr+er}$ است کاهش می‌یابد و موجب

می‌شود حجم پول ($M = m.H$) نیز کاهش یابد.

۲۹- گزینه «۲ و ۴» در صورت سؤال ذکر نشده که اوراق مشارکت را به بانک مرکزی می‌فروشد و یا به مردم. اگر به مردم بفروشد حجم پول تغییری نمی‌کند و گزینه «۴» صحیح است ولی اگر به بانک مرکزی بفروشد، چون مطالبات بانک مرکزی از دولت افزایش می‌یابد، حجم پول افزایش می‌یابد و گزینه «۲» صحیح است.

۳۰- گزینه «۲» افزایش تمایل مردم به نگهداری اسکناس و مسکوک سبب کاهش ضریب تکاثری و در نتیجه کاهش حجم پول در گردش یا عرضه پول می‌شود. کاهش نرخ تورم سبب افزایش تقاضای پول می‌شود و افزایش مسافرت‌های خارجی به ایران سبب افزایش تقاضای پول داخلی و عرضه ارز می‌شود و خرید اوراق قرضه دولتی توسط بانک‌های تجاری هیچ تأثیری بر حجم پول ندارد.

۳۱- گزینه «۱» در نظریه فریدمن، تقاضای حقیقی پول مطرح است و تقاضای پول به عوامل متعددی از جمله: نرخ بهره، نرخ تورم، درآمد دائمی و نسبت ثروت انسانی به کل ثروت بستگی دارد. اما چون نسبت ثروت انسانی به کل ثروت تقریباً مقداری ثابت است، پس تقاضای حقیقی پول به سه عامل بستگی دارد. افزایش نرخ بهره سبب افزایش سرعت گردش پول و کاهش تقاضای حقیقی پول می‌شود. افزایش نرخ تورم سبب افزایش بازدهی کالاهای بادوام شده و سرعت گردش پول را افزایش و تقاضای حقیقی پول را کاهش می‌دهد، اما در بلندمدت فریدمن معتقد است که تقاضای پول عمدتاً تابع سطح درآمد است. بازدهی اوراق قرضه و سهام مرتبط با نرخ بهره است و می‌توان گفت منظور همان نرخ بهره است.

۳۲- گزینه «۱» بدهی دولت به بانک مرکزی جزو دارایی‌های بانک مرکزی محسوب می‌شود و بنابراین کاهش بدهی دولت باعث کاهش دارایی‌های بانک مرکزی می‌شود و از آنجا که پول از گردش خارج شده و در واقع از بازار خدمات و کالاها خارج می‌شود، بنابراین عرضه پول نیز کاهش می‌یابد.

۳۳- گزینه «۳» طبق تئوری تقاضای پول بامول - توبین، تقاضای پول به صورت زیر است:

$$M^d = \sqrt{\frac{tc.y}{2r}}$$

همان طور که مشاهده می‌شود تقاضای پول با درآمد و هزینه مراجعه به بانک رابطه مستقیم و با نرخ بهره رابطه معکوس دارد.